



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

د بیارنمنت تفسیر و حدیث

پورده ماستری

امنیت در روشنی قرآن کریم

(پایان نامه ماستری)

محقق: علی شیر مبارز شاهیمی

استاد راهنما: فضیلت شیخ محمد نعیم جلیلی

سال 1398 هـ ش 1440 هـ ق



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
دپپارتمنت تفسیر و حدیث
بورد ماستری



امنیت در روشنی قرآن کریم

(پایان نامه ماستری)

محقق: علی شیر مبارز شاهیمی

استاد رهنما: فضیلت شیخ محمد نعیم جلیلی

سال 1398 (هـ ش) 1440 (هـ ق)





پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دپیارتمنت تعلیمات اسلامی

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم علی شیر ولد خان شیرین ID نمبر Sh-mst-94-056 (از دور اول تعلیمات اسلامی) از پایان

نامه ماستری خویش زیر عنوان: امنیت در روشنی قرآن کریم

بـه روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱۵ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر

هیأت ژوری مستحق 85 (نمره به عدد) هشتاد و پنج (نمره به حروف) گردید، موفقیت

شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

تعداد	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبد الباری حمیدی	عضو هیأت	
۲	دکتور فصیح الله عبد الباقي	عضو هیأت	
۳	استاد محمد نعیم جلیلی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

معاون علمی

امر بورد ماستری

خلاصه بحث

یکی از بزرگترین نعمت الهی برای بشر، امنیت مادی و معنوی در دنیا و آخرت است، زیرا تمام خوبی‌ها در سایه امنیت شگوفا شده و استعدادها تبارز می‌کند، که این خود سبب گسترش امنیت در جامعه می‌شود. دیگر این که هدف از خلقت انسان عبادت الله متعال، و اعمار زمین خوانده شده و این عبادت و آبادی زمین در سایه امنیت امکان پذیر است. آسایش و آرامش روحی و روانی انسان تنها در موجودیت استقرار امنیت قابل حاصل است. منبع امنیت: ایمان، توحید، عمل صالح و خیرخواهی می‌باشد و این خود در زیرچتر امنیت، قابل مشاهده است یعنی هر دو لازم و ملزوم یکدیگر اند.

امنیت یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین کارکرد یک دولت است، که نیا ز آن در تمام ابعاد زنده‌گی بشر به نحوی مؤثر احساس می‌شود، که پیوند ناگسستنی با جامعه انسانی دارد. قرآن کریم برقراری امنیت در جامعه را از وظایف اصلی دولت می‌داند. بناء امنیت در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار بوده همواره طراحی آن در بستر نظام سیاسی اسلامی مورد توجه بوده است. قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع اسلامی به گستردگی آن اشاره کرده است. قرآن کریم برقراری امنیت در جامعه را از وظایف اصلی دولت و یکی از اهداف استقرار و حاکمیت الهی (جل جلاله) و استخلاف صالحان در پرتو و اجرای دستورات محسوب می‌گردد؛ زیرا بدون حاکمیت خداوند (جل جلاله) و خلافت صالحان امنیت تأمین نمی‌شود.

امنیت در قرآن کریم دارای سطوح مختلفی بوده که امور مادی، معنوی، فردی، فامیلی، اجتماعی، و سیاسی را در بر می‌گیرد. بناء قرآن کریم تأمین و فراهم آوری امنیت را در پرتو، حاکمیت قانون و اجرای احکام عبادی و جزایی اسلام می‌داند و برای فراهم شدن امنیت، اجرای عملی شدن این احکام را ضروری می‌داند. که در صورت عملی شدن آن انسان احساس آسایش، آرامش قلبی نموده که سبب سعادت مندی دنیا و آخرت وی می‌شود. قرآن کریم برای آرامش و احساس امنیت خارجی زدودن ترس و هراس از دست و زبان مردم احکام جزایی را مقرر داشته که در صورت اجرای آن تمام نواحی زنده‌گی انسان دارای امنیت کامل بوده و در آرامش و آسوده‌گی بسر می‌برد. بهترین راه و آخرین راه برای جلوگیری از اخلال امنیت اجرای احکام جزایی اسلام بوده که برای حفظ امنیت، جهاد مادی و معنوی را مقرر داشته است، در غیر آن فتنه‌های متعدد دامن گیر مسلمانان شده، ارزش‌های مادی و معنوی را از دست می‌دهند، چنانکه امروز مردم افغانستان دچار فتنه‌های متعدد شده ارزش‌های مادی و معنوی را از دست داده‌اند. دوری از منهیات اسلام سبب تأمین امنیت مردم می‌شود. به طور کلی انسان به اقتضای خلقتش، اجتماعی آفریده شده و به همدیگر وابسته می‌باشد. انسان در طول تاریخ حیات پر فراز و نشیب خود، در تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوان، اندیشیدن و ابتکارات

تکامل یافته خود را برای فراهم کردن وسایل گوناگون برای رسیدن به این مقصود به کار گرفته است. مجموعه این ابتکارات ها در نهایت به ایجاد و گسترش چتر حمایتی می شود، که در سایه آن، فرد و جامعه به بقا و حیات خود ادامه می دهند و در نبود آن به وضعیتی می رسند که به آن بی قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی گفته می شود و جامعه امنیت نداشته و هرج و مرج دامن گیر مردم گردیده زنده گی بکام آنها تلخ می شود. در سایه امنیت تمام خوبی ها شگوفان شده و به امور زنده گی به وجه خوب رسیده گی صورت می گیرد. سیر سفر رشد علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، دینی، و معرفتی یکی از دست آورد های بزرگ امنیت بوده، که این دربرگیرنده ای سعادت و امنیت دنیا و آخرت می باشد.

اهداء

به فامیل گرامی ام بخصوص به مادر و پدر عزیزم و خانم مهربانم که خیلی زحمات را در جریان درس، مطالعه و نوشتن این رساله متقبل شدند، و به تمام کسانی که در راه الله متعال و در راه وطن و در راه اسلام خدمت می کنند، و به شهدای که در راه اسلام جان شیرین خود را فدا کردند و نام اسلام را زنده نگهداشتند و به تمام کسانی که در راه دین اسلام و تأمین امنیت مسلمانان تلاش می کنند و هدف شان سعادت و سربلندی امت محمد (صلی الله علیه و سلم) است.

شکر و تقدیر

از قول الله متعال که می فرماید: (وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)⁽¹⁾ ترجمه: به یاد آورید آن زمان را که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر سپاس گزاری کردید، هر آینه (نعمت های خود را) برایتان افزایش می دهم، و اگر کافر (وناسپاس) شدید بی گمان عذاب من بسیار سخت است. وقول رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) (لا یشکر الله من لا یشکر الناس)⁽²⁾ تشکر از جناب محترم استاذ گرامی محمد نعیم جلیلی که زحمات بیشتر را در این راستا متقبل شده اند و در آخر از پروردگارمان برای استاد و فامیل محترم شان طلب مغفرت و سعادت دارین را دارم. تشکر از اداره پوهنتون، رئیس و معاونین آن و از اداره فاکولته شرعیات و رئیس آن به خصوص از دپارتمنت تعلیمات اسلامی بخش ماستری و از تمام استادان و دست اندر کاران پوهنتون سلام که با دلسوزی و سعی و تلاش بدون وقفه در خدمت محصلین قرار دارند سعادت دارین را برای همه شان آرزو دارم.

¹- سوره ابراهیم، 7.

²- أخرجه احمد فی سننه ج 3 ص 32، وأبی دواد فی سننه کتاب أدب فی شکر المعروف، رقم الحیث 4811 ج 7 ص 188 والترمذی فی سننه کتاب البر والصله باب ماجاء فی الشکر لمن أحسن إلیک، ج 4 ص 399، رقم الحیث 1900، وقال: حسن الصحیح

فهرست مطالب

أ.....	خلاصه بحث
ز.....	اهداء
ح.....	شكر وتقدير
1.....	مقدمه
3.....	اهمیت موضوع:
4.....	بیان موضوع وسبب اختیارآن:
5.....	سوال اساسی موضوع:
5.....	پیشینه تحقیق:
7.....	روش تحقیق:
7.....	خطه بحث
10.....	فصل اول
10.....	شناخت واژه امنیت جایگاه وانواع آن درقرآنکریم
10.....	مبحث اول: مفهوم شناسی واژه امنیت
10.....	مطلب اول: امنیت در لغت
10.....	مطلب دوم: امنیت در اصطلاح:
12.....	مطلب سوم: اطلاقات واژه امن
13.....	مطلب چهارم: واژه های مترادف با امنیت
14.....	مطلب پنجم: واژه های متضاد با مفهوم امنیت درقرآنکریم
18.....	مطلب ششم: رابطه مفهومی میان امن، امانت وایمان
19.....	مطلب هفتم: مشتقات لفظ امن درآیات قرآنکریم
22.....	مبحث دوم: جایگاه امنیت درقرآنکریم
23.....	مطلب اول: اهمیت امنیت درنزد ابراهیم علیه السلام
26.....	مطلب دوم: امن صفت بهترین مکان دردنیا و آخرت
28.....	مطلب سوم: ارزش های معنوی مایه آرامش
33.....	مبحث سوم: انواع امنیت
34.....	مطلب اول: امنیت خانواده
44.....	مطلب دوم: امنیت فردی
46.....	مطلب سوم: امنیت اجتماعی
51.....	مطلب چهارم: امنیت محیطی
54.....	مطلب پنجم: امنیت فکری
64.....	مطلب ششم: امنیت سیاسی
73.....	فصل دوم: چگونگی تحقق واستقرار امنیت درقرآن کریم
73.....	مبحث اول: راههای تحقق وفرام آوری امنیت

- 73.....مطلب اول: اسلام فراهم کننده امنیت.
- 74.....مطلب دوم ایمان:
- 76.....مطلب سوم: توحید فراهم کننده وثبات دهنده امنیت.
- 77.....مطلب چهارم: نصیحت و خیرخواهی.
- 78.....مطلب پنجم: کمک و همکاری.
- 78.....مطلب ششم: عفو و بخشش.
- 79.....مطلب هفتم: وسطیة.
- 79.....بحث دوم: تحقق امنیت.
- 79.....مطلب اول: اساس تحقق امنیت ایمان و عمل نیک است.
- 81.....مطلب دوم: تحقق امنیت در دنیا و آخرت برای مؤمنان.
- 84.....مطلب سوم: راهکارهای تحقق امنیت.
- 85.....مطلب چهارم: انتفاء امنیت از کافرین.
- 91.....بحث سوم: عوامل ایجاد و حفظ امنیت.
- 92.....مطلب اول: تمسک به تطبیق شریعت اسلامی و اقامه حدود آن.
- 119.....مطلب دوم: اطاعت از ولی امر.
- 121.....مطلب سوم: قیام علماء و پرکردن فراغ ذهنی جوانان.
- 130.....مطلب چهارم: محافظت جامعه از نشر اخلاق مذموم.
- 136.....بحث چهارم: استمرار امنیت.
- 136.....مطلب اول: جهاد راهی برای استمرار امنیت و دفاع از آن.
- 137.....مطلب دوم: جهاد و حمایت از مظلومین.
- 138.....مطلب سوم: تطبیق شریعت در سایه جهاد.
- 140.....مطلب چهارم: صلح سبب استمرار امنیت.
- 141.....مطلب پنجم: استمرار امنیت اجتماعی.
- 143.....مطلب ششم: مراحل مبارزه و جهاد برای تأمین امنیت دینی.
- 145.....فصل سوم: اخلال امنیت.
- 145.....مبحث اول: عوامل اخلال امنیت.
- 146.....مطلب اول: افراط و تفریط اخلال کنندان امنیت.
- 148.....مطلب دوم: جرم و اسباب آن که سبب اخلال امنیت می شود.
- 150.....مطلب سوم: فقر سبب اخلال امنیت.
- 151.....مطلب چهارم: برتری جوی سبب اخلال امنیت.
- 153.....مبحث دوم: تطبیق احکام شرعی تعدی و جلوگیری از اخلال امنیت.
- 153.....مطلب اول: نماز.
- 153.....مطلب دوم: نماز و قایه ونهی از منکر.
- 154.....مطلب سوم: روزه.
- 155.....مطلب چهارم: زکاة.

156	مطلب پنجم: امر به معروف ونهی ازمنکر.....
159	مطلب ششم: آثاروفوائد امریه معروف ونهی ازمنکر درتأمین امنیت.....
161	مبحث سوم: فایده وآثار امنیت.....
162	مطلب اول: امنیت تبلور رحمت خداوند.....
162	مطلب دوم: امنیت بستربرای عبادت الله متعال.....
163	مطلب سوم: امنیت وامکان سکونت.....
164	مطلب چهارم: امنیت وآزادی سیر و سیاحت:.....
164	مطلب پنجم: امنیت فراهم کننده تحقیق.....
165	مطلب ششم: امنیت رفاه اقتصادی.....
167	مطلب هفتم: امنیت مایه فراوانی وبرکت ازطرف الله متعال.....
168	مطلب هشتم: امنیت مایه سعادت درزنده گی وسبب دوست بین انسانها.....
169	نتیجه گیری.....
172	پیشنهادات.....
173	فهرست آیات قرآن کریم.....
183	فهرست احادیث.....
184	فهرست اعلام.....
185	فهرست منابع ومصادر.....

مقدمه

إن الحمد لله نحمده و نستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. اما بعد: فإن أصدق الحديث كلام الله وخير الهدي هدي محمد صلى الله عليه وسلم وشر الأمور محدثاتها وكل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (1) ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (2) ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا النَّبِيِّ- الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (3) ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (4) ﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذًى وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾ (5)

خوانندگان گرامی، اثری که پیش رو دارید پژوهشی است پیرامون امنیت وجایگاه آن از دیدگاه قرآنکریم که به بهانه ای پایان نامه تحصیلی دوره ماستری نگاشته شده است. پروردگار در قرآنکریم امنیت را مهمترین رکن پیشرفت و ترقی خواننده وبخاطر بهبود وگسترش امنیت پیروان اسلام را بارها، به حفظ امنیت سفارش نموده است. امنیت را بزرگترین نعمت قلمداد کرده است. چنانچه در این آیه از قرآن عظیم الشان آمده است. ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا النَّبِيِّ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (6) ترجمه: بایستی خداوند گار این خانه کعبه را بپرستند. خداوندگاری که از گرسنگی ایشان را رهانیده است وخوراک شان داده است، وآنان را از خوف وهراس ایمن ساخته است. از سوی دیگر قرآن عظیم الشان امنیت را مایه آسایش، رفاه، خیرخواهی، رشد وشگوفایی در جامعه بشری تلقی نموده وانسان را همواره هدایت می نماید تا در زیر چتر امنیت زندگی نموده و وسیله آسایش زندگی را نیز به دیگران فراهم نماید، امنیت یکی از نعمت های پروردگار بوده که بر قوم قریش منت گذاشت، تا در بدل این نعمت عبادتش را نموده واز وی سپاسگزاری نمایند. یکی از بنیادی ترین نیازهای بشر که از ابتداء حیات به آن می اندیشیده وبخشی قابل توجهی ازدغدغه وی را شامل بوده، بدون تردید امنیت است، ناگفته نباید گذاشت که امنیت وسیله به میان آمدن آسایش مادی ومعنوی درجامعه بوده وباعث رشد وشگوفایی علمی، اقتصادی، سیاسی وفرهنگی می شود، بدون امنیت دست

1 - سوره الانعام، آیه 102.

2 - سوره النساء، آیه 1.

3 - سوره قریش، آیه 3-4.

4 - سوره الانعام، آیه 82.

5 - سوره النمل، آیه 43.

6 - سوره قریش، آیه 3-4.

یابی به این نعمت‌ها ناممکن بوده و انسان‌ها را در وادی نا باوری زمان فرو برده و باعث از بین رفتن خلاقیت‌های اجتماعی در جامعه می‌گردد. مفهوم اصیل زندگی که عبارت از عبادت پروردگار و عمارت زمین است، آسیب دیده و زندگی را به مشکل مواجه می‌سازد. امنیت یگانه خواست فطری بشریت بوده که توسط خدای یگانه در وجود انسان‌ها نهفته شده است، و همه شیفته و دل‌باخته تاملین امنیت در زندگی خویش می‌باشند، بدین وسیله می‌توان نوشت که تاملین امنیت مسؤلیت همگانی بوده و همه ما بخاطر تاملین امنیت نزد پروردگار خویش مسؤل هستیم، شریعت اسلامی برقراری امنیت را وجیبه دینی هر انسان مسلمان می‌داند. جامعه‌ای که از آن امنیت رخت بسته، است زندگی در آن دشواری می‌سازد و نظام کشور را برهم می‌زند. شریعت اسلامی بخاطر حفظ ارزش‌های اسلامی و آرامش جامعه انسانی جهاد را فرض و آن را بهترین وسیله گسترش امنیت و استقرار در جامعه دانسته است، که بدین وسیله می‌توان در برابر هر متجاوز و متعدی شمشیر برداشت تا استقرار کامل جامعه اسلامی را پوشانیده و مسلمانان زندگی مملو از آسایش و آرامش داشته باشند. ایمان بهترین تکیه‌گاه عملی سازی امنیت در وجود هر فرد است که بدون ایمان اطمینان خاطر دست نداده و آرامش معنوی را از قلب‌ها بر می‌چیند و خاطره‌ها را خدشه‌دار ساخته و آسایش قلبی و روحی فرد را می‌گیرد که این خود نمایانگر جایگاه امنیت در نزد شریعت اسلامی است. بناء شریعت اسلامی هر آنچه که باعث خدشه‌دار شدن امنیت در جامعه می‌گردد حرام قرار داده و این عمل را شنیع و قبیح می‌داند، زیرا زمینه‌ساز همه بدبختی‌ها مثل، سرقت، کشتار، تعدی، و تجاوز در میان افراد جامعه شده و هرج و مرج بزرگی را به میان می‌آورد. هرگاه چنین چیزی در جامعه به میان آمد جامعه اسلامی به خود رنگ دیگری گرفته، و هدف اصلی امنیت که همانا عبادات و تاملین عدالت است از هم می‌پاشد. خداوند یگانه آرامش حقیقی را که همانا بهشت برین است مدیون امنیت می‌داند، و آخرت را تنها امنیت جاویدانی خوانده است که بر اساس امنیت و آرامش دنیوی به انسان دست می‌دهد. در پاره از قرآن عظیم‌الشان آمده است که بهشت جای آرام و آسایش است که بوسیله دستیابی به اعمال نیکو و تمسک به شریعت اسلامی بدست می‌آید. همانگونه که یکی از معانی اسلام به معنی امن و اطمینان می‌باشد، از اینجا است که اسلام تحیه‌جانبین را به عنوان لفظ السلام علیکم که بر گرفته شده از امن و سلامتی است، عنوان نموده و سلامتی را سرمشق زندگی با اطمینان قرار داده است، چه زیباست تا هنگام رویاروی با یکدیگر لفظ السلام علیکم را تقدیم بداریم و همدیگر را با واژه جذاب اسلامی شاد داشته و مایه اطمینان خاطر یکدیگر شویم، چنانچه استفاده این واژه بهترین نشانه ایمان‌داری در میان افراد جامعه می‌باشد. شریعت اسلامی بخاطر حفظ امنیت دینی که اساس آرامش است ارتداد و کفر جویی را که موجب از میان رفتن امنیت در جامعه می‌شود حرام دانسته و بخاطر تداوم عقیده راسخ اسلامی، مکررا در قرآن عظیم‌الشان تاکید

می فرماید به همین پیمان‌ها جهت حفظ مال و ثروت، سرقت، تجاوز و تعدی را در حق افراد جامعه شدیداً ممنوع می‌داند، از سوی دیگر بخاطر حفظ عزت و آبروی انسان مسلمان اتهام جویی را سخت نکوهش نموده و بخاطر حفظ حیثیت افراد جامعه که همانا وسیله همبستگی میان مسلمانان می‌شود سفارش می‌نماید، در مقابل آنانی را که در کوشش ناامنی و تفرقه افگنی میان باشندگان این مرز و بوم اند، تهدید نموده و وعده عذاب را برایشان داده است. ناگفته نباید گذاشت که شریعت اسلامی قصاص را موجب زندگی همگانی عنوان نموده و بخاطر استمرار حیات بشریت و گسترش امنیت که خواست همه بشریت است تجاوز و تعدی را حرام خوانده است و جایگاه انسان قاتل را جهنم گفته است.

اهمیت موضوع

از آنچه که در بالا گذشت بخوبی دانسته شد.

- 1- امنیت یگانه وسیله آرامش، روحی و معنوی در جامعه انسانی می‌باشد، زیرا زندگی افراد جامعه وابسته به امنیت است، در نبود امنیت رشد شگوفای آسیب دیده زندگی را بالای مردم سخت می‌سازد.
- 2- زیبایی و ارزش عبادت در امنیت نهفته است، بالاتر از همه امنیت باعث استقرار، صلح و صفا در جامعه می‌شود.
- 3- هیچ گونه پیشرفت و ترقی در خلای امنیت به میان نمی‌آید. انسان بهترین مخلوق نزد خداوند است، بدین وسیله پروردگار مصلحت های اجتماعی را میان افراد جامعه مهم دانسته مانند سلامتی، صلح، صفا، امنیت، عدالت و سایر مواردیکه سود و زیانش همگانی است، باعث آسایش و آرامش روحی و روانی شده و در نبود باعث تشویش و اضطراب جامعه می‌شود.
- 4- امنیت یکی از نعمت های بزرگ الهی است، زیرا در نبود امنیت نیروی بدنی، قدرت فکری، درایت عقلانی دست نخواهد داد، و باعث ضعف و ناتوانی روحی و روانی میشود.
- 5- مهم ترین خواست حضرت ابراهیم علیه السلام امنیت بیت الله خوانده شده است، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾ (1) ترجمه: به یاد آور آن گاه را که ابراهیم (پس از بنای کعبه) گفت: پروردگارا این شهرمگه را محل امن و امانی گردان. والله متعال درخواست ابراهیم علیه السلام را که همانا امنیت و برقراری صلح بوده پذیرفت. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُنَظِّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفْيَالًا بَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾ (2) ترجمه: مگر نمی‌بینند که ما (مگه را) حرم پر امن و امانی ساخته ایم، در حالی که دور و بر آنان مردم ربوده می‌شوند، به (بتهای) باطل ایمان دارند و نعمت خدا را نادیده و ناسپاس می‌گذارند.

1 - سوره البقره، آیه 126.

2 - سوره العنکبوت، آیه 67.

6- هرگاه به آیه های قرآنی برگردیم در میابیم که مسئله امنیت نزد خداوند مهم بوده تا آنکه بهترین مکان مقدس را به امن و سلامتی توصیف نموده است، وهذا البلد الامین ترجمه: وسوگند به این شهر امین (مگه).

7- یکی از اولویت های حکومت اسلامی تامین امنیت و استقرار آن می باشد. زیرا هیچ گونه ترقی و پیشرفت بدون امنیت ممکن نیست، زیرا نا امنی انسان را دچار اضطراب و آشفتگی فکری ساخته باعث افسردگی و هواس پرتی می گردد.

8- ارزش و جایگاه امنیت باعث شده تا خدای یگانه در پاره از قرآن عظیم الشان به اماکن مطمئن و آرام سوگند یاد کند، و ویژگی برخی جاها را وابسته به امن و امان آن جا ها می داند، زیرا امنیت تهداب همه خوشی ها، و راه گشای همه پیروزیها در جامعه اسلامی است، دقت و هدایات پی در پی قرآن عظیم الشان بهترین مدعای ما در این باب است، چنانچه قرآن امن و امان را به پیروزی تعبیر نموده است.

9- امنیت ریشه در ایمان دارد، الله متعال ایمان را که با ظلم التباس نیافته باشد موجب تامین امنیت قرار داده است، ایمان که پایه و اساس دین مقدس اسلام بوده و جامعه اسلامی بر آن استوار است، و امنیت دروازه دخول در این دین برگزیده الله متعال می باشد، که باور همراه با عمل است که برای انسان امنیت به ارمغان می آورد.

10-: دقیقاً ارزش و اهمیت والای امنیت از واژه ایمان که وسیله رسیدن به ارمان دیرینه بشری یعنی تامین امنیت در دنیا و آخرت است؛ بر ملا میشود؛ زیرا آنگاه که ایمان در قلب انسان جایگاه خود را حفظ نمود؛ هیچ گاه انسان را اجازه نمی دهد که به حقوق دیگران تجاوز نموده و حقوق دیگران را به مخاطره بکشد و کابوس و حشتناک ترس را در درون خود و در جامعه بوجود آورده و امنیت خود و جامعه را معطل نماید، در قرآن به والاترین انسان ها تعبیر (والذین آمنوا) اطلاق شده است.

بیان موضوع و اسباب اختیار آن

من به فضل و مرحمت خداوند یگانه دوره دوساله " ماستری " خویش را در رشته تعلیمات اسلامی در پوهنتون سلام خاتمه بخشیدم، طبق معمول نیاز برآن بود تا پایان نامه دوره ماستری را در این راستا بنویسم از آنجا که امنیت از اهمیت فوق العاده برخوردار است، در هر زمان یکی از مهم ترین و حساس ترین نیاز مردم امنیت بوده خصوصاً در عصر حاضر که مازنده گی می نمایم، نسبت به هر زمان دیگر نا امنی احساس می شود. با وجود پیشرفت ها در امور زندگی، در عصر حاضر اکتشافات و اختراعات و تطورات علمی در جهت مختلف زندگی رشد چشم گیر داشته است. در جهت صحتی از کشف امراض تا زرع اعضای بدن انسان و تبدیل آن همه را اشکفت زده کرده. در جهت فضا رفتن به سیاره ها و کشف حقائق آن و رفتن به اعماق بحر ها، با وجود این همه پیشرفت ها نتوانسته اند که مانع نا امنی در جامعه شوند. تجاوز، قتل، اختطاف، غصب، سرقت و استعمار را معالجه نمایند. شهادت، کرامت، شرافت،

محبت و دوستی همه ارزش خود را از دست داده است. تعاون، ترحم و شفقت بر ضعیفان و برزنان و اطفال معنی خود را از دست داده فقط در حد شعار باقی مانده است. صاحبان قدرت با وجود داشتن سلاح های کیمیاوی و لیزری و صدها راکت های قاره پیما امنیت دنیا را به وحشت ترس بیم تبدیل نموده اند باز هم ادعا دفاع از خود را دارند، آیا کدام صاحب عقل سلیم این را می پذیرد؟ دین اسلام دین عقل، خرد، رحمت، عفت، صلح، امنیت است، و ظلم را با تمام انواع آن رد می کند، زیرا اسلام آخرین دین الهی است که برای هدایت و تعلیم و تربیه بشر در خط توحید و به کمال رساندن بشر در خلال و طرح قوانین که در قرآن کریم وجود دارد آمده است. اسلام است که تنها جواب گو به تمام مراحل زندگی بشری باشد و در تمام مراحل و تغییرات هیچ گونه از امور زندگی را باقی نمانده مگر این که به آن رسم طریق درست در نظر گرفته است. الله متعال خالق بشر است و آنچه به خیر صلاح و آنچه به بدی او باشد می داند. الله متعال به انسان آنچه به نفع و ضرر آن باشد نشان داده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) (1) ترجمه: و سوگند به نفس آدمی، و به آن که او را ساخته و پرداخته کرده است پس بدو گناه و تقوا را الهام کرده است. با وجود این هنگامی که انسان پیرو هوا و هوس خود شود و از آن مطابعت کند یک انسان شریروفساد کار به بار می آید، پس آیا در قرآن کریم تعالیم خاص در این خصوص در نظر گرفته شده است. امروز می بینیم دنیا به یک مشکل حقیقی که آن فقدان امنیت است مواجه است و مدارس بشری از حل آن عاجز مانده اند حتی دست به راه حل سیاسی نظامی و اقتصادی زدند که سبب پیچیده گی بیشتر امنیت شده است.

پرسش اساسی موضوع

پرسشی که بنده را وا داشته تا پایان نامه تحصیلی خویش را در زمینه ای پاسخ یابی به آن به نگارش آورم، این است که آیا در قرآن کریم کدام نظر و طرح خاصی پیرامون امنیت وجود دارد؟ اگر نظریه ای وجود دارد، کدام است و کجا مطرح شده است. با ردیابی این مورد، بنده نام اثر تحقیق خویش را " امنیت در روشنی قرآن کریم" گذاشتم، زیرا امنیت یکی از موضوع مهم و اساس در زندگی بشر است.

پیشینه تحقیق

امنیت در تمام دوره های زندگی به نحوی مورد توجه قرار گرفته است. تمام دستور العمل دین اسلام بر مبنای صحت، سلامتی و امنیت انسان ها می باشد. بدون شک یکی از موارد مهم و داغ، عصر کنونی و گذشته امنیت بوده است. در این موضوع کتب مختلف بحث صورت گرفته است در کتب تفسیر در کتب احادیث و در فقه مختصرا اشاره شده است. این مباحث فراگیر نبوده و به شکل ضمنی مورد بحث قرار گرفته است. البته آنچنان که تقاضای علمی عصر کنونی می باشد، در زبان عربی هم پرا مون امنیت

1 - سوره الشمس، آیه 8.

در پرتو قرآن کریم بحث فرا گیری صورت نگرفته است. وبه زبان فارسی درکشورمان جمهوری اسلامی افغانستان به این عنوان کتاب نوشته نشده است، اگر نوشته شده هم باشد طبع نشده بجز کتاب که ریاست تدقیق ومطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد حج و اوقاف نوشته است به عنوان جایگاه امنیت در اسلام که دارای بیست و چهارمقاله می باشد، وکتاب های که درایران به چاپ رسید امنیت را از نظر امام های خود بحث کرده اند که محور اصلی آنها بزرگان شان است نه قرآن کریم.

به جا می بینم تا تعدادی از کتاب های که در مورد بخش های گوناگون امنیت بشکل پرا گنده تحریر شده است خدمت شما به معرفی بگیرم، من جمله کتاب " الامن الاخلاقی " (دراسة قرآنیة موضوعیة) بقلم علی محمد احمد العجوری درسال 1430 ه ق، طبع شده که بیشتر روی مسایل اخلاقی بحث صورت گرفته است، و کتابی دیگری را در زمینه داریم که روی نقش امنیت در زندگی مردم به رشته تحریر در آمده است مثل کتاب دکتور عبدالله بن عبد المحسن الترقی زیر عنوان " الامن فی حیاة الناس و اهمیتة فی الاسلام " که دارای 60 صفحه بوده این کتاب همانگونه که از نامش پیداست بیشتر روی مسایل امنیت در امور زندگی سخن میگوید، وخیلی مختصر است که یک مبحث را احتوای کند. در فرجام بهتر میدانم اشاره ای به کتاب دیگری داشته باشم که تنها جایگاه امنیت را از دیدگاه قصص قرآن عظیم الشان بیان میکند تحت نام " الامن فی ضوء القصص القرآنی " بنگارش سامی محمد بشیر الجدبه" در سال 1433 ه ق نگاشته شده است.

آنچه در بالا تذکر داده شد، به خوبی دیده می شود که هر کدام بخشی از امنیت را مورد بحث و مذاقه قرار داده اند، بناء نیاز مبرم میرفت تا بحث در مورد امنیت از دیدگاه قرآن بشکل تفصیلی که شامل همه ابعاد امنیت در زندگی انسان ها باشد نوشته شود تا پاسخگوی همه قرار بگیرد. از سوی دیگر بر خی از کتاب های در کشور همسایه ایران نیز در این موضوع اشاره های دارند مثل کتاب " امنیت اجتماعی شده" بقلم دکتور اصغر افتخاری، ولی بی پرده باید گفت که نگارنده تنها روی مسایل اجتماعی صحبت نموده که از دیدگاه اهل تشیع با استناد و استدلال از سخن بزرگان اهل تشیع به حاشیه پردازی پرداخته اند که قابل استناد نیست. هرچند تعدادی قبل از من موضوع امنیت را بشکل پراکنده و جزئی در برخی کتب های علمی مورد مذاقه و بحث قرار داده اند ولی حق این مطلب را بشکل درست و کامل ادا ننموده اند، بنا برآن بنده نیاز جدی به ترتیب و تنظیم این موضوع را درک نمودم زیرا تا امروز هیچ کسی این موضوع را به شکل تخصصی به رشته تحریر در نیاورده است. بدین وسیله من بجا دیدم تا موضوع امنیت را از دیدگاه قرآنی بشکل منظم تحریر و از کاستگی های قبلی بکاهم و در راستای نگارش این موضوع از کتاب های قبلی استفاده درست نموده و حق مطلب را بشکل شاید و باید بجا بیاورم. به روش آسان وبه زبان ملی خود تحریرنمایم، تا هر خواننده ای اهمیت این موضوع را به خوبی درک نماید.

روش تحقیق

این تحقیق به روش کتاب خانه ای انجام یافته است که بیشترین محور بحث این رساله را کتاب های تفسیر شکل می دهد اعتماد بر مبنای تفسیر موضوعی طوریکه جمع آوری آیات و مطالعه آن در روشنی کتب تفسیر و تحلیل و استنباط آن از آیات. و تقسیم بندی وفق موضوع. مواد جمع آوری شده از قرآن کریم من حیث مصدر اول قوانین اسلامی و سایر کتب مرتبط به موضوع بحث و مواد خام این تحقیق مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است و مفاهیم آن تجزیه شده اند تا نتیجه مطلوب به دست آید. بر مبنای این تحقیق، ابتدا آیات مربوط به امنیت از قرآن کریم ذکر و بررسی گردیده است سپس مفاهیم ظاهری آیات قرآن کریم بیان شده اند و بعد بر مبنای تحلیل به دست آمده از آیات قرآن کریم امنیت در روشنی قرآن کریم که محور اساسی بحث را تشکیل می دهد وضاحت یافته است.

مراجع در پناه ورقی بار اول بطور کامل ذکر گردیده در بار دوم تنها به ذکر نام کتاب و جلد صفحه اکتفی صورت گرفته است در آخر در مراجع بطور مکمل کتاب، مؤلف سال تولد و سال چاپ ذکر گردیده است. در ترجمه آیات از تفسیر نور استفاده شده است و استدلالات از آیات در بعضی مباحث قبل تشریح متن استفاده شده و در بعضی مباحث بعد از تحلیل تجزیه از آیات استفاده شده است و اکثر جا های که از آیات تکرار استفاده صورت گرفته در تشریح معنی مفهوم مراجع از تفاسیر ذکر نگردیده است.

خطه بحث

این رساله دارای خلاصه اهدا شکر و تقدیر و مقدمه و فصل ها و مباحث و مطالب می باشد که قرار ذیل است.

فصل اول:

شناخت واژه امنیت و جایگاه و انواع آن در قرآن کریم.

مبحث اول: مفهوم شناسی واژه امنیت.

مطلب اول: امنیت در لغت.

مطلب دوم: امنیت در اصطلاح.

مطلب سوم: اطلاقات واژه امن

مطلب چهارم: واژه های مترادف با مفهوم امنیت

مطلب پنجم: واژه های متضاد با مفهوم امنیت

مطلب ششم: رابط مفهومی میان امن و امانت و ایمان

مطلب هفتم: مشتقات لفظ امن در سیاق آیات قرآن کریم.

مبحث دوم: جایگاه و امنیت در قرآن کریم.

مطلب اول: اهمیت امنیت در نزد ابراهیم علیه السلام

مطلب دوم: امن صفت بهترین مکان در دنیا و آخرت.

مطلب سوم: ارزش های معنوی مایه آرامش.

مبحث سوم: انواع امنیت

مطلب اول: امنیت خانواده.

مطلب دوم: امنیت فردی در قرآن کریم

مطلب سوم: امنیت اجتماعی در قرآن کریم.

مطلب چهارم: امنیت محیطی در قرآن کریم

مطلب پنجم: امنیت فکری در قرآن کریم.

مطلب ششم: امنیت سیاسی در قرآن کریم.

فصل دوم: چگونگی تحقق و استقرار امنیت در قرآن کریم.

مبحث اول: راههای تحقق و فراهم آوری امنیت

مطلب اول: اسلام فراهم کننده امنیت

مطلب دوم ایمان.

مطلب سوم: توحید فراهم کننده وثبات دهنده امنیت

مطلب چهارم: نصیحت و خیرخواهی.

مطلب پنجم: کمک و همکاری.

مطلب ششم: عفو و بخشش.

مطلب هفتم: وسطیة.

بحث دوم: تحقق امنیت

مطلب اول: اساس تحقق امنیت ایمان و عمل نیک است.

مطلب دوم: تحقق امنیت در دنیا و آخرت برای مؤمنان.

مطلب سوم: راهکارهای تحقق امنیت.

مطلب چهارم: انتفاء امنیت از کافرین.

مبحث سوم: عوامل ایجاد و حفظ امنیت.

مطلب اول: تمسک به تطبیق شریعت اسلامی و اقامه حدود آن.

مطلب دوم: اطاعت از ولی امر.

مطلب سوم: قیام علماء و پرکردن فراغ ذهنی جوانان.

مطلب چهارم: محافظت جامعه از نشر اخلاق مذموم.

بحث چهارم: استمرار امنیت

مطلب اول: جهاد راهی برای استمرار امنیت و دفاع از آن.

مطلب دوم: جهاد و حمایت از مظلومین.

مطلب سوم: تطبیق شریعت در سایه جهاد.

مطلب چهارم: صلح سبب استمرار امنیت.

مطلب پنجم: استمرار امنیت اجتماعی

مطلب ششم: مراحل مبارزه و جهاد برای تأمین امنیت دینی.

فصل سوم: اخلال امنیت و آثار و فایده آن

مبحث اول: عوامل اخلال امنیت.

مطلب اول: افراط و تفریط اخلال کنند امنیت.

مطلب دوم: جرم و اسباب آن.

مطلب سوم: فقر سبب اخلال امنیت

مطلب چهارم: برتری جوی.

مطلب هفتم: برهم خوردن ارزشهای معنوی.

مبحث دوم: تطبیق احکام شرعی تعبدی و جلوگیری از اخلال امنیت .

مطلب اول: نماز.

مطلب دوم: نماز و قیام و نهی از منکر.

مطلب سوم: روزه.

مطلب چهارم: زکاة.

مطلب پنجم: امر به معروف و نهی از منکر.

مطلب ششم: آثار و فوائد امر به معروف و نهی از منکر در تأمین امنیت.

مبحث سوم: فایده و آثار امنیت

مطلب اول: امنیت تبلور رحمت خداوند.

مطلب دوم: امنیت بستری برای عبادت الله متعال.

مطلب سوم: امنیت امکان سکونت.

مطلب چهارم: امنیت و آزادی سیر و سیاحت.

مطلب پنجم: امنیت فراهم کننده تحقیق.

مطلب ششم: امنیت رفاه اقتصادی.

مطلب هفتم: امنیت مایه فراوانی و برکت از طرف الله متعال.

مطلب هشتم: امنیت مایه سعادت در زنده گی و سبب دوستی بین انسانها

نتیجه گیری

و پیشنهادات

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست اعلام

منابع و مصادر

فصل اول

شناخت واژه امنیت، جایگاه و انواع آن در قرآن کریم

تمهید

از آنجاکه امنیت یکی از مهم ترین دغدغه روزگار بشر به شمار می رود لازم و ضروری است که به کاربرد واژه امن بپردازیم و آنرا ریشه یابی کنیم تا باشد معنی و مفهوم دقیق آنرا دریابیم.

مبحث اول: مفهوم شناسی واژه امنیت

مطلب اول: امنیت در لغت

امنیت از کلمه عربی "الأمْن" گرفته شده و به معنی در امان و آسایش و آرامش بودن است. راغب (1) امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته است. (2) **أَمِنَ** مِنْ يَأْمَنُ، أَمْنًا وَأَمَانًا وَأَمْنَةً وَأَمْنَةً وَأَمَانَةً، فهو أَمِنٌ وَأَمِينٌ، والمفعول مَأْمُونٌ. **أَمِنَ الرَّجُلُ**: اطمأنَّ ولم يخف. **أَمِنَ الْبَلَدُ**: اطمأنَّ به أهله. (3) چنانچه الله متعال از زبان ابراهیم علیه السلام می فرماید: **(وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا)** (4) امن ضد ترس، و امانت ضد خیانت است و ایمان ضد کفر، و ایمان به معنی تصدیق متضاد تکذیب تعبیر شده است و واژه امن را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا همانند سلم دانسته است. (5)

مطلب دوم: امنیت در اصطلاح

ناگفته نباید گذاشت با وجود روشنی معنای لغوی امن معنای اصطلاحی آن را علماء هر علم و فن از منظر خود نظریه مصلحت ها تعریف نموده است، چون بحث در روشنی قرآن کریم است بناء به چند تعاریف اکتفاء می نمایم.

امنیت در اصطلاح: عبارت است از امن امان بودن فرد خانواده و اجتماع بدون ترس هراس در زنده

گی. یعنی مفهوم کلی، آزادی و رهائی از ترس و خطر و احساس ایمنی از هرگونه تهدید. (6)

1 - راغب اصفهانی ابوالقاسم حسین (502 ق وفات نموده است) فرزند محمد معروف به راغب اصفهانی از مشاهیر مفسران و از علمای اصفهان است و یکی از اعلام قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری و از پرکارترین افراد در علوم و معارف قرآن کریم بوده وی در بغداد به تحصیل و تدریس پرداخته است، او در ادب و لغت، تاریخ، حکمت و تفسیر سرآمد معاصران خویش بوده و شخصیت جامع او مورد قبول عامه و خاصه است، سیر اعلام النبلاء المؤلف: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفی: 748 هـ) مجموعه من المحققین بإشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط. جزء 18 طبعه 24. ص 120.

2- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 25.

3- معجم اللغة العربية المعاصرة، أحمد مختار عبد الحمید عمر (المتوفی: 1424 هـ) الطبعة: الأولى، 1429 هـ ج 1 ص 122.

4- سوره ابراهیم، آیه 35.

5- الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية المؤلف: أبو نصر إسماعیل بن حماد الجوهري الفارابي (المتوفی: 393 هـ) تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار الناشر: دار العلم للملايين بیروت الطبعة: الرابعة 1407 هـ - 1987 م عدد الأجزاء: 6 - ج 5 ص 207 قیومی، المصباح المنیر، این مطلب را نیز در ص 23. 24 آورده است.

6- الأمن فی ضوء القصص القرآنی، دراسة قرآنیة موضوعیة، مؤلف: سامی محمد بشیر الجدبة الطبعة الاولى 1433 هـ ق.

1-: تعریف امنیت نزد مفسرین أ: أبو حیان اندلسی(1) رحمه الله می فرماید: امنیت عبارت است

از بین رفتن آنچه سبب ترس هراس می شود.(2)

ب-: محمد رشید رضا(3) رحمه الله می فرماید: امنیت عبارت است از سکون و آرامش نفس و نبود ترس و هراس.(4)

د-: بقاعی(5) رحمه الله می فرماید: سکون و آرامش نفس با توقع خیر و انتقای شر.(6)

2-: تعریف امنیت نزد اهل سیاست. سلامت و اطمینان نفسی، نبود ترس و هراس در زندگی مردم، و یا آنچه که زنده گی بر آن استوار است، مصالح و اهداف و وسائلی که شامل امنیت فردی اجتماعی میباشند(7) امنیت در مفهوم اسلام عبارت است از سلامت حسی و معنوی و اطمینان و آرامش از قیل خارج و داخل و کفالت زنده گی سعادت مند برای فرد، جامعه، و دولت.(8) این تعریف در برگزیده چند نکته است.

1-: سلامت فرد، جامعه و دولت حسی و معنوی.

2-: اطمینان و آرامش و نبود ترس و هراس.

1 - ابو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف ابن حیان أثیر الدین ابو حیان اندلسی جیبانی (654-745ق) از بزرگان تفسیر، حدیث و ادبیات اهل سنت به شمار می رود. او در نواحی شهر غرناطه به دنیا آمد، به شهر مالقه مهاجرت کرد، در آنجا رشد یافت، و سپس با انتقال به قاهره در آنجا ساکن شد و در همان جا وفات یافت. او همچنین به شهرهای مختلفی از مناطق سرزمین اسلامی مثل آفریقا، اندلس، اسکندریه مصر و حجاز مسافرت کرد و از محضر بیش از چهار صد و پنجاه استاد بهره برد. تبحر او در رشته های مختلف علوم به ویژه ادبیات عرب موجب شد تا او را با القابی مثل شیخ النحاة، یا امام النحاة، شیخ المحثین و رئیس العلماء عنوان بدهند. و در سال 28 صفر 745 هـ در قاهره وفات یاف و در مقبره صوفیه بیرون از باب نصر به خاک سپرده شد. معجم الشعراء العرب، قسم التراجم والطبقات، ج 1 ص 365 المكتبة الشاملة

2 - تفسیر البحر المحیط ، محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان الأندلسی ، دار النشر: در الکتب العلمیة لبنان/بیروت الطبعة الأولى 1422 هـ ق تحقیق الشیخ عادل أحمد عبدالموجود. ج 2 ص 68 .

3 - محمد رشید رضا (1282 - 1354) بن علی رضا بن شمس الدین بن محمد قلمونی، اصلاً بغدادی است و نسب حسینی دارد، صاحب مجله المنار و یکی از رجال اصلاح اسلامی و از نویسندگان، عالمان به حدیث و ادب و تاریخ و تفسیر است. وی در قلمون (از اعمال طرابلس شام) متولد شده و در همانجا مقدمات علوم اسلامی را فراگرفت و مدتی شیوه زهد اختیار کرد. از کودکی و جوانی خود شعر می گفت و در برخی از جراید مقالاتی می نوشت. پس از آن به مصر سفر کرد (1315 هـ.ق) ملازم و شاگرد شیخ محمد عبده شد و پیش از آن نیز در بیروت به خدمت او پیوسته بود. پس از آن مجله المنار را برای نشر آراء و عقاید دینی و اجتماعی خود در مورد اصلاح انتشار داد و اندک اندک مرجع قنوی شد. به ویژه در تألیف میان شریعت و اوضاع اجتماعی جدید اعتبار بسزایی یافت و چون به سال (۱۳۲۶ هـ.ق) قانون جدید عثمانی اعلام شد، رشید رضا به دیدار بلاد شام رفت و در دمشق در حالی که بر منبر مسجد جامع اموی سخن می گفت یکی از دشمنان «اصلاح» بر او اعتراض کرد و این اعتراض به فتنه مبدل شد و بر اثر آن رشید رضا به مصر بازگشت و در آنجا مدرسه «الدعوة و الارشاد» را تأسیس کرد. آنگاه در ایام ملک فیصل بن حسین حسنی (۱۳۵۲-۱۳۰۰ هـ.ق) به سوریه رفت و به ریاست مؤتمر سوری انتخاب شد. اما به سال ۱۹۲۰ بر اثر ورود فرانسویان به سوریه آنجا را ترک کرد و در وطن دوم خود مصر مدتی اقامت کرد. آنگاه به هند و حجاز و اروپا سفر کرد و چون از آنجا بازگشت در مصر مقیم شد تا اینکه وقتی از سوئز به قاهره باز می گشت، که در اتومبیلی درگذشت و او را در قاهره دفن کردند. معجم المفسرین (من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر) المؤلف: عادل نويهض قدم له: مُفتي الجمهورية اللبنانية الشَّيخ حسن خالد الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان لطبعة: الثالثة، 1409 هـ عدد الأجزاء: 2 ج 2 ص 529

4 - تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) المؤلف: محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (المتوفی: 1354 هـ) الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب سنة النشر: 1990 م عدد الأجزاء: 12 ج 5 ص 14.

5 - برهان الدین البقاعی: إبراهیم بن عمر بن حسن الرباط بن علی الخرباوي البقاعي، أبو الحسن، برهان الدین: مؤرخ، مفسر، محدث، أدیب. (1407-1480) زاده روستای خربة روجه (از توابع شهرستان راشیا استان بقاع در حمله بنو مزاحم به این روستا در ۱۴۱۸ / ۸۲۱، بسیاری از اهالی مهاجرت کردند و برهان الدین به دمشق رفت. آنجا علوم قرآنی و قرآنت خواند. میان او و شمس الدین سخاوی، از رقابت و کشمکش ذکر شده است. برهان الدین به حج رفت و بسیار سفر کرد، سپس به دمشق بازگشت و در همان جا در سال ۱۴۸۰ درگذشت. از جمله کتاب های که نوشته کرده "نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور" یا بنام "تفسیر البقاعی"، که در هفت جلد نوشته شده است، کتاب دیگر "الفتح القدسی فی تفسیر آية الكرسي". معجم المفسرین (من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر) عدد الأجزاء: 2 ج 1 ص 17

6 - نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور المؤلف: إبراهیم بن عمر بن حسن الرباط بن علی بن أبي بكر البقاعي (المتوفی: 885 هـ) الناشر: دار الكتاب الإسلامي، القاهرة عدد الأجزاء: 22 ج 3 ص 577.

7 - الأمن فی ضوء القصص القرآنی، دراسة قرآنية موضوعية المؤلف سامی محمد بشیر الجديبة الطبعة الأولى: 1433 هـ ق،

8 - مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة النبوی، جزء 39 ص 393.

3-: دربرگیرنده امنیت داخلی و خارجی.

4-: کفالت زنده گی سعادت مند فرد و جامعه مسلمانان که فراهم کننده محیط صالح و سالم و ظروف ملائم برای عبادت الله متعال و توحید و ایمان به آن و همکاری مثمر در بناء مختلف می شود.

5-: هنگامیکه مسلمانان در دنیا امنیت داشته باشند سبب ادای عبادت الله متعال و توحید آن شده و سبب کامیابی و رضایت و کرامت در زنده گی آخرت می شود چنانچه وعده الله متعال است که می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (1) ترجمه: کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند.

3-: **تعریف امنیت نزد اهل لغت:** امنیت عبارت است از آرامش و سکون نفس و نبود ترس هراس در بین افراد جامعه و عدم مکر و توقع آن در زمان آینده. (2) احساس آسایش و آرامش و اطمینان بر حاجات دنیوی و اخروی بدون تکلف با وجود فراهم بودن اسباب آن. (3)

مطلب سوم: اطلاعات واژه امن

استعمال لفظ امن در قرآن کریم:

أ-: **بمعنی امانت ضد خیانت.** أَمِنَ يَأْمَنُ، أَمَانَةً، فهو أمين. أَمِنَ الرَّجُلُ: نگهدار عهد خود و حفاظت کننده آنچه مردم به نزد او بگذارند (بطور امانت) گفته می شود. أَمِنَ فَلَانًا: وثق به ولم يخش خیانته. (4) چنانچه الله متعال می فرماید: (فَإِنَّ أَمِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ) (5) ترجمه: اگر برخی از شما به برخی دیگر اطمینان کرد، باید کسی که امین شمرده شده است، امانت او را بازپس دهد.

ب: **بمعنی امن ضد خوف.** (وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ...) (6) ترجمه: هنگامی که (خبر) کاری که موجب ترسیدن یا ترسیدن است به آنان می رسد، آن را (میان مردم) پخش و پراکنده می کنند. در این آیه مبارکه از طرف الله متعال تأذیب است برای بنده هایش در پخش نشر اخبار پیش تحقیق در مورد صحت آن. این آیه بیان کنند این مسئله است بر مسلمانان لازم ضروری است و قتیکه خبری به آنان می رسد که متعلق به مصالح و یا امنیت و ترس هراس عام مردم باشد در مورد صحت آن تحقیق صورت گیرد و در پخش و نشر آن عجله صورت نگیرد بلکه آنرا و اگذاز کنند به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و یا به ولی امر یا به کسانی که امور اداره کشور به دست آنها است و یا به اهل رأی که

1 - سوره الانعام آیه 82.

6- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسینی، أبو الفیض الملقب بمرتضى الزبيدي، تحقیق مجموعه من المحققين، الناشر دار الهداية. ج 34 ص 184.

3 - التربية الأمنية في ضوء القرآن الكريم، دراسة موضوعية لكل من د. عبد السلام حمدان اللوح و د. محمود هاشم عنبر ص 232.

4 - معجم اللغة العربية المعاصرة، د. المؤلف: د أحمد مختار عبد الحميد عمر (المتوفى: 1424 هـ) بمساعدة فريق عمل الناشر: عالم الكتب الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م عدد الأجزاء: 4 (3 ومجلد للفهارس) في ترقيم مسلسل واحد. ج 1 ص 122.

5 - سوره البقره، 283.

6 - سوره النساء، آیه 83.

در تحلیل و مصلحت مسلمانان آگاه است و اگر به مصلحت بود سبب خوشی مؤمنان می شد پخش می کند اگر به مصلحت نبود از نشر آن جلوگیری می نماید. (1) برآیه دیگر الله متعال می فرماید: (الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ) (2) ترجمه: خداوندگاری که از گرسنگی ایشان را رهانیده است و خوراکشان داده است، و آنان را از خوف و هراس ایمن ساخته است.

ج-: بمعنی آرامش نفس و اطمینان

خواب آرامش نفس جز در امن است زیرا در حالت ترس خواب بالای انسان نمی آید، خوب چطور الله متعال خواب را به آنها هدیه کرد درحالیکه آنها در حال جنگ قرار داشتند، و این دلالت دارد بر امن و اطمینان. (3) چنانچه الله متعال می فرماید: (إِذْ يُغَشِّبِكُمُ اللَّعَّاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ) (4) ترجمه: ای مؤمنان! به یاد آورید (زمانی را که (از دشمنان و کم آبی به هراس افتادید و خداوند) خواب سبکی بر شما افکند تا مایه آرامش و امنیت (روح و جسم شما) از ناحیه خدا گردد. از آیه مبارکه چنین برداشت می شود که بی خوابی سبب اضطراب شده و تعادل را از بین می برد انسان را سست و تنبل می سازد بناء الله متعال توسط خواب سبک آنها را تازه و سر حال گردانید و در قلبشان آرامش و سکون ایجاد کرد.

مطلب چهارم: واژه های مترادف با امنیت

1- سلم: سلم فلان: امن علی نفسه و ماله. (5) چنانکه در قرآن کریم آمده. (فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ) (6) ترجمه: سست مشوید، و (کافران را) به صلح مخوانید، چرا که شما برترید و خدا با شما است، و هرگز از (اجر و ثواب) اعمال تان نمی کاهد.

2- سکینه: بمعنی آرامش. طمأنينة و هدوء و استقرار. (7) چنانچه الله متعال می فرماید: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ) (8) ترجمه: خدا است که به دلهاي مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. چنانچه الله متعال در آیه دیگر می فرماید: (فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا) (9) ترجمه این آیه می فرماید: خدا می دانست آنچه را که در درون دلهايشان نهفته بود، لذا اطمینان خاطر ي به دلهايشان داد، و فتح نزدیکی را پاداش شان کرد. مراد از سکینه در آیه شریف آرامش و سکون است. (10)

1 - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: 1376 هـ) المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويح الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى 1420 هـ عدد الأجزاء: 1 ودارای 937 صفحه. ص 190.
2 - سوره قريش، آیه 4.
3 - الأمانة في القرآن الكريم، دراسة موضوعية، المؤلف د. عصام العبد زهد. ص 8.
4 - سوره الأنفال آیه 11.
5 - معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 2 ص 1099.
6 - سوره محمد، آیه 35.
7 - معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 2 ص 1088.
8 - سوره الفتح، آیه 4.
9 - سوره الفتح، آیه 18.
10 - التفسير الحديث. المؤلف: دروزة محمد عزت، الناشر: دار إحياء الكتب العربية، القاهرة الطبعة: 1383 هـ مكتب الشاملة ج 8 ص 584.

3-: سلام. مصدر سلِّم بمعنى أمان، سلِّم، بمعنى صلِّح، السَّلَام: أمان الله في الأرض. (1) چنانچه الله متعال می فرماید: (سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ). (2) ترجمه: آن شب، شب سلامت و رحمت (و درود فرشتگان بر مؤمنان شب زنده دار) است تا طلوع صبح. در آیه دیگر می فرماید: (تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا) (3) ترجمه: درودشان (از جانب خدا) در روزی که او را ملاقات و دیدار می کنند، امن و امان تان باد است، و خدا برای آنان پاداش گرانبها و ارزشمندي را فراهم ساخته است.

4-: صلح. (وَأَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ) (4) ترجمه: هرگاه همسری دید که شوهرش سر بازمی زند و روی گردان است، بر هیچ يك از آن دو گناهی نیست این که میان خویشتن صلح و صفا راه بیندازند، و صلح بهتر است.

5-: اطمأن. (فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا) (5) ترجمه: هنگامی که آرامش خود را باز یافتید، نماز را برپای دارید. بیگمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) (6) ترجمه: بعضی از مردم هم، خدا را در حاشیه و کناره می پرستند اگر خیر و خوبی بدیشان برسد، به سبب آن استوار و ماندگار می شوند، و اگر بلا و مصیبتی بدیشان برسد، برمی گردند. بدین ترتیب هم دنیا و هم آخرت را از دست می دهند، و مسلماً این زیان روشن و آشکاری است.

6-: سکن. بمعنی امنیت و آرامش. رحمة وطمأنينة وسكون. (7) چنانچه الله متعال می فرماید: (خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (8) ترجمه: از اموال آنان زکات بگیرتا بدین وسیله ایشان را پاک داری، و درجات ایشان را بالا ببری، و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تومایه آرامش ایشان می شود و خداوند شنوای آگاه است. **مطلب پنجم: واژه های متضاد با مفهوم امنیت در قرآن:** واژه های که دربرگیرنده ترس و هراس است، که برضد امن استفاده می شود، درحقیقت عدم امنیت را می رساند، کلمه های که برضد امن استفاده می شود بسیار اند از آنجمله به کلمه های یاد آور می شویم که واضح و مشهور است. یکی از کلمات که بیشتر ترس و هراس را درمی گیرد کلمه خوف است که در قرآن کریم فراوان به کار رفته است.

1 - معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 2 ص 1100.

2 - سوره القدر، آیه 5.

3 - سوره الاحزاب، 44.

4 - سوره النساء، آیه 128.

5 - سوره النساء، آیه 103.

6 - سوره الحج آیه 11.

7 - معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 2 ص 1087.

8 - سوره التوبه، آیه 103.

1-: خوف. بمعنی ترس هراس. (1) چنانچه الله متعال می فرماید: (فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ) (2) ترجمه: هیچ کس به موسی ایمان نیاورد مگر گروهی از مردمان قومش، واز فرعون. ودرباریان و اشراف آن می ترسیدند که آنان را از دین برگردانند. بیگمان فرعون در زمین علم طغیان برافراشته بود و گردنکشی کرده بود و از زمره متجاوزان بود.

2-: خشية. به معنی ترس (احساس درد قلبی از سبب توقع بد در آینده که این گای از ترس معاصی و جنایت گاهی از معرفت هیبت و عظمت الله متعال می باشد) (3) چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) (4) ترجمه: تنها بندگان دانا و دانشمند، از خدا، ترس نمیخته با تعظیم دارند. در این آیه شریف ترس از هیبت و عظمت پروردگار است. چنانچه در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ تَحْنُ نَزْرُفُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا) (5) ترجمه: فرزندانان را از ترس فقر و تنگدستی نکشید. ما آنان و شما را روزی می دهیم بی گمان کشتن ایشان گناه بزرگی است.

3-: فرع. ترس هراس از یک چیز فرع فلان: خاف، ذُِعِر و انقبض "فرع امام التهدیدات - فرع من مقتل أخيه- {وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَزَعًا} خائفًا قَلْبًا. (6) چنانچه الله متعال می فرماید: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّن فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ) (7) ترجمه: کسانی که کارهای پسندیده انجام بدهند، پاداش بهتری و الاثری از آن خود خواهند داشت، و در آن روز چنین کسانی در امن و امان بسر می برند. مراد از (هم مِّن فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ) فرع دوم است یعنی زنده شدن بعد از مرگ است. (8)

4-: روع. بمعنی ترس هراس. راع الشَّخْصُ: فرع وخاف راع الأمرُ فلانًا: أزعجه، أخافه (9) چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ) (10) ترجمه: هنگامی که خوف و هراس از ابراهیم دور شد و مزده (تولد فرزند) بدو رسید، (دلش به حال قوم لوط سوخت و با فرشتگان) ما (شروع) به مجادله (و گفتگو) درباره (هلاک) قوم لوط کرد.

1 - مجمل اللغة لابن فارس. المؤلف: أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين (المتوفى: 395هـ) دراسة وتحقيق: زهير عيد المحسن سلطان دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة الثانية - 1406 هـ - 1986 م عدد الأجزاء: 2. ج 1 ص 307.
2 - سورة يونس، آية 83.
3 - معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 1 ص 648.
4 - سورة فاطر، آية 28.
5 - سورة الإسراء، آية 31.
6 - معجم اللغة العربية المعاصرة، حرف ف كلمة ف فرع شماره 3765 ج 3 ص 1750.
7 - سورة النمل، آية 89.
8 - لباب التأويل في معاني التنزيل، المؤلف: علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشيعي أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفى: 741هـ) تصحيح: محمد علي شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، 1415هـ. ج 3 ص 355.
9 - معجم اللغة العربية المعاصرة ج 2 ص 960.
10 - سورة هود، آية 74.

5-: جزع. بمعنی وحشت، شدت اندوه ضد صبر. (1) چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرًا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ) (2) ترجمه: ضعیفان به کسانی می گویند که خویشتن را بزرگ می پنداشتند: ما پیروان شما بودیم، آیا می توانید چیزی از عذاب خدا را از سرما بردارید؟ می گویند: اگر خداوند ما را رهنمود می کرد، ما هم شما را رهنمود می کردیم، چه بی تابی کنیم و چه شکیبائی نمایم یکسان است راه نجات و گریزی برای ما نیست.

6-: ضیق. بمعنی غم و اندوه و تنگی ضد فراخ. (3) یعنی امنیت و آرامش خود را از دست می دهد. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) (4) ترجمه: آن کس را که خدا بخواد هدایت کند، سینه اش را گشاده برای اسلام می سازد، و آن کس را که خدا بخواد گمراه و سرگشته کند، سینه اش را به گونه ای تنگ می سازد که گویی به سوی آسمان صعود می کند. بدین منوال خداوند عذاب را بهره کسانی می سازد که ایمان نمی آورند.

7-: حزن. درد اندوه قلبی یعنی قلبا ناراحت باشد. (5) چنانچه یعقوب علیه السلام قلبا از دوری یوسف محزون بود. چنانچه الله متعال از زبان یعقوب علیه السلام می فرماید: (قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذَّنْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ) (6) ترجمه: گفت: اگر او را از پیش من دور کنید و ببرید، ناراحت و غمگین می گردم، و می ترسم که شما از او غافل شوید و گرگ وی را بخورد. دوست های خاص الله متعال محزون نمی شوند (قلبا اندوهگین نمی باشند) چنانچه الله متعال می فرماید: (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (7) ترجمه: هان بی گمان دوستان خداوند ترسی بر آنان نیست و (براز دست رفتن دنیا) غمگین نمی گردند.

8-: كرب. بمعنی شدت غم اندوه. (8) چنانچه الله متعال می فرماید: (قُلِ اللَّهُ يُنَجِّبُكُم مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ) (9) ترجمه: بگو: خدا شما را از آن (اهوال و شدائد) و از هر غم و اندوهی می رهاوند سپس (با این وجود برای او) شما شریک و انباز می سازید.

1 - مجمل اللغة لابن فارس، ج 1 ص 187.

2 - سوره ابراهیم، 21.

3 - المفردات في غريب القرآن لراغب الأصفهانی. ص 513.

4 - سوره الانعام، 125.

5 - بیان المعانی [مرتب حسب ترتیب النزول] المؤلف: عبد القادر بن ملا حویش السید محمود آل غازی العانی (المتوفی: 1398هـ) الناشر:

مطبعة الترقی - دمشق الطبعة: الأولى، 1382 هـ ج 3 ص 181.

6 - سوره یوسف، آیه 13.

7 - سوره یونس، آیه 62.

8 - الموسوعة القرآنية المؤلف: إبراهيم بن إسماعيل الأبياري (المتوفى: 1414هـ) الناشر: مؤسسة سجل العرب الطبعة: 1405هـ ج 9 ص 437

9 - سوره الانعام، 64.

أ-: كرب. بمعنی غرق شدن و نابود شدن.(1) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَتُوحَاً إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ)(2) ترجمه: (خوب است در اینجا یاد کنی) نوح را، هنگامی که پیشتر (از اینان که اشاره گذرانی بدیشان شد، ما را) به فریاد خواند (و گفت: پروردگارا! مرا دریاب که من شکست خورده ام، و روی زمین را از وجود کافران پاک گردان) و ما هم دعای وی را پذیرفتیم و او (و پیروان) و خاندانش را از (اندوه فراوان و) غم بزرگ (کافران مودبی و طوفان وحشتناک) رهانیدیم.

9-: فتنه. بمعنی آزمایش و امتحان و دچار مصیبت شدن.(3) چنانچه الله متعال می فرماید: (لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَاباً صَعَدًا)(4) ترجمه: (هدف این است که ما آنان را با این نعمت فراوان) بیازمائیم، و هر کس از ذکر و یاد پروردگارش روی گردان گردد، او را به عذاب سخت و طاقت فرسایی داخل می گرداند.

أ-: فتنه. بمعنی کفر و یا آنچه که به کفر برساند.(5) چنانچه الله می فرماید: (وَأَلْفَنَّا أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)(6) ترجمه: فتنه از کشتن بدتر است. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينَ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ)(7) ترجمه: با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین خالصانه از آن خدا گردد پس اگر دست برداشتنند (دست از آنان بردارید. زیرا حمله بردن و تجاوز کردن جز برستمکاران نیست.

10-: قتال. (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ)(8) ترجمه: از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام می پرسند. بگو: جنگ در آن گناهی بزرگ است. ولی جلوگیری از راه خدا و بازداشتن مردم از مسجدالحرام و اخراج ساکنانش از آن و کفر ورزیدن نسبت به خدا، در پیشگاه خداوند مهمتر از آن است.

11-: هلاکت. بمعنی از بین رفتن از حالت عادی خارج شدن.(9) (وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)(10) ترجمه: و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید همانا خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

أ-: هلاکت. به سه معنی بکار رفته است. از دست دادن، از بین رفتن به فساد، و به موت.

1 - الموسوعة القرآنية، ج 10 ص 310.

2 - سوره الانبياء، آیه 76.

3 - مجمل اللغة لابن فارس، ج 1 ص 711.

4 - سوره الجن، آیه 17.

5 - الموسوعة القرآنية، ج 9 ص 147-160.

6 - سوره البقره، 191.

7 - سوره البقره، 193.

8 - سوره البقره، آیه 217.

9 - تفسير الشعراوي، الخواطر المؤلف: محمد متولي الشعراوي (المتوفى: 1418هـ) الناشر: مطابع أخبار اليوم عدد الأجزاء: 20 ج 2 ص 831

10 - سوره البقره، آیه 195.

اول: بمعنی از دست دادن. چنانچه الله متعال می فرماید: (هَلَّاكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ) (1) ترجمه: قدرت من، از دست من بر رفت. سُلْطَانِيَّةٌ: سلطان، عبارت از سلطه و قدرت است. مراد، هم صحت بدنی و هم قدرت مقام و هم نفوذ کلام است. (2)

دوم: بمعنی از بین رفتن بفساد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) (3) ترجمه: وهنگامی که پشت می کند و می رود و یا به ریاست و حکومتی می رسد در زمین به تلاش می افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل انسانها و حیوانات را نابود کند و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی دارد. تَوَلَّى: بمعنی والی و سرور شدن. پشت کرد و رفتن. (4)

سوم: بمعنی موت. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ امْرَأًا هَلَكَتْ) (5) ترجمه: اگر مردی مُرد. درآیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ) (6) ترجمه: می گویند: حیاتی ما جز همین زندگی دنیائی که در آن بسر می بریم در کار نیست. گروهی از ما می میرند و گروهی جای ایشان را می گیرند، و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی سازد.

12- خیانت. بمعنی نقصان در وفا و ضایع کردن که ضد خیانت امانت است. (7) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (8) ترجمه: ای پیغمبر! اگر (مشرکان با اظهار ایمان) بخواهند به تو خیانت کنند (موضوع تازه ای نیست و باکی نداشته باش، چرا که) آنان پیش از این (نیز با اتخاذ شرکاء و انداد برای خدا و کفران نعمتِ الله) به خدا خیانت کرده اند و خداوند (در قبال آن شما را) بر آنان پیروز کرده است (هرچند شما ضعیف بودید و ایشان نیرومند بودند) و خداوند آگاه (از احوال و افکار همگان است و) حکیم است (و کارها را برابر حکمت و فلسفه ای که خود می داند می گرداند).

مطلب ششم: رابطه مفهومی میان امن، امانت و ایمان

این سه کلمه اصطلاحات محوری قرآنی است که از کلمه امن اشتقاق یافته است. امن و امانت و ایمان باهم ارتباط نزدیک دارند از نظر بناء لغوی، و از جهت معنای شرعی، امن کامل تحقق پیدانمی کند مگر به امانت داری کامل، امانت داری کامل ادا نمی شود مگر با ایمان داری کامل. کسانی که دارای

1 - سوره الحاقه، آیه 29.

2 - تفسیر نور خرم دل، سوره الحاقه ص 7.

3 - سوره البقره، آیه 205.

4 - تفسیر نور خردل، سوره بقره، ص 122.

5 - سوره النساء، آیه 176.

6 - سوره الجاثیه آیه 24.

7 - نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم المؤلف : عدد من المختصين بإشراف الشيخ/ صالح بن عبد الله بن حميد

إمام وخطيب الحرم المكي الناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة الطبعة : الرابعة عدد الأجزاء : 12. ج 10 ص 4482.

8 - سوره الانفال، آیه 71.

ایمان کامل است وجودشان مالا مال از امانت داری است و امانت داری در دنیا و آخرت باعث امنیت می شود. امن سبب آرامش و سکون روحی و روانی می شود یعنی اکثر ترس سبب اش از دست دادن جان مال و آبری است و قتیکه این ها ضایع نشوند در حقیقت ترسی وجود ندارد و امنیت واقعی برقرار است. ایمان هم در حقیقت آرامش و روحی و روانی است زیرا که کسی به الله ایمان آورد از عذاب الله در امان است چون ایمان تقویه کننده، و حمایت کنند و آرامش آورنده است. امانتداری خود آورند امنیت است یعنی اگر در مال و دارای مردم خیانت صورت نگیرد پس ترس از کجا می شود چون اکثر ترس از خیانت مردم صورت می گیرد، در هر سه کلمه سکون و آرامش نفسی و زوال خوف و ترس وجود دارد.

مطلب هفتم: مشتقات لفظ امن در سیاق آیات قرآن کریم.

کلمه امن و مشتقات آن در سیاق قرآنی، به بیست شش صیغه می رسد که در قرآن بدین قرارند: امن – آمنا – امنن – امنتم – الامانات – الامانة – امن – الامن – اماناً – امنة – امنو – امین – الایمان – تؤمن – لتؤمنن – تأمنه – تؤمنوا – تؤمنون – مؤمن – مؤمنه – مؤمنون – مأمون – یؤمنون و... کلمه هایی با معنای مشابه امنیت، نیز وجود دارد که برخی عبارتند از: سکینه، سکینته، سلام، و سلاماً. و این در 24 سوره و در 43 آیه و در 48 جای آمده که 29 آیه آن مکی و 14 آیه آن مدنی است.

اول:- کاربرد لفظ امن و مشتقات آن در آیات مکی: کلمه امن و مشتقات آن در عهد مکی درسی یک جای آمده، در بیست نه آیت، در هفده سوره، آمده است. چنانچه اشاره می شود.

شماره	شاهد از آیات	اسم سوره	شماره آیات
1	فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ	الأنعام	81
2	أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ	الأنعام	82
3	أَقَامِينَ أَهْلَ الْفُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ	الأعراف	97
4	أَوْ أَمِنَ أَهْلَ الْفُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ	الأعراف	98
5	أَقَامُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ	الأعراف	99
6	قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ	يوسف	11
7	قَالَ هَلْ أَمْنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْنُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ	يوسف	64
8	وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ	يوسف	99
9	أَقَامُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ	يوسف	107

10	وَأَذَقْنَا لِقَاءَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا	ابراهيم	35
11	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ	الحجر	46
12	وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ	الحجر	82
13	أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ	النحل	45
14	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً	النحل	112
15	أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا	الإسراء	68
16	أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ	الإسراء	69
17	أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ	الشعراء	146
18	مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ	النمل	89
19	يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ	القصص	31
20	أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ	القصص	57
21	أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ	العنكبوت	67
22	وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ	سبأ	18
23	لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ	سبأ	37
24	أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ	فصلت	40
25	يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ	الدخان	55
26	أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ	ملك	16
27	أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا	ملك	17
28	إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ	المعارج	28
29	الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ	قريش	4

از سیاق آیات دیده می شود که کار برد کلمه امن و مشتقات آن در سوره های مکی بیشتر است نسبت به سوره های مدنی که خود این بیان کننده ضعف امنیتی است، که مسلمانان در مکه امنیت خوب نداشته اند. که به چند امور مهم آن اشاره می شود.

1-: ضعف امنیتی نسبت به پائین بودن عدد مسلمانان در ابتداء و شدت و سختی کفار مکه بالای آنها و اذیت و آزار رساندن به مسلمانان، عبادت و دعوت اسلامی در خفا صورت می گرفت.

2-: قرآن کریم فقط به طور خفیه به زبان بیان می شد و امر به قتل داده نشده بود کسانیکه مظلوم واقع می شدند جز صبر چاره دیگر نداشتند.

آیات که در مکه مکرمه نازل شده است اکتفاء به ترساندن آنها از عذاب پروردگار می کرد و تذکر عذاب که پیش از آنها، نازل شده بود مثل خسف مسخ تا سبب عبرت آنها شود.

3-: ذکر امن در سوره های مکی بیان کننده حال مسلمانان است و تمیز بین مستحقین امن و مستحق عذاب، آیات مکی به مسلمانان قوت می دهد که کامیابی و پیروزی و امنیت از آن مسلمانان است از این طریق آنها را اطمینان می داد، ترس و هراس را از آنها دور می ساخت.

4-: الله متعال مسلمانان را به امنیت و قدرت در آینده وعده داده است که این باعث قوت و امنیت آنها می شد با وجود جریان ظلم بر آنها.

دوم: کاربرد لفظ امن و مشتقات آن در آیات مدنی

آیت های که در عهد مدنی آمده که کلمه امن و مشتقات آن در بر دارد در 17 جای و در 7 سوره و در 14 آیت ذکر گردیده است. چنانچه اشاره می شود.

شماره	شاهد از آیات	اسم سورها	شماره آیات
1	وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا	البقرة	125
2	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا	البقرة	126
3	فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ	البقرة	196
4	فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم	البقرة	239
5	فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ	البقرة	283
6	وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِقِطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ	الاعمران	75
7	وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ	الاعمران	75
8	فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا	الاعمران	97
9	ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً	الاعمران	154
10	وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ	النساء	83
11	سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ	النساء	91
12	إِذْ يُعَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ	الأنفال	11
13	فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ	التوبة	6
14	وَلْيُبَدِّلْ لَهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا	النور	55
15	لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ	الفتح	27

از خلال آیات قرآنکریم دیده می شود که کلمه امن و مشتقات آن در عهد مدنی مناسب حال مسلمانان در مدینه آمده بخاطر ارتباط با اهل کتاب و باغیر اهل کتاب که در عهد مکی نبوده است این از چند جهت قوت مسلمانان را نسبت به عهد مکی می رساند.

1-: در سیاق آیات مدنی ذکر علاقه مادی و تنظیم آن بین مسلمانان و غیر مسلمانان مثل اهل کتاب و تعامل، و حفظ امانات در بین مسلمانان.

2-: کلمات امن و مشتقات آن در سیاق آیات مدنی ذکر قتال و ذکر منافقین و کید مکر آنها با مؤمنین و هم دستی آنها با دشمنان مسلمانان که بیان کننده ای قوت مسلمانان است.

3-: ذکر تأمین امنیت بیت الحرام برای طواف کننده گان و رکوع و سجده کننده گان که خود بیان کننده قوت مسلمانان را در مدینه می رساند. از خلال آنچه تذکر یافت معلوم می شود که در حالت ضعف احساس امنیت بیشتر است نسبت به حالت قوت، چنانچه زیادت امنیت دلالت بر قوت دارد، یعنی امنیت بیشتر بیان کننده قوت بیشتر است. بناء حال مسلمانان در مدینه تغییر یافته که دارای دولت و نظام دولت داری است که از حدود خود دفاع می کند و در سیطره خود دارای قانون و نظام است.

مبحث دوم: جایگاه امنیت در قرآنکریم

بر کسی پوشیده نیست، که یکی از اهداف دعوت قرآنکریم بعد از ایمان و توحید تأمین امنیت است. در جریان تطبیقات برنامه اسلامی، ایمان و توحید خود یکی از وسائل فراهم آوری امنیت است، یکی از دستورات قرآنکریم تأمین استقرار امنیت فردی و اجتماعی است که بدون امنیت سعادت و نیک بختی میسر نمی شود و نه کدام پیشرفت مادی و معنوی صورت می گیرد. امنیت از اموری اساسی است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان به گونه ای قابل توجه، مورد نیاز است. و آموزه های قرآن بدان جهت که پاسخ گوی نیازهای واقعی انسان هاست بدین مهم، نیز توجه شایسته ای نموده است. در آیات قرآن، سخنان فراوانی در اهمیت و جایگاه ارزنده امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ - الَّذِي أَطَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ) ترجمه: بایستی خداوندگار این خانه (خدا، کعبه) را بپرستند (که این امن و امنیت را در طول راه و در شهرها و کشورهای پر از کشمکش و ستم و جنگ و غارت، برای ایشان فراهم آورده است) خداوندگاری که از گرسنگی ایشان را رهانیده است و خوراکشان داده است، و آنان را از خوف و هراس (راهزنان قبائل در راهها، و ستمگران و قلدان در شهرها و کشورهای، رهائی بخشیده است و) ایمن ساخته است.

مطلب اول : اهمیت امنیت در نزد ابراهیم علیه السلام.

ابراهیم علیه السلام هنگام اعمار، بیت الله از پروردگار خود دوچیزی که بسیار اهمیت داشت خواست، و دیگر اینکه درخواست ابراهیم علیه السلام از الله متعال عمق اهمیت امنیت را میرساند، از الله متعال جز رهنما و امنیت نخواست، زیرا این دو فراهم کننده همه است.

اول:- درخواست ابراهیم علیه السلام اینکه از ذریش پیامبری در آخر زمان مبعوث گرداند. رهنما سبب قوت قلب و امنیت مردم می شود. چنانچه الله متعال از زبان ابراهیم علیه السلام می فرماید: (رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (1) ترجمه: ای پروردگار ما در میان آنان پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فروخواند و کتاب و حکمت را بدیشان بیاموزد و آنان را پاکیزه نماید، بی گمان تو عزیز و حکیمی. مراد از (رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ) این دعوت ابراهیم و اسماعیل خاص برای رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) است. (2) چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (أَنَا دَعَوْتُ إِبْرَاهِيمَ وَكَانَ آخِرَ مَنْ بَشَّرَ بِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ) (3) مفهوم (وَيُزَكِّيهِمْ) پاکیزه گرداند ایشان را به تربیه اعمال نیک و ترک اعمال بد. (4) چون وجود پیامبران مایه آسایش و آرامش برای پیروانش است بناء الله متعال آئین ابراهیم علیه السلام را آئین آسایش و آرامش یادکرده جز آدم نادان دیگر کسی از آن روی گردان نمی شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَنْ يَزْعُبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) (5) ترجمه: چه کسی از آئین ابراهیم رویگردان خواهد شد مگر آن که خود را خوار و کوچک داشته، و ما او را در این جهان برگزیدیم و او در جهان دیگر، از مرده شایستگان است. مراد از (إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ) کسیکه آنچه به نفع و ضرر خود آگاه نباشد. (6)

دوم: امنیت درخواست ابراهیم علیه السلام

اینکه حرم الهی را برای همه امنیت بگردان و از دست ظالمان که در این شهر مکه تسلط پیداکنند و از خسف غرق درامن داشته باش. (7) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ) (8) ترجمه: آن گاه که ابراهیم گفت: خدای من این شهر را پر امن و امانی

1 - سوره البقره ، آیه 129.

2 - تفسیر طبری، ج 3 ص 82.

3 - السراج المنیر فی ترتیب احادیث صحیح الجامع الصغیر المؤلف: الحافظ جلال الدین السیوطی - العلامة محمد ناصر الدین الألبانی رتبه وعلق علیه: عصام موسی هادی الناشر: دار الصدیق - توزیع مؤسسة الریان الطبعة: الثالثة، 1430 هـ - عدد الأجزاء: 1 صحیح ص 647.

4 - تفسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي. ج 1 ص 66.

5 - سوره البقره، آیه 130.

6 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، ج 10 ص 20.

7 - تفسیر طبری، ج 2 ص 45.

8 - سوره البقره، آیه 126.

گردان، و اهل آن را کسانی که از ایشان به خدا و روز بازپسین ایمان آورده باشند از میوه های روزیشان رسان و بهره مندشان گردان. گفت: و کسی را که کفر ورزد، مدت کوتاهی بهره مند می گردانم و سپس او را به عذاب آتش دچار می سازم، چه بد سرانجام و سرنوشتی است.

قول ابراهیم علیه السلام (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا) باقول الله متعال (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا) (1) مراد از دعای ابراهیم امنیت از قحطی گرسنگی تشنگی و دشمنی قتل قتال بوده و مراد از قول الله متعال: امن از دشمن از خسف و مسخ بوده است. (2) دعای ابراهیم علیه السلام بخاطر امنیت بود زیرا سرزمینکه نه زراعت باشد و نه درختان میوه و نه آبادی مسلم است که کسی نه به آنجا می آید و نه کس مایل به آمدن است. بناء ابراهیم علیه السلام دوجیزیکه باعث اجتماع انسان ها می شود از الله متعال خواست یکی امنیت دوم فراوانی رزق. والله متعال دعای ابراهیم علیه السلام را قبول کرد و امنیت برقرار ساخت و از هرگونه تجاوز و تعدی در امان است مکه مکرمه. (3) مراد از بلد (مکه است) ابراهیم علیه السلام در دعای خود شرط گذاشت که (مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ) چون دعای ابراهیم برای امامت ذریش در قسمت ظالمینش قبول نشد. الله متعال فرمود: در دنیا مؤمن و کافر را روزی میدهم چون روزی مثل امامت نیست روز دادن عدل است امامت فضل بناء خداوند جل جلاله هر که را لایق آن بداند برایش عطای می نماید. (4) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (5)

ترجمه: و (به خاطر آورید) آن گاه را که خدای ابراهیم، او را با سخنانی (مشتمل بر اوامر و نواهی و تکالیف و وظائف، و از راههای مختلف و با وسایل گوناگون) بیازمود و او (به خوبی از عهده آزمایش برآمد و) آنها را به تمام و کمال و به بهترین وجه انجام داد. (خداوند بدو) گفت: من تو را پیشوای مردم خواهم کرد (ابراهیم) گفت: آیا از دودمان من (نیز کسانی را پیشوا و پیغمبر خواهی کرد؟ خداوند) گفت: (درخواست تو را پذیرفتم، ولی) پیمان من به ستمکاران نمی رسد (بلکه تنها فرزندان نیکوکار تو را در بر می گیرد).

سوم: مستجاب شدن دعای ابراهیم به نزد الله متعال

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا) (6) ترجمه: به یاد آورید آن گاه را که خانه (کعبه) را پناهگاه و مأوای امن و امان مردم کردیم.

1 - سوره البقره، آیه 125.

2 - تفسیر حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن المؤلف: الشيخ العلامة محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي الهرري الشافعي إشراف ومراجعة: الدكتور هاشم محمد علي بن حسين مهدي الناشر: دار طوق النجاة، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001 م عدد الأجزاء: 33 (32) ومجلد للمقدمة ج 2 ص 262.

3 - لباب التأويل في معاني التنزيل، المؤلف: علاء الدين علي بن محمد بن ابراهيم بن عمر الشيجي أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفى: 741هـ) تصحيح: محمد علي شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، 1415 هـ / 1 79/.

4 - بحر علوم، المؤلف: أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن ابراهيم السمرقندي (المتوفى: 373هـ) ج 1 ص 92.

5 - سوره البقره آیه 124.

6 - سوره البقره، آیه 125.

1-: الله متعال حرم را مکان امن قرار داد و از امنیت به عنوان نعمت یاد کرده.

چنانچه الله متعال می فرماید: (أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُنَظِّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ) (1) ترجمه: مگر نمی بینند که ما مکه را حرم پر امن و امانی ساخته ایم، در حالی که دور و بر آنان مردم ربوده می شدند. آیا به باطل ایمان دارند و نعمت خدا را نادیده و ناسپاس می گذارند. آیا این قریشیان مشرک نمی فهمند که نعمت خود را به اینها تخصیص دادیم و ایشان را ساکن دادیم و تجاوز غارت جنگ را برای مردم حرام ساختیم و کسانی که در آنجا سکونت می کردند جان مال اهل عیال شان را امنیت دادیم طوری که از اطراف آنها مردم به قتل می رسیدند و مال شان به غارت می بردند، پس چرا شکر الله متعال را به ادای اطاعت و عبادت بجای نمی آوردند، و بر شرک و کفر روان هستند، و کافران را در دنیا رزق می دهیم ولی در آخرت محروم هستند. (2) مراد از (وَيُنَظِّفُ النَّاسُ) قتل غارت دارایی مردم که هیچ امانی نداشتند مگر در سایه کعبه. (3)

چهارم: امین و امانداری صفت انبیاء علیه السلام.

یکی از شرط اساسی و مهم برای برگزیدن انبیاء علیه السلام امین بودن است و این صفت را الله متعال به آنها داده چنانچه الله متعال می فرماید: (... وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ - أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّيْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) (4) پیغمبر بزرگوار به نزدشان آمد فرمود: بندگان خدا را به من بسپارید که من پیغمبر درستکارم. مراد از (رَسُولٌ كَرِيمٌ) موسی بن عمران علیه السلام است و مراد از کریم بزرگوار است بر قوم خود، و بزرگوار است در اخلاق خود. (5) الله متعال برای رسالت بهترین و گرامی ترین و خوش اخلاق ترین انسان را از بین بنده های خود انتخاب می کند و او را به پیغمبری مبعوث می گرداند برای قوم جاهل نادانش تا در نزد قوم خود مکانت و جایگاه خوبی داشته و به او تمائل و رغبت داشته باشند. (6) تمام پیامبران الله متعال این جمله برای قوم خود گفتند. چنانچه الله متعال از زبان پیامبران خود می فرماید: (أَلْيَعْلَمُ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ) (7) ترجمه: من احکام و اوامر پروردگار خود را به شما می رسانم و من اندرزگویی امینی برای شما هستم. پیامبران الله متعال برای قوم خود می گویند ای قوم من من پیش از مبعوث شدن به پیامبری در بین شما امین بودم. (8) پس چگونه امروز مر متهم می

1 - سوره العنکبوت، 67.

2 - أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، للجزائري ج 1 ص 112. وأيسر التفاسير أسعد حومد، در ج 1 ص 3289، این مطلب را آورده.

3 - تيسير التفسير المؤلف: إبراهيم القطان (المتوفى: 1404هـ)

4 - سوره الدخان، آیه 17-18.

5 - تفسير الماوردی، ج 5 ص 249.

6 - تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة) المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أبو منصور الماتريدي (المتوفى: 333هـ) المحقق: د. مجدي

باسلوم الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان الطبعة: الأولى، 1426 هـ - 2005 م عدد الأجزاء: 10 ج 9 ص 202.

7 - سوره الأعراف، آیه 68.

8 - معاني القرآن للفراء المؤلف: أبو زكريا يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الديلمي الفراء (المتوفى: 207هـ) المحقق: أحمد يوسف النجاتي / محمد علي النجار / عبد الفتاح إسماعيل الشلبي الناشر: دار المصرية للتأليف والترجمة مصر الطبعة: الأولى. ج 1 ص 384.

کنید. (1) ای قوم من من پیام رسان الله متعال برای شما هستم و امانتدار در آنچه که از طرف الله متعال برای من وحی شده است پس به نصیحت من گوش دهید و آنرا قبول کنید. (2)

پنجم:- امنیت بستر اقامه عبادت الله متعال

عبادت هم خود سکون آرامش بخش است زیرا بعد از ذکر امنیت عبادت تذکر یافته است چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (3) ترجمه: آن گاه که مکه را پناهگاه و مأوای امن و امان مردم کردیم و از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود برگزیدید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ما را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاک و پاکیزه گردانند. تفسیر خازن روایتی را از ابن عباس ذکر کرده که ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: که روز فتح مکه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود: که در حرم شریف قتل و فسق فجور از روز خلق زمین و آسمان الی روز قیامت حرام است و نه به کسی قبل از من حلال بود و نه بعد از من حلال است برای من فقط برای ساعتی از روز جواز داده شده بود. (4)

مطلب دوم: امن صفت بهترین مکان در دنیا و آخرت

امنیت در قرآن کریم خیلی مسئله مهم است، به اندازه که الله متعال بهترین مکان مقدس در روی زمین را به امین صفت کرده است و به آن قسم یاد کرده است.

اول:- امنیت صفت بهترین مکان در دنیا

امنیت سبب تمایل انسانها و تجمع آنها می شود، بناء الله متعال بهترین مکان را به امن صفت کرده تا مردم به آن تمایل بیشتر داشته باشند زیرا در صورت نا امن بودن راه و شهر امکان ادای حج هم نیست. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) (5) ترجمه: سوگند به این شهر که دارای امن و امان است. شهری که دارای امنیت بوده باشد اهل آن از جنگ، دشمنی در امنیت بسر می برند. (6) مراد از (الْبَلَدِ الْأَمِينِ) شهر مکه است امین اشاره به حرام بودن قتل و قتال و غارت دارایی مردم است. (7) ا:- الله متعال به شهر امن قسم یاد کرده (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) ترجمه: سوگند به این شهر امین (مگه) این آیات دلالت بر عظمت امنیت دارد زیرا الله متعال به هر آنچه قسم یاد کند بزرگی آنرا میرساند، گویا خیلی با اهمیت است این گوش زد به بنده های الله متعال است که باید به آن توجه بیشتر داشته باشند.

1 - بحر العلوم لسمرقندی ج 1 ص 526.

2 - جامع البيان في تأويل القرآن، تفسير طبري، ج 12 ص 504.

3 - سورة البقرة، آیه 125.

4 - لباب التأويل في معاني التنزيل، ج 1 ص 77.

5 - سورة التين، آیه 4.

6 - جامع البيان في تأويل القرآن، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ) المحقق: أحمد

محمد شاکر الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م عدد الأجزاء: 24، ج 24 ص 505.

7 - التفسير الحديث، المؤلف: دروزة محمد عزت، ج 2 ص 163.

دوم:- أمن صفت بهترین مکان در آخرت

بهشت یکی از مکان مقدس الهی است که به مسلمانان وعده داده شده است و الله متعال آنرا به مکان امن صفت کرده، که باعث آرامش و سکون روحی و روانی مؤمنین می شود.

1-: بهشت مکان است که از هرنگاه امین است تمام آرزوها برآورده می شود، همه مصروف خوشی سعادت اند، در آنجا چیزی نیست که انسان احساس نا امنی کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ) (1) ترجمه: پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند. (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ) (2) ترجمه: بی گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران بسر می برند. (مَقَامٍ أَمِينٍ) مکان امن که اهل آن در امنیت باشد، امین ضد خائن است زیرا مکان که امنیت نداشته باشد با اهلش خیانت می شود. (3) آیه مبارکه می رساند که بهشت مکان امن برای متقیان است و امنیت کامل را دربردارد، کسانیکه داخل بهشت می شوند دارای آسایش و آرامش کامل می باشند.

2-: برای بهشتیان گفته می شود داخل شود به سلامت و امنیت

و هم چنانچه الله می فرماید: (ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ أَمِينٍ) (4) ترجمه: با اطمینان خاطر و بدون هیچ گونه خوف و هراسی به این باغها و چشمه سارها در آئید. و هم چنان می فرماید: (ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ) (5) ترجمه: فرشتگان بدیشان می گویند: به سلامت وارد بهشت شوید امروز، روز جاودانگی است. جاودانگی بهشت با تمام مواهب و نعمت هایش، روز بقاء و ماندگاری همیشگی. الله متعال در این دو آیه شریف تذکر داده کسانیکه از اوامر الله متعال اطاعت می کنند و از نواهی یعنی از معصیت دوری می کنند جای شان بهشت است و در آن داخل شوید در امن امان از عذاب الله متعال، و با اکرام با انواع از نعمت های پروردگار خود در بهشت. (6) مراد از (بِسَلَامٍ) سلامت از عذاب و زوال نعمت الله متعال در بهشت. (7)

3-: کینه حسد در دلشان وجود ندارد

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) (8) ترجمه: و کینه توزی و دشمنانگی را از سینه هایشان بیرون می کشیم، و برادرانه بر تختها رویاروی هم می نشینند. مراد از (غِلٍّ) حقد و حسد است که از دل آنها کشیده و ابلیس به آنها قدرت و تسلط ندارد که باعث

1 - سوره الدخان، آیه 51.

2 - سوره الحجر، آیه 46.

3 - الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشری جار الله (المتوفی: 538هـ) الناشر: دار الكتاب العربي - بیروت الطبعة: الثالثة - 1407 هـ عدد الأجزاء: 4. ج 4 ص 282.

4 - سوره الحجر، آیه 46

5 - سوره ق، آیه 34.

6 - جامع البیان فی تأویل القرآن، المؤلف: محمد بن جریر بن زبید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبری (المتوفی: 310هـ) المحقق: أحمد محمد شاکر الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م عدد الأجزاء: 24، ج 17 ص 107.

7 - الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 4 ص 390.

8 - سوره الحجر، 47.

دشمن و حسادت آنها شود. (1) اکثر قتل قتال و غارت اموال ناشی از کینه و حسد است که این خود عامل پریشانی شده امنیت روحی و روانی را از بین می برد. تمام رقابت های ناسالم که آخرش سبب نابودی انسانها و نا امنی جامعه می شود برخاسته از کینه و حسد است.

4-: بهشت مکان امن پاداش برای صابران

أ-: صبر: در لغت: استواری و استقامت در برابر مشکلات و مصیبت ها است، و یا دوری از جزع فرع. (2) چنانچه الله متعال می فرماید: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) (3) ترجمه: درود تان باد به سبب شکیبائی و استقامتی که داشتید، چه پایان خوبی. در وقت داخل شدن به بهشت ملایکه در حال پذیرای برایشان می گوید (سلام علیکم) سلامتی باد برای شما از آفات به سبب صبر و استقامت در طاعت الله متعال و دوری از معصیت آن بناء بهشت که از هر لحاظ دارای امنیت است عاقبت نصیب شما است. (4) چنانچه الله متعال می فرماید: (جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ) (5) ترجمه: باغهای بهشت است که جای ماندگاری است، و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود بدانجا وارد می شوند که صالح، باشند و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد می شوند. داخل می شوند به بهشت مؤمنان و صالحان همراه پدر و اولاد و همسران شان جایکه دارای امنیت و آرامش کامل است و این دلالت دارد بر اینکه عمل صالح سبب داخل شدن به بهشت می شود تنها نسب بدون عمل نیک فایده ندارد. (6) چنانچه الله متعال می فرماید: (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ - إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) (7) ترجمه: آن روزی که اموال، (یعنی نیروی مادی)، و اولاد، (یعنی نیروی انسانی، به کسی) سودی نمی رساند بلکه تنها کسی (نجات پیدا می کند و از اموالی که در راه آفریدگار صرف، و از اولادی که در مسیر پروردگار رهنمود کرده باشد، سود می برد) که با دل سالم (از بیماری کفر و نفاق و ریا) به پیشگاه خدا آمده باشد.

مطلب سوم: ارزش های معنوی مایه آرامش

از سیاق آیات قرآن کریم معلوم می شود که ارزش های معنوی مرجع و منبع امنیت است این ارزش های معنوی عبارت از ایمان و توحید و عمل نیک است زیرا این ها انسان را به آرامش رسانده اعتماد و باورمندی را بیشتر ساخته سبب سعادت دارین می شود.

1 - التفسير الواضح المؤلف: الحجازي، محمد محمود، ج 2 ص 284.
2 - منتخب من صحاح الجوهری المؤلف: أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي (المتوفى: 393هـ).
3 - سورة الرعد، آیه 24.
4 - المختصر في تفسير القرآن الكريم تصنيف: جماعة من علماء التفسير إشراف: مركز تفسير للدراسات القرآنية الطبعة: الثالثة، 1436 هـ عدد الأجزاء: 1 ص 252.
5 - سورة الرعد، 23.
6 - التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج 13 ص 155.
7 - سورة الرعد، آیه 89-90.

اول: ایمان مایه آسایش و آرامش

چنانچه الله متعال می فرماید: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا بِإِيمَانِهِمْ) (1) ترجمه: خدا است که به دل‌های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. مراد از (أَنْزَلَ) ایجاد کردن و پدیدآوردن است و از (سَكِينَةً) ثبات و اطمینان است که از سکون قلبی گرفته شده است که قلب مؤمنان در وقت اضطراب و پریشانی هم دارای آرامش و سکون قلبی بوده که سبب تقوی یقین و باورشان در دین می شود. (2)

1- نزول آرامش برای مؤمنین به ویژه در سختی‌ها و میدان‌های جنگ

چنانچه الله متعال می فرماید: (أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ) (3) ترجمه: سپس خداوند آرامش خود را نصیب پیغمبرش و مؤمنان گرداند. سَكِينَتُهُ: کمک که به انسان آرامش میدهد و یا به آن آرامش می گیرد. (4) الله متعال با ایجاد آرامش و اطمینان در قلب مسلمانان روزحین در مقابل دشمنان اسلام با وجود کثرت شان کامیاب بی نصیب مسلمانان شد و به مسلمانان قوت قلبی ایجاد کرد که سبب از بین رفتن ترس خوف مسلمانان شد و غنیمت زیادی بدست شان رسید. (5)

2- خواب خفیف در جنگ عامل امنیت و قوت روحی مؤمنان

خوف و ترس سبب زوال خواب و راحت انسان می شود، خصوصا در وقت جنگ نسبت به عدد زیاد دشمن و تسلیحات آن ترس هراس سرا پا را فرا می گیرد، خواب سبک (نعاس) در این وقت باعث حاصل شدن امنیت و راحت فکری و روحی می شود اگرچه این خلاف عادت است و این در حکم معجزه داخل می شود. (6) چنانچه الله متعال می فرماید: (إِذْ يُغَشِّبُكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رَجَزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ) (7) ترجمه: به یاد آورید زمانی را که خواب سبکی بر شما افکند تا مایه آرامش و امنیت از ناحیه خدا گردد، و از آسمان آب بر شما باراند تا بدان شما را پاکیزه دارد و کثافت شیطانی را از شما به دور سازد، و دل‌هایتان را ثابت نماید، و گامها را استوار دارد. این خواب سبک دو: وجه دارد اول اینکه سبب رفع ترس هراس از دشمن شد دوم اینکه سبب رفع خسته گی و قوت و آرامش قلبی در مقابل دشمنان در جنگ بدر شد. و بارش باران سبب رفع تشنگی و پریشانی مسلمانان نسبت به تسلط دشمنان اسلام به آب شد که پیش از مسلمانان کفار بر آب بدر تسلط پیدا کرده بودند. (8)

1 - سوره الفتح، آیه 4.

2 - التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج 26 ص 154.

3 - سوره التوبه، 26.

4 - تفسير التعالی، الجواهر الحسان فی تفسير القرآن، ج 3، ص 173.

5 - الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، ج 8 ص 101.

6 - تفسير خازن، ج 2، ص 297.

7 - سوره الانفال، آیه 11.

8 - تفسير القرطبي، ج 7 ص 372.

3-: سرپرستی و دوستی الله مایه آرامش مؤمنان است.

چرا مؤمنین ترس بیم ندارند، زیرا الله متعال سرپرستی مؤمنان را به عهده دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (1) ترجمه: خداوند متولی و عهده دار کسانی است که ایمان آورده اند. ایشان را از تاریکی های بیرون می آورد و به سوی نور رهنمون می شود. تعدادی به عیسی علیه السلام ایمان آورده بود و تعداد ایمان نیاورده بودند کسانی که به عیسی ایمان نیاورده بودند به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) ایمان آوردند و کسانی که ایمان به عیسی علیه السلام آورده بودند به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) ایمان نیاوردند، الله متعال از تاریکی کفر بیرون کرد ایشان را و به نور اسلام داخل کرد ایشان را. (2) الله متعال سرپرست، دوست و کمک کننده مسلمانان است و آنها را از تاریکی کفر معاصی نجات داده به طرف اسلام که همانا نور و هدایت است سوق داده. (3) که سبب آرامش و امنیت در دنیا و آخرت می گردد. از آیه مبارکه چنین معلوم می شود که (مِنَ الظُّلُمَاتِ) همان تاریکی ترس و وحشت است که انسان به آن به سبب کفر الحاد دچار می شود، و (إِلَى النُّورِ) همان نور هدایت است که به سبب ایمان و عمل صالح به آرامش و امنیت می رسد و این هدایت و آرامش از طرف الله متعال است که نصیب بنده های نیک خود می نماید.

4-: همکاری متقابل مؤمنان مایه امنیت یکدیگر

دوستی سبب همکاری می شود یعنی هرگاه در جامعه محبت در بین مردم بیشتر شود همکاری و دستگیری بیشتر می شود بناء مؤمنین دوست و همکار یکدیگر اند چنانچه الله متعال می فرماید: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (4) ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات را می پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند، خداوند توانا و حکیم است. (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ) این بیان کننده حال خوب مردان و زنان مؤمن در همکاری

1 - سوره البقره، آیه 257.

2 - تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم، ج 2 ص 497.

3 - تفسیر ابی السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، ج 1 ص 250.

4 - سوره التوبه، آیه 71.

وحمایت در کارهای خوب یکدیگر است. این عمل کرد مؤمنان سبب ایجاد امنیت روحی و روانی شده سعادت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.(1)

5- استقرار وثابت قدم ماندن بر ایمان سبب آرامش و نجات از عذاب است

استقامت در هر کار مطلوب است خصوصاً بر ایمان زیرا ایمان سبب آرامش و امنیت دنیا و آخرت می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ)(2) ترجمه: کسانی که می گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس پابرجا و ماندگار می مانند فرشتگان به پیش ایشان می آیند که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که به شما وعده داده شده است. مراد از (اسْتَقَامُوا) استقامت بر اعمال و گفتار و وفق ایمان شان که این سبب طلب رحمت از طرف ملائکه می شود.(3) کسانی که ایمان ندارند در دنیا و آخرت آرامش ندارند. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يُلْجِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)(4) ترجمه: کسانی که آیات ما را مورد طعن قرار می دهند و به تحریف آن دست می زنند، بر ما پوشیده نخواهند بود، آیا کسی که به آتش دوزخ انداخته می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان، روز قیامت می آید هر کاری که می خواهید بکنید، اومی ببند هر آنچه را که انجام می دهید. (أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) این تمثیل است برای مؤمن و کافر.(5) (أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ) مراد أبو جهل و الأمان: عمار، یاعمر. یا أبو جهل و أصحاب آن و الأمان الرسول صلی الله علیه و سلم و أصحاب آن، و یا همه کافرین و مؤمنین.(6) (آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) معلوم که این خیر است در امان بودن از عذاب روز قیامت بهتر است.(7)

دوم: توحید مایه امنیت

توحید سبب تأمین آسایش و آرامش در دنیا و آخرت می شود، براهیم علیه السلام را قومش از خدای خود می ترساندن ابراهیم علیه السلام در جواب قوم خود می فرماید: (وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)(8) ترجمه: چگونه من از چیزی که (بی جان است و بت نام دارد و از روی نادانی) آن را انباز (خدا) می سازید می ترسم؟ و حال آن که شما از این نمی ترسید که برای خداوند (جهان که همه کائنات گواه بر یگانگی او است) چیزی را انباز می سازید که خداوند دلیلی بر (حقانیت پرستش) آن برای شما نفرستاده است؟ پس

1 - تفسیر ابي السعود. ج 4 ص 82.

2 - سوره فصلت آیه 30.

3 - تفسیر بیان المعانی، ج 4 ص 15.

4 - سوره فصلت، آیه 40.

5 - تفسیر نسفی ج 3 ص 238.

6 - تفسیر عزین عبدالسلام ج 3 ص 133.

7 - تفسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، لسعدی ج 1 ص 750.

8 - سوره الانعام، آیه 81.

کدام يك از دو گروه (بت پرست و خداپرست) شایسته تر به امن و امان (و نترسیدن از مجازات یزدان) است، اگر می دانید (که درست کدام و نادرست کدام است)؟

کسانیکه بر توحید استوار هستند یعنی در هیچ عمل خود کسی را شریک نمی گرداند فقط بخاطر رضای الله متعال اعمال خود را انجام می دهند مستحق امنیت کامل و هدایت تمام هستند. (1) چنانچه الله متعال در این آیه مبارک می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (2) ترجمه: کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرك نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزاوار است، و آنان راه یافتگان هستند. (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَرَعٍ يَوْمِئِذٍ آمِنُونَ) (3) ترجمه: کسانی که کارهای پسندیده انجام بدهند، پاداش بهتر و والاتری از آن خواهند داشت، و در آن روز چنین کسانی در امن و امان بسر می برند. مراد از بالحسنه (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) است. (4) مراد از حسنه هر آنچه که انسان می گوید و انجام میدهد، که شامل سخن نیک و نطق به شهادتین و انجام دادن هر آنچه که الله متعال انسان را به آن مکلف کرده است فرائض و واجبات و دوری از سیئات و شبهات. (5)

عبادت استوار بر توحید باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: (قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (6) ترجمه: بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است. الله متعال بعد از ایمان عمل صالح را سبب امنیت دانسته است. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (7) ترجمه: کسانی که ایمان داشتند، و یهودیان، و مسیحیان، و ستاره پرستان و فرشته پرستان، هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی بر آنان نیست و غم و اندوهی بدیشان دست نخواهد داد. چنانچه در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (8) ترجمه: و کسانی که ایمان آورده اند و کردار پسندیده و افعال شایسته انجام داده اینان اهل بهشت بوده و جاودانه در آن خواهند ماند. کسانیکه ایمان آورده اند و آنچه از دین گذاشتیم عمل کنند برایشان بهشت است که برای همیشه در آنجا زندگی میکنند این آیت این را می رساند عمل خیر و شر بنده ها از بین نمی رود بلکه به همایشان در آخرت انتقال می کند و برای همیشه می باشد. (9) کلمه

1 - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، لسعدی. ج 1 ص 263.

2 - سوره الانعام، آیه 82.

3 - سوره النمل، آیه 89.

4 - تفسیر السمعی، ج 4 ص 118.

5 - تفسیر البسیط لطنطاوی.

6 - سوره الانعام، آیه 162.

7 - سوره البقره، آیه 62.

8 - سوره البقره، آیه 82.

9 - تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم، ج 1 ص 159.

(خَالِدُونَ) بیان کنند این نکته است که در آنجا امنیت از هرنگاه تأمین است زیرا دوام جریان نمی کند مگر با امنیت یعنی کسانی که اعمال شایسته انجام میدهند در بدل عمل نیک شان جنت را بدست می آورند که این جنت مکانی است دارای امنیت عام و تام که زوال نا پذیر است مکان گوارا و خوشایند.

سوم: خلافت مایه امنیت

خداوند یکی از اهداف برپایی حکومت صالحان را تحقق امنیت در جامعه بشری ذکر کرده است: زیرا خلیفه در کوشش فراهم آوری امنیت و زدودن خوف و ترس از جامعه است و مسؤولیت آنرا به عهده دارد و سبب خلیفه شدن آن هم ایمان و عمل نیک است که مردم به آن اعتماد می کنند و از دستورات آن پیروی می کنند. یعنی هرگاه ایمان، توحید و عمل نیک یکجا شود سبب امنیت، آرامش، عبادت و رضایت پروردگار در دنیا و در آخرت می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخُلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (1) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بپوشان آنرا به ایمانی مبدل گرداند، مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هرکس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند. این آیه وعده جمیل و زیبایی است که خداوند به مؤمنان که عمل صالح دارند، داده است. به آنان وعده داده که به زودی جامعه ی صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترس می کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. بدین گونه، خداوند به مؤمنان که کارهای صالح و شایسته انجام می دهند و به یاری خداوند، حکومت جهانی عدل محور را پدید خواهند آورد، نوید امنیت و آرامش و از میان رفتن همه ی اسباب ترس و وحشت را داده است. (2)

مبحث سوم: انواع امنیت

امنیت انواع متعدد و مختلف دارد که ابعاد مختلف زنده گی را شامل می شود هیچ گوشه از زنده گی نیست که به امنیت ضرورت نداشته باشد، تمام امور زنده گی نیاز مند امنیت است. دکتور عبدالعاطی در کتاب الأمن سیاحتی امنیت را به بیست پنج نوع ذکر کرده.

1 - سوره النور، آیه 55.

2 - التفسیر القاسمی = محاسن التأویل، ج 7 ص 403.

1-امن سیاسی 2- امن جنائی 3- امن فامیلی 4- امن اجتماعی 5- امن قومی 6- امن وطنی 7- امن اسلامی 8- امن دولتی 9- امن وظیفوی 10- امن میحیطی 11- امن صناعی 12- امن صحی 13- امن آبی 14- امن غذائی 15- امن اخلاقی 16- امن معلوماتی 17- امن تاریخی 18- امن دوائی 19- امن سیاحی 20- امن فکری 21- امن دینی 22- امن نفسی 23- امن اقتصادی 24- امن عقدی 25- امن ثقافی.(1) به آنچه مربوط موضوع می شود اکتفا می کنیم.

مطلب اول: امنیت خانواده

خانواده از ابتدای تاریخ تا اکنون به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بناء محکم و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد را کانون تربیت می شمارد. نیک بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بناء وابسته می داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دست یابی به آرامش برمی شمارد از آنجای که محل تجمع خانواده خانه است یعنی محل که دارای امنیت کامل آرامش کامل و محبت وجود دارد خانه است که سبب تجمع افراد خانواده می شود.

اول: جایگاه خانه در تأمین امنیت: واژه ی بیت به معنای خانه، و جمع آن بیوت در قرآن کریم آمده است. با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن به کلمه بیت، چنین بدست می آید که این مکان مسقف محدود که محل اجتماع و زیست جمعی بشر و اولین محیط رشد و پرورش است، مورد عنایت حق بوده و بر حسب کارایی و جایگاهش در حیات انسانی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می شود:

1-: خانه محل اسکان: اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه ی این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می دهد و می فرماید: (وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ)(2) ترجمه: خدا است که خانه هایتان را محل آرامش و آسایشتان گردانده است، واز پوستهای چهارپایان چادرهایی برایتان ساخته است که در سفر و حضر خود آنها را سبک می یابید، و از پشم و

1 - الامن السياحتی ص 29.

2 - سوره النحل، آیه 80.

كرك و موي چهارپايان وسائل منزل و موجبات رفاه و آسایش شما را فراهم کرده است که تا مدتی از آنها استفاده می کنید. سکن بمعنی خانه است و به جزم کاف به معنای اهل بلد. (1) واژه سکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله ی آن تسکین یابد، و یا به طرف او آرامش پیدا می کند. (2) انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رهاشدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محرمانه نیاز دارد. اگر خانه تامین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود.

دوم-: خانه محل امن برای ذکر و تلاوت آیات الهی

(وَأَذْكُرَنَّ مَا يُنْتَلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا) (3) ترجمه: آیات خدا و سخنان حکمت انگیز را که در منازل شما خوانده می شود بیاموزید و بدیگران یاد کنید. بی گمان خداوند دقیق و آگاه است. این لطف پروردگار در حق ازواج رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بوده که آنها را به همسری محمد (صلی الله علیه وسلم) انتخاب کرده در خانه کی آیات قرآن کریم و سنه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) تلاوت و تعلیم داده می شود. (4) مراد از (آیات) قرآن کریم و مراد از (الْحِكْمَةِ) سنه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) است. (5) آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) است و نکاتی از آن برداشت می شود: فضایی که از خانه و خانواده نصیب انسان می شود، ارزشمند است و باید برای بکارگیری در زندگی حفظ شود. (6) خانواده ی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) الگویی برای همه خانواده ها است لذا باید بیش از دیگران مراقب امتثال اوامر الهی باشند. هر فرد باید حافظ شئون، موقعیت و آبروی خانواده خود باشد. محیط آرام و مانوس خانه، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است اما چنانچه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می گرداند، چنانکه خطاب به رسول گرامیش می فرماید: (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) (7) ترجمه: (اگر در جستجوی این نور پرفروغ هستید ، آن را بجوئید) در خانه هائی که خداوند اجازه داده است برافراشته شوند و در آنها نام خدا برده شود (و با ذکر و یاد او، و با تلاوت آیات قرآنی، و بررسی احکام آسمانی آباد شود. خانه های مسجد نامی که) در آنها سحرگاهان و شامگاهان به تقدیس و تنزیه یزدان می پردازند. رفعت و علو حقیقی خاص خداوند متعال است؛ خانه ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و رفیع است. آنچه از آیه فوق

1 - تفسیر الثعلبی ج 6 ص 92.

2- تفسیر خازن، ج 3 ص 92.

3- سوره الاحزاب، 34.

4 - جامع النبیان فی تأویل القرآن، ج 20 ص 268.

5 - تفسیر الثعلبی، الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، ج 8 ص 45.

6 - التفسیرُ التبیُّطُ للواحیدی، ج 18 ص 241 .

7 - سوره النور، آیه 36.

استفاده می شود، این است که اگر خانه از هر پلیدی و لوثی منزله بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزین شود، رفعت می یابد و از یک چهار دیواری سرد و بی روح خارج می شود و هر چه صبغه ی الهی و معنویت بیشتر شود، مقامی رفیع تر که مصداق کامل آن کعبه، خانه ی خدا است. مراد از بیوت درآیه فوق تمام مساجد روی زمین است. ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: مساجد خانه الله متعال در روی زمین است و روشنی است به اهل آسمان چنانچه ستاره های آسمان روشنی است به اهل زمین. مراد از بیوت چهار مسجد شریف است که بدست انبیاء اعمار شده است.(1)

1-: کعبه: کعبه را ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام اعمار کرده اند .

2-: بیت المقدس: را داود و سلیمان علیهما السلام اعمار کرده اند.

3-: مسجد مدینه و مسجد قباء را رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اعمار کرده است.(2)

در مفهوم بیوت دو قول است

1-: مراد از بیوت تمام مساجد است. ابن عباس، الحسن، و مجاهد.(3)

2-: مراد از بیوت تمام خانه ها عکرمه.(4)

سوم-: خانه محل رابطه و آسایش یکدیگر

خانه یگانه محل برای آرامش اهل آن است بناء رابطه خوب و پاک می خواهد که به آن امنیت ایجاد شود بناء هر وقت که روبرومی شوند با کلمه آرامش دهنده (اسلام علیکم) شروع می کنند یعنی بعضی بر بعضی دیگر خود طلب سلامت و آرامش می کنند که آن عبارت از لفظ (سلام) است اگر در خانه کسی نبود بگوید: (السَّلَام عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ)(5) بناء می توان با این روش ارتباط را شروع کرد که سبب انس و الفت شود چنانچه الله متعال می فرماید: (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً)(6) ترجمه: هر وقت داخل خانه هائی شدید بر همدیگر سلام کنید، سلام پر برکت و لبریز از خیر و ثواب فراوان، و تقویت کننده پیوند موجود میان دلهاي مردمان، و درود پاکی که به فرمان خدا مقرر است و موجب صفا و صمیمیت می گردد. این هم تعبیر زیبا و دل انگیزی است درباره نیروی رابطه موجود در میان افراد مذکور در آیه. کسی که از آنان سلام کند بر خویشاوند خود یا دوست خود، در اصل بر خوشتن سلام می کند. سلام و درودی که می دهد، سلام و درودی است از سوی خدا. آن رحمتی را دربر دارد که نسیم آن از آستانه قدس الهی می وزد، و آن عطری که به مشام می رسد از گل بوستان خداوندی است. میان ایشان پیوند محکمی برقرار می سازد که اصلاً گسیختن

1 - تفسیر البسيط للواحدی، ج 16 ص 290.

2 - تفسیر خازن، ج 3 ص 298.

3 - تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج 9 ص 230.

4 - تفسیر الماوردی، ج 4 ص 106.

5 - الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، للواحدی، ج 1 ص 770.

6 - سوره النور، 61

ندارد. بدین منوال و بر این روال میان دل‌های مؤمنان و پروردگارشان در هر کار کوچ و بزرگی ارتباط برقرار می‌سازد. (1) مقصود از سلام کردن بر خود، سلام بر اهل خانه است و اگر در اینجا نفرمود: بر اهل آن سلام کنید، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده است. علاوه بر این، همه مومنان و ایمان، ایشان را جمع کرده چون قوی‌تر از هم و هر عامل دیگری برای یگانگی است. خداوند می‌فرماید: بر اهل خانه سلام کنید؛ از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگار است، عالی‌ترین ایجاد رابطه میان اعضای خانواده آن است که با تحیت و سلام بر یکدیگر برخورد کنند و یاد خدا میان آنان باشد. این رابطه قدسی اگر در خانه برقرار شود، به طور قطع به جامعه نیز کشانده خواهد شد پس حقیقت سلام، گسترش امنیت و سلامتی در میان انسانهاست.

چهارم: لزوم حفظ حریم خانه. از نظر قرآن، خانه در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد؛ به قدری که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. یعنی بدون اجازه داخل خانه کس نباید شود.

1- با اجازه داخل خانه شود تا امنیت خانه ها حفظ شود

خداوند متعال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (2) ترجمه: ای مؤمنان وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن و سلام کردن بر ساکنان آن. این کار برای شما بهتر است. امید است شما مد نظر داشته‌اید. خداوند (جل جلاله) ورود به خانه‌های غیر را بدون اذن صاحب آن ممنوع گردانیده است. حرمت این حریم را مقدس می‌دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می‌کند و می‌آموزد که اهل بیت باید در روابط با یکدیگر، علاوه بر رعایت همه‌ی شئون انسانی در برخوردشان، از راه تکلم که نزدیکترین و شایعترین ارتباط است بیان می‌کند. ورود را با اجازه و با دادن کلمه سلام دستور داده است، و سلام واژه‌ای است که این پیام امنیت را در بردارد، علاوه بر آن که آرزوی سلامت و امنیت از جانب سلام‌کننده را ابلاغ می‌کند. از عدی بن ثابت روایت است: زنی انصاریه به نزد رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمد و عرض کرد: من در خانه خویش گاه‌گاه در شرایطی هستم که نمی‌خواهم هیچ‌کس مرا ببیند، در این حال اگر پدر، فرزند یا مردی از خویشان من وارد شوند، چه کنم در جواب، آیه کریمه نازل شد. (3) (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (4) تستانسوا یعنی تستاذنوا گفته شده است که استیناس طلب انس است و به این معنی است که در هیچ خانه‌ای که

1 - تفسیر فی الظلال ج 1 ص 194.

2 - سوره النور، آیه 27.

3 - تفسیر الثعالی، ج 7 ص 84.

4 - سوره النور، آیه 27.

ملک شما نیست وارد نشوید تا مطمئن شوید فردی در آن است و آنگاه اجازه بخواهید. ابن عباس می فرماید: در این آیه تقدیم و تاخر است؛ یعنی حتی تسلما و تستاذنوا، یعنی حتی تقولوا السلام علیکم، ادخل؛ سلام مستحب است و استیذان واجب استیناس طلب انس اینکه ببینند کسی است داخل خانه که اجازه بدهد. (1) بدون اجازه داخل نشوید اگر اجازه دادن داخل شوید اگر گفتن برگردید پس بدون معطل برگردید. (2) این برای تأمین اهل خانه صورت گرفته است.

2-: اگر کسی اجازه نداد برگردید

درحقیقت اهمیت امنیت خانه و خانواده را می رساند، اگر بدون اجازه داخل خانه شوند پس امنیت خانه از بین میرود و باعث نا امنی می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤَدَّبَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (3) ترجمه: اگر کسی را در خانه ها نیافتید بدانجاها داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود. اگر هم به شما گفتند: برگردید، پس برگردید. این پاکتر برایتان می باشد. الله متعال از کارهایی که می کنید آگاه است، یعنی اگر در خانه کسی را نیافتید تا اجازه دریافت کنید وارد نشوید. اگر کسی نبود داخل نشوید و یا اگر بود اجازه داخل شدن را نداد برگردید انتظار نکشید، چرا که این با عث امنیت و آرامش شما می باشد. اگر سه بار درزید جواب نشنیدید برگردید زیرا انسانها دارای احتیاجاتی می باشد. (4) خداوند خانه ها را جای آرامش فرموده است. مردمان بدانجاها برمی گردند، و در آنجاها ارواحشان می آساید، و دل‌هایشان می آرمند، و برزنان و نوامیس خویش ایمن می گردند، و سنگینیها و دشواریهای برحذر بودند و پرهیز کردند الله متعال ادب داخل شدن به خانه هارا برای مؤمنان میاموزد که داخل خانه های مردم نشوند مگر با اجازه و با دادن سلام تا امنیت خانه و اهل خانه و خود داخل شوند حفظ شود. (5) خانه ها این گونه و این سان نمی گردند مگر آنجاها حرم امن و امان شوند، و کسی اجاز ورود بدانجاها را نداشته باشد جز با آگاهی و با اجازه ساکنان آنجاها، آن هم هنگامی که اهالی خانه ها بخواهند، و حالت و وضعی را داشته باشند که بخواهند مردمان ایشان را با آن حالت و وضع ملاقات کنند. این به جای خود، گذشته از آن حرمت شکنی خانه ها به وسیله ورود بدون اجاز دیگران بدانجاها، چشمان بیگانگان وارد شونده به خانه ها را متوجه زنان و دختران می کند، و اندامهای فتنه انگیزی را می بینند که شهوات را برمی انگزند، و به گمراهی و گمراهسازی فرصت می دهند، گمراهی و گمراهسازی ای که از ملاقاتهای گذرانی و از نگاه های کوتاهی برمی خیزد و فراهم می آید که چه بسا تکرار می شود و به نگاه های

1 - تفسیر الثعالی، ج 7 ص 84.

2 - تفسیر السمعانی، ج 3 ص 516.

3 - سوره النور، آیه 28.

4 - تفسیر السمعانی، ج 3 ص 517.

5 - تفسیر ابن کثیر، ج 6 ص 36.

هدفداری تبدیل می گردند، نگاه های هدفداری که گرا یشها وکششهایی آنها را به جنبش درمی اندازند که همان ملاقاتهای نخستین بی هدف و بی انتظار آنها را بیدار می کند، و آنها را بعد از چند گام به ارتباط ها و دیدارهای بزهکارانه تبدیل می سازد، و یا آنها را به شهوتهای نامقدسی تغییر می دهد که عقده های روانی و کجرویها از آنها برمی خیزند و نشأت می گیرند که باعث برهم خوردن آسایش و آرامش خانواده می شود. (1)

4- مفهوم خانواده درقرآن کریم

ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ که سبب آسایش و آرامش روحی و روانی افراد خانواده می شود. چنانکه الله متعال می فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (2) ترجمه: از نشانه های او این است که از خود شما جفت هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند. مراد از (آیاتی) عظمت و قدرت الله متعال است. (3) مراد از (آیاتی) علامات ودلالات دلیل بر زنده شدن بعد از مرگ است. (4) هر دو تفسیر درست است زیرا خلق کردن از عظمت و قدرت پروردگار است و این دلالت بر زنده شدن بعد از مرگ می کند چون ایجاد کردن نسبت دوباره زنده کردن سخت است. در این آیه چند نکته و نقطه با اهمیت درباره خانواده وجود دارد که شایسته بررسی است:

أ- (مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا) همسرانی از خودتان

بر اساس این تعبیر رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده است. چنان که پیش تر اشاره کردیم انسان موجود اجتماعی است که رشد، شکوفایی و تکامل او در گرو ارتباط با دیگران و سختی ها و مشکلات این مسیر می باشد؛ چرا که راه کمال بی پایان است و در هر مرحله از مراحل زندگی و رشد، یک سلسله نیازهای ویژه درونی وجود دارد که خود را در عمل ارتباط با دیگران نشان داده و انعکاسی از نیاز درونی انسان نسبت به خواسته ها و ایده آل های اوست. پیوند میان زن و شوهر چیزی جز پیوند دوستی پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست. در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچ گونه ترس یا ملاحظه ای آشکار می شود، خانواده محیطی است که امکان

1 - تفسیر فی الظلال ج 1 ص 91.

2 - سوره الروم، آیه 21.

3 - الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية، المؤلف: نعمة الله بن محمود النخجواني، ويعرف بالشيخ علوان (المتوفى: 920هـ) الناشر: دار ركابي للنشر - الغورية، مصر الطبعة: الأولى، 1419 هـ ج 2 ص 118.

4 - فتح القدير لشوکانی، ج 4 ص 253. تفسیر المظهری ج 7 ص 229.

درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و بررسی آنها و رهایی از چنگ آنها با خودسازی بیش از هر جای دیگر میسر می شود. بنابراین در نگاه اسلام، آلودگی های درونی بدتر از زشتی های بیرون است و محیطی که در آن امکان ظهور و بروز نقاط منفی شخصیت بدون ترس از کیفر وجود دارد که همان خانواده است از این ویژگی نیز برخوردار است که امکان رهایی از آن ضعفا نیز در آن فراهم است. به هر حال با نیروی دوستی و محبت می توان به دشوارترین مقصودها رسید.

ب-: وجعل بینکم مودة: میانتان دوستی برقرار ساخت. دومین نقطه مهم در خانواده محبت بین زن و شوهر است؛ آنها با تعامل دوستانه و همکاری در مسیر شناخت خود و خدای خود به آرامش می رسند و در وادی امن الهی گام می نهند؛ از همین رو تعبیر (لتسکنوا الیها) در آیه شریفه آمده است.⁽¹⁾

ج-: لتسکنوا: تا آرامش یابید. (سکنی) دست یافتن به مقام سکونت و آرامش است و این تعبیر در قرآن اشاره به این واقعیت دارد که آرامش، مقام و موقعیتی است که انسان در پهنه هستی باید بدان دست یابد و از دیدگاه قرآن وظیفه خانواده زمینه سازی برای همین هدف است، حال چه برای زن و شوهر یا کسانی که راه آنان را ادامه می دهند؛ یعنی فرزندان.

د-: رحمة: اصل مهربانی. الفت زن و شوهر و همکاری آن دو با نیروی دوستی و محبت در مسیر کمال، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می آورد، پس پیوند سالم است که ضامن فراهم شدن زمینه مناسب برای ارتباط مسؤولانه و ماندگار است و این چیزی است که نوگامانی که در آغاز راهند، از آن الگو می گیرند و در روابط آینده شان با جامعه به عنوان سرمشق بدان می نگرند.

5-: روش و سلوک نیک والدین الگوی تأمین امنیت خانواده

پیامدهای رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابطشان با فرزندان است، بلکه نوع تعامل والدین با یکدیگر سنگ بنای شخصیت روانی فرزندان را می نهد که اگر سالم بود، رحمت به بار می آورد. منظور از سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر، بیشتر تلاش در جهت تعالی و تکامل دوسویه با وجود تفاوت های طبیعی و ذاتی است تا توافق و تفاهم میان آنها. بنابراین چنان که یک سری میان زن و مرد وجود دارد، یک سلسله تفاوت های مهم روانی نیز دارند؛ چنان که آیات کریمه زیر بدین نکته اشاره دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ)⁽²⁾ ترجمه: به آن که نروماده را می آفریند سعی و تلاش شما مختلف و گوناگون است. یعنی هدف و کارکرد و فعالیت و اندازه فعالیت و سعی و کوشش شما مختلف است نسبت به یکدیگر.⁽³⁾ یعنی تلاش زیادن کنید در تعلیم

1 - الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية، ج 2 ص 218.

2 - سوره البیل، آیه 3-4.

3 - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، لسعدی. ج 1 ص 926.

اولادخود. با این حال تا آنجا که به روحیات و ویژگی های شخصیتی مربوط می شود، تفاوت آنها همچون تفاوت فیزیولوژیک نیست و ارتباط به بعد زنانگی و مردانگی افراد ندارد. این شرایط اجتماعی، خانواده و فرهنگ است که عوامل مؤثر در شخصیت افراد به شمار می آید و دوگانگی هایی در چگونگی رفتار و کارهای زن و مرد می آفریند. اینجاست که رسالت خانواده یعنی تفاهم و دوستی متقابل برای کنار آمدن و تعامل با میلها و گرایشهای متفاوت به عنوان عناصر تشکیل دهنده واحد شخصیت انسان به صورت دقیق تعیین می شود. الله متعال انسان هارا به رنگ پوست ذوق تامل فکر خواهشات فنون مختلف خلق کرده که این سبب دوام زندگی شده است و باوجود این هم محبت دردل همه گی یکی است که به ازدواج علاقه و محبت دارند. (1) چیزی که راستی، اطمینان، فروتنی، تقوا و پرهیز از خودمحوری را می طلبد و فرزندان را وامی دارد تا از آن در روابط اجتماعی شان با دیگران الگو بگیرند، به گونه ای که تفاوت های فردی، اجتماعی و فرهنگی دیگران را همچون تفاوت های پدر و مادر خودشان از عوامل تکامل بدانند و این گونه تعامل است که زمینه تفاهم بین ملت ها و سازگاری بین باورهای گوناگون را فراهم می کند و سبب صلح و امنیت در سطح خانواده و جامعه می شود. پدر و مادر مسئول تربیت فرزندان شان به چنین روشی هستند. فرزندان، امانتهایی در دست پدر و مادرانند که باید از آنها مراقبت کنند، بدون این که احساس مالکیت نسبت به آنان داشته باشند. فرزند در رشد و بالندگی خود نیازمند عطف و مهربانی پدر و مادر است، که این محبت و مهربانی دواثر اساسی دارد.

أ-: هسته ضروری تکامل و ایجاد اطمینان اولیه در روح کودک است.

ب-: زمینه پیدایش روح دوستی و مهربانی در ارتباط کودک با دیگران می شود.

6- احترام به والدین سبب محبت و آرامش خانواده می شود.

فرزندان نیز یک سلسله مسئولیتهایی در برابر والدین دارند. از دیدگاه قرآن شایسته است که رفتار فرزندان در برابر پدر و مادر آمیخته با احترام و محبت باشد؛ و بر فرزندان لازم است که از پدر و مادر خویش نگهداری و مراقبت کنند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا). (2) ترجمه: پروردگارت مقرر فرمود که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، چنانچه یکی یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسند به ایشان سخنی رنجش آورنگو و بر سرشان فریاد مکن و با ایشان سخنی کریمانه بگو و با آنان مهربانانه فروتنی کن و بگو پروردگارا همان گونه که آنها مرا در کودکی پرورش دادند تو

1 - تفسیر القاسمی = محاسن التأویل، ج 8 ص 9.

2 - سوره الإسراء، آیه 23-24.

نیز آنها را مشمول رحمت خویش گردان. مراد از (إِحْسَانًا) خوبی کردن از هر نگاه گفتاری و رفتاری و قلبی که این سبب محبت به اولاد می شود. (1) هنگامیکه به بزرگ سالی برسند و احتیاج به لطف احسان پیدا کنند در مقابل آنها اوف نگویید زیرا این پائین ترین و ادنا ترین اذیت است که به آنها می رسد یعنی دیگر اعمال سری جایش از این ادنا ترین اذیت هم دوری کنید برای شان سخنان نرم بامحبت بگوید تا سبب آرامش و سکون قلبی و اطمینان خاطر آنها شود. (2) مراد از (وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ) کنایه از جهت نرم خوی در گفتار و لطف احسان در معاشرت و اهتمام بیشتر به تمام امور زنده گی شان. (3) بی گمان این احترام گذاشتن به معنای دعوت فرزند به تقلید و رهروی از پدر و مادر بدون تفکر و اندیشه نیست زیرا این کار از نگاه قرآن نادرست است. از دیدگاه قرآن هر انسانی باید با فکر و اندیشه خودش راه درست از نادرست، هدایت از ضلالت را تشخیص دهد، چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْا كَانِ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ) (4) ترجمه: هنگامی که بدانان گفته می شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم، ولو این که شیطان ایشان را به عذاب آتش فروزان فرا خواند. مراد از (وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ) کفار مکه است و قتیکه برایشان گفته شود که اطاعت کنید از آنچه که به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) نازل شده از قرآنکرم و آنچه را حلال دانسته حلال بدانید و آنچه را حرام کرده آنرا حرام بدانید در مقابل می گوید ما از پدران خود پیروی می کنیم و آنچه از آنها یافتیم به آن عمل می کنیم. (5) دعوت شیطان جز بطرف آتش جهنم چیزی دیگری نیست بناء اگر شیطان بطرف جهنم هم دعوت کند این ها از آن پیروی می کند. (6) از آیه مبارکه چنین معلوم می شود کفار مکه آنقدر حسد کینه با رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) داشتن که آنها را کور ساخته بود بین خوب و بد فرق کرده نمی توانند این که ما از پدران مان پیروی می کنیم جز کینه حسد چیزی دیگری نیست اگر خوب است با دلیل و اگر بد است با دلیل.

7-: خانواده مکان تعلیم و تربیه و آسایش جامعه

نخستین اجتماعی که آدم در آن بار می آید تا زیستن در جامعه بشری و همیاری و همزیستی با انسانهای دیگر را به اقتضای فطرت بشری از خانواده فرا می گیرد. یعنی نخستین هسته پیدایش اجتماع چون جامعه بشری را به پیکری واحد تشبیه کنیم، خانواده را می توانیم نخستین سلول پدیدآورنده آن بدانیم و اولین نهاد تعلیم و تربیه خانواده است. انسان مکلف است که معاشرت را هم در خانواده و هم در اجتماع

1 - تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج 1 ص 456.

2 - تفسیر السعدی، ج 1 ص 456.

3 - التفسیر القرآنی للقرآن، المؤلف: عبد الکریم یونس الخطیب (المتوفی: بعد 1390 هـ) الناشر: دار الفکر العربی، القاهرة ج 8 ص 473.

4 - سوره لقمان، آیه 21.

5 - بحر العلوم لسمرقندی، ج 3 ص 27.

6 - تفسیر الثعلبی = الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ج 7 ص 320.

مراعات نماید تا باشد امنیت جامعه حفظ شود الله متعال مسلمانان را دستور داده تا همراه همسرانشان رفتار نیک داشته باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (1) ترجمه: وبا زنان خود به طور شایسته درگفتار و در کردار معاشرت کنید. مراد از (وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) آنچه دین برای شما دستور داده با آنها رفتار کنید با روش نیک با اخلاق نیک با صحبت خود که آمیخته با محبت باشد. (2) حق زنان بالای شوهران شان صحبت و روش نیک پوشاک خوب خوراک مناسب است. (3) خانواده هم مکتب شایسته پرورش انسان و اجتماعی شدن اوست، هم پناهگاه و مأمن او تا سختی های زیستن در اجتماع بشری و مراده و معاشرت و ارتباط با انسانهای دیگر را با دستیابی به ابزارها و امکانات لازم که در نهاد خانواده است و دیگر اعضای خانواده در دسترس او می گذارند، تاب آورد. با این همبستگی اخلاقی و حقوقی، احساس وظیفه بیش از خواست و نیاز جنسی در روابط زن و مرد اهمیت می یابد و با این انگیزه است که زن و مرد می توانند محبت را با اخلاق در آمیزند تا محیط مساعدی برای رشد جسمانی و اعتلای معنوی و اخلاقی فرزندشان فراهم آید. ماهیت خانواده به گونه ای است که احساس و عاطفه در آن حرف اول را می زند. هدف های خانواده مطلوب مبتنی بر موازین اخلاقی و عاطفی دین محور، بر سه انگیزه اقتصادی، اجتماعی و همچنین محبت و آرامش تأکید کرده است. انسان برای حفظ دارایی خویش و نگهداری آن برای زمان نیازمندی، به مسکن و بیت نیاز دارد و این همسر است که می تواند در این امر شریک و همراه مناسبی برای او باشد زن شایسته شریک مرد، نگهبان مال او، جانشین او در خانه و امین او در تربیت فرزندان است. فرزندنی نیاز است تا هنگام ناتوانی و به وقت پیری، یاور پدر و مادر باشد و نسل ایشان را تداوم بخشد و یاد ایشان را پس از مرگ زنده بدارد (4). چنانچه الله متعال می فرماید: (وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا) (5) ترجمه: (ای انسان) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید و با آنان نیکو رفتار نمائید هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند، کمترین اهانتی بدیشان مکن و حتی سبکترین تعبیر نامؤدبانه همچون اُف به آنان مگو و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دوسخن بگو. مراد از (وَقَضَىٰ) امر و حکم قاطع است یعنی در امر تأکید شده. (6) نسل ها جریان دارد حمایت پدر و مادر در حقیقت حمایت خود انسان است زیرا روزی می رسد که احتیاج به حمایت می داشته باشد.

1 - سوره النساء، آیه 19.

2 - لطائف الإشارات = تفسیر القشیری، ج 1 ص 322.

3 - فتحُ البیان فی مقاصد القرآن، ج 3 ص 62.

4 - تفسیر سید قطب فی ظلال القرآن، جزء 15 سوره الإسراء ص 2221.

5 - سوره الأسراء آیه 23.

6 - فتحُ البیان فی مقاصد القرآن، ج 7 ص 374.

مطلب دوم: امنیت فردی در قرآن کریم

دین اسلام برای ایجاد امنیت کامل افراد دستورهای ارزنده ای دارد که اگر رعایت شود دغدغه و نگرانی انسان برطرف خواهد شد. قرآن برای ایجاد امنیت و حفظ جان انسان و مال و آبروها توجه خاصی داشته و مرتکب آن را طبق عمل آن جزا تعیین کرده است.

1- امنیت جانی فرد در قرآن کریم.

وجود انسان خیلی با ارزش است نباید کسی به آن تعرض کند، و تعرض به جان انسان باعث از بین رفتن نسل انسان می شود بناء الله متعال قتل انسان را به ناحق حرام قرار داده است و قتل و فساد را همانند کسی می داند که همه انسان ها را یعنی انسانیت را کشته است و نجات یک فرد نجات تمام بشر است. احکام اسلامی دربرگیرنده تمام امورزنده گی مسلمانان است که حفظ جان مال و آبروی دربردارد و سبب حیات فرد و جامعه مسلمانان می شود. (1) چنانچه الله متعال می فرماید: (مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ) (2) ترجمه: به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است. مراد از (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا) چند وجه است اول: کسیکه حلال شمارد قتل نفس را که الله متعال آنرا حرام قرار داده است درحقیقت قتل تمام مردم را حلال دانسته است که به این کافر می شود. دوم: یا این که اولین قتل بوده که پیش از این قتل صورت نگرفته و بعد از این قتل شروع شده سوم: یا اینکه این حکم واجب شده بالای کسیکه اگر کسی را به قتل رسانید گویا تمام مردم را به قتل رسانیده است. (3) قتل سبب خسارت دین و دنیا و آخرت انسان می شود. مفهوم (فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) قتل یک نفر سبب گسترش قتل در جامعه می شود که جان تمام مردم درخطر می شود. من قتل نفسا فكأنما قتل الناس جميعا بدون شک این مبالغه در عذاب قاتل نفس است، یهود باوجود علم از این مبالغه دست به قتل پیامبران الله متعال زدند که این قسوت قلبی یهودی ها را می رساند. (4) خداوند می فرماید هرکس فردی را از روی عمد بکشد مجازات او دوزخ است و در آن جاودانه می ماند و خداوند بر او غضب می شود و از رحمتش دور می سازد و عذاب بزرگی بر او فراهم می آورد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا

1 - تفسیر سید قطب فی ظلال القرآن، جزء 6، سوره المائده ص 872.

2 - سوره المائده، آیه 32.

3 - تفسیر الماتریدی (تأویلات أهل السنة) ج 3 ص 502.

4 - تفسیر خازن لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 2 ص 36.

عَظِيمًا⁽¹⁾ ترجمه: وکسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی برای وی تهبه می بیند. آیات زیادی از قرآن در باب حفظ جان و خون انسان ها توجه و اهتمام می ورزد تا انسان با خیال راحت و احساس امنیت کامل در اجتماع و محیط سالم برای تکامل خویش تلاش کند. مراد از (مُتَعَمِّدًا) از روی قصد قتل کند (خَالِدًا) همیشه می باشد. (2) الله متعال و عید شدید برای قاتل مؤمن کرده برای ردع و زجر یعنی قتل انسان بطور عمد عذاب بزرگی را به د نبال دارد. (3) به هیچ وجه انسان از بین نرود مگر به حق ارزش انسان خیلی زیاد است حتی بیشتر از دنیا.

2- امنیت مالی فردی در قرآن کریم

از دیگر مؤلفه های امنیت فردی، امنیت در مال و عرض است که به این نیز توجه خاصی مبذول شده است. خداوند می فرماید: دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان مجازات الهی ببرید و قطع نمایید تا مال مردم در امنیت باشد کسی جرأت گرفتن مال مردم را نداشته باشد، و مردم در امنیت کامل بسر ببرند تشویش از دست دادن مال خود را نکنند نا امنی فردی سبب نا امن شدن جامعه می شود. چنانچه الله متعال دستور داده می فرماید: (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءَ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)⁽⁴⁾ ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان يك مجازات الهی قطع کنید، و خداوند چیره و حکیم است و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می کند تا مانع پخش آن گردد. زیرا با این کار امنیت مال ایجاد می شود. مراد از (نَكَالًا م) جزا و عذاب از طرف الله است برای کسی که مرتکب جرم شده است. (5) الله متعال برای حفظ مال قطع دست را فرض گردانیده این تجاوز سبب برهم خوردن امنیت مالی مسلمانان می شود و برای جلوگیری باید کسی که تجاوز کرد دستش قطع شود تا کسی دیگر جرأت هم چو تجاوز را نکند. (6) هر چند اعضای انسان با ارزش است ولی در این جا الله متعال امر به قطع دست انسان در برابر مال کرده زیرا سبب برهم خوردن زنده گی تمام انسانها می شود و حیات مردم و ابسطه به مال است بناء در حقیقت قطع دست حیات بخش زنده گی تمام مردم است.

3- امنیت آبروی فرد در قرآن کریم. درباره امنیت شخصیتی و حیثیتی نیز می فرماید که گروهی،

گروه دیگر را مسخره نکنید و القاب زشت ندهید زیرا این تمسخر باعث ایجاد تشویش افراد می شود باید ازین دوری کرد چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن

1 - سوره النساء، آیه 93.

2 - تفسیر الثعلبی، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن. ج 3 ص 362.

3 - الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز للواحدی. ج 1 ص 282.

4 - سوره المائده، آیه 38.

5 - تفسیر أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم. ج 3 ص 35

6 - الفوائد الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية ج 1 ص 292.

يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءَ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ⁽¹⁾ ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و نباید زنانی زنان دیگری را استهزاء کنند، زیرا چه بسا آنان از اینان خوبتر باشند، و همدیگر را طعنه نزنید و مورد عیبجویی قرار ندهید، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند بخوانید و منامید. چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه آلود گفتن و بر زبان راندن کسانی که دست بر ندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند. دین اسلام دین جهان شمول است و تمام ناحیه زنده گی دنیا و آخرت را در بر می گیرد بناء بخاطر حفظ امنیت آبرو توهین و تحقیر را حرام قرار داده و برای آداب معاشرت با دیگران در رفتار و کردار با مردم روش نیک مقرر داشته است بناء کسی را به القاب زشت صدا نکنید و کسی را تمسخر نکنید تا آبروی خود و دیگران حفظ شود.⁽²⁾ انسانها همه مخلوق الله متعال اند نباید کسی نسبت به چهرش آنرا تمسخر کند می شود که به الله نسبت به تقوایش نزدیک باشد و الله متعال آنرا عزت داده باشد در حالیکه شما نمی دانید.⁽³⁾ چنانچه ابلیس به آدم علیه السلام به چشم حقارت دید و تمسخر آمیز گفت که من از آدم بهترم (خلقتنی من نار و خلقته من طین) نسبت به این گفته اش تا ابد از رحمت الله متعال محروم شد بناء تمسخر کنند میشود بجای ابلیس قرار گیرد و تمسخر شوند بجای آدم قرار گیرد.⁽⁴⁾

مطلب سوم: امنیت اجتماعی در قرآن کریم

یکی دیگر از حوزه های امنیت انسانی، امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که بر اساس آن همه افراد جامعه در انجام فعالیت های مشروع و قانونی خود، آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند. و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند. نخستین شرط زندگی سالم اجتماعی، استقرار نظم و امنیت در جامعه است. جامعه ای که بدون امنیت باشد، از آسایش و آرامش برخوردار نخواهد بود و نشاط و تلاش از آن رخت برمی بندد. در نا امنی اجتماعی اقتصاد فرو می پاشد و حوزه فرهنگی گرفتار سکون می شود و فرهیختگان به جای تبادل آزاد اندیشه و تضارب آرا و افکار به کتمان و تقيه روی می آورند و انسان های بی شخصیت و مسموم و متملق و چاپلوس مدیران جامعه می شوند. نظم و امنیت اجتماعی در قرآن و اسلام جایگاه ویژه ای دارد. دین اسلام برای ایجاد وضعیت مطلوب اصول و قوانین را مطرح می سازد تا در سایه سار آن امنیت و آرامش اجتماعی فراهم آید تا قانون شکنان نظم و امنیت عمومی را مختل نساخته و اجتماع انسانی را با فروپاشی

1 - سوره الحجرات، 11.

2 - تفسیر سید قطب فی ظلال القرآن، جزء 26 سوره الحجرات، ص 3336.

3 - تفسیر آبی السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، ج 8 ص 121.

4 - روح البيان المؤلف: إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلوتي، المولى أبو الفداء (المتوفى: 1127هـ) الناشر: دار الفكر بيروت، ج 9 ص 79.

روبه رو نسازند. باید توجه داشت که برای ایجاد امنیت و پاسداری از حریم جامعه، اندیشه وانگیزه های ذاتی به تنهایی کفایت نمی کند بلکه نیازمند قانون است؛ چون انسان هرچند که به حسب فطرتش اجتماعی است و در اولین اجتماع خود امت واحدی بود ولی از آن جا که فطرتاً به سوی اختصاص منافع به خود حرکت می کنند بامناف دیگران تضاد پیدا می کند و از این جا لازم است که قانون را پدید آورد تا حدود جلب منافع را مشخص سازد و از درگیری پیشگیری نماید؛ و به قانون که الله متعال برای امنیت و سلامت جامعه و افراد و اشخاص آن که توسط پیامبرش برای بشر فرستاده به آن پابند بوده و آنرا در عمل کرد خود در نظر داشته باشد و به آن حکم کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)⁽¹⁾ ترجمه: هر کس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است (و قصد توهین به احکام الهی را داشته باشد) او امثال او بی گمان کافرند. کسیکه حکم الله متعال را ترک کند و یا آنرا پنهان کند مانند یهود که حکم زناي محصن را کتمان کردند و یا مانند قضاوت در بعضی قتل های که اگر از طبقه اشراف می بودند قاتل اشراف را قصاص می کردن و اگر اشراف کسی را قتل می کردند دیه می پرداختند و حکم الله متعال در تورات برای همه شان مساوی بود بنا به ترک حکم الله متعال و کتمان آن ایشان کافر شدند و در مقابل نعمت الله متعال که سبب تأمین امنیت و آرامش بشری شد ناسپاسی و کفران نعمت کردند و همین گروه به آنچه الله متعال در تورات نازل کرده بود حکم نکردند بلکه حکم آنرا تبدیل نمودند بناء کافر شدند به سبب تبدیل تغییر پنهان کاری آن.⁽²⁾ هر کسیکه حکم الله متعال را انکار کند و عمداً آنرا تغییر تبدیل نماید پس او کافر است.⁽³⁾ در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)⁽⁴⁾ ترجمه: و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند او امثال او ستمگر بشمارند. اگر کسی به حکم الله متعال اعتراف داشت ولی به آن حکم نکرد پس او ظالم و فاسق است.⁽⁵⁾ و در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)⁽⁶⁾ ترجمه: و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، او امثال او متهمرد (از شریعت خدا) هستند. (فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ)⁽⁷⁾ ترجمه: پس میان آنان بر طبق چیزی داور کن که خدا بر تو نازل کرده است، و به خاطر پیروی از امیال و آرزو های ایشان، از حق و حقیقتی که برای تو آمده است روی مگردان. احکام جزای اسلام عام شمول است یعنی تمام مسلمانان را شامل می شود و اگر کسی بگوید این حکم معقول نیست و این حکم ظالمانه است

1 - سوره المائده، آیه 44.

2 - تفسیر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج 10 ص 346.

3 - تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم، ج 4 ص 1142.

4 - سوره المائده، آیه 45.

5 - تفسیر الشعراوی - الخواطر، ج 5 ص 3165.

6 - سوره المائده، آیه 47.

7 - سوره المائده، آیه 48.

این هم نوع کفراست (لا لیس من المعقول أن يكون الحكم هو هكذا. فهذا لون من رد الحكم على الله وهو لون من الكفر)⁽¹⁾ مراد از (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ) خاص یهودی ها است و عام به تمام کفار و اگر کفر به مؤمنان نسبت داده شود حمل بر غلظت و شدت می شود نه به کفری که از ملت اسلام خارج شود.⁽²⁾

امنیت مهمترین شرط يك زندگي سالم اجتماعي

امنیت نخستین و مهمترین شرط يك زندگي سالم اجتماعي است ذوالقرنین برای فراهم آوردن امنیت نسبت به قومی که مورد تهدید قرار گرفته بودند، پرزحمت ترین کارها را بر عهده گرفت و برای جلوگیری از مفسدان، از نیرومندترین سدها استفاده کرد. چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا) (3) ترجمه: گفتند: ای ذوالقرنین یا جوج و مأجوج در این سرزمین تباهاکارند آیا برای تو هزینه ای معین داریم که میان ما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازی. مراد از (مُفْسِدُونَ) قتل و ضرر رساندن است.⁽⁴⁾ مفسدون: صفت که یا جوج و مأجوج دارد: ظلم و ستم گر مانند خوردن انسان و خوردن هر آنچه به دست شان می رسید می خوردند و درزنده گی شان نه نظم وجود داشت و نه دین نه اخلاق و قنکه به آب می رسیدند از تشنگی یکدیگر را به قتل می رساندند و اگر زمین زراعتی می بود آنرا از بین می بردند و مواشی را می کشتند و از دست شان چیزی باقی نمی ماند و شبیه به تتر بودند.⁽⁵⁾ در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا)⁽⁶⁾ ترجمه: ذوالقرنین گفت: آنچه پروردگارم از ثروت و قدرت در اختیار من نهاده است بهتر است پس مرا با نیرویاری کنید، تا میان شما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازم. مراد از (رَدْمًا) مانع.⁽⁷⁾ در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا)⁽⁸⁾ ترجمه: سپس شروع به کار کرد و گفت: قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید. تا کاملاً میان دو طرف دوکوه را برابر کرد گفت: بدان بدمید تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد گفت: مس ذوب شده برای من بیاورید تا بر این سد بریزم. چنانچه می فرماید: (فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا)⁽⁹⁾ ترجمه: اصلاً نتوانستند از آن بالا روند، و به هیچ وجه نتوانستند نقبی در آن ایجاد کنند. مراد از (يَظْهَرُوهُ) با لا شدن و بیرون شدن یعنی قادر

1 - تفسیر الشعراوی، الخواطر. ج 5 ص 3163.

2 - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم لطنطاوی، ج 4 ص 169.

3 - سوره الکهف، آیه 94.

4 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم مصدر الكتاب: دروس صوتیة قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية

<http://www.islamweb.net> جزء 93 (درس) ص 3.

5 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد المنتصر بالله بن محمد الزمزمي الکتاني الإدريسي الحسني (المتوفى: 1419 هـ) مصدر الكتاب: دروس صوتیة قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية

<http://www.islamweb.net> جزء (درس) 17 ص 4.

6 - سوره الکهف، آیه 95.

7 - دَرْجُ الدُّرِّ فِي تَفْسِيرِ الْأَيِّ وَالسُّورِ، ج 3 ص 1161.

8 - سوره الکهف، آیه 96

9 - سوره الکهف، آیه 97.

به بیرون شدن از این سد را ندارند. (1) سدی که در تاریخ ضرب المثل شده و سمبل استحکام، دوام و بقاست. اصولاً تا جلوی مفسدان را با قاطعیت و به وسیله نیرومندترین سدها نگیرند، جامعه روی سعادت نخواهد دید از این رو حضرت ابراهیم (علیه السلام) هنگام بنای کعبه نخستین چیزی که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود. چنانچه الله متعال از زبان ابراهیم علیه السلام می فرماید: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ) (2) ترجمه: ای پیامبر یاد کن آن گاه را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهرمگه را محل امن و امانی گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگهدار. مراد از (آمناً) امنیت از قحطی و از غارت. (3) مراد از (الْبَلَدَ) مکه مکرمه است. (4)

3 - برهم زنده امنیت اجتماعی سخت مجازات می شود

سخت ترین مجازات ها در برقرآن کریم برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می افکنند. یکی از با اهمیت ترین امن امنیت اجتماعی است که سبب تعاون و همکاری و اجتماع مردم می شود. دین اسلام هر آنچه که سبب نا امنی جامعه شود آن را حرام قرار داده است و به برای مرتکبین آن هم در دنیا عقاب می شوند و هم در آخرت. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (5) ترجمه: کیفر کسانی که با خدا و پیغمبرش می جنگند، و در روی زمین با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها، مثلاً از راه راهزنی و غارت دست به فساد می زنند، این است که کشته شوند، یا به دار زده شوند، یا دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، و یا این که از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است. مفهوم (يُحَارِبُونَ) کسانی است که به مال مردم و جان مردم تجاوز می کنند و جامعه را به وحشت دهشت انداخته که سبب هرج و مرج و نا امنیت در جامعه می شود. (6) امنیت گروه مسلمانان در سرزمین اسلامی و حفظ نظم عمومی و نظام حکومتی ای که گروه مسلمانان در سایه آن از امن و امان برخوردار می گردند، و به تلاش نیک و پویایی خوب خود سرگرم می شوند، همه و همه همسان امن و امان افراد لازم و ضروری است. چراکه امن و امان افراد و اشخاص جز با امن و امان نظم عمومی و نظام حکومتی ممکن نمی گردد. گذشته از آن، حفاظت از این جامعه نمونه فاضل و

1 - التفسير الوسيط للقرآن الكريم المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية الطبعة: الأولى، (1414 هـ عدد المجلدات: 10 مجلدات، ج 6 ص 922-924.

2 - سورة ابراهيم، آیه 35.

3 - أحكام القرآن المؤلف: أبو محمد عبد المنعم بن عبد الرحيم المعروف «بابن الفرس الأندلسي» (المتوفى: 597 هـ) تحقيق الجزء الأول: د/ طه بن علي بو سريح تحقيق الجزء الثاني: د/ منجية بنت الهادي النفري السواحي تحقيق الجزء الثالث: صلاح الدين بو عفيف الناشر: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، 1427 هـ

4 - التفسير الوسيط للقرآن الكريم، ج 5 ص 501.

5 - سورة المائدة، آیه 33.

6 - التفسير الوسيط للزحيلي، ج 1 ص 453.

والاي جامعه ها، يعني جامعه اي که در برگیرنده هر نوع تضميني براي زندگي و آرامش است، از همه چیز لازم تر و ضروري تر است. چراکه با بودن و ماندن چنین جامعه فاضله اي، مردمان به فعاليتهاي خوب و پسندیده خود مي پردازند، و زندگي انسانيت در سايه آن راه ترقي مي پويد و اوج مي گيرد و درخت حيات بشري رشد مي کند و به بار مي نشيند، و غنچه هاي خير و فضيلت ورشد و توليد بازمي شوند و مي شکفند. و در پيرامونش فضائي مي پراکند که در آن دانه هاي خوبي و نيکي رشد و نمو مي کنند، و دانه هاي بد و زشتي چروکيده مي شوند و از بين ميروند. اين چنین جامعه فاضله اي پيش از پرداختن به معالجه و مداوا، به حفاظت و مصونيت مي پردازد، و بعد از آن به معالجه و مداواي دردهائي مي پردازد که ابزار کار جلوگیری و سالم سازي از درمان آنها در مانده باشد. همچنين چنین جامعه اي، انگيزه و بهانه اي براي انسان سالم بر جاي نمي گذارد تا به سوي بدکرداري و زشتکاري بگرايد و به تعدي و دست درازي بپردازد اگر با وجود همه اين کارها، کسي امنيت چنین جامعه اي را تهديد نمايد، عنصر بد و ناپاكي هاست و لازم است ريشه کن و نابود شود، مگر اين که به سوي هدايت برگردد و راه راستي و درستي را در پيش بگيرد و جويي خوبي و نيکي شود. روند قرآني در اينجا کيفر اين عنصر ناپاک را مقرر مي دارد. کيفري که در شريعت اسلامي حد حرّابه، يعني کيفر جنگجو نام دارد: بزهي که اين نصّ کيفر آن را مشخص مي دارد، قيام و شورش بر ضد پيشواي مسلماني است که برابر شريعت خدا حکومت و فرماندهي مي کند. همچنين گردهمائي به شکل دسته و گروهی که بر سلطه و قدرت چنین پيشواي فراهم آيند و سر به شورش بردارند، و ساکنان سرزمين اسلامي را به ترس و هراس اندازند، و بر ارواح و اموال و مقدساتشان بتازند. اين چنین شورشياني که بر پيشوا و رهبري مي شورند که برابر شريعت خدا فرمان مي راند و حکومت مي نمايد، و بر ساکنان سرزمين اسلامي دست درازي مي آغازند، ساکناني که شريعت يزدان را پابرجا و اجراء مي نمايند چنین ساکناني مسلمان يا ذمي و يا با عهد و پيماني که با کشور اسلامي بسته اند تحت حفاظت و عنايت مسلمانان باشند تنها با پيشوا و رهبر و مردمان نمي جنگند، بلکه آنان با خدا و پيغمبرش مي جنگند و مي رزمند چون ايشان با شريعت خدا مي جنگند، و بر مردمی دست درازي می کنند که چنین شريعتي را پياده و اجراء مي نمايد، و سرزمين اسلامي را تهديد مي کنند که فرمانبردار اين چنین شريعتي هستند از سوي ديگر، آنان چون با خدا و پيغمبرش، و با شريعت الله متعال و با ملت فرمانبردار آن، و همچنين با سرزميني مي جنگد که شريعت خدا را پياده و اجراء مي سازد، ايشان در زمين در راه فساد و تباهي سعي و تلاش مي ورزند چرا که هيچ تباهي و فسادي نيست که زشت تر از تلاش براي تعطيل کردن شريعت خدا باشد، و به خوف و هراس انداختن سرزميني که چنین شريعتي در آنجا پياده و اجراء مي گردد. آنان با خدا و پيغمبرش مي جنگند، هر چند که در حقيقت با گروه مسلمانان و با پيشواي ايشان مي جنگند. و بندگان خدا را در سرزمين اسلامي به خوف و هراس مي اندازند، و به اموال و ارواح و مقدساتشان تعدي مي کنند اين است که چگونه معمول کشته شوند، يا اين که به دار آويخته

شوند از سرزمین مسلمانان اخراج شوند.⁽¹⁾ هم چنین کیفر شورش بر نظام عام، وکیفر فساد و تباهی در زمین همچون مسلمانان درباره ایشان پیاده و اجراء می گردد، بدان دلیل که این امر برای حفظ امنیت سرزمین اسلام و امنیت جملگی مردمان آن، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، ضروری است.⁽²⁾

مطلب چهارم: امنیت محیطی در قرآن کریم

الله متعال می فرماید: (إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ)⁽³⁾ ترجمه: یعنی ما هر چیز را به اندازه خلق کردیم. مراد از بقدر آنچه که در لوح محفوظ قبل از وقوع آن نوشته شده است.⁽⁴⁾ بقدر به اندازه و به قدر کفایت آن⁽⁵⁾ پس هر چیز مقدار و حدودی دارد و بایستی بطور صحیح و درست بهره برداری شود تا نابود و منهدم نگردد. چرا که این ثروتهای طبیعی فقط به پایان نسل تعلق ندارد. بلکه این اندوخته ها به نسلهای بعد از ما نیز تعلق دارند. نظر اسلام در مورد آباد کردن زمین و پایداری محیط زیست آمده است: خداوند همچنین انسان را به آباد کردن زمین سفارش می کند و آبادی و ساخت ساز انواع مختلف دارد تعداد آن به حد واجب ندب مباح مکروه واجب مانند خانه که رفع ضرورت شود و سد که حیات مردم در خطر است و پول برای عبور و مساجد جامع در شهر، مندوب مانند مدارس مکاتب، و مباح مانند خانه های که در آن زندگی می کنند، و حرام چیزی که به ظلم و ستم آباد شود.⁽⁶⁾ چنانچه الله متعال می فرماید: (هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا)⁽⁷⁾ ترجمه: او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است. شمارا پیدا کردم برای آبادی زمین و زمین را برای محل زنده گی شما گردانیده ام.⁽⁸⁾ در این رابطه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (إِن قَامَتِ عَلَى أَحَدِكُمُ الْقِيَامَةُ، وَفِي يَدِهِ فِئِيلَةٌ فَلْيَغْرِسْهَا)⁽⁹⁾ یعنی اگر قیامت برپا شود و در دست نهالی باشد باید آن را بکارد. همگان بر این امر واقفند که طبیعت نظمی خاص دارد که تنها از قدرت خداوندی برخوردار است و از ذات او سرچشمه می گیرد. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)⁽¹⁰⁾ این نظم و این تنوع در جهان هستی نشانه ای برای

1 - تفسیر فی الظلال ترجمه، فارسی ص 228.

2 - تفسیر فی الظلال ترجمه فارسی سوره المائده 286.

3 - سوره القمر، آیه 49.

4 - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، جزء 9 ص 1191.

5 - تفسیر الثعلبی=الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ج 9 ص 170.

6 - فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب (حاشیة الطیبی علی الکشاف) المؤلف: شرف الدین الحسین بن عبد الله الطیبی (المتوفی: 743 هـ) مقدمة التحقیق: إیاد محمد الغوج القسم الدراسي: د. جمیل بنی عطا المشرف العام علی الإخراج العلمي للکتاب: د. محمد عبد الرحیم سلطان العلماء الناشر: جائزة دبي الدولية للقرآن الکریم الطبعة: الأولى، 1434 هـ - 2013 م عدد الأجزاء: 17 ج 8 ص 118.

7 - سوره هود، آیه 61.

8 - التیسیر فی أحادیث التفسیر المؤلف: محمد المکی الناصري ج 3 ص 130.

9 - اخرج امام أحمد فی مسنده حدثنا وکیع، حدثنا حماد بن سلمة، عن هشام، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " (إن قامت علی أحدکم القیامة، وفي يده فسیلة فلیغرسها) إسناده صحیح علی شرط مسلم، رجاله ثقات رجال الشیخین غیر حماد بن سلمة، فمن رجال مسلم. هشام: هو ابن زید بن أنس بن مالك. وأخرجه الطیالسی (2068)، وعبد بن حمید (1216)، والبخاری فی "الأدب المفرد" (479)، والبیزار (1251- کشف الأستار) من طرق عن حماد بن سلمة، بهذا الإسناد. وأخرجه ابن الأعرابي فی "معجمه" (180) من طریق وکیع بن الجراح، وابن عدي فی "الکامل" 1696/5 من طریق عمر بن حبیب القاضي، كلاهما عن شعبة، عن هشام بن زید، به. برقم (12981) والفسیلة: النخلة الصغیرة. مسند الإمام أحمد بن حنبل، جزء 20 ص 251.

10 - سوره مؤمنون، آیه 14.

مؤمنان از قدرت خالق آنهاست؛ لذا بر هر مؤمنی واجب است که در حفظ این نشانه‌های خداوندی کوشا باشد. اینها همه اهمیت امنیت میطی را می‌رساند که محیط باید از تمام امراض و پلیدیها ایمن باشد. بنابراین محیط زیست سالم یکی از نعمات الهی و بخشی از نظام خلقت بوده که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد؛ یعنی جهان و هر آنچه که در اوست، تصویری از قدرت خداوند واحد است به همین دلیل است که در اسلام هرگونه رفتاری که منجر به فساد در عرصه محیط زیست شود نهی شده است؛ چرا که خداوند بارها در قرآن کریم درباره ایجاد فساد در روی زمین هشدار داده است. آب یکی از مهم ترین نعمت های الهی است که برای بند هایش ارزانی داشته است هیچ چیز جانشین آب شده نمی تواند. و باید محیط خود را پاک نگهداریم تا امنیت انسان ها تهدید نشود چنانچه الله متعال می فرماید: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ) ترجمه: ما از آسمان آب ارزشمندي را به اندازه لازم و معین فرو فرستاده ایم و آن را در زمین ماندگار نموده ایم، و ما کاملاً می توانیم به گونه های مختلف آن را از بین ببریم. یکی از مهم ترین و اساس ترین امنیت روحی و روانی امنیت مکان است، چه محیط بودباش چه محیط کار چه محیط رفت آمد چه محیط سیاحت، احساس نا امنی در محیط باعث برهم خوردن زندگی و آسفتگی روحی و روانی می شود، بناء الله متعال فرستاده خود را دستور داده تا آنچه که سبب نا امنی روحی و روانی می شود بیت الله را از آن پاک نماید. محیط را باید از تمام پلیدیها حسی و معنوی پاک گرداند. (1) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (2) ترجمه: و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ما را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید. مراد از (طَهِّرَا بَيْتِيَ) این که بیت الله از شرک و بت و تمام انواع نجاست پاک گرداند و بر اساس تقوا و پرهیزگاری بنا نهد. (3) بیت (حرم و کعبه) هر دو را شامل می شود (4) و الله متعال در آیه دیگر می فرماید: (وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (5) ترجمه: زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم و آن را بدو نمودیم چیزی را شریک من منمائی و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان تمییز و پاکیزه گردان. مراد از (وَطَهِّرْ بَيْتِيَ) پاک کردن از شرک و عبادت بت ها. (6) آنچه روح انسان را در زندگی بیش از همه چیز دستخوش اضطراب و آسفتگی می کند، مساله احساس نا امنی در جنبه های مختلف است. گوارا نبودن زندگی دنیا

1 - تفسیر ابن بدران = جواهر الأفكار ومعادن الأسرار المستخرجة من كلام العزيز الجبار المؤلف: عبد القادر بن أحمد بدران المحقق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 1991 م عدد الصفحات: 529. ص 341.
2 - سورة البقرة، آیه 125.
3 - أحكام القرآن لابن الفرس ج 1 ص 112.
4 - تفسیر ابن بدران، جواهر الأفكار ومعادن الأسرار المستخرجة من كلام العزيز الجبار، ص 338.
5 - سورة الحج، آیه 26.
6 - تفسیر عبد الرزاق الصنعاني. ج 1 ص 291.

غالباً به خاطر آن است که انسان نه نسبت به آنچه دارد اطمینان ندارد، نه از آینده مطمئن است، و نه از هم نوعان خود، مخصوصاً اگر دارای نعمت بیشتری باشد کینه ها، حسادتها، و تنگ چشمی ها، چنان طوفانی در اطراف او ایجاد می کند که فضای زندگی را در برابر چشمان انسان تیره و تار می سازد. چنانچه الله متعال به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) دستور می دهد که از شر حاسد به الله پناه ببر چنانچه در آیه می فرماید: (وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) (1) ترجمه: و از شرّ حاسود بدان گاه که حسد می ورزد. مفهوم (حَسَدَ) بد دیدن و یا زوال نعمت الله را بغیر خودش. (2) اولین گناه از اثر حسد به میان می آید چنانچه ابلیس به آدم علیه السلام حسد ورزید و این حسد بود که سبب سرکشی از امر الله متعال شد. (3) حسد به سه قسم است. زوال نعمت که نصیب دیگران شده زوال نعمت دیگران و آرزوی داشتن آن را به خود و یا آرزوی داشتن به خود آنچه دیگران دارد. (4) درد و آیه از قرآن مجید تعبیر بسیار زیبا و پرمعنایی درباره بهشت به عنوان دارالسلام (خانه امن و امان) دیده می شود، چنانچه الله متعال می فرماید: (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (5) ترجمه: برای آنان نزد پروردگارشان خانه سلامت و امن است و به پاداش کارهای پسندیده ای که همواره انجام می دادند یاروسرپرست آنان است. مراد از (دَارُ السَّلَامِ) جنت است که اهل آن از تمام بلاها در امن و سلامتی بسر می برند و در آنجا نه خسته می شوند و نه غم اندوه می گیرند. (6) و در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (7) ترجمه: خداوند دعوت به سرای صلح و سلامت می کند. مفسران در تفسیر دارالسلام عمدتاً دو بیان دارند: نخست اینکه سلام که به معنی سلامت از هر گونه آفت و ناراحتی و بلا است از اوصاف دار (بهشت) می باشد، در آنجا نه از کشمکشهای غارتگران دنیای مادی خبری است و نه از مزاحمت های احمقانه ثروت اندوزان از خدا بی خبران اثری، نه جنگ و خونریزی در آنجا راه دارد و نه استعمار و استثمار، آری آنجا خانه صلح و صفا و امن و امان است. دیگر اینکه (سلام) نامی از نامهای خدا است، و بنابر این دار السلام از قبیل مضاف و مضاف الیه است، اشاره به اینکه بهشت سرای الهی است هر دو معنی خوب است و هر چند معنی اول مناسبتر به نظر می رسد، چرا که ریشه اصلی این واژه به گفته راغب در مفردات به معنی خالی بودن از هر گونه آفت ظاهری و باطنی است حتی اطلاق این واژه بر ذات پاک خداوند به عنوان یکی از صفات ذات خداوند به خاطر آن است که ذات پاکش از تمام عیوب و

1 - سوره الفلق، آیه 5.

2 - تفسیر غریب القرآن للکواری، جزء (سوره) 93 ص (آیه) 5.

3 - تفسیر سوره الحجرات المؤلف: عطية بن محمد سالم (المتوفى: 1420 هـ) مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net> جزء (درس) 7 ص 7.

4 - سلسلة التفسير لمصطفى العدوي المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net> جزء 110 ص 8.

5 - سوره الانعام، آیه 127.

6 - تفسیر القرآن الکریم، جزء 58 ص 6.

7 - سوره یونس، آیه 25.

آفات برکنار است. جمله (لهم دارالسلام عند ربهم) نیز نشان می دهد که دارالسلام همان بهشت است که اهل ان از جمیع آفات و عیوب و بیماریها در سلامتند، همچنین از پیری و مرگ و دگرگونی احوال درمان و امانند، همیشه مورد احترام و عزتند، همواره غنی و بی نیاز، پیوسته سعادتمندند و همیشه خوشحال و مسرورند غم و اندوهی ندارند و نه مرگ و میری(1)

مطلب پنجم: امنیت فکری

امنیت فکری یکی از مهمترین اساسترین رکن زندگی بشر بشمار میرود زیرا ابعاد مختلف زندگی استوار بر فکر و نظر است در صورت مختل شدن فکر، زندگی هم مختل می شود بناء آماده کردن فضای سالم محیط سالم ضروری است در اسلام هر آنچه بر فکر روح روان مضر واقع شود حرام است. خروج از فکر وسطیة و اعتدال در فهم امور دینی، سیاسی، اجتماعی باعث تهدید نظام دولت و امنیت می شود و سبب ظلم تجاوز کفر الحاد می گردد و جامعه رابه سوی نابودی سوق میدهد، سلامت فکر انسان از انحراف و فهم درست سالم در امور باعث امنیت و حفظ نظام و استقرار حیات دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بشر می شود. زندگی مملو از صلح صفادرشهر دیار در مجتمعات در آرامش روحی و روانی و فکری منظم اصیل خود که باعث شگوفای ابعاد مختلف زندگی می شود لذت بخش و گوارا است. حمایت از سلامت فکری انسان از انحراف و ملزم بودند به منهج وسطی در تمام ابعاد زندگی چه دینی، سیاسی، اجتماعی و حفظ آن از انحراف و آگاهی از پیامدهای افکار منحرفه یکی از وجایب امت مسلمة است.

اول: اهمیت امنیت فکری. اهمیت امنیت فکری از اهمیت عقل انسان پیداست از آنجاییکه الله متعال انسان را نسبت به عقلش بر سایر مخلوقات برتری داد و انسان را به تعقل و تدبیر فراخوانده و معیار تکلیف هم عقل است. تمام انواع امنیت در گرو و یا حاصل امنیت فکری است زیرا بناء همه چیز فکری است. رشد طریقی پیشرفت و شگوفای یک جامعه متعلق به امنیت فکری است در هر زمان جامعه که بر اساس فکر نظر بناء یافته باشد جامعه سعادتمند است و تمام استعداد ها قابل مشاهده است پایه های آن جامعه محکم استوار می باشد صلح صفا مهر محبت همدیگر پذیری قابل حس است و هم چنین به آن جامعه، جامعه ایمانی نیز می گویند. فکر سالم تفکر سالم باعث سلوک و رفتار نیک می باشد که سبب یک رسم رواج پسندیده در جامعه عرض اندام می نماید، و جز از تنظیم امنیت عامه در اجتماع است حتی اساس استقرار امنیت و آرامش و سکون قلبی افراد، خانواده، جامعه، و بشریت است. امنیت فکری تنهاری برای عزت قدرت شجاعت حریت و مردانگی و مسئولیت پذیری ابعاد مختلف زندگی و دفاع از تمام ارزشهای دینی سیاسی و اجتماعی و استاده گی در مقابل پدیده های شوم، و تمیز خوب و بد و راهکار برای نشرو بخش اخلاق پسندیده و مانع گسترش فساد در جامعه است.

1 - تفسیر القرآن الکریم، المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم جزء 58 ص 6.

دوم: امنیت فکری در قرآن کریم

در قرآن آیات متعدد وجود دارد که انسانها را به تفکر تدبیر تعقل فرا میخواند زیرا مبنای درک و فهم فکر و تدبر است انسان که تفکر و تدبیر ندارد چیزی را درک نمی کند.

خداوند جل جلاله همه انسان هارا برای تفکر فرامی خواند زیرا تعقل سبب شناخت شیء و ارزش آن می شود. چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (1) ترجمه: آیا درباره قرآن نمی اندیشند و اگر از سوی غیر خدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می کردند. (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (2) ترجمه: آیا درباره قرآن نمی اندیشند یا این که بر دلهایی قفلهایی ویژه ای زده اند. آیات مختلفی با صراحت فریاد می دارند که قرآن کتاب اندیشه و عمل است و باید آن را بررسی و واریسی کرد و تنها به تلاوت ظاهری اکتفاء نکرد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا) (3) ترجمه: ما در این قرآن، هر نوع مثلی را برای مردم، به شیوه های گوناگون بارها بیان داشته ایم، ولی بیشتر مردم جز انکار حق، و نادیده گرفتن دلائل هدایت، و تکذیب خدا و رسول، چیزی قبول نمی کنند. (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ) مراد از استفهام تشویق به تدبر است، تقدیر چنین می شود باید که در قرآن تدبر کنند و تدبیر عبارت از فکر و تأمل در عواقب امور. (4) تدبیر در قرآن کریم و تمسک به احکام و آداب و اخلاق آن سبب باز شدن قلب به نیکی هاشده سعادت دنیا و آخرت در بر می گیرد اگر تلاوت بدون تدبیر صورت گیرد قلب تغییر نمی کند چنان که بود است گویا قفل است زیرا چیزی که بسته باشد به داخل آن سرایت نمی کند. (5) چنانچه الله متعال می فرماید: (أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) ترجمه: یا این که بر دلهایی قفلهایی ویژه ای زده اند.

سوم: انحراف فکری

افراط و تقریب بزرگترین وسیله انحراف فکری می باشد برون شدن از حد وسطیت سبب برهم خوردن امنیت شده و مردم را به انحراف می کشاند. چنانچه الله متعال میفرماید: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي

1 - سوره النساء، آیه 82.

2 - سوره محمد، آیه 24.

3 - سوره الإسراء، آیه 89.

4 - دَرْجُ الدَّرَجَاتِ فِي تَفْسِيرِ الْآيِ وَالسُّورِ الْمُؤَلَّفِ: أبو بكر عبد القاهر بن عبد الرحمن بن محمد الفارسي الأصل، الجرجاني الدار (المتوفى: 471هـ) دراسة وتحقيق: (الفاتحة والبقرة) وليد بن أحمد بن صالح الحسني، (وشاركه في بقية الأجزاء): إيداد عبد اللطيف القيسي الناشر: مجلة الحكمة، بريطانيا الطبعة: الأولى، 1429 هـ عدد الأجزاء: 4 (في ترتيب مسلسل واحد) ج 2 ص 616.

5 - التيسير في أحاديث التفسير المؤلف: محمد المكي الناصري (المتوفى: 1414هـ) الناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، 1405 هـ - 1985 م عدد الأجزاء: 6 أعده للمكتبة الشاملة/ أبو ياسر الجزائري، ج 3 ص 166.

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا⁽¹⁾ ترجمه: ای اهل کتاب در دین خود غلو مکنید و درباره خدا جز حق مگوئید بیگمان عیسی مسیح پسر مریم، فرستاده خدا است و او واژه خدا است که خدا آن را به مریم رساند و او دارای روحی است از سوی خدا پس به خدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید و مگوئید که سه تا است بلکه خدا یکتا است و جز الله خدای دیگری وجود ندارد. دست بردارید که به سود شما است. خدا یکی بیش نیست که الله است و حاشا که فرزندی داشته باشد. و حال آن که از آن او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و کافی است خدا مدبّر باشد. درآیه درگر الله متعال می فرماید: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ)⁽²⁾ ترجمه: بگو: ای اهل کتاب به ناحق در دین خود راه افراط و تفریط مپوئید و از اهواء و امیال گروهی که پیش از این گمراه شده اند و بسیاری را گمراه کرده اند و از راه راست منحرف گشته اند، پیروی منمائید. مراد از (لَا تَغْلُوا) تجاوز از حد بیرون شدن از هدف و ترک حق و مخالفت صواب.⁽³⁾ غلودر حقیقت سبب تباهی می شود در هر کاری غلو سبب ضایع شدن حق است. غلو جدای از حق.⁽⁴⁾ چنانچه نصارا عیسی علیه السلام را از بنده گی به خدای بردند و مثل الله متعال اورا عبادت می کردند و در پیروی آن غلو کردند به گمان اینکه بردین هستند هرچی از دهن شان آمد گفتند راست و دروغ حق و باطل.⁽⁵⁾ چنانچه الله متعال می فرماید: (اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ)⁽⁶⁾ ترجمه: یهود و نصارا علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند. کثرات های گذشته نسبت به افراط در دین به هلاکت رسیدند. چنانچه رسول اکرم (صلي الله عليه وسلم) می فرماید: (إِيَّاكُمْ وَالْعُلُوَّ فِي الدِّينِ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْعُلُوِّ فِي الدِّينِ)⁽⁷⁾

چهارم: عوامل اخلاص امنیت فکری

کفار و منافقین و هم دستانشان در سدد نشر پخش اخبار بی اساس سعی می کنند تا امنیت فکری مسلمانان را برهم زنند و مسلمانان را مصروف نگهدارند تا باشد زندگی شان معطل قرار گیرد. و یا جلوگیری کرده باشند از گسترش اسلام در سرزمین خود و گوشش می کنند تا تعداد از مسلمانان را از دین شان

1 - سوره النساء، آیه 171.

2 - سوره المائده، آیه 78.

3 - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج 2 ص 1132.

4 - تفسیر القرآن العظیم لاین ابي حاتم المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327هـ) المحقق: أسعد محمد الطيب الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة - 1419 هـ ج 4 ص 1180.

5 - التفسیر الموضوعي المؤلف: مناهج جامعة المدينة العالمية الناشر: جامعة المدينة العالمية عدد الأجزاء: 1، ص 169.

6 - سوره التوبه، آیه 31.

7 - اخرجه ابن ماجه في سننه، سنن ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - عبد اللطيف حرز الله الناشر: دار الرسالة العالمية الطبعة: الأولى، 1430 هـ عدد الأجزاء: 5 ج 4 ص 228 حديث 3029. أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمُطَوَّعِيُّ، أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْجَبْرِيُّ، أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ، عَنْ عَوْفِ الْأَعْرَابِيِّ، عَنْ زِيَادِ بْنِ حُصَيْنٍ، عَنْ أَبِي الْعَالِيَةِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِيَّاكُمْ وَالْعُلُوَّ فِي الدِّينِ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْعُلُوَّ فِي الدِّينِ) السراج المنير في ترتيب أحاديث صحيح الجامع الصغير، ج 2 ص 964. قال الألباني رحمه الله (صحيح)

برگردانند و اگر برنگردند حداقل ارزشهای اسلامی را بی اهمیت جلو دهند و به ارزش های دینی به اعتناشوند، این امر تا برپا شدن قیامت ادامه دارد. چنانچه الله متعالی فرماید: (وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (1) ترجمه: بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند با این که حَقَانِیَّتِ برایشان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد. بی گمان خداوند بر هر چیزی توانا است. یهود و نصارا از کافر شدن شما بعد از ایمان آوردن خوشحال می شوند برگشت شما از دین اسلام را به کفر جشن می گیرند و همیشه در تلاش بیرون کردن شما از اسلام هستند. (2) دوست دارند این که شما از دین تان برگردانند به انواع حیلۀ نفاق بعد از این ایمان آوردید به الله پیغمبرش این از سبب حسد و حقد عداوت یهود نصارا است. (3) الله متعالی پیروی از یهود و نصارا بر حذر داشته و بیان می کند که از آنها پیروی نکنید زیرا آنها در کوشش برگرداندن شما از دین تان است و بر شما و بردین شما و بر پیامبر شما طعن وارد می کنند و شک شبه وارد می کنند تا شمارا را از دین تان برگردانند، و آسایش و آرامش را از شما بیگیرند. چنانچه الله متعالی فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ) (4) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از گروهی از کسانی که کتاب بدیشان داده شده است پیروی کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز می گردانند.

پنجم: دشمنان و اخلال امنیت فکری

دشمنان اسلام در کوشش برهم زدن امنیت فکری، روحی و جسمی مسلمانان هستند اگرچه توانسته اند تا اندازه کشورهای اسلامی را نا امن سازند و این بشکل استمرار جریان دارد و هیچ وقت دست از این کار نمی کشند زیرا ترس در ذهن شان وجود دارد که تمام ملت شان گرویده اسلام شوند. و این دسیسه در هر زمان بشکل نو ظهور می کند که شناخت آن برگشورهای اسلام هم دشوار است یا شاید شناخت وقتی حاصل شود که همه دارندار مادی و معنوی مسلمانان به دار فنا رفته است.

اول: به شک انداختن مسلمانان نسبت به دین شان.

مصدر دین اسلام همانا قرآن و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) است که بیان هر دو از طرف رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) صورت گرفته است بناء دشمنان اسلام کوشش می کنند که مصادر

1 - سوره البقره، آیه 109.

2 - تفسیر ابي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم. ج 1 ص 145.

3 - الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية. ج 1 ص 47.

4 - سوره آل عمران، آیه 100.

اصلی و اساس را مورد شک تردیده قرار داده مسلمانان را نسبت به آن بی اعتماد کنند و یا این مصادر را بی اهمیت جلو دهند.

1-: تشکیک در قرآن کریم.

کافران میگویند که قرآن کریم کلام خدا نیست بلکه کلام محمد صلی الله علیه وسلم است پس الله متعال در جواب می فرماید: اگر در گفتار خود صادق هستید پس شما هم مثل یک سوره و یا مثل یک آیه قرآن بیاورید، هر قدر کوشش کردند ولی نتوانستن که یک کلمه هم بیاورند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم، دچار شک و دودلی هستید، سوره ای همانند آن را بسازید و گواهان خود را بجز خدا فرا خوانید اگر راستگو و درستکارید. اگر در وجود قرآن شک دارید و یا در بودن کلام پروردگار پس دلیل بیاورید به این گمان خود و یا از خود جور کنید مثل قرآن هرگز قادر نخواهد بود زیرا این کلام بشر نیست کلام کسی است که تمام جهان خلق کرده است.⁽²⁾ ای جماعت از کفار اگر شما در آنچه بر بنده خود (محمد صلی الله علیه وسلم) نازل کردیم شک دارید که این از طرف الله متعال نیست پس شما هم با کمک بزرگان خود مثل این بیاورید. اگر نمی توانید پس ایمان بیاورید تا از عذاب الله متعال نجات یابید.⁽³⁾

2-: شک در حفظ نگداری قرآن کریم.

کفار باز هم میخواهند که امنیت فکری را از بین ببرند با ایجاد شک که گویا قرآن کریم در این مدت که از آن می گذرد دست خورده و یا گویا تحریف شده بی خبر از این که الله متعال حفظ و نگهداری قرآن کریم را به دوش خود گرفته است. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)⁽⁴⁾ ترجمه: ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود ما پاسدار آن می باشیم و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می داریم. الله متعال این شک که کفار به نسبت دادن قرآن کریم به محمد (صلی الله علیه وسلم) می کردند رد کرده می فرماید: که نازل کننده و حافظ قرآن هستیم.⁽⁵⁾ این فرموده الله متعال سبب آرامش و اطمینان مسلمانان شد که کس توان تبدیل و تحریف در آنرا ندارد.⁽⁶⁾

3-: شک در سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم). پیامبر هم مثل ما انسان است میخورد و میخوابد و حرف می زند بناء اشتباه هم می کند، الله متعال این گمان کفار را رد می کند و می فرماید: (مَا كَانَ

1- سوره البقره، آیه 23.

2- تفسیر روح البیان ج 1 ص 79.

3- البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ج 1 ص 88.

4- سوره الحجر، آیه 9.

5- فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج 7 ص 148.

6- زهرة التفاسیر ج 8 ص 4071

مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رَّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا(1) ترجمه: محمد پدر هیچ يك از مردان شما نبوده بلکه فرستاده خدا و آخرین پیغمبران است. و خدا از همه چیز آگاه بوده وهست. رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آخرین انبیا علیه السلام است بعد از او دیگر نبی نمی آید پس هر عمل کرد آن حکم شرعی است.(2) رسول اکرم از خود چیزی نمی گوید آنچه به او وحی می شود می گوید و به مردم بیان می کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ - إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)(3) ترجمه: و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید آن جز وحی و پیامی نیست که وحی و پیام می گردد.

4-: کوشش دشمنان اسلام به برگرداندن مسلمانان به کفر

دشمنان دین اسلام بقای خود را در فناء اسلام می دانند و استقرار اسلام را زوال خودمی دانند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا)(4) ترجمه: بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند. امروز در پس هر دسیسه دست کفار نخفته است بشکل نامرئی مسلمانان را در بین خود درگیر کردند تا از پیشرفت در عرصه مختلف جلوگیری کنند و مسلمانان یک انسان ضیف و ناتوان و عقب مانده جلوه بدهند، تاجلوداخل شدن غیر مسلمانان به اسلام بیگیرند.

5-: دوستی با کفار. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ)(5) ترجمه: ای مؤمنان دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید. شما نسبت بدیشان محبت می کنید و مودت می ورزید، در حالی که آنان به حق و حقیقتی ایمان ندارند که برای شما آمده است. این مؤمنان مشرکین را به دوستی نگیرید چون دشمنی مشرکین فقط به سبب ایمان و توحید الله متعال است پس هیچ وقت آنها را دوست نگیرید زیرا بسبب ایمان رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را از مکه بیرون کردند.(6) در نزد تمام انسانها با ارزش ترین و مهم ترین با عزت ترین چیز دین بوده واست زیرا دین است که سبب تقرب به الله متعال شده سعادت دنیا و آخرت را در بردارد بناء دشمنی و عداوت حاصله از این بزرگترین عداوت و دشمنی محسوب می شود، و بزرگترین انواع دشمنی بسبب دین بوده است.(7) و بزرگترین اسباب آرامش و امنیت دهند همین دین است و بزرگترین عوامل جنگ و آشوب به سبب دین

1 - سوره الاحزاب، آیه 40.

2 - تیسرالتفسیر للقطان، ج 3 ص 110.

3 - سوره النجم، آیه 3-4.

4 - سوره البقره، آیه 109.

5 - سوره الممتحنه، آیه 1.

6 - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج 10 ص 1376.

7 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية

<http://www.islamweb.net> جزء 35 ص 4.

به میان می آید. پیغمبر و شما را به خاطر ایمان آوردن به خدا که پروردگارتان است بیرون می رانند. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: ای مؤمنان یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید. ایشان برخی دوست برخی دیگرند. هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد بیگمان او از زمره ایشان بشمار است. شك نیست که خداوند افراد ستمگر را هدایت نمی کند.

ششم: مسؤولیت علماء تأمین امنیت فکری

نقش علماء در تأمین امنیت خصوصاً در تأمین امنیت فکری خیلی ها برجسته است از آنجاییکه علماء امت اسلامی در نزد مردم محترم و معزز اند و جایگاه خاص دارند، امت اسلامی به حرف علمائی خود گوش می دهند و آنرا قبول دارند. با وجودیکه دشمنان اسلام بسیار کوشش کردند تا علمائی اسلامی را بدنام سازند و مردم را از آنها دور سازند زیرا علماء اسلامی مرجع و مصدر امت اسلامی بوده است و امت اسلامی و به خواست علماء لیبیک گفته اند. در طول تاریخ علمائی اسلام مکر، فریب و دسیسه دشمنان اسلام را برملاء ساختند و مردم را در جریان گذاشته اند و سبب خنثی شدن پلان شوم دشمنان اسلام شده این کار خشم دشمنان اسلام را زیاد ساخت تا این که تصمیم به بد نام ساختن علماء اسلام گرفتند و تعدادی را در شکل و قیافه علماء استخدام کردند و آنها را به عمل کرد زشت دستورد داده اند و تمام عمل کرد زشت را به آنها نسبت داده و به مردم معرفی کردند خصوصاً در افغانستان در همین اواخر بناء با وجود همه این کارها باز هم الحمد لله جایگاه علمائی واقعی در نزد مردم حفظ شده است و مردم به آنها مراجعه می نمایند. علماء را چنان معرفی کردند که گویا علماء باپیش رفت و ترقی در عرصه زندگی مخالف اند و مانع پیشرف امت اسلامی شده اند و تعداد دل باخته ای غرب این را زمزمه می کنند. در حقیقت علماء تاحدی توانسته اند دسیسه دشمنان اسلام را در نطفه خنثی نمایند و مردم را آگاه سازند. مساوی نیست عالم و جاهل و مطیع و سرکشی زیرا عالم سبب آبادی و جاهل سبب خرابی می شود مطیع سبب ایجاد محبت و دوستی شده در کارهای خوب پیش قدم می باشد که سبب گسترش امنیت در جامعه شده و مردم به آن تمائل پیدا می کنند بر عکس سرکشی و معاصی سبب گسترش ترس هراس شده امنیت و محبت را از بین می برد. (2) علماء را الله متعال ستوده و می فرماید: (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ)⁽³⁾ ترجمه: بگو: آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند، برابر و یکسانند تنها خردمندان پند و اندرز می گیرند. تنها علماء جید اسلام هستند که مرام و هدف شریعت اسلامی می فهمند و مقاصد آنرا درک می کنند بناء برای هدایت

1 - سوره المائده، آیه 51.

2 - التفسیر المظهری، ج 8 ص 200.

3 - سوره الزمر، آیه 9.

و جلوگیری از انحراف برای ملت و جامعه مؤثراند. (1) چنانچه الله متعال می فرماید: (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) (2) علم نسبت تمام درحقایق و رسیدن به مقصد مرام است که مثل نور تمام مکان را شعاع آن می گیرد هر جا که عمل امنیت است آرامش است سعادت است در عدم آن تاریکی گمراهی است. (3)

هفتم: ارشاد و رهنمایی مسؤلیت علماء

چنانچه الله متعال می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) (4) ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و به خدا ایمان دارید.

تعدادی از علماء باید در برابر افکار انحرافی در جامعه خود ایستاده شوند و با استدلال و جواب منطقی از انتشار آن جلوگیری نمایند و دولت باید تمام نیازمندی های علماء را برآورده سازد. علماء اسلام بین خوب و بد تفکیک کرده میتوانند بناء الله متعال به علماء دستوری دهد که باید تعداد از علماء در برابر منکرات که از طرف دشمنان اسلام به اسلام رواج پیدا می کند که باعث نا امنی مردم می شود، مردم را منع کنند و بطرف اسلام که خیر و امنیت است دعوت کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَأَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (5) ترجمه: باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارند. این دلالت بر فرض کفائی بودن امر به معروف و نهی از منکر دارد. (6) مراد از (أُمَّةٌ) در اینجا جماعت است. (7) تمام آیات که امر ب معروف را ذکر کرده مراد آن دعوت به عبادت خالصانه الله متعال است و از شرک به اسلام از کارهای بد به کار نیک. (8) باید که جماعت از مسلمانان در راه خدمت بدین مؤظف باشد زیرا هر کار نسبت به فعالیت تازه و ادامه می داشته باشد هر گاه فعالیت کند باشد بهمان قدر رشدکارهای خیر هم کند می باشد بناء دعوت و خیرخواهی فعالیت جدی و سریع می خواهد تا در هر وقت و زمان مردم را به راه راست هدایت نموده و به رشد تعالی برساند. فرض کفائی یعنی کفایت کنند تمام امور مردم به صورت خوب پیش برود. (9)

1 - النظرات الماتعة في سورة الفاتحة المؤلف: مرزوق بن هياس آل مرزوق الزهراني، الأستاذ المشارك بكلية الحديث الشريف والدراسات الإسلامية بالجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة الناشر: (المؤلف) الطبعة: الثانية، 1425 هـ - 2005 م عدد الأجزاء: 1 ص 88.

2 - سورة المجادلة آية 11.

3 - التيسير في أحاديث التفسير، ج 5 ص 349.

4 - سورة آل عمران، آية 110.

5 - سورة آل عمران، آية 104.

6 - أحكام القرآن لابن فارس ج 2 ص 4.

7 - تفسير ابن منذر، كتاب تفسير القرآن المؤلف: أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري (المتوفى: 319 هـ) قدم له الأستاذ الدكتور:

عبد الله بن عبد المحسن التركي حققه وعلق عليه الدكتور: سعد بن محمد السعد دار النشر: دار المائر - المدينة النبوية الطبعة: الأولى 1423

8 - تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج 3 ص 727.

9 - أحكام القرآن للجصاص، ج 2 ص 315.

هشتم: اصلاح فکری مایه امنیت

یکی از راه های اصلاح فکری دعوت است دعوتی که با دانش و با حکمت همراه باشد، دوم رد شبهات که از طرف انسانهای نادان و یا از طرف دشمنان اسلام به خاطر تشویش مسلمانان اظهار می شود، یعنی دعوت ورد شبهات به طریقه نیک و نرم خوی سبب اصلاح فکری شده امنیت جامعه را به دنبال دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: ای پیغمبر مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهایی نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن چرا که بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است. بی گمان پروردگارت آگاه تر از همگان به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می گردند. (الْحَسَنَةُ) کلمه نیک که سبب مرحم برزخم است آرامش بر قلب و هدایت به گمراهان. (2) رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ)⁽³⁾ انسان باید قبل از مجادله و مناظره و دعوت باید خودش با علم شرعی مجهز بوده باشد و به گفتار نیک و اخلا پسندیده و سیرت و صورت نیک بوده باشد. (4) خود دعوت به نرمی و روش نیکه صورت گیرد و مجادله با کسی که مناظره میکند به وجه نیک و سخن نرم و خطاب درست باشد. (5) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)⁽⁶⁾ ترجمه: با اهل کتاب جز به روشی که نیکوتر باشد، بحث و گفتگو مکن.

1- گفتار نرم مایه امنیت روحی. به کسی دشنام ندهید درشت خوی نکنید که سبب آشفته شدن و برهم خوردن امنیت فکری می شود و از سخن گفتن به عکس العمل فزیکمی تبدیل شده و منجر به آشوب و قتل می شود. چنانچه الله متعال جل جلاله می فرماید: (فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)⁽⁷⁾ ترجمه: سپس به نرمی با او سخن بگویند، شاید یاد کند و بهراسد. و هم چنان قرآن کریم از دشمنان دادن نهی کرده تا امنیت حفظ شود و منجر به فتنه نشود. به نرمی و لطافت و به کلام بلیغ و فصیح آنرا دعوت کنید امکان دارد که این دعوت شما در قلب آن تأثیر گذارد و ایمان آورد و از عاقبت ظلم و کفر سرکشی خود دست

1 - سوره النحل، آیه 125.

2 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 352.

3 - صحیح المسلم = المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت عدد الأجزاء: 5 باب فضائل علي بن ابي طالب. ج 4 ص 1872 حديث 2406. صحیح البخاری باب من اسلم علی یدیه رجل. ج 4 ص 60.

4 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء (درس) 17 ص 2.

5 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 3 ص 72.

6 - سوره العنکبوت، آیه 46.

7 - سوره طه، آیه 44.

بردارد. (1) درگفتار خود کلمات خوب استفاده کنید و زشت و بد نگوید زیرا این سبب از بین رفتن امنیت و اعتماد می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (2) ترجمه: به معبودها و بتهایی که مشرکان بجز خدا می پرستند دشنام ندهید تا آنان تجاوزکارانه و جاهلانه خدای را دشنام دهند. همان گونه برای هر ملّتی و گروهی کردارشان را آراسته ایم. عاقبت بازگشتشان به سوی خدایشان است و خدا آنان را از آنچه کرده اند آگاه می سازد. در این آیه مبارکه الله متعال مسلمانان از دشنام و زشت گفتن به عقاید مشرکین و کافرین منع کرده زیرا این سبب عکس العمل می شود و امنیت گفتاری را برهم می زند. (3)

2-: شبهات دشمنان اسلام را با دلیل علمی رد کنید.

کفار در ایجاد شک و شبهه موفق نمی شوند: هرگاه خبری یادسیسه از طرف دشمنان اسلام به شما رسید آنرا با دلیل علمی رد نموده و حقیقت را باحکمت بیان کنید، زیرا حقیقت پیروز است هرگاه آنچه درست است بیان شود سبب باطل شدن آنچه درست نیست می شود چون باطل باطل است. و باطل وقتی از بین می رود که حقیقت آشکار شود بناء وقتی که قرآن کریم آمد تمام فکر نظر باطل رد و حقیقت را بیان کرد. چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا) (4) ترجمه: والا مقام و جاوید کسی است که فرقان، (یعنی جدا سازنده حق از باطل) را بر بنده خود (محمد) نازل کرده است، تا این که جهانیان را (بدان) بیم دهد (و آن را به گوش ایشان برساند) قرآن کریم را فرقان می نامند زیرا حق را از باطل و مؤمن را از کافر جدا می کند. (5) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا) (6) ترجمه: بگو: حق فرا رسیده است و باطل از میان رفته و نابود گشته است اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است. این آیه دلالت بر این دارد که هرچیزیکه اصل اساس نداشته باشد روزی با آشکار شدن حقیقت از بین می رود کسانیکه به آن ادعا می کنند خود شان هم امنیت و آرامش قلبی نمی داشته باشند زیرا در شک تردید می باشند ولی بخاطر حقد کینه ابراز به حق نمی کنند. (7)

3-: **میانه روی:** وسطیت بهترین راه برای جلوگیری از احراف فکری یعنی امتی که نه زیاده روی از حد می کنند و نه تقصیر، بلکه میان رو هستند، و اعتدال و میان روی درزنده گی یک اصل و اساس

1 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 410.

2 - سوره الانعام، آیه 108.

3 - تفسیر الحدیث، ج 4 ص 134.

4 - سوره الفرقان، آیه 1.

5 - فتح الرحمن فی تفسیر القرآن ج 5 ص 5.

6 - سوره الإسراء، آیه 81.

7 - تفسیر بیان المعانی، ج 2 ص 550.

است و تجاوز از وسطیت باعث هلاکت خود و دیگران می شود در هر کار انسان باید میان رو باشد زیرا گذشتن حد و سبب ضایع شدن حق دیگران می شود. بناء انسان باید راه وسط را پیش گیرد نه افراط کند و نه تفریط. (1) چنانچه الله متعال میفرماید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ). (2) ترجمه: و بی گمان شما را ملت میانه روی کرده ایم تا گواهانی بر مردم باشید. مراد از (وَسَطًا) عدالت است یعنی امت عادل. (3) مراد از (شُهَدَاء) شاهد بر تمام امم: یهود، نصارا، و مجوس. (4) یعنی شما امت میانروی هستید در هر کار در خوراک و پوشاک و در تفکر و تعقل و در عبادت و در عمارت و در حق دنیوی و اخروی کوتاهی نمی کنید. (5)

مطلب ششم: امنیت سیاسی

امنیت به مثابه مهم ترین کارکرد یک دولت از مسئولیت های اساسی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به نحوی مؤثر احساس می شود و پیوندی ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد. برقراری امنیت در جامعه را از وظایف اصلی دولت ها می باشد. این مسئله در اسلام نیز از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده؛ همواره طراحی آن در بستر نظام سیاسی اسلامی مورد توجه بوده است و در قرآن کریم به عنوان مهم ترین منبع اسلامی به گستردگی آن اشاره شده است. قرآن کریم امنیت را یکی از اهداف استقرار و حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت بر می شمارد. امنیت در قرآن کریم نیز دارای سطوح مختلفی است که امور معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی را در بر می گیرد. حفظ نظم عمومی و نظام حکومتی ای که گروه مسلمانان در سایه آن از امن و امان برخوردار می گردند، و به تلاش نیک و پویایی خوب خود سرگرم می شوند، همه و همه همسان امن و امان افراد لازم و ضروری است. چراکه امن و امان افراد و اشخاص جز با امن و امان نظم عمومی و نظام حکومتی ممکن نمی گردد. گذشته از آن، حفاظت از این جامعه نمونه فاضل و والای جامعه ها، یعنی جامعه ای که در بر گیرنده هر نوع تضمینی برای زندگی و آرامش است، از همه چیز لازم تر و ضروری تر است. چراکه با بودن و ماندن چنین جامعه فاضله ای، مردمان به فعالیتهای خوب و پسندیده خود می پردازند، و زندگی انسانیت در سایه آن راه ترقی می پوید و اوج می گیرد و درخت حیات بشری رشد می کند و به بار می نشیند، و غنچه های خیر و فضیلت و رشد و تولید باز می شوند و می شکفند. این چنین جامعه ای بویژه برای جملگی مردمان همه نوع تضمینی در همه زوایای زندگی و افرتامین می کند، و در پیرامونش فضایی به وجود می آید که در آن دانه های خوبی و نیکی رشد و نمو می کنند، و دانه های بدی و

1 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 126 ص 4.

2 - سوره البقره، آیه 143.

3 - جواهر الأفكار ومعادن الأسرار المستخرجة من كلام العزيز الجبار المؤلف: عبد القادر بن أحمد بدران، ث 371.

4 - تفسیر مجاهد المؤلف: أبو الحجاج مجاهد بن جبر التابعي المكي القرشي المخزومي (المتوفى: 104هـ) المحقق: الدكتور محمد عبد السلام أبو النيل الناشر: دار الفكر الإسلامي الحديثة، مصر الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1989 م عدد الأجزاء: 1 ص 215.

5 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 73.

زشتی چروکیده و پژمرده از بین می روند. این چنین جامعه فاضله ای پیش از پرداختن به معالجه و مداوا، به حفاظت و مصونیت می پردازد، و بعد از آن به معالجه و مداوای دردهائی می پردازد که ابزار کار جلوگیری و سالم سازی از درمان آنها در مانده باشد. همچنین چنین جامعه ای، انگیزه و بهانه ای برای انسان سالم بر جای نمی گذارد تا به سوی بدکرداری و زشتکاری بگراید و به تعدی و دست درازی بپردازد. (1) همه این درگروی اتحاد و همگرایی سیاسی است زیرا هم فکریم و هم باوری در رده های بالای دولتی باعث امنیت جامعه می شود برعکس اختلاف و نزاع سیاسی سبب برهم خوردن امنیت و آسایش جامعه و مردم می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (2) و همگی به رشته ای ناگسستنی قرآن خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدانگاه که دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان پیوند داد، پس برادرانی شدید، و بر لبه گودالی از آتش بودید ولی شما را از آن رهانید خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار میسازد شاید که هدایت شوید. (وَاعْتَصِمُوا) الاعتصام: اللتجاء والتمسك. جمع شدن روی آوردن و یا پناه بردن و یا محکم گرفتن و یا جمع شدن در یک مرکز. (3) اعتصام: چنگ زدن محکم (بِحَبْلِ اللَّهِ) به قرآن و دین اسلام زیرا کتاب و دین سبب ارتباط به پروردگار می شود و هر چیزی که سبب ارتباط دو چیز شود یعنی یکی به دیگر بسته شود به آن ارتباط دهند حبل (ریسمان) می گویند. (4) امنیت سیاسی با امنیت اجتماعی پیوند عمیقی دارد زیرا امنیت اجتماعی به دنیال ایجاد امنیت و آسایش جمعی و مدنی افراد از طریق قوانین و اقامه نظم و حکومت است و از طرفی نیز امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف داخلی و خارجی و هم چنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تأمین امنیت و آرامش مردم است، این نیاز مند اتحاد و اتفاق سران کشور است تا تفرقه و اختلاف در بین شان ایجاد نشود که این اختلاف سبب به خطر انداختن امنیت شهروندان شده زنده گی مردم را مختل می سازد، هر نا امنی ناشی از تفرقه اختلاف به وجود می آید بناء الله متعال به امت مسلمه دستور داده تا اتحاد و اتفاق خود را حفظ کنند به ریسمان پروردگار عالمیان چنگ بزنند که سبب اتحاد آنها شود اگر بزرگان یک کشور اتفاق نداشته باشند و در مقابل هم قرار گیرند سبب دشمنی و فتنه های بزرگ خواهد شد که مهار کردن آن خیلی ها دشوار است. همه بزرگان مسؤول اجرای دستورات

1 - تفسیر فی ظلال ترجمه: فارسی، سوره مائده، ص 225.

2 - سوره آل عمران، آیه 103.

3 - إعراب القرآن و بیانه المؤلف: محیی الدین بن أحمد مصطفی درویش (المتوفی: 1403 هـ) الناشر: دار الإرشاد للشئون الجامعية - حمص - سورية، (دار الیمامة - دمشق - بیروت)، (دار ابن کثیر - دمشق - بیروت) الطبعة: الرابعة، 1415 هـ عدد المجلدات: 10 ج 2 ص 9.

4 - أيسر التفاسیر لكلام العلي الكبير للجزائري، ج 1 ص 353.

دین مبین اسلام جهت تأمین امنیت مردم هستند بناء به هر شیوه و طریقه ای که این دستورات اجراء شود اختلاف نیست بلکه اسباب متغیروالی هدف که همانا به اجرا گذاشتن دستورات دین اسلام برای امنیت مردم است می باشد هر ملت که بزرگانیشان اتحاد و اتفاق نظر به آبادی و پیشرفت زندگی مردم داشته باشد امنیت آن مردم تأمین می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (1) ترجمه: و همگی به رشته ای ناگسستنی قرآن خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. مراد از (حبل الله) الجماعة. و کتاب الله و سنة رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) (2)

1-: یکی از اهداف استقرار حاکمیت و استخلاف صالحان تحقق امنیت معرفی شده است

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (3) ترجمه: خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین در زمین خواهد کرد همان گونه که پیشینیان را جایگزین قبل از خود کرده است. همچنین آئین ایشان را که برای آنان می پسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می سازد، مرا می پرستند و چیزی شریک نمی گردانند. بعد از این کسانی که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان بشمارند. الله متعال برای کسانی که عمل نیک می کنند آنها را قدرت و ریاست را نصیب می کند. (4) در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (5) ترجمه: ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب انبیاء پیشین نوشته ایم که بی گمان سراسر روی زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد و آن را به دست خواهند گرفت. مراد از (الصَّالِحُونَ) یقیناً اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) و امت آن است. (6)

2-: تأمین امنیت شهرها سبب هم پذیری یکدیگر

امنیت شهرها سبب دید باز دیده شده انسانها در مورد یکدیگر معرفت حاصل می کنند که این معرفت سبب روابط نیک شده محبت و دوستی ایجاد می شود. بناء شهری که برخوردار از امنیت باشد به عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است. بدیهی است هر نظام سیاسی جهت دستیابی به نظامی مطلوب و خدا پسندانه می بایستی امنیت و آرامش شهر و شهروندان را تأمین کند. زیرا تأمین امنیت شهرها سبب

1 - سوره آل عمران، آیه 103.

2 - تفسیر أحمد طیب، جزء 497 ص 2.

3 - سوره النور، آیه 55.

4 - التعلیق علی تفسیر القرطبی مؤلف الأصل: أبو عبد الله محمد بن أحمد، شمس الدین القرطبی (المتوفی: 671هـ) الشارح: عبد الکریم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضیر دروس مفرغة من موقع الشيخ الخضیر، جزء 12 ص 22.

5 - سوره الانبیاء، آیه 105.

6 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء (درس) 132 ص 20.

رشد فرهنگی و اقتصادی شده نیازها مردم برآورده می شود که این خود در آرامش و امنیت نقش مهم دارد قرآن کریم شهر که از امنیت برخوردار بود بطور الگو برای انسان را تذکر داده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ) (1) ترجمه: مردمان شهری را مثل می زند که در امن و امان بسر می بردند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می شد، اما آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشاند. (آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً) در این آیه حالت امنیت به اسم آمده و این دلالت بر ثبوت و دوام امنیت و مطمئن در این شهر دارد که این امنیت یک روز دورز نبوده بلکه دوام داشته. تصور زیبایی از امنیت ارایه شده یعنی در صورت تأمین شدن امنیت همه چیز فراوان و آسان قابل دست رسی می باشد. امنیت آنقدر مهم است که الله متعال عذاب را در خوف جوع ذکر کرده است. (2)

3-: تأمین امنیت و اجرای احکام جزای مسؤول بزرگان سیاسی: کسانیکه مسؤولیت اداره کشورهای اسلامی را به عهد دارند مسؤولیت تأمین امنیت هم بر گردن آنها است و باید کوشش کند در زمینه تأمین امنیت و استقرار امنیت استقرار امنیت به وجود نمی آید مگر به اجراء گذاشتن احکام جزای اسلام، تمام سیاسون کشور باید اتفاق نظر داشته باشند که احکام جزای تطبیق شود کسی نباید در این زمینه مخالف باشد زیرا مخالفت در حقیقت مخالفت به الله متعال است کسانیکه مانع اجرای احکام جزای اسلام می شوند در حقیقت مانع تأمین و استقرار امنیت می شود که الله متعال به عنوان ظالم کافر فاسق از این ها یاد کرده. چنانچه می فرماید: (إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَسْتُرُوا بِآيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) (3) ترجمه: ما تورات را بر موسی نازل کردیم که در آن رهنمودی (به سوی حق) و نوری (زداینده تاریکیهای جهل و نادانی، و پرتوانداز بر احکام الهی) بود. پیغمبرانی که تسلیم فرمان خدا بودند بدان برای یهودیان حکم می کردند، و نیز خداپرستان و دانشمندان بدان حکم می کردند که امانتداران و پاسداران کتاب خدا بودند. پس (ای علماء یهودیان، و شما ای مؤمنان) از مردم نهراسید و بلکه از من بهراسید (همچون سلف صالح خود محافظان و مراقبان کتاب خدا و مجریان احکام آسمانی باشید) و آیات مرا به بهای ناچیز (دنیا، همچون رشوه و جاه و مقام) نفروشید و (بدانید که) هرکس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است (وقصد توهین به احکام الهی را داشته باشد) او و امثال او بیگمان کافرند. فرق بین (هُدًى وَنُورٌ) هُدًى محمول بر بیان

1 - سوره النحل، آیه 112.

2 - التفسیر البیانی لما فی سورة النحل من دقائق المعانی المؤلف: سامی ودیع عبد الفتاح شحادة القدومی الناشر: دار الوضاح، الأردن، عمان عدد الأجزاء: 1 ص 225

3 - سوره المائده، آیه 44.

احکام و شرائع است و وَتُورٌ محمول بر بیان احکام توحید و نبوات و معاد که انبیاء بر آن حکم می کردند. (1) در آیه دیگر الله متعال می فرماید: کسانیکه به آنچه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آورده حکم نمی کند ظالم است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (2) ترجمه: و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند (اعم از قصاص و غیره) او و امثال او ستمگر بشمارند. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَأَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (3) ترجمه: (ما پس از نزول انجیل بر عیسی، به طرفداران او دستور دادیم که) باید پیروان انجیل به چیزی (از احکام) حکم کنند که خدا در انجیل نازل کرده است، و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، او و امثال او متمرّد (از شریعت خدا) هستند. از آیات چنین برداشت می شود: که اگر کسی به احکام دین اسلام توجه نکند و آنرا در نظر نگیرد باوجود توانمندی بر اجرای آن یا از هوا هوس و یا از ترس مردم این احکام را ترک کند در حقیقت ظالم است که سبب عذاب الله متعال می شود.

4- اتحاد بزرگان سبب تأمین امنیت کشور

اداره ملت و کشور به دست بزرگانیکه در سیاست کشور دخیل اند می باشد بناء اگر بزرگان کشور اتحاد و اتفاق خود را حفظ کنند اتحاد ملت هم حفظ شده سبب ترقی و امنیت کشور می شود از این لحاظ الله متعال مسلمانان را از تفرقه منع کرده است زیرا تفرقه سبب کم شدن شأن و شوکت و هیبت مسلمانان شده نا امنی را به دنبال دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (4) ترجمه: و مانند کسانی نشوید که پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند پس از آن که نشانه های روشن به آنان رسید، و ایشان را عذاب بزرگی است. یکی از عوامل برهم خوردن امنیت و ظهور فتنه مخالفت در کارهای نیک و پسندیده است زیرا در مخالفت کدام خیری نیست جز مصیبت چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) ترجمه: آنان که با فرمان او مخالفت می کنند، باید از این بترسند که بلایی (در برابر عصیانی که می ورزند) گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود (اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی، و دوزخ و دیگر شکنجه های اخروی).

5- نرم خوی بزرگان کشور مسؤول برآورده ساختن نیازها و ضرورت ها

بزرگان کشور باید با صبر و حوصله به حرف و نیاز های مردم گوش دهند و در حل مشکلات آنها بدون وقفه دست به کار شده تلاش نمایند زیرا نرم خوی و شفقت سبب گسترش دوستی همکاری را به دنبال

1 - لباب التأویل في معاني التنزیل تفسیر الخازن، ج 2 ص 47 .

2 - سوره المائده، آیه 45.

3 - سوره المائده، آیه 47.

4 - سوره آل عمران، آیه 105.

دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (1) ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان (که سر از خط فرمان کشیده بودند) نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و درکارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد. یعنی کسانی که امور مردم را بدست دارند باید حرف و مشکلات مردم با صبر و حوصله بشنود و به رفق نرم خوی به آنها رفتار کند و آنها را هدایت کند تشدد و سختی از خود نشان ندهد زیرا سبب تنفر افرا و اشخاص می شود و زعیم خوب کسی است که به مشکل مردم با صبر حوصله رسیده گی کند. (2)

6-: ذولقرنین نمونه از مسؤولیت پذیری: مسؤولیت فراهم کردن احتیاجات ملت به دست بزرگانشان است زیرا آنها خود این مسؤولیت بزرگ را قبول کرده اند، یکی از صفت رهبری مسؤولیت پذیری درمقابل وظایف آن است چنانچه ذولقرنین براین تأمین امنیت مردم سخت ترین کارا انجام داد و نیاز ملت خود را برآورده کرد چنانچه الله متعال کارهای ذولقرنین را برای بزرگان سیاسی تذکر میدهد تا باشد به عنوان الگو از آن پیروی کنند. چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا) (3) ترجمه: (مردمان آنجا، هنگامی که قدرت و امکانات ذوالقرنین را دیدند، بدو) گفتند: ای ذوالقرنین یا جوج و مأجوج در این سرزمین تباهاکارند آیا برای تو هزینه ای معین داریم که میان ما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازی. درمقابل ذولقرنین جواب مثبت داد و آنها را از شریا جوج و مأج نجات داد و برای آنها امنیت را تأمین کرد چنانچه الله متعال در مورد ذولقرنین می فرماید: (قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا) (4) ترجمه: ذوالقرنین گفت: آنچه پروردگارم از ثروت و قدرت در اختیار من نهاده است بهتر است از آنچه پیشنهاد می کنید. ما برای اندوختن اموال نیامده ایم پس مرا با نیرو یاری کنید، تا میان شما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازم. (أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا- فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا- قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي نَكَآءًا وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا) (5) ترجمه: سپس شروع به کار کرد و گفت: قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید. آن گاه دستور چیدن آنها را بر روی

1 - سوره آل عمران، آیه 159.

2 - تفسیر الخازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 1 ص 311.

3 - سوره الکهف، آیه 94.

4 - سوره الکهف، آیه 95.

5 - سوره الکهف، آیه 96-97-98.

یکدیگر صادر کرد تا کاملاً میان دو طرف دو کوه را برابر کرد گفت: بدان بدمید تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد و قطعات به هم جوش خورد. سپس گفت: مس ذوب شده برای من بیاورید تا (آن را) بر این (سد) بریزم- سدّ به قدری بلند شد که حمله و ران یا جوج و مأجوج اصلاً نتوانستند از آن بالا روند، و به هیچ وجه نتوانستند نقبی در آن ایجاد کنند- هنگامی که بنای سدّ به پایان رسید، ذوالقرنین شاکرانه گفت: این (سدّ) از مرحمت پروردگار من است و هرگاه وعده خدا فرا رسد آن را ویران و با زمین یکسان می کند، و وعده پروردگار من حق است.

7- مشوره در امور کشور سبب تأمین امنیت ملت. یکی از راههای تأمین امنیت مشوره خواستن در امور مردم و کشور است مشوره خواستن از بزرگان که دارای تجربه و تخصص و دلسوز به کشور و مردم آن کشور بوده باشد تا برای بیرون رفت از مشکلات پیش آمده کشور شود و دائم به نفع ملت و کشور فکر کنند و برای نیازهای آنها کار کنند و نفع عموم مردم کشور را در نظر گیرند و از اشخاص و افراد کشور خود دفاع کنند بدون در نظر داشت رنگ پوست زبان سمت مذهب، و در مورد مشکلات که بروز می کند با فکرو دقت و تحلیل پیامد مثبت و منفی عمل کنند. زیرا این عمل کرد سبب حفظ امنیت سیاسیون و ملت آنها می شود. چنانچه قرآن داستان ملکه سبا را نقل می کند می فرماید: (قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّي أَلْقِي إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ- إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ- أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ- قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون- قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ- قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا آذِنَةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ- وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ)⁽¹⁾. ترجمه: گفت: ای سران قوم نامه محترمی به سویم انداخته شده استاین نامه از سوی سلیمان آمده است، و سرآغاز آن چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان. برای این نامه را فرستاده ام تا برتری جوئی در برابر من نکنید، و تسلیم شده به سوی من آئید. ملکه سبا گفت: ای بزرگان و صاحب نظران رأی خود را در این کار مهمّ برای من ابراز دارید که من هیچ کار مهمّی را بدون حضور و نظر شما انجام نداده ام. گفتند: ما از هر لحاظ قدرت و قوّت داریم و در جنگ تند و سرسخت می باشیم. فرمان فرمان تو است، بنگر که چه فرمان می دهی. گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به تباهی و ویرانی می کشانند و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می گردانند. اصلاً پیوسته شاهان چنین می کنند. من برای صلح و ساز و جلوه گیری از خرابیها و خونریزیها، هیئتی را به پیش آنان می فرستم همراه با تحفه ای تا ببینم فرستادگان ما از پذیرش ارمغان یا نپذیرفتن آن، و چیزهای دیگر چه خبری با خود می آورند تا برابر آن عمل کنیم. ملکه سبا بعد از مشوره خواستن برای تشویق و تأدیب و نصیحت برای افراد خود می فرماید:

1 - سوره النمل، آیه 29،30،31،32،33،34،35.

(مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ) هیچ کاری را بدون مشوره و غیابت شما انجام نداده ام مگر با مشوره و رأی شما این اشاره به یک نکته لطیف دارد اینکه تا مخالفت در نظر و تدبیر من نکنید. و این این نکته را می رساند که زعیم و متولی امور مردم نباید ظالمان و بدون مشوره بزرگان و متخصصین امور عجلانه تصمیم بگیرد زیرا رأی و نظر متعدد سبب بیرون رفت از معضله پیش آمده می شود. (1) ملکه سبا قبل از نظر خود رأی مشاورین را گرفت و برایش گفت شما در این قضیه چه نظر دارید؟ آنها در جواب بدون ارایه نظر از خود آماده گی نشان دادند بدون اینکه ابعاد آنرا سنجیده باشند و این سبب تباهی شان می شد. (2) از نظر من خیلی جالب است این عمل کرد ملکه سبا، خیلی بادقت کامل و با خون سردی تمام اوضاع را تحلیل و بررسی کرده و پیامد مثبت و منفی برخورد نظامی را سنجیده و مشوره دیگران را هم خواسته و آنها قناعت می دهد به عمل کرد که خساره زیان در پی ندارد. و طرف مقابل خود را که قرار است با آن داخل جنگ شود آنرا هم تحت بررسی قرار داده و خواست آنر جويا می شود که بر چه مبنای این میخواهد وارد جنگ شود. این آیه مبارکه روابط بین دولت و کشور و قانون امور سیاسی و نظامی را خیلی واضح بیان کرده که در عمل پیاده کردن آن سبب امنیت و آرامش شده و از جنگ قتل جلوگیری می نماید.

فایده از آیات:

- 1- مشاورین نباید حکم کنند بلکه زعیم خود را برای اختیار رأی درست مختار بگذارند تا نسبت حال شان تصمیم بگیرد. (3)
 - 2- تحقیق در مورد متهم و اثبات حجت و دلیل بر آن.
 - 3- مشروعیت کشف اخبار دشمن.
 - 4- جواز اظهار عزت و قوت مسلمین در مقابل اهل باطل. (4)
 - 5- در هر کار که تعلق به امور مردم باشد باید قبل از عمل مشوره کرد.
 - 6- الله متعال رسول اکرم (صلي الله عليه وسلم) را امر به مشوره با اصحابش کرده و می فرماید:
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (5)
- 8-: سلیمان و تأمین امنیت سیاسی.**

سلیمان علیه السلام مقام منزلت خود را از طرف الله متعال میداند و در مقال این منزلت از پروردگار خود شکرگذاری می کند، و به این مقام منزلت خود افتخار نکرد و متکبر نشده و همه این قدرت را از فضل الله

1 - تفسیر حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، ج 20 ص 448.

2 - المختصر في تفسیر القرآن الکریم تصنیف: جماعة من علماء التفسیر إشراف: مرکز تفسیر للدراسات القرآنية الطبعة: الثالثة، 1436 هـ ص 379.

3 - تفسیر حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، ج 20 ص 450.

4 - المختصر في تفسیر القرآن الکریم تصنیف: جماعة من علماء التفسیر إشراف: مرکز تفسیر للدراسات القرآنية، ص 379.

5 - تفسیر الماتريدي (تأويلات أهل السنة) ج 8 ص 114

میداند آنرا (1) و در راستای خدمت به ملت خود از بارگاه الله متعال توفیق میخواید و این مقام منزلت را در تأمین امنیت مرد صرف می کند و در بین افراد خود از عدالت کاری گیرد و از احوال آنها غافل نمی شود و به متخلفین برخورد قاطع می کند تا از امور مرد غفلت صورت نگیرد. کسانی که غایب است سبب غیابت را جویا می شود در صورت عذر معقول آنها می بخشد. فکر نظرش در تأمین امنیت مردم است بدون در نظر داشت مال و دارایی مردم این است رهبر این است سیاست مدار چنانچه الله متعال از زبان سلیمان علیه السلامی فرماید: (وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ- وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الُّهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ- لِأَعَذِّبَهُ عَذَاباً شَدِيداً أَوْ لِأُدْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ- فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحُطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ- إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ)(2) (قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ)(3) ترجمه: سلیمان گفت: پروردگارا چنان کن که پیوسته سپاسگزار نعمتهائی باشم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای، و (مرا توفیق عطاء فرما تا) کارهای نیک را انجام دهم که تو از آنها راضی باشی (و من بدانها رستگار باشم)، و مرا در پرتو مرحمت خود از زمره بندگان شایسته ات گردان. سلیمان از لشکر پرندگان سان دید و جویای حال آنها شد و گفت: چرا هدهد را نمی بینم یا این که از جمله غائبان است. حتماً او را کیفر سختی خواهم داد، و یا او را سر می برم و یا این که باید برای من دلیل روشنی اظهار کند. چندان طول نکشید که هدهد برگشت و گفت: من بر چیزی آگاهی یافته ام، که تو از آن آگاه نیستی. من برای تو از سرزمین سبا یک خبر قطعی و مورد اعتماد آورده ام. من دیدم که زنی بر آنان حکومت می کند، و همه چیز لازم برای زندگی بدو داده شده است، و تخت بزرگی دارد. سلیمان به هدهد گفت: تحقیق می کنیم تا ببینیم راست گفته ای یا از زمره دروغگویان بوده ای. سلیمان علیه السلام به مال چشم نداشت چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالِي فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ)(4) ترجمه: هنگامی که رئیس و گوینده فرستادگان به پیش سلیمان رسید و هدیه را تقدیم داشت، سلیمان شاکرانه گفت: می خواهید مرا از لحاظ دارائی و اموال کمک کنید و با آن فریب دهید. چیزهائی را که خدا به من عطاء فرموده است بسی ارزشمند و بهتر از چیزهائی است که خدا به شما داده است. و من نیازی بدین اموال ندارم. بلکه این شماست که نیازمند دارائی و اموال هستید به هدیه خود شادمان و خوشحالید.

9-: امنیت سیاسی را باید از مورچه ها یاد گرفت: انسان وقتی سیاسی می شود که به رعیت خود آسایش و آرامش و امنیت را تأمین کند. چنانچه الله متعال قصه آمدن لشکر سلیمان علیه السلام را و دستور بزرگ مورچه ها به مورچه هارا نقل کرده می فرماید: (حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ)(5) ترجمه: آن گاه حرکت کردند تا رسیدند به دره مورچگان، مورچه ای گفت: ای مورچگان به لانه های خود بروید، تا سلیمان و لشکریانش بدون این که متوجه باشند شما را پایمال نکنند. تبسم سلیمان علیه السلام دو علت داشت.

- 1-: تبسم از خوشحالی اعطای فهم کلام مورچه از طرف الله متعال.
- 2-: تبسم از مدیریت و ادای مسؤولیت مورچه در قبال خدمت و محافظ و دلسوزی برای رعیت خود
- 3-: تبسم از عهد و طاعت مورچه ها اما اگر به انسانها نظر کنی نه عهد است و نه سمع نه طاعت.(6)

1- زهرة التفاسیر، ج 10 ص 5445.

2- سوره النمل، آیه 20، 21، 22، 23.

3- سوره النمل، آیه 27.

4- سوره النمل، آیه 36.

5- سوره النمل، آیه 18

6- تفسیر حقائق الروح والريحان في رواي علوم القرآن، ج 4 ص 404.

فصل دوم

چگونگی تحقق و استقرار امنیت در قرآن کریم

بدون شک در اسلام راههای وجود دارد که تأمین کننده و فراهم آورنده امنیت و آرامش فرد و جامعه است بدون این راه و روش تأمین امنیت امکان ندارد زیرا در اسلام به امنیت روحی و روانی تأکید شده یعنی اسلام امنیت معنوی و مادی را در نظر گرفته است هرگاه به این دستورات اسلام عمل شود امنیت تحقق پیدا می کند. اجرای این دستورات اسلام سبب استقرار امنیت شده و موانع که به امنیت اخلاص وارد می کند از سری راه خود برمی دارد. اسلام عزیز به اعمال و کرداری دستور داده که تأمین کننده امنیت مادی و معنوی تمام انسان هارا در بردارد. به چند نمونه از اسباب فراهم آوری و راههای تحقق امنیت و استقرار آن اشاره می نمائیم.

مبحث اول: راههای تحقق و فراهم آوری امنیت

اسباب تحقق و فراهم آوری امنیت بسیار زیاد بوده از جمله بزرگترین آنها مورد ذیل است.

مطلب اول: اسلام فراهم کننده امنیت

اسلام دین امن و امنیت برای همه: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)⁽¹⁾ ترجمه: بیگمان دین در پیشگاه خدا اسلام است. بدیهی است که دین اسلام، خاتم ادیان و یک دین جهانی است. طرف خطاب اسلام، همه انسان ها هستند. خطابات قرآن کریم در این زمینه مطلق و عام است و شامل تمام انسان ها تا روز رستاخیز می شود. (الدین) در اینجا بمعنی طاعت آمده یعنی اطاعت از اوامر و نواهی⁽²⁾ در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ)⁽³⁾ ترجمه: آیا جز دین خدا را می جویند (که اسلام است)؟ ولی آنان که در آسمانها و زمینند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر او تسلیم اند و به سوی او بازگردانده می شوند. در دیگر آیه شریف الله متعال می فرماید: (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)⁽⁴⁾ ترجمه: و کسی که غیر از آئین و شریعت اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی شود، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود. بناء رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را بر این تأمین امنیت مردم فرستاده و از اوامر و نواهی او پیروی کنیم تا باشد امنیت شامل حالمان شود زیرا برای رحمت فرستاده شده است چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)⁽⁵⁾ ترجمه: ما تو را جز به عنوان رحمت جهانیان نفرستاده ایم. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

1 - سوره آل عمران آیه 19.

2 - جامع البیان فی تأویل القرآن، تفسیر طبری. ج 6 ص 274 .

3 - سوره آل عمران، آیه 83.

4 - سوره آل عمران، آیه 85.

5 - سوره الانبیاء، آیه 107.

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا) (1) ترجمه: والا مقام و جاوید کسی است که فرقان، را بر بنده خود نازل کرده است، تا این که جهانیان را بیم دهد. مراد از (الْفُرْقَانَ) جداکنند حق و باطل الله متعال قرآن را برا بنده خود رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) برای بیان وجدا کردن حق از باطل نازل کرده تا انسانها را از کارها بد دورنگهدارد که امنیت و آرامش آنها در دنیا و آخرت حفظ شود و آنها را از خوف و ترس روز قیامت بترساند تا در آن واقع نشوند یعنی اگر عبادت خود را خاص برای خدای انجام ندهند یقیناً در آخرت امنیت ندارند بلکه عذاب می شوند. (2) تعبیر (للعالمین) نشان می دهد که دین اسلام، جنبه جهانی دارد و مخصوص، به منطقه و نژاد و قوم معینی نیست و نه تنها از نظر مکانی محدود نیست، بلکه از نظر زمانی هم قیدی ندارد و همه آیندگان را نیز شامل می شود، درحقیقت در اسلام هر آنچه دستور داده شده به امنیت و صلاح بشر است و از آنچه نهی کرده به ضرورتی بشر است. (لِلْعَالَمِينَ) انس و جن را شامل می شود. (3) لیکون یعنی محمد. (4)

مطلب دوم: ایمان

1- ایمان بزرگترین وسیله فراهم آوری امنیت است

ایمان خود ماخوذ و گرفته شده از امن است، الله متعال می فرماید: (فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (5) ترجمه: پس کسانی که به دعوت پیغمبران ایمان آورند و کار شایسته کنند، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (6) ترجمه: هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی بر آنان نیست و غم و اندوهی بدیشان دست نخواهد داد. بعد از ذکر جرم یهود و آنچه که سبب غضب الله متعال بالای آنها شده بود نسبت اعمال بد مانند کفر قتل انبیاء تمرد و سرکشی و مخالفت از اوامر الله متعال اگر هر کدام از مؤمنان و یهودیان و نصرانها ایمان بیاورند به الله متعال و روز آخرت و عمل نیک انجام دهند به آنها ثواب عمل نیک شان داده می شود و در روز قیامت برایشان ترس هراس نیست و نه به آنچه که در دنیا و زیبایی های آن مخالفت کرده اند اندوهگین می شود زیرا تمام خوبی هارا الله متعال در آخرت نصیب شان می گرداند. (7) و آنچه را که رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آورده و بیان کرده اطاعت کند سبب سعادت و امنیت دنیا و آخرت می شود. (8) عمل صالح عبارت از اطاعت از اوامر و دوری از

1 - سوره الفرقان، آیه 1.

2 - جامع البیان فی تأویل القرآن، ج 19 ص 233.

3 - زاد المسیر فی علم التفسیر، ج 3 ص 311.

4 - تفسیر العزیزین عبدالسلام، ج 2 ص 416.

5 - سوره الانعام، آیه 48.

6 - سوره البقره، آیه 62.

7 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 35.

8 - تفسیر القرآن العظیم، تفسیر ابن کثیر. ج 1 ص 284.

نواهی الله متعال می باشد. یعنی عمل نیک عبارت است از دعوت به طرف الله متعال ب- و تشوق مردم به ایمان آوردن به الله و به توحید آن و عمل بر طاعت الله متعال و دوری از نواهی آن. (1)

2- یاد الله متعال سبب فراهم شدن امنیت قلب است

چراکه اعتماد و اطمینان و ذکر کسی که یاریاورد انسان است باعث آسایش و آرامش قلبی میشود. چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (2) ترجمه: آن کسانی که ایمان می آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند. آگاه باشید دلها با یاد خدا آرام می گیرند. الطمأنین: سکون قلب بطرف شیء نبود اضطراب و پریشانی. یعنی ذکر و یاد الله سبب آرامش و سکون قلب می شود و اطمینان پیدا می کند. (3)

3- ایمان و عمل نیک فراهم کنند امنیت:

ایمان و عمل نیک باعث فراهم آوری امنیت در دنیا و آخرت می شود. تمام اعمالیکه برای کسب رضای پروردگار انجام یابد، الله متعال در مقابل بهترین و آرامترین محل را برایش آماده می سازد چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ) (4) ترجمه: آن کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته می کنند، خوشا به حال ایشان، و چه جایگاه زیبایی دارند.

مجله آمریکایی Psychiatry

در یک بررسی تأکید می کند که تمایل به خودکشی در میان ملحدین بیشتر از مؤمنین است و از این رو تعداد کسانی که در میان ملحدین اقدام به خودکشی می کنند رقم بالائی است؛ زیرا کفر و الحاد تفکری را شکل می دهد که شخص ملحد را از خودش متنفر می کند تا جاییکه سعی می کند از خود رهایی یابد و خلاص گردد؛ به همین دلیل خودکشی در جوامع دین دار رقم پایینی نسبت به جوامع بی دین است و این مسأله بر اهمیت ایمان در محافظت از حیات بشریت تأکید می کند چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا) (5) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، ایمان (واقعی) به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده است و کتابی که قبلاً فرود فرستاده بیاورید و کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین را انکار کند در گمراهی دوری افتاده است. (5)

1 - أيسر التفاسير المؤلف: أسعد حومد ج 1 ص 334.

2 - سورة الرعد، آیه 28.

3 - تفسير القرآن الكريم لابن القيم المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أبوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ) المحقق: مكتب الدراسات والبحوث العربية والإسلامية بإشراف الشيخ إبراهيم رمضان الناشر: دار ومكتبة الهلال - بيروت الطبعة: الأولى - 1410 هـ ج 1 ص 336.

4 - سورة الرعد، آیه 29.

5 - سایت عبد الدائم الكحيل www.kaheel7.com/fa

مطلب سوم: توحید فراهم کننده وثبات دهنده امنیت

توحید و اخلاص در عبادت الله متعال از مهم ترین اسباب و سائل فراهم آوری امنیت و تأمین آن به شمار می رود. یقیناً این موضوع را سیدنا ابراهیم علیه السلام درست درک کرده بود که به قوم خود چنین اذعان می دارد. (كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (1) ترجمه: چگونه من از چیزی که آن را شریک (خدا) می سازید بترسم و حال آن که شما از این نمی ترسید که برای خداوند چیزی را شریک می سازید که خداوند دلیلی برای شما نفرستاده است پس کدام یک از دو گروه شایسته تر به امن و امان است، اگر می دانید. مستحق امن کسانی است که به الله ایمان بیاورد و آنرا به شرک نیامیخته باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (2) ترجمه: کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه یافتگان هستند. مراد از (بِظُلْمٍ) در اینجا بمعنی شرک در عقیده و در عبادت است. (3) گروه از مشرکین به گمان خود شان که ایمان به الله دارند و عبادت شان برای بنان از تکامل ایمانشان و تقرب شان به الله است. (4) چنانچه الله متعال می فرماید: (أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ) (5) ترجمه: آگاه باشید تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی گیرند ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان و مؤمنان درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگویی کفرپیشه را هدایت و رهنمود نمی کند.

1-: حلاوت ایمان و امنیت روحی. رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ، أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَدَّفَ (وفي رواية: يُلْقَى) فِي النَّارِ) (6) ترجمه: سه چیز اگر در وجود پیدا شد سبب حلاوت (شیرینی) انسان می شود. الله متعال و رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در نزدش محبوب

1 - سوره الانعام، آیه 81.

2 - سوره الانعام، آیه 82.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 482.

4 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم مصدر الكتاب: دروس صوتیة قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية_

<http://www.islamweb.net> جزء 54 ص 4

5 - سوره الزمر آیه 3.

6 - صحیح البخاری = الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم و سننه وأيامه = المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، 1422 هـ عدد الأجزاء: 9 باب حلاوة الإيمان ج 1 ص 12.

أخرجه مسلم في الإيمان باب بيان خصال من اتصف بهن وجد حلاوة الإيمان رقم 43 (وجد حلاوة الإيمان) انشرح صدره للإيمان وتلذذ بالطاعة وتحمل المشاق في الدين والحلاوة في اللغة مصدر حلو يخلو وهي نقيض المرارة. (لا يحبه إلا الله) لا يقصد من حبه غرضاً دنيوياً. ج 1 ص 66.

باشد نسبت به تمام چیزی دیگر. دوست داشتن فقد بخاطر الله متعال باشد و در کفر برگشتن را طوری بد ببیند چنانکه داخل شدن در آتش را می بیند. رضایت به اینکه الله، پروردگار اوست و اسلام دین اوست و محمد (صلی الله علیه و سلم) رسول و نبی اوست و هر کس که به این موارد خشنود نباشد همیشه در پریشانی و درگیر با پرسش های اضطراب آور بسر می برد. رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: (ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا "نبیا") (1) ترجمه: مزه ایمان را می چشد کسی که به الله به عنوان پروردگار و به اسلام به عنوان دین و به محمد به عنوان رسول خشنود گردد. و هر کس که مزه و طعم ایمان را نچشیده باشد هرگز طعم سعادت و خوشبختی را نخواهد چشید، بلکه همیشه در اضطراب و تیره روزی بسر خواهد برد. منظور از خشنودی به خداوند ایمان به وجود او و احساس نمودن عظمت، حکمت، قدرت، دانش و علم او و ایمان به نام های نیکوی او و خشنودی به او و به پرستش اوست و گر نه او در حیرت و پریشانی و افسردگی خواهد بود و پناه بر خداوند.

2-: خشنودی به حکم و قانون خداوند

یکی از راه فراهم آوری و تحقق امنیت راضی بودن به حکم و قانون الله متعال است زیرا این سبب صبر و پایداری و تحقق امنیت است. در حکم خدا جل جلاله و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در خود هیچ دلتنگی نیابد و کاملاً گردن نهند چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (2) ترجمه: اما، نه به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم باشند.

مطلب چهارم: نصیحت و خیرخواهی

ویکی از وسائل فراهم آوری امنیت نصیحت و خیرخواهی مردم است. چنانچه الله متعال می فرماید: (أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ) (3) ترجمه: من احکام و اوامر پروردگار خود را به شما می رسانم و من اندرزگوی امینی برای شما هستم. من فقط نقل کننده و رساننده اوامر و نواهی الله متعال را برای شما می باشم چیزی از خود نمی گویم از خود زیاده نمی کنم در نقل امین هستم. (4) (فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا رَّبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ) (5) ترجمه: پس از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من من پیام پروردگارم را به شما رساندم و شما را پند دادم، ولی شما اندرزگویان

1 - صحیح المسلم = المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلی الله علیه و سلم) ج 1 ص 62، صحیح ابن حبان، الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ج 4 ص 592 حدیث 1694، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج 2 ص 384 حدیث 1779.

وقوله: "من رضي بالله ربا" يقال: رضيت بالشيء: إذا قنعت به ولم تطلب معه غيره، فمعنى الحديث: ذاق طعم الإيمان من لم يطلب غير الله، ولم يسمع في غير طريق الإسلام، ولم يسلك إلا ما يوافق شريعة محمد عليه الصلاة والسلام. [شرح محمد فؤاد عبد الباقي]

2 - سورة النساء، آیه 65.

3 - سورة الاعراف، آیه 69.

4 - تيسير التفسير للقطان، ج 2 ص 55.

5 - سورة الاعراف، آیه 79.

را دوست نمی دارید. من نصیحت کنند هستم در آنچه که بر عبادت الله متعال شما را امر کردم و امین هستم در تبلیغ رسالات و دورغ نمی گویم.(1)

مطلب پنجم: کمک و همکاری

همکاری در کار نیک باعث الفت محبت خوش بینی و آسایش و آرامش در بین مردم می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)(2) ترجمه: در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید. از خدا بترسید. بیگمان خداوند دارای مجازات شدیدی است. همکاری در کار نیک خود زمینه ساز و فراهم آور امنیت در امور زندگی بشر است، زیرا همکاری گسترش پیدامی کند و مانع فساد میشود. زیرا الله متعال می فرماید: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ) همکاری با شما در پرهیزگاری و کارهای نیک. (الْإِثْمِ) گناه که بر نفس خود انجام بدهد یعنی بر خود ظلم کند و گناه که بر مردم تجاوز کند هر دو را در بر می گیرد.(3) رسول اکرم (صلي الله عليه وسلم) می فرماید: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (من نفس عن مؤمن كربة من كرب الدنيا، نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة، ومن يسر على معسر، يسر الله عليه في الدنيا والآخرة، ومن ستر مسلماً، ستره الله في الدنيا والآخرة، والله في عون العبد ما كان العبد في عون أخيه، ومن سلك طريقاً يلتمس فيه علماً، سهل الله له به طريقاً إلى الجنة، وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله، يتلون كتاب الله، ويتدارسونه بينهم، إلا نزلت عليهم السكينة، وغشيتهم الرحمة وحفتهم الملائكة، وذكرهم الله فيمن عنده، ومن بطأ به عمله، لم يسرع به نسبه)(4)

مطلب ششم: عفو و بخشش.

(فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)(5) ترجمه: پس گذشت نمائید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد. بی گمان خداوند بر هر چیزی توانا است. یکی از وسائل و اسباب فراهم آوری امنیت بخشش و گذشت است زیرا بخشش خوشونت را از بین می برد باعث صلح آشتی می شود. الله متعال می فرماید: (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ)(6) ترجمه: گذشت داشته باش و آسانگیری کن و به کار نیک دستور بده و از نادانان چشم پوشی کن. رفتار نیک و نرم خوی در مقابل مردم و گذشت در برابر

1 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 64 ص 3.

2 - سوره المائد، آیه 2.

3 - سلسله التفسیر لمصطفی العدوی المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوی شلبایة المصري مصدر الكتاب: دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية، جزء 55 ص 8.

4 - صحیح المسلم = المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، ج 4 ص 2974. وَاللَّهِ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ": وفي حديث ابن عمر: "ومن كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته". وَخَرَجَ الطبراني من حديث عمر مرفوعاً: "أفضل الأعمال إدخال السرور على المؤمن: كسوت عورته، أو أشبعت جوعته، أو قضيت حاجته" جاء العمدة من الفوائد والآثار الصحاح والغرائب في مشيخة شهدة المؤلف: شهدة بنت أحمد بن الفرّج بن عمّر الإبري فخر النساء بنت أبي نصر الدينوري الأصل البغدادي الكاتبة (المتوفى: 574هـ) تحقيق: فوزي عبد المطلب الناشر: مكتبة الخانجي بالقاهرة الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م عدد الأجزاء: 1 ص 100

5 - سوره البقره، آیه 109.

6 - سوره الاعراف، 199.

بعضی اشتباهات سبب دوستی شده و امنیت را به بارمی آورد. از سخت گیری و تشنج انسان باید دوری کن که سبب نفرت و گوشه گیری افراد می شود بناء الله متعال به رسول اکرم صلی الله علیه دستور داده کسانی که با او رفتار خوب نکرده اند عفو کند و آنها را ببخشد و به نیک ها دستور بدهد و از بدی ها روی بگرداند.(1)

مطلب هفتم: وسطیت

یکی از مهم ترین وسائل فراهم آوری امنیت میانه روی است نه افراط و نه تفریط زیرا خارج شدن از میانه روی خود باعث خوشنت شده و امنیت را زائل می سازد. بیشتر خوشنت و فتنه و تجاوز از اثر افراط و تفریط است. سبب ویران شدن خانه ها و خونریزیها همین افراط و تفریط است چنانچه الله متعال می فرماید: (وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا)(2) ترجمه: و بی گمان شما را ملت میانه روی گردانیده ایم تا گواهانی بر مردم باشید و پیغمبر بر شما گواه باشد. بهترین و افضل ترین و عدل ترین امتهما شما هستید ای امت محمد تا اینکه بر امت ها قبل خود شاهد باشید.(3)

بحث دوم: تحقق امنیت

یکی از مقاصد و هدف اسلام و قرآن کریم تحقق آسایش و آرامش برای انسان ها در دنیا و در آخرت است و بزرگ ترین دست آورد انسان مؤمن امنیت است که الله متعال در بدل زحمات که در راه الله متعال در دنیا متقبل شده بهشت را که بنام دار السلام (مکان امن امان) است و عده داده است. امنیت بزرگ ترین نعمت پروردگار است که سبب آرامش روحی و روانی انسان مؤمن می شود.

مطلب اول: اساس تحقق امنیت ایمان و عمل نیک است

ایمان به الله متعال و عمل نیک یکی که از بزرگترین وسائل آرامش و سکون قلبی برای مؤمنان است، که توسط ایمان و عمل نیک امنیت تحقق پیدا می کند. بزرگترین وسیله تحقق امن همانا ایمان است که خود مأخوذ از کلمه امن است. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)(4) ترجمه: کسانی که، ایمان آورند و کارشایسته کنند نه ترسی دارند و نه غمگین می شود.

وسيله دوم تحقق امنیت. همانا انجام دادن طاعات و عبادات الله متعال و بجا آوردن اوامر، و پرهیز نمودن از منهیات است، طوری که الله متعال برای کسانی که ایمان داشته و اعمال نیک و شایسته را انجام دهند در پهلوی گرو عده ها و عده ای امنیت را داده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)(5) ترجمه:

1 - تفسیر النیسابوری، ج 3 ص 364.

2 - سوره النساء، آیه 33.

3 - تفسیر الشیخ احمد حطیبه، جزء 308 ص 2.

4 - سوره الانعام، آیه 48.

5 - سوره النور، آیه 55.

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین در زمین خواهد کرد همان گونه که پیشینیان را جایگزین آنها کرده است. همچنین آئین ایشان را که برای آنان می پسندد، حتماً پابرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می سازد، تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک نمی گردانند. درآیه شریف اشاره به دو نعمت شده که خیلی با اهمیت است، و تمام نعمت الله متعال درگروه این دو نعمت است. اول ایمان و دوم عمل صالح که این دو سبب تصرف و قدرت در زمین می شود که الله وعده کرده بخاطر چه چیز الله متعال خلافت و قدرت را نصیب شان می کند بخاطر دو امر مهم که یکی آن امنیت است و دوم آن عبادت یعنی امنیت زمینه ساز برای عبادت است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ) (1) بعد از این وعده خوب که موجب بدست آمدن سعادت (امنیت و عبادت است) ناسپاسی کند (فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (2) یعنی ایشان کاملاً فاسق اند. (3) و مراد از کفر در اینجا ناسپاسی از نعمت الله متعال است به سبب ترک عبادت الله. یعنی کافر به الله نیست. (4)

1-: تحقق امنیت بجا نمودن شکر نعمت های الهی است. یکی از نعمتهای مهم و بسیار ارزنده آسایش و آرامش در سایه امنیت است، شکر نعمت سبب افزایش آن می شود و ناشکری و ناسپاسی سبب از بین رفتن آن می گردد، و ناشکری از نعمت پروردگار باعث ترس هراس شده و عذاب الله متعال در پی دارد. در این مورد الله متعال می فرماید: (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ) (5) ترجمه: خداوند مردمان شهری را مثل می زند که در امن و امان بسر می بردند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می شد، اما آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشاندید. الله متعال حال قریه را بیان می کند که در نهایت آسایش و آرامش کامل قرار داشتن و این نعمت از طرف پروردگارشان انعام شده بود، و این اهل قریه این نعمت بزرگ الله متعال را نادیده گرفتن از او امر و اطاعت الله متعال سرکشی کردند و الله متعال این نعمت امنیت را از آنها گرفت و امنیت را به خوف ترس تبدیل کرد و وسعت رزق را به گرسنگی، یعنی درحقیقت کفران نعمت الله متعال باعث ترس هراس آنها شد. (6) مراد از قریه مکه است قول ابن عباس قتادة مجاهد مراد از قریه مدینه منوره است قول عائشه و حفصه رضی الله عنهما مراد از قریه تمام قریه ها است که این صفت در آن باشد. (7)

1 - سوره النور، آیه 55.

2 - سوره النور، آیه 55.

3 - محاسن تأویل ج 7 ص 403.

4 - تفسیر السمعی، ج 3 ص 545.

5 - سوره النحل، آیه 112.

6 - زهرة التفاسیر، ج 8 ص 4285.

7 - تفسیر الماوردی، ج 3 ص 218.

2-: تحقق امنیت دعا والتجا

یکی از راه های تحقق امنیت دعا والتجا به الله متعال است که سبب آرامش و امنیت قلبی انسان ها می شود. چنانچه ابراهیم علیه السلام در هنگام بناء کعبه از الله متعال خواست تا این سرزمین را امن بگرداند. الله متعال می فرماید: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا) (1) ترجمه: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده.

مطلب دوم: تحقق امنیت در دنیا و آخرت برای مؤمنان

در حقیقت مؤمنان امنیت را در دنیا در زندگی خود احساس کردن، مثلاً احساس امنیت در بیت الله و شهر مکه کرمه و در میدان نبرد در مقابل دشمنان خود، اما در آخرت الله متعال به مؤمنان وعده امنیت را داده است که در روز قیامت مؤمنان در آسایش و آرامش بسر می برند، که نه در آنجا به مؤمنان نه ترس است و نه هراس در ناز نعمت پروردگار خود بسر می برند.

اول: تحقق امنیت در دنیا برای مومنان

1-: تحقق امنیت در بیت الله: الله متعال مسجد الحرام جای امن امان قرار داده است، در اطراف بیت الله مردم به قتل می رسیدن و مال و جانشان ربوده می شد تنها بیت الله جای امن بود که کسی بر کسی دیگر تجاوز نمی کرد. الله متعال می فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا) (2) ترجمه: و به یاد آورید هنگامیکه که خانه کعبه را پناهگاه و مأوای امن و امان مردم گردانیدیم.

2-: الله متعال حرم را برای کسانی که برای حج می آیند امنیت گردانیده است. مال و جان آبروی مردم در امن امان است. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) (3) ترجمه: در حج آمیزش جنسی با زنان و فسق و جدالی نیست. در حج جماع دشنام دادن و زشت گفتن و جدال منع شده است این ها بدون حج هم منع است ولی در حج منع اولاً تراست. (4) امنیت یکه از ضرورت های اولیه است بناء الله متعال تأمین امنیت را وابسته به عبادت ذکر کرده یعنی اگر کسی حج کرد بدون اخلا امنیت دیگران تمام گناهانش بخشیده می شود مانند تولد آن که هیچ گناه را مرتکب نشده است. چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (مَنْ حَجَّ وَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ) (5)

1 - سوره البقره، آیه 126.

2 - سوره البقره، آیه 125.

3 - سوره البقره، آیه 197.

4 - تفسیر حدائق الروح والريحان في روایي علوم القرآن، ج 3 ص 209.

5 - صحيح البخاري = الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) وسننه وأيامه ج 3 ص 11 حدیث 1819.

(تعلیق مصطفی البغا) أخرجه مسلم في الحج باب فضل الحج والعمرة ويوم عرفة رقم 1350 (يرفث) من الرفث ويطلق على الجماع وعلى ذكر الجماع وخاصة مع وجود النساء وعلى الفحش في القول. (يفسق) من الفسوق وهو الخروج عن حدود الشريعة من قول أو فعل. (كما ولدته) أي نقياً من الذنوب.

3-: و آنچه تأکید کننده امنیت حرم واز زیارت کننده ها است. چنانچه الله متعال می فرماید: (فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)(1) ترجمه: در آن نشانه‌های روشن، مقام ابراهیم است، و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود در امان خواهد بود.

4-: یکی از منت های الله متعال بر اهل مکه نعمت امنیت و تحقق آن است. که شهر مکه را امن امان گردانیده که شب و روز در آسایش و آرامش کامل بسر می بردند. در این مورد الله متعال می فرماید: (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُنَظِّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَقْبَابًا لِئَلَّا يُؤْمِنُوا وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ). (2) ترجمه: مگر نمی بینند که ما حرم را امن و امان ساخته ایم، در حالی که دور و بر آنان مردم رامی ربودن و در همه جای بیرون این حرم غارت و کشتار می کنند. آیا به باطل ایمان دارند و نعمت خدا را نادیده و ناسپاس می گذارند؟

5-: تحقق امنیت در میدان جنگ بر مؤمنان

احساس امن در میدان جنگ در مقابل دشمنان یکی از فضل و مرحمت الله متعال است که برای مؤمنان در میدان جنگ اعطاء نموده است، در حقیقت احساس امنیت و آرامش قلبی باعث استقامت و کامیابی در میدان نبرد می شود که از این نعمت تنها مؤمنان برخوردار بودند. الله متعال در این مورد می فرماید: (إِذْ يُعَشِّبُكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ)(3) ترجمه: ای مؤمنان به یاد آورید زمانی را که خواب سبکی بر شما افگند تا مایه آرامش و امنیت از ناحیه خدا گردد، و از آسمان آب بر شما باراند تا بدان شما را پاکیزه دارد و کثافت شیطانی را از شما به دور سازد، و (با این نعمت) دلهایتان را ثابت نماید، و گامها را استوار دارد. الله متعال در آیه سه نعمت بزرگ را برای مسلمان در غزوة بدر ذکر کرده نعمت اول کمک توسط ملائکه نعمت دوم نازل کردن خواب سبک نعمت سوم نازل کردن باران، خواب سبک سبب قوت و آرامش روحی و جسمی شده ترس هراس را از بین می برد و باران سبب رفع تشنگی و سخت شدن زمین و ستوار اقدام بر آن می شود و این خواب در حد یک معجزه است. (4) در خواب سبک که الله متعال برای مسلمانان در روز غزوة بدر نصیب کرد دو امر مهم را می رساند اول: استراحت سبب قوت و آماده شدن برای جنگ فردا دوم: سبب تأمین امنیت قلبی شده ترس و هراس را از بین می برد. (5) امنیت نعمت بزرگ است که الله متعال برای مسلمانان در هر حال شامل حالشان نموده است. میدان نبرد جای است که امنیت را از بین می برد و انسان نیاز آرامش و سکون قلبی نیاز، بناء الله متعال مسلمانان را در میدان

1 - سوره آل عمران، آیه 97.

2 - سوره العنکبوت، آیه 67.

3 - سوره الانفال، آیه 11.

4 - التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج ج 9 ص 266.

5 - تفسیر الماوردی = النکت و العیون المؤلف: أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، الشهیر بالماوردی (المتوفی: 450هـ) المحقق: السید ابن عبد المقصود بن عبد الرحیم الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان عدد الأجزاء: 6. ج 2 ص 299.

نبرد کمک می کند و آرامش را نصیب شان می کند این یاری و کمک از طرف الله متعال بود. (1) چنانچه الله متعال در غزوة احد هم چنین خواب سبک را برای مومنان فراهم کرد. (2) چنانچه الله متعال می فرماید: (ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْعَمِّ أَمْنَةً نُّعَاساً يَعْشَى طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ) (3) ترجمه: سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی به گونه خواب سبکی بر شما چیره کرد که گروهی از (مؤمنان راستین) شما را فرا گرفت، و گروه دیگری تنها در بند خود بودند.

دوم: تحقق امنیت در آخرت برای مؤمنان

الله متعال امنیت را در دنیا برای مؤمنان در طول زنده گی شان تحقق بخشید، و در آخرت هم برای مؤمنان وعده امنیت داده است، در روز که همه حیران و پیریشان گرفتار عذاب است، اما مؤمنان در بهشت در آسایش و آرامش کامل بسر می برند، که در آنجا نه ترس است نه غم اندوه.

1- امنیت و نجات از ترس و هراس روز قیامت: الله متعال به مؤمنان در روز قیامت وعده امنیت رابه مؤمنان از ترس هراس آن روز داده است. در این مورد الله متعال می فرماید: (أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (4) ترجمه: کسانی که آیات ما را مورد طعن قرار می دهند و به تحریف (حقائق و معانی) آن دست می یازند، بر ما پوشیده نخواهند بود آیا کسی که به آتش دوزخ انداخته می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان، روز قیامت می آید؟ تحقق امنیت در آخرت به کسانی که ایمان خود را به شرک نیامیختند حاصل می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (5) ترجمه: کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزاوار است، و آنان راه یافتگان هستند. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ) (6) ترجمه: کسانی که کارهای پسندیده انجام بدهند، پاداش بهتر و والاتری از آن خواهند داشت، و در آن روز چنین کسانی در امن و امان بسر می برند.

2- امنیت در جنت: الله متعال برای بنده های مؤمن خود وعده بهشت را داده است، که به آسایش و آرامش کامل به بهشت داخل شان می کند، که این پاداش طاعات و عبادات است که در دنیا انجام داده اند. الله متعال در این مورد می فرماید: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ) (7) ترجمه:

1 - فی ظلال القرآن مؤلف سید قطب پسر حاجی قطب، پسر ابراهیم در قریه قها اسیوط مصر تولد شده و در سال ۱۹۶۶ وفات کرده است. ج 3

جز 9 ص 267.

2 - تفسیر فی ظلال القرآن ج ص 109

3 - سوره آل عمران آیه 154.

4 - سوره فصلت، آیه 40.

5 - سوره الأنعام، 82.

6 - سوره النمل، آیه 89.

7 - سوره الحجر، آیه 46.

بی گمان پرهیزگاران در میان باغها و چشمه ساران بسر می برند. با اطمینان خاطر و بدون هیچ گونه خوف و هراسی به این باغها و چشمه سارها داخل شوید. داخل شوید در بهترین حالت خوش خوشحال و سعادت مند و در آرامش کامل که نه بر شما ترس و هراس است و نه و اندوهگین می شوید. (1) آیه فوق این معنا را در بر دارد، که مؤمنان از تمام آفات و بلاء در امان امان اند، و هر چیزی که بخواهند برای شان داده می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ) (2) ترجمه: آنان در آنجا هر میوه ای را که بخواهند می طلبند و از هر نظر در امانند. بناء واضح می گردد که امنیت در آخرت برای مؤمنان روز قیامت تحقق میابد، که در بهشت در آسایش و آرامش کامل بسر می برند. امنیت بزرگترین نعمت الله متعال است قدر آن را نمی فهمند مگر اینکه در ترس هراس افتند. (3)

مطلب سوم: راهکارهای تحقق امنیت

امنیت ایمانی نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته است، خداوند برای تحقق امنیت، وسایل لازم را نیز پیشنهاد می کند. نخست برای مردمان مختلف، کتاب راهنما و میزان برای هدایت آنها فرستاده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ) (4) ترجمه: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسانی او و رسولانش را یاری می کنند بی آنکه او را ببینند. به درستی که خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

1- قرآن کریم کتاب برای ایجاد برادری و برابری و کسب رحمت خداوند است. دیگر ادله و معجزات در تأیید درستی پیام و دستور خداوند است تا مردم را در پذیرش پیام الهی که مبنای امنیت ایمانی است، یاری دهد و با اطمینان و اعتماد مناسب، به ایمان خداوند در آیند. پیامبرانی برای ترویج آیین خداوند به جانب مردمان و اقوام مختلف اعزام شدند. این پیامبران نه تنها برای ارسال پیام الهی ارسال شدند، بلکه با ادله و معجزاتی تجهیز گردیدند تا تحقق عینی پیام الهی را دنبال کنند. حکومت و فرمانروایی برخی از پیامبران، در راستای ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی نمونه و عملی است. آخرین ابزار لازم، به ویژه برای جنگیدن آهن و زره است. آهن که چیزی سخت در قرآن تصویر شده است، دارای منافع زیادی برای مردم در جنگیدن است. همچنین، ساختن زره در قامت انسان برای حفاظت از زخم شمشیر است.

2- امنیت معنوی راه برای آرامش قلبی: البته در اسلام تأمین امنیت درونی از اهمیت بیشتری دارد و مبارزه با عوامل درونی تهدید از اولویت بیشتری برخوردار است. عوامل درونی تهدید عواملی

1 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 301.

2 - سوره الدخان، آیه 55.

3 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، ج 468 ص 6.

4 - سوره الحديد، آیه 25.

هستند که ایمان مردم را تهدید می‌کنند. از جمله مهم ترین آنها عوامل نفسانی هستند. به همین دلیل از مبارزه با عوامل نفسانی به عنوان جهاد اکبر یاد می‌شود که مهم تر از جهاد اصغر به معنای مبارزه و جنگ در عرصه نظامی است. از ویژگی‌های این نوع جهاد، نامشخص بودن دشمن و نشانه‌های آن، همراهی دائمی او در تمام مراحل جنگ و نامحدود بودن آن به زمان و میدان جنگ است. این جهاد مقدمه موفقیت جهاد اصغر تلقی می‌شود. بناء متوان امنیت درونی با یاد و ذکر الله متعال آرامش و سکون داد چنانچه الله متعال می‌فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (1) ترجمه: آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای الله متعال اطمینان پیدا می‌کنند. کسانیکه به طرف الله متعال روی می‌آورند و حق را قبول می‌کنند ایشانند که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد الله متعال آرامش و اطمینان پیدا می‌کنند. (2) (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (3) مرای از (وَجِلَّتْ) و به ترس افتادن و نرم شدن. دلها مؤمنان از یاد الله متعال نرم می‌شود و دل‌های مؤمنان به اوامر عمل می‌کنند و نواهی را ترک می‌کنند. یعنی دل‌های مومن در وقت یاد الله متعال از عظمت و هیبت آن نرم می‌شوند (4)

مطلب چهارم: انتفاء امنیت از کافرین

الله متعال امنیت را از کافرین سلب نکرده بلکه خود کافرین نسبت اعمال و کردار خود امنیت را در دنیا و در آخرت از خود سلب کرده اند، همین اعمال و کردار بد کفار باعث سلب امنیت و عذاب الله متعال شد. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) (5) ترجمه: ما به آنها ستم نکردیم بلکه ایشان به خویش ظلم کرده اند. به نعمت‌های الله متعال شکر نکردند بلکه به آن کفرورزیدن و این کفر سرکشی آنها به الله متعال کدام ضرر ندارد بلکه ضرر به خودشان است و این عمل‌شان سبب عذاب‌شان شده است. (6) چنانچه الله متعال در آیه دیگر می‌فرماید: (فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) (7) ترجمه: خدا به ایشان ظلم و ستم نکرده، بلکه آنان خودشان به خویش ظلم و ستم کردند. الله متعال امنیت را از کافرین در دنیا و در آخرت سلب کرده، و هر لحظه زندگی‌شان در حالت واقع شدن عذاب پروردگار است چه شب و چه روز مثل امم گذشته که به انواع مختلف عذاب الله متعال واقع شدند، و عذاب

1 - سوره الرعد، آیه 28.

2 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 278.

3 - سوره الأنفال، آیه 2.

4 - آیسر التفسیر المؤلف: أسعد حومد، ج 1 ص 1163.

5 - سوره البقره، آیه 57.

6 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 31.

7 - سوره التوبه، آیه 70.

آخرت سخت و شدید تر است برای کافران زیرا این ظلم بدست خودشان افروخته شده چرا دنبال راهای امنیت نرفتن و نه به دروازه های امنیت سرزدند، و اینها مستحق عذاب الهی گردیدند. کفار غیر از عذاب دردناک الله متعال انتظار چه دارند با کذب رسول ورد قرآن که اساطیرالاولین است و دشمن با آن گرچی این اولین نیستند پیش از اینها هم رسولان را تکذیب کردند و آنها را به قتل رساندن بناء این همه کارای زشت نتیجه اش غیر از عذاب چیزی دیگری نیست زیرا خوداینها خودرا در عذاب انداختند.(1)

اول: اسباب نفی امنیت کفار در قرآن کریم

1-: شرک به الله: یکی از اسباب انتفاء امنیت از کافران، شرک به الله متعال است. چنانچه الله متعال از زبان ابراهیم علیه السلام می فرماید: (كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)(2) ترجمه: چگونه ترسم از چیزیکه نه قدرت دارد و نه نفع ضررمی رساند و آن را شریک الله متعال قرار می دهید، و حال آن که شما از این نمی ترسید که برای خداوند چیزی را شریک می سازید که خداوند دلیلی بر آن برای شما نفرستاده است، پس کدام يك از دو گروه شایسته تر به امن و امان است، اگر می دانید. درآیه دیگر الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ)(3) ترجمه: کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا و اراست، و آنان راه یافتگان هستند. الله متعال بیان می کند امنیت شامل حال کسانی می شود که ایمان خودرا به شرک نیامیخته باشند، و انتفاء امنیت از کسانی به شرک آلوده باشند.

2-: تکذیب پیامبران الله متعال.

تکذیب رسل و کفر به رسالات آنها یکی از اسباب وقوع عذاب بر کافران است و انتفاء امنیت از ایشان در دنیا و در آخرت. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ) ترجمه: چه بسیار شهرها و آبادیهائی که آنها را (به سبب گناهان فراوان ساکنان آنها) ویران کرده ایم و عذاب ما مردمان آنها را در بر گرفته است، در شبانگاهان (که در خواب ناز بوده اند، مانند قوم لوط) یا در چاشتگاهان که به استراحت پرداخته اند. (مانند قوم شعیب) خوف الله متعال برای کافرانی که پیامبران الله متعال تکذیب کردند و آنها را در عذاب خود گرفتار کرد نسبت به تکذیب شان بناء تعداد از آنها را در شب که در خواب بودند و تعداد شان را در روز.(4)

1 - تفسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 314.

2 - سوره الانعام، آیه 81.

3 - سوره الانعام، آیه 82.

4 - تفسیر القرآن الکریم، المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 61 ص 18.

أ-: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (1) ترجمه: اگر مردمان این شهرها و آبادیها ایمان می آوردند و پرهیز می کردند، برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشودیم ولی آنان به تکذیب پیغمبران و انکار حقائق پرداختند و ما هم ایشان را به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نمودیم. (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ) کسانی را که هلاک کردیم (آمَنُوا) به الله متعال و ملائکه و به کتابها و رسول و به روز آخرت (لَفَتَحْنَا) بازمی کردیم یعنی فراوان می کردیم (عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ) باران و برف را و برکات از (وَالْأَرْضِ) به رویاندن نبات و میوه ها و حبوبات و مواشی و امن و سلامت را و فراوان می ساختیم خیر برکت را. (2) و آیه شریف اشاره به این مسئله دارد اگر اهل قریه ها بجای تکذیب رسل و معاصی کفر شرک ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند الله متعال بجای عذاب به اینها رزق روزی فراوان و زندگی گوارا نصیب شان می کرد. (3) (وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ) به سبب تکذیب پیامبران، الله متعال آنها را عذاب داد. یعنی (فَأَخَذْنَاهُمْ أَي عاقبناهم) (4) یعنی شهرهای که رسول در آنجا فرستادیم اگر ایمان می آوردن برکت زمین و آسمان را برای شان نازل می کریم ولی برعکس به آنها ایما نیاروندند و آنها تکذیب کردند بناء عذاب دادیم ایشان را به سبب آنچه مرتکب شده بود. (5)

ب-: (أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ) (6) ترجمه: آیا مردمان این شهرها و آبادیها که دعوت پیغمبران را نپذیرفتند و به جای ایمان بر کفر و معاصی افزودند، از این ایمن شدند که عذاب ما شبانه به سراغ آنان رود، در حالی که ایشان غرق در خواب باشند. مراد از اهل قرا در آیه شریف مکه و اطراف آن است. (7)

ج-: (أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ) (8) ترجمه: یا مردمان این شهرها و آبادیها ایمن شدند از این که عذاب ما چاشتگاهان به سراغشان آید، در حالی که سرگرم بازی هستند.

د-: (أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ) (9) ترجمه: آیا آنان از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا ایمن و غافل شده اند در حالی از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا جز زیانکاران ایمن و غافل نمی گردند.

-
- 1 - سوره الاعراف، آیه 96.
 - 2 - تفسیر حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، ج 10 ص 19.
 - 3 - الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، ج 2 ص 133.
 - 4 - بحر العلوم للسمرقندی، ج 1 ص 535.
 - 5 - المختصر في تفسير القرآن الكريم تصنيف: جماعة من علماء التفسير، ج 1 ص 163.
 - 6 - سوره الاعراف، آیه 97.
 - 7 - تفسیر البغوی، ج 3 ص 260.
 - 8 - سوره الاعراف، آیه 98.
 - 9 - سوره الاعراف، آیه 99.

ه-: (تِلْكَ الْفُرَى نَفْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: اینها آبدیهائی است که برخی از اخبار آنها را برای تو روایت می‌نمایم. پیغمبران‌شان با دلائل روشن به سراغ آنان آمدند و معجزات متقن بدیشان نمودند، اما آنان به سبب لجابت در کفر و ممارست بر تکذیب انبیاء، پرداختند و چیزی را که قبلاً تکذیب کرده بودند بدان ایمان نیاوردند. این چنین خداوند بر دل‌های کافران مهر می‌نهد. تِلْكَ الْفُرَى: مراد اهل قریه‌های قوم نوح، عاد، ثمود، لوت و شعیب است این‌ها قبل از رویت معجزه تکذیب می‌کردند و خواهان معجزه شدن از طرف پیغمبران تا ایمان بیاورند، اما چنین نشد بعد از معجزه هم به تکذیب خود ادامه دادند.⁽²⁾ چنانچه الله متعال می‌فرماید: (قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ)⁽³⁾ ترجمه: جمعی از پیشینیان از آنها سؤال کردند و بعد از آن نسبت بدانها به مخالفت برخاستند و منکر آنها شدند. در گذشته‌ها هم پیغمبران را تکذیب کردند چنانچه الله متعال می‌فرماید:

ک-: كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ.⁽⁴⁾ ترجمه: همین‌گونه که اینان شما را تکذیب می‌دارند هیچ پیغمبری به سوی مردمان پیش از ایشان نرفته است، مگر این که گفته‌اند: اوجدوگر یا دیوانه است. و این اشاره برای تسلی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است زیرا قومش به استهزا او پرداختن.⁽⁵⁾ سبب انتفا امنیت از کفار دلالت بر تکذیب و ایذاء پیغمبران دارد. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ)⁽⁶⁾ ترجمه: آیا توطئه‌گران بدکردار ایمن گشته‌اند که ممکن است خداوند آنان را به دل زمین فروبرد، یا این که عذاب الهی از آنجا که انتظارش ندارند و به گونه‌ای که به دلشان خطور نمی‌کند به سراغشان بیاید. مراد از (مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ) کفار قریش است که با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و اصحاب آن مکر کردند و در اذیت و آزار آنها از نهایت توان خود استفاده کردند، و مکر بمعنی سعی، تلاش فساد در اخفاء معنی چنین می‌شود آیا این‌ها خود را در امنیت میدانند که الله متعال ایشان را در زمین خسف کند مانند قارون و یا گرفتار عذاب کند ایشان را مانند قوم لوط علیه السلام، یعنی کسانی از اهل مکه که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را تکذیب کرده‌اند از عذاب الله متعال در امان نیستند مانند امت گذشته که گرفتار عذاب الله متعال شدند.⁽⁷⁾ (مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ) یعنی کوشش در پی ایذاء رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) و ایذاء صحابه کرام در خفا و حیلله کردن در پی ابطال اسلام و مکر با اهل آن آیا اینها خود

1 - سوره الاعراف، آی 101.

2 - تفسیر البغوی، 3 ص 261.

3 - سوره المائده، آیه 102.

4 - سوره الذاریات، آیه 52.

5 - تفسیر السمعانی، ج 5 ص 263.

6 - سوره النحل، آیه 45.

7 - التربية الأمنية في ضوء القرآن الكريم ص 251 .

را درمان میدانند از عذاب الله متعال که این هارا خسف و یا به هلاکت برساند مانند قارون و قوم لوط و غیر اینها درحالت غفلت، این تکذیب کننده گان رسل در امنیت نمی مانند از عذاب الله متعال چنانچه گذشته گان در امنیت نمانده اند گرفتار عذاب الله متعال می شوند درحالتکه نمی فهمند.(1)

3-: کفران نعمت انتفاء امنیت

یکی از اسباب انتفاء امنیت و گرفتار شدن به ترس هراس از اثر کفران نعمت است که به سبب ناسپاسی از نعمت دچار ترس خوف شدند، الله متعال امم گذشته را به سبب کفران نعمت ایشان عذاب کرد و امنیت ایشان را به خوف ترس مبدل ساخت. چنانچه الله متعال در آیه کریم می فرماید: (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ أَمْنًا مَطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.) (2) ترجمه: خداوند برای آنان که کفران نعمت می کنند، داستان مردمان شهری را مثل می زند که درمان و امان بسر می بردند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سایشان سرازیر می شد، اما آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشاند. قریه را که الله متعال به طور نمونه ذکر کرده از قریه های امت گذشته است که برای اهل مکه و امثال آن که به الله متعال کفر ورزیدن و دین الله به تمسخر گرفتند مثال آورده شده است از آنچه گذشت معلوم می شود که شرک به الله متعال و تکذیب رسل و ناسپاسی از نعمت های الله از مهم ترین اسباب انتفاء امنیت کفار است.(3)

دوم: انتفاء امنیت کفار در دنیا و آخرت.

کفار همان طوریکه در دنیا عذاب شدن و در آخرت هم عذاب می شوند یعنی کافرین نه در دنیا امنیت دارند و نه در آخرت. چنانچه الله متعال می فرماید: (أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحْسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ) (4) ترجمه: سرانجام باد تند و پرصدا و سخت سردی را در روزهای شومی به سایشان وزان کردیم، تا عذاب خوار و پست کننده ای در زندگی همین دنیا بدیشان بچشانیم. تازه این عذاب دنیا است و عذاب آخرت خوار و پست کننده تر از عذاب دنیوی ایشان است، و آنان اصلاً از سوی کسی یاری و کمک نمی شوند.

1-: انتفاء امنیت از کفار در دنیا.

در دنیا از عذاب الله متعال درمان نیستند و در هر لحظه و در هر مکان در شب و روز امکان واقع شدن

1 - فتح القدير لشوکانی، ج 3 ص 198.

2 - سوره النحل، آیه 112.

3 - التربية الأمنية في ضوء القرآن الكريم ص 252.

4 - سوره فصلت، آیه 16.

عذاب الله بالای آنها است. کفار از عذاب الله متعال راه فرار ندارند یعنی هیچ مکان امن برایشان وجود ندارد. چنانچه الله متعال می فرماید:

أ-: (أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ)، (أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ)، (أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ)⁽¹⁾ ترجمه: آیا مردمان این شهرها و آبادیها از این ایمن شدند که عذاب ما شبانه به سراغ آنان رود، در حالی که ایشان غرق در خواب باشند. یا این که مردمان این شهرها و آبادیها ایمن شدند از این که عذاب ما چاشتگاهان به سراغشان آید، در حالی که سرگرم بازی هستند آیا آنان از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا ایمن و غافل شده اند درحالی از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا جز زیانکاران ایمن و غافل نمی گردند. مراد از أَهْلُ الْقُرَى: قریه های است که پیامبران الله متعال را تکذیب کرده اند، و گفته شده که مراد مکه و اطراف آن است. استفهام در آیات برای توبيخ و انکار است یعنی درمان نیستند و کسی که از مکر الله خود را درمان میداند در حقیقت زیان کاران است که افراط کردن در نافرمانی الله متعال و در وعید شدید واقع شدند.⁽²⁾

ب-: (أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلاً) (أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِيفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا)⁽³⁾ ترجمه: آیا شما ایمن از این هستید که خدا گوشه ای از خشکی را بشکافد و شما را در آن فرو برد یا این که طوفانی به سویتان روان دارد که باران سنگ بر شما بباراند و آن وقت حافظ و نگهبانی برای خود پیدا نکنید یا این که ایمن هستید از این که خداوند بار دیگر شما را به دریا برگرداند و تندباد در هم شکننده ای به سویتان گسیل دارد تا شما را به سبب ناسپاسی خودتان غرق گرداند، و از آن به بعد کسی را نیابید که خونبهای شما را از ما بخواهد. این دو آیه متذکره این مطلب را میرساند که امنیت فقط در جوار الله متعال وجود دارد یعنی هیچ جاه امنیت وجود ندارد مگر الله متعال بخواند، کسانی که از او امر الله متعال سرپیچی میکنند جای برای امنیت شان وجود ندارد که در آن آرام بیگیرند، در هر لحظه و در هر مکان الله متعال قادر به عذاب آنها است راه فرار ندارند. چنانچه الله متعال می فرماید: (أَأَمِنْتُمْ مِّنَ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ أَمْ أَمِنْتُمْ مِّنَ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ)⁽⁴⁾ ترجمه: آیا از کسی که در آسمان است، خود را در امان می دانید که دستور بدهد زمین بشکافد و شما را فرو ببرد، و آن گاه بلرزد و بجنبد و حرکت بکند. یا این که از کسی که در آسمان است خود را در امان می دانید که طوفان شن بر شما گمارد آن گاه خواهید دانست که تهدید من چگونه است. نصوص گذشته

1 - سوره الاعراف، آیه 97-98-99.

2 - الترتيب الامنيه في ضوء القرآن الكريم ص 252.

3 - سوره الإسراء، آیه 69.

4 - سوره الملك، آیه 16-17.

دلالت بر نفی امنیت کفار در دنیا دارد، یعنی ایشان در امنیت نیستند در هر جا که باشند مگر اینکه برگردن به اسلام. (1)

2-: انتفاء امنیت از کفار در آخرت

چنانچه الله متعال امنیت را از کفار در دنیا نفی کرد در آخرت هم از آنها نفی کرده است چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يُجِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (2) ترجمه: کسانی که آیات ما را مورد طعن قرار می دهند و به تحریف آن دست می زنند، بر ما پوشیده نخواهند بود و کيفرشان را خواهیم داد آیا کسی که به آتش دوزخ انداخته می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان، روز قیامت می آید. (فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَجَسَاتٍ لِنَذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ) (3) ترجمه: سرانجام باد تند و پرصدا و سخت سردی را در روزهای شومی به سويشان وزان کردیم ، تا عذاب خوار و پست کننده اي در زندگي همین دنیا بدیشان بچشانيم. و عذاب آخرت خوار و پست کننده تراست، و آنان اصلاً ياري و کمک نمی شوند. آیات که وعید به عذاب و جهنم به کفار به کار رفته در حقیقت انتفاء امنیت در آخرت است. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ- ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ) (4) ترجمه: ما قطعاً به کافران عذاب سختي مي چشانيم، و آنان را در برابر بدترین کاری که کرده اند جزاوسزا خواهیم داد. این کيفر دشمنان خدا است که آتش سوزان جهنم است سراي هميشگي ایشان در میان آن است این هم بدان خاطر است که پیوسته آیات ما را انکار می کرده اند. به به بدترین حالت آنها را عذاب مید هيم چنانکه عمل کرده اند یعنی شرک آورده اند. (5)

بحث سوم: عوامل ایجاد و حفظ امنیت

یکی از بزرگترین نعمت خداوند (جل جلاله) برای بشر امنیت است، یعنی زنده گی در سایه امنیت زیبا است بدون امنیت زنده گی اصلاً معنی ندارد چون یک حالت اضطراری را به خود می گیر د و در حالت اضطراری هیچ عملی به خوبی صورت نمی گیرد، بناء باید بیشتر متوجه حفظ امنیت باشیم بعضی عوامل وجود دارد در صورت عملی ساختن این عوامل امنیت حفظ می شود.

1 - التربيہ الامنيه في ضوء القرآن كريم ص 255.

2 - سوره فصلت، 40.

3 - سوره فصلت، آیه 16.

4 - سوره فصلت، آیه 27-28.

5 - معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البيهقي ج 4 ص 131.

مطلب اول: تمسک به تطبیق شریعت اسلامی و اقامه حدود آن

نظم و امنیت اجتماعی و اعتماد وطمینان عامه ای مردم، نسبت به حفظ ارزش های دینی مذهبی و ملی از اساسی ترین و حساس ترین بخش ها و حوزه های امنیت، و از جمله ی نیاز های اولیه ی جوامع بشری به حساب می آید، ضرورت حیاتی آن، هنگامی درک می شود که انسان پیامد های ایجابی و سلبی آن را شناسائی نماید. حفظ جان، مال، ناموس و حیثیت انسان، متوقف به وجود امنیت و ثبات اجتماعی می باشد. اگر امنیت از جامعه ای رخت بر بندد، و به جای آن هرج و مرج و نا امنی گسترش پیدا کند، به گونه ای که جان، مال و آبروی افراد، در معرض خطر قرار گیرد، قطعاً ادامه ی حیات، زندگی و پیشرفت در چنین محیط نا امنی، امکان پذیر نخواهد بود. بناء شریعت اسلامی برای حفظ امنیت و استقرار آن حدود را وضع کرده و هر مجرم را طبق دستورات شریعت اسلامی مجازات می نماید، تطبیق اجرای حدود سبب امنیت دینی نفسی مالی و آبروی افراد و اجتماع اسلامی شده و جرم جنایت کاهش پیدا می کند. مسلمانان باید پایبند قانون اسلام باشند و از آن پیروی کنند و آنچه در قرآن کریم و سنه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمده چه عبادات و چه عقوبات همه ضامن سلامتی و امنیت مجتمع اسلامی است و آنرا باید به سرو جان پزیرا شوند و بالای همه یکسان تطبیق کنند استثنا وجود نداشته باشد چه یک انسان عادی باشد چه دارای چوکی منصب، نباید کسی در اقامه حدود کسی را شفاعت کند یا مانع اقامه حدود شود زیرا تطبیق حدود شرعی سبب تأمین امنیت و حافظ آن است اگر حدود شرعی تطبیق نشود انواع متعدد فتنه ها دامن گیر جامعه می گردد که رهای از این فتنه و آشوب ها محال است و مجرمین از هیچ نوع جرم دریغ نمی کنند و هر روز ظالم تر می شوند، و شریعت اسلام بخاطر امنیت و آسایش مردم و برای حفظ دین حفظ جان و مال و آبروی مردم آمده است تا مردم از این ناحیه احساس ترس و هراس نداشته باشند. سرکشی از اجرای حدود در حقیقت ظلم به خود و به دیگران است، امنیت اجتماع را از بین می برد، دین و جان و مال مردم در معرض نا بودی قرار می گیرد. مخالفت اجرای حدود در حقیقت مخالف اوامر و دستورات الله جل جلاله است که گناه را در پی دارد و مستحق عذاب الله می گردد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ) (1) ترجمه: کسیکه از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند و از مرزهای قوانین خدا درگذرد، خداوند او را به آتش (عظیم دوزخ) وارد می گرداند که جاودانه در آن می ماند و او را عذاب خوارکننده ای است. تجاوز از قانون و مقررات خداوند جل جلاله در حقیقت ظلم به خویشتن و برهم زدن امنیت خویشتن است. تجاوز از احکام و فرایض و مخالفت رسول اکرم. (2) (صلی الله علیه و سلم) چنانچه الله

1 - سوره النساء، آیه 14.

2 - تفسیر القرآن الکریم، المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 31 ص 6.

متعال می فرماید: (وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ) (1) ترجمه: اینها قوانین و مقررات الهی است، و هرکس از قوانین و مقررات الهی پا فراتر نهد و تجاوز کند، به خویش ستم می کند. چرا که خود را در معرض خشم خدا قرار می دهد و به سعادت خویش لطمه می زند. سرکشی از امر الله و حلال دانستن حرام و برعکس و کم و زیاده کردن در شریعت الله متعال و پنهان کردن و عمل نکردن به احکام اسلامی که گویا وقت آن گذشته و فعلاً قرن ۲۱ است در این عصر کار آمد نیست بلکه به زمان های گذشته بوده است پس اگر کسی چنین عمل کند در حقیقت گنهگار است و سرکشی از خدا و رسول خدا است و از راه حق منحرف شده است. (2) و در صورت منکر و یا استهز و یا در حالت فهمیده به احکام اسلام عمل نکند و بگوید که وقت آن گذشته و کار آمد نیست از دایره اسلام خارج خارج شده.

1- حفظ دین مایه آرامش

اگر در راه دین مبارزه کردید خدا شما را کمک و پیروز می گرداند، و امنیت و سعادت را نصیب تان می کند. چنانچه می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (3) ترجمه: ای مؤمنان اگر دین خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می کند و بر دشمنانتان پیروز می گرداند و گامهایتان را استوار می دارد و کاروبارتان را استقرار می بخشد. اگر دین الله را گسترش دهید و در مقابل دشمنان دین از دین دفاع کنید و آنرا حفاظت و به آن عمل کنید الله متعال شما را پیروز می گرداند و شما را در میدان های جنگ ثابت قدم نگهدارد یعنی در تمام میدان نبرد کامیاب نصیب شما می شود. (4) نصرت الله متعال به بنده هایش این است که دین شان را نسبت به دلایل و حجت آشکار می سازد و نسبت تلاش و زحمت آنها برای گسترش دین و اعلان (لا اله الا الله) قدم هایشان را ثابت میدارد در مقابل دشمنان دین شان و دشمنان خودشان. (5) در صدر اسلام تعداد مسلمانان نسبت به دین شان و مسلمان شدن شان مورد ستم قرار می گرفتن و عذاب می کشیدن و بالای شان تجاوز صورت می گرفت جز راه صبر و شکیبایی راه دیگری وجود نداشت بناء الله متعال به مسلمانان دستور داده از دین شان دفاع و در مقابل آنها جنگ کنند. چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) (6) ترجمه: و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می جنگند. (فِي سَبِيلِ اللَّهِ) در طاعت الله متعال. (7) و در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ) (8)

1 - سوره الطلاق، آیه 1.

2 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد المنتصر بالله بن محمد الزمزمي الکتاني الإدريسي الحسني (المتوفى: 1419هـ) مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>

3 - سوره محمد، آیه 7.

4 - تفسیر السمرقندی=بحر العلوم، ج 3 ص 299.

5 - لطائف الإشارات = تفسیر القشيري المؤلف: عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملك القشيري (المتوفى: 465هـ) المحقق: إبراهيم البسيوني الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب - مصر الطبعة: الثالثة ج 3 ص 405.

6 - سوره البقره، آیه 190.

7 - معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، ج 1 ص 236.

8 - سوره البقره، آیه 193.

ترجمه: وبا آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند و دین خالصانه از آن خدا گردد و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند. پس اگر از روش نادرست خود دست برداشتند و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بردارید. زیرا حمله بردن و تجاوز کردن جز بر ستمکاران نیست.

ا- دشمنان اسلام در پی برهم زدن امنیت مسلمانان اند

دشمنان اسلام بسیار کوشش می کنند تا مسلمانان را از دین شان برگردانند و اگر از دین شان بیرون کرده نتوانند حد اقل بی باور به دین بسازند شان یعنی ارزشهای دینی آنها را دور بسازند یک مسلمان بی خاصیت که به ارزش های دینی خود پا بند نباشد، در زبان مسلمان ولی در عمل کرد باغیر مسلمان فرق نداشته باشد. چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا)⁽¹⁾ ترجمه: بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند به جانب کفر و به حال سابق که داشتید.

ب- دفاع از دین با علم و مال و جان سبب آرامش و امنیت مسلمانان می گردد. در هر حال، زمان، مکان از دین حمایت کنیم و از آن دفاع کنیم که این دفاع و حمایت را قرآنکرم جهاد می نامد که حافظ دین مسلمانان است، این جهاد شیوه مختلف دارد برای مبارزه باید از شیوه مآثر در زمانش استفاده شود، در حمایت از دین باید از علم بهره مند باشیم و با مال و جان خود در راه دین بخاطر کسب رضای پرور دگار و بخاطر تأمین امنیت مسلمانان قیام کنیم و تا آخرین نفس که در بدن وجود دارد ادامه بدهیم. چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ)⁽²⁾ ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و به مهاجرت پرداخته اند و در راه خدا با جان و مال کوشیده اند و جهاد نموده اند، دارای منزلت والا تر و بزرگتری در پیشگاه خدایند، و آنان رستگاران و به مقصود رسندگان (و سعادت‌مندان دنیا و آخرت) می باشند. کسانی که به وحدانیت الله متعال ایمان دارند و از دار کفر به دار اسلام هجرت می کنند و مشقت را در راه دفاع از اسلام متحمل می شوند چه با دارای و چه با جان، این ها راست بهترین مقام منزلت و این ها کامیاب اند.⁽³⁾ این بیان کنند این است که کسانی که برای تأمین امنیت مردم شب و روز زحمت می کشند نسبت به دیگران افضل و بهترین مردم هستند چنانچه در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا)⁽⁴⁾ ترجمه: مسلمانانی که می

1 - سوره البقره، آیه 109.

2 - سوره التوبه، آیه 20.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 125.

4 - سوره النساء، آیه 95.

نشینند، با مسلمانانی برابر نیستند که با مال و جان، در راه یزدان جهاد می کنند. خداوند مرتبه والایی را نصیب مجاهدان کرده است که بالاتر از درجه خانه نشینان است، مگر چنین خانه نشینانی دارای عذری باشند خداوند به هر يك منزلت زیبا وعده داده است. و خداوند مجاهدان را بروانشستگان با دادن اجر فراوان و بزرگ، برتری بخشیده است. (بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ) این آیه مبارکه دلالت دارد بر اینکه بالای دعوت کنندگان واجب است که برای صاحب مال و دارای نصیحت کنند تا مال خود را در راه الله متعال مصرف کنند نه در راه گمراهی مانند قارون. (1)

اول: مبارزه علمی

در قدم نخست باید از مبارزه علمی استفاده شود یعنی تمام مگر حيله آنها را به علم رد کرد و در مقابل خرافات و شبهات استاده شد و مانع آنچه جامعه را به فتنه می اندازد شد و در مقابل از آگاهی استفاده کرد یعنی جامعه را با علم مسلح سازیم تا از گفتاری اساس آنها روی گردانند و اعتنای به آن نکنند که این مبارزه علمی را قرآنکرم دعوت و تبلیغ می نامد که از طریق مختلف میتوان این را انجام داد از طریق رسانه های صوتی و تصویری و از طریق نهاد های علمی مکتب مدرسه و پوهنتون و سیمینار، چنانچه الله متعال می فرماید: (اعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْوِزْ لِدِينِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوَاكُمْ) (2) ترجمه: بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد. برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه. خدا از حرکات و سکانات کاملاً آگاه است و می داند به کجا می روید و در کجا زندگی می کنید و چه می کنید و چه نمی کنید. خداوند به رسول اکرم دستور می دهد که هر آنچه از الله متعال به او میرسد به مردم آنرا برساند. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (3) ترجمه: ای فرستاده خدا، هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی، به مردم برسان و آنان را بدان دعوت کن. الله متعال به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) امر کرده که دین را به همه مردم برساند از بسیار زیاد بودن و مکر فاسقین خوف نداشته باشد. (4) رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) مبارزه خود را با علم و با فهماندن مردم شروع کرد، آنها به آنچه مبارزه می کردند باورمند بودند. چنانچه الله متعال می فرماید: (أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (5) ترجمه: من مأموریتها می (محوه از سوی) پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و شما را پند و اندرز می دهم و از جانب خدا چیزهایی (به من وحی می گردد) و می دانم که شما نمی دانید. مسلمانان از طریق علم به الله جل جلاله ایمان آوردند، که این ایمان سبب

1 - سورة القصص دراسة تحليلية المؤلف: الدكتور محمد مطني، ج 1 ص 253.

2 - سورة محمد، آیه 19.

3 - سورة المائدة، آیه 67.

4 - مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، ج 12 ص 399.

5 - سورة الأعراف، آیه 62.

امنیت و آرامش آنها شد چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: خداوند آرامش خود را نصیب پیغمبرش و مؤمنان گردانید.

دوم: مبارزه جانی و مالی

بعد از مبارز علمی و مالی که در قسمت نهاد های علمی و آگاهی مردم به مشکل برخورد و مانع این دعوت شدند از زور استفاده کردند باید از مبارز جانی استفاده کنیم یعنی استفاده از هر اسلحه مآثر که در عقب زدن آنها و مانع شدن آنها از سری راهی دعوت دور کند استفاده شود، بناء در صورت برخورد به مشکل از هر سه یکجا استفاده کرده و الله جل جلاله امنیت را در وجود این مبارزه میداند چنانچه می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ)⁽²⁾ ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و به مهاجرت پرداخته اند و در راه خدا با جان و مال کوشیده اند و جهاد نموده اند، دارای منزلت و الاتر و بزرگتری در پیشگاه خدایند، و آنان رستگاران و به مقصود رسندگان (و سعادت مندان دنیا و آخرت) می باشند.

2-: قصاص و حفظ جان و امنیت آن

قصاص بمعنی عمل بلمثل و یا عین عمل را تکرار کردند⁽³⁾ قصاص به معنای مقابله ی به مثل در جانیات عمومی و عمدی است. قصاص را از آن جهت، قصاص گویند که در تعقیب و به دنبال جنایت اولیه می باشد.⁽⁴⁾

و در اصطلاح، پی گیری نمودن و دنبال نمودن اثر جنایت است به گونه ای که قصاص کننده همان جنایتی که جانی بر او وارده ساخته است بر خود او وارد نماید.⁽⁵⁾ چنانچه الله متعال می فرماید: (وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)⁽⁶⁾ ترجمه: و در آن کتاب آسمانی، تورات بر آنان مقرر داشتیم که انسان در برابر انسان قصاص می شود و چشم در برابر چشم کور می شود و بینی در برابر بینی قطع می شود و گوش در برابر گوش بریده می شود و دندان در برابر دندان کشیده می شود و جراحاتها قصاص دارد و جانی بدان اندازه و به همان منوال زخمی می گردد که جراحات وارد کرده است اگر مثل آن جراحات ممکن گردد و خوف جان در میان نباشد. اگر کسی آن را ببخشد و اقصاص صرف نظر کند این کار باعث بخشش برخی از گناهان او می گردد. و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند (اعم از قصاص و غیره) او و امثال او ستمگراند.

1 - سوره التوبه، آیه 26.

2 - سوره التوبه، آیه 20.

3 - معجم اللغة العربية المعاصرة: ج 3 ص 1823.

4 - ابن منظور، لسان العرب، ج 11، ص 190.

5 - الموسوعة الفقهية الكويتية، جزء 33 ص 259.

6 - القرآنريم، سوره المائدة، آیه 45.

أ- قصاص، حیات و امنیت بخش زنده گی

قصاص یکی از بهترین روش برای تأمین امنیت جان انسانها است زیرا عزیز ترین سرمایه ی انسان در زندگی دنیوی، حیات جانی او است. در قوانین اسلامی، ارزش حیات انسان، با هیچ چیز دیگری، قابل مقایسه نیست، تا جایی که جرم قتل و آدم کشی، در ردیف گناهانی چون شرک به خداوند جل جلاله و کشتن یک انسان به منزله ی کشتن تمام انسان ها و هدایت و نجات یک انسان به منزله ی هدایت و نجات تمام انسان های تلقی شده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا)⁽¹⁾ ترجمه: هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهائی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است. به جرأت می توان گفت: مقام، منزلت و ارزشی که دین مقدس اسلام برای انسان ها و حیات او قائل شده است در هیچ مکتب دیگری دیده نمی شود. دین مقدس اسلام برای اینکه حیات و زندگی انسان را در مجرای طبیعی، پویا و پرتحرک آن به جریان در آورد در کنار سایر اصول تربیتی و ضوابط دیگری قانون قصاص را در نظر گرفته است و با تشریح و اجرای آن، حیات را برای جامعه ی انسانی به ارمغان آورده و عرصه ی زندگی را برای تاخت و تاز افراد مجرم، تبهکار و متخلف از قوانین و مقررات، که مانع آسایش و آرامش زندگی مردم می شوند، تنگ نموده است لذا در یک جمله ی کوتاه اما بسیار رسا و بلیغ و پرمعنا، فلسفه ی قانون قصاص را بیان داشته است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)⁽²⁾ ترجمه: ای صاحبان خرد برای شما در قصاص، حیات و زندگی است بنابر مصلحت و حکمتی که در آن، و دقائق و نکاتی که در همه احکام است. این است که قانون قصاص را برای شما وضع کردیم تا از تجاوز و خونریزی بپرهیزید باشد که تقوا پیشه کنید. در درک و فهم قانون قصاص در آیه شریفه به صاحبان خرد و اندیشه و اگذار شده است. اگر فردی تصمیم بگیرد دیگری را به قتل رسانده و از بین ببرد و از قانون قصاص و الزامی بودن آن، اطلاع داشته و بداند که در صورت ارتکاب قتل، خود او نیز به دست قانون، افتاده و به کیفر عمل ننگین خود، خواهد رسید، قطعا دست از قتل، و آدم کشی برمی دارد و نتیجه اش این می شود که کسی را که می خواسته است به قتل برساند، زنده بماند، و نیز خود فرد جانی که تصمیم ارتکاب قتل را داشته است زنده مانده و قصاص نخواهد شد،⁽³⁾ چون جرمی مرتکب نشده است تا کیفرش را ببیند و نیز حیات بقیه ی افراد جامعه بیمه و تضمین می شود زیرا انسان های جانی و تبهکار، هرگاه متوجه قانون قصاص و ضرورت اجرای آن شوند، ترس

1 - سوره المائده آیه 32.

2 - سوره البقره، آیه 179.

3 - سلسله محاسن التأویل المؤلف: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح المغامسي، جزء 11 ص 6.

ولرزه بر اندام وقامت شان مستولی شده دست از قتل و آدم کشی بر می دارند.(1) آنچه از مجموعه آیات استفاده می شود این است که قانون قصاص و اجرای آن، برای استقرار نظم و امنیت، برطرف ساختن هرج و مرج از جامعه، جلوگیری از توسعه و گسترش فساد و جنایت و عبرت گیری تک تک مردم وضع شده است، نه برای انتقام و انتقام گیری، اجرای قصاص، نسبت به افراد جانی و تبهکار برای جلوگیری از جنایات و قتل های بعدی، مؤثرترین راه و منطقی ترین روش است، وجود افراد جانی و تبهکار در اجتماعات انسانی بسان عضو فاسد شده و غده ی چرکین بدن است که اگر به موقع علاج نشود امکان سرایت میکروب به بقیه ی اعضاء نیز وجود دارد، لذا اگر طبیب و جراح حاذق از طریق دارو و درمان بتواند راه علاجی پیدا کند، اقدام خواهد کرد ولی اگر راه دیگری وجود نداشته باشد. جز جراحی و قطع عضو، یک لحظه هم درنگ نخواهد کرد. حق قصاص و از بین بردن افراد شرور و تبهکار و پاک سازی جامعه از وجود ننگین آن ها، درست مانند جراحی غده ی چرکین است که فاسد شده و قابل اصلاح و درمان نیست.

ب-: قصاص مساوات و برابری

نخستین چیزی که شریعت خداوند جل جلاله درباره قصاص بیان می فرماید، اصل مساوات و برابری است، مساوات و برابری در خون بهاء و درکیفر. شریعت دیگری جز شریعت اسلام، به مساوات و برابری میان مردمان اعتراف نکرده است، تا در برابر انسان، انسان کشته شود، و در برابر اعضاء، اعضاء همسان قطع گردد، هر چند مقامها و طبقه ها و نژادها و خاندانها و خو نها، جدا و متفاوت باشد. انسان در برابر انسان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، و زخمی کردن دارای کیفر است، هیچگو نه جزایی، نژادگرائی، و طبقه گرائی، حاکم و محکوم مطرح نیست، همه و همه در برابر شریعت خدا برابرند. چه آفریدگار هستی، همگان را در اصل خلقت و آغاز آفرینش از یک پدر و مادر و از یک گوهر آفریده است. قصاص بر این اساس بزرگ، کیفر بازدارنده ای است که کسی بخواهد به کشتن شخصی دست بزند، و یا زخمی بر او برساند، و یا عضوی از اندامش را بشکند، پیش از اقدام به کاری که وسوسه آن بر دلش نقش بسته است، و جاذبه چنین کارزشت در نظرش آراسته گشته است، بارها و بارها با خود بیندیشد، و پیش چشم مجسم دارد که اگر بکشد کشته می شود، بدون این که به نژاد و خاندان و حسب و نسب موقعیت و مقام او توجه شود، و اگر هم درد و بلائی برساند، به آن اندازه درد بلائی بر آن می رسد. هنگامی که دستی را یا پائی را قطع کند، و یا چشمی، گوش، بینی ای، و یا دندان را از میان ببرد، از اندامهایش همان عضوی که تلف کرده است و هدر داده است، تلف و هدر می گردد و از بین برده می شود، اما چنین کسی وقتی که بداند سزا و کیفرش زندانی شدن است، چه مدت زندان

1 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 98.

کوتاه باشد و چه طولانی، کار بدین شکل نیست. زیرا درد بدنی و نقص عضو، وجود و تغییر در خلقت و زشت کردن پیکر، چیزی است جدا از رنج و درد زندان. (1) قصاص بر این اساس بنیادین قضاوتی است که سرشت انسان به آن آسایش و آرامش، پیدا می‌کند، و آزار درونها را می‌زداید، و زخم دلها را دوا می‌نماید، و جوشش سرکش خون بهاء گرفتن و قصاص کردن را فرو می‌نشانند و برای جامعه حیات می‌بخشد. چنانچه الله جل جلاله می‌فرماید: (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (2) ترجمه: و برایتان در قصاص زندگانی است ای خردمندان تا پرهیزگار باشید. مراد از (حَيَاةٌ) یعنی بقاء عظیم. (3) و خون شما با قصاص مصون می‌ماند و جنایتکاران از ارتکاب قتل باز می‌آیند، چون وقتی کسی بداند اگر کسی را بکشد کشته می‌شود، به ندرت مبادرت به قتل می‌کند. و هرگاه یقین حاصل شود که قاتل کشته می‌شود، دیگران می‌ترسند و از قتل دوری می‌گزینند. (4) برخی از مردمان دیه را در قتل، و عوض را در جراحتهای می‌پذیرند، ولی برخیها دلشان جز به قصاص به دیگر چیز رضایت نمی‌دهند و تسکین نمی‌یابند و آرام نمی‌گیرند. شریعت اسلامی فطرت را در نظر گرفته، قصاص را مایه آسایش، آرامش و تسکین بخش برای فطرت انسان تضمین می‌کند، و وجدان بزرگ منشی و گذشت را در آن می‌جوید. (5) چنانچه الله متعال می‌فرماید: (فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ) (6) ترجمه: اگر کسی آن را ببخشد و از قصاص صرف نظر کند، این کار باعث بخشش برخی از گناهان او می‌گردد. کسی که با میل و رغبت از قصاص صرف نظر کند، با دریافت دیه بجای قصاص، یا دست کشیدن از هر دوی قصاص و دیه امکان پذیر است، و چنین کاری حق ولی دم است. این شریعت خدائی است که از آفریدگان خود آگاه است و می‌داند در درونشان چه احساسها و خاطره‌هایی می‌گذرد، و چه چیز به ژرفای دل‌هایشان می‌خزد و دل‌هایشان بدان خشود می‌گردد، و چه احکامی به دل‌هایشان اطمینان و آرامش می‌بخشد و امواج درون‌هایشان را از خروش می‌اندازد بناء حکم کردن به قانون خدائی تأمین کننده امنیت و تسکین بخش دلها است. اگر کسی به آنچه که خداوند جل جلاله نازل کرده است حکم نکند اعم از قصاص و غیره او و امثال او ستمگراند و امنیت جامعه و آرامش مردم از بین بردند. (7) چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (8) ترجمه: و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند (اعم از قصاص و غیره) او و امثال او ستمگراند.

1 - تفسیر فی ظلال ترجمه فارسی، سوره مائده، آیه 32، ص 307.

2 - سوره البقره، آیه 179.

3 - فسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 13 ص 6.

4 - تفسیر راستین تألیف: علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی ترجمه: محمد گل گمشاد زهی ج 1 ص 190.

4 - تفسیر فی ظلال ترجمه فارسی، سوره مائده، آیه 32، ص 308.

6 - سوره المائده، آیه 45.

7 - تفسیر فی ظلال، ترجمه فارسی، سوره مائده، آیه 32، ص 310.

8 - سوره المائده، آیه 45.

ج-: قتل جماعت در برابر یک نفر برای تأمین امنیت

امنیت در اسلام خیلی با اهمیت و با ارزش است تا آنجاییکه در برابر یک نفر یک جماعت هم قتل می شود، زیرا قتل یک نفر در حقیقت قتل تمام انسان ها است چون این قتل باعث شایع شدن آن در جامعه می شود، این برای مردم جرأت می دهد حتی در مسائل پیش پاه افتاده دست به چنین اعمال زشت پلید بزنند و جامعه را به سوی نابودی سوق دهد و آسایش و آرامش را از مردم سلب نماید. قتل انسان بی گناه بزرگ ترین گناه و بدترین عمل در نزد الله متعال است. چنانچه خداوند جل جلاله می فرماید: (وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا) (1) ترجمه: وکسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می بیند. جمهور فقها اتفاق نظر دارند قتل جماعت را در برابر یک نفر اگر در قتل یک نفر چند نفر و یا یک جماعت دست داشته باشد تمام آنها به قتل می رسند نسبت به عمل کرد و گفته خلیفه دوم عمر بن الخطاب رضی الله عنه که هفت نفر را که يك نفر را به قتل رسانده بودند به قتل رساند اگر تمام صنعا در این قتل شریک می بودند همه را قصاص می کردم. (2) چون در این قتل جماعت به مثابه یک نفر است بناء همه در برابر یک نفر قصاص می شوند زیرا قصاص تأمین کنند حیات و امنیت جامعه و مردم است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (3) ترجمه: ای صاحبان خرد برای شما در قصاص، حیات و زندگی است بنابر مصلحت و حکمتی که در آن، و دقائق و نکاتی که در همه احکام است. این است که قانون قصاص را برای شما وضع کردیم تا از تجاوز و خونریزی بپرهیزید. باشد که تقوا پیشه کنید. اگر قصاص در جامعه به اجراء درآید در این صورت حیات بخش زنده گی دو طرف است زیرا اگر کسی قصد قتل کسی را داشته باشد و از قصاص آگاهی داشته باشد به هیچ صورت دست به قتل کسی نمی زند زیرا یقین دارد که در بدل قتل گشته می شود بناء از قتل دست کشیده در این صورت هر دو در امان اند. (4)

ج-: قصاص عدالت اجتماعی

اجرای عدالت تضمین کننده حیات جامعه و تعامل میان رأفت و خشونت لازم است لذا خدایی که رحمان و رحیم است قصاص را رمز حیات می داند. قصاص يك برخورد و انتقام شخصی نیست بلکه تأمین کننده امنیت اجتماعی است در جامعه ای که متجاوز قصاص نشود عدالت و امنیت از بین می رود و آن جامعه حیاتی ندارد. قصاص در حقیقت عدالت است کسی که جان خود را از دست داده در مقابل جان

1 - سوره النساء، آیه 93.

2 - الموسوعة الفقهية الكويتية، جزء 33 ص 270 .

3 - سوره البقره، آیه 179.

4 - تفسير القرآن الكريم المؤلف: محمد أحمد إسماعيل المقدم، جزء 13 ص 7.

کسی که سبب آن شده گرفته می شود که خود این اجرای عدالت است و این سبب جلوگیری از قتل در جامعه می شو، کسی جرأت تجاوز به کسی را نمی داشته باشد زیرا یقین دارد در برابر قتل گشته می شود ولو که رئیس جمهور باشد که این خود سبب تأمین امنیت روحی و روانی افراد جامعه می باشد. اسلام در کنار حکم قصاص، اجازه عفو و اخذ خون بهاء داده تا به مصلحت اقدام شود. بی تردید حق حیات و زندگی در مکتب حیات بخش اسلام از اهمیت و عظمت ویژه‌ای برخوردار است و تا زمانی که این حق مسلم برای افراد يك جامعه تأمین نگردد جایی برای سایر حقوق نخواهد بود به دلیل این که سایر حقوق فرع این حق به حساب می‌آیند. قرآن کریم کشتن انسانها را شدیداً مذمت نموده‌اند تا آنجا که می فرماید: (مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لُمُسْرِفُونَ)(1) ترجمه: به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکش، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهائی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

3-: حدود و امنیت

تعریف حد: حد در لغت: بمعنی منع آمده است زیرا هر چیزی که بین دو چیز، واسطه شده و از اختلاط آنها، جلوگیری کند حد گفته می شود. (2) که جمع آن حدود است، و حدود الله متعال محارم آن است. (3) چنانچه خداوند جل جلاله می فرماید: (تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا)(4) ترجمه: این حدود و مرزهای الهی است و بدانها نزدیک نشوید. (تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)(5) ترجمه: اینها حدود و مرزهای (احکام شرعی) الهی است و از آنها تجاوز نکنید، و هرکس از حدود و مرزهای (اوامروناوهی) الهی تجاوز کند. بی گمان این چنین کسانی ستمگرند و به خود و به جامعه ای که در آن زندگی می کنند ستم می نمایند.

در اصطلاح شرع: به کیفر و مجازات بدنی، که برای بعضی از اعمال و جرائم، معین شده است از طرف الله متعال اطلاق می گردد، فرق حدود با تعزیرات، این است که در حد، مقدار کیفر و مجازات، از طرف خداوند جل جلاله تعیین شده است؛ ولی تعزیر؛ مجازات سبکتر است و اندازه آن، منوط به رأی و نظر حاکم است. (6) به گفته راغب: علت تسمیه و نامگذاری حد زنا و خمر آن است که: اجرای حد، مرتکبین را از، ارتکاب مجدد باز داشته و دیگران نیز، به خود آمده و برای این که مشمول قانون

1 - سوره المائده، آیه 32.

2 - معجم اللغة العربية المعاصرة، جزء 1 ص 457.

3 - الموسوعة الفقهية الكويتية، جزء 17 ص 129.

4 - سوره البقره، آیه 187.

5 - سوره البقره، آیه 229.

6 - الموسوعة الفقهية الكويتية، جزء 17 ص 129.

اجرای حدود الهی نشوند، دست و بالشان را جمع خواهند کرد و دنبال اعمال خلاف و غیر قانونی و جرم و جنایت، نخواهند رفت. (1) اعمال و جرائمی که حد آنها در قرآن کریم ذکر شده است عبارت است از: زنا، سرقت، قذف و محاربه.

أ- حد سرقت و امنیت مال و دارای

حد سرقت یکی از حدود الهی است که اجرای آن در حفظ نظم و امنیت و دارای جامعه نقشی مهم و کلیدی را ایفا می کند. چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا تَكْلًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (2) ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند غالب و حکیم است و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می کند تا مانع پخش آن گردد. اما کسی که پس از ارتکاب دزدی پشیمان شود و توبه کند و با انجام اعمال نیکو و پس دادن اموال مسروقه یا قیمت آنها به اصلاح حال خود پردازد، خداوند توبه او را می پذیرد، بی گمان خداوند بس آمرزنده و مهربان است. قطع دست سبب حفظ مال و دارای مردم شده و از تشویش و پریشانی که سبب اخلال امنیت فکری می شود جلوگیری می نماید. (3) و جامعه اسلامی برای ساکنان سرزمین اسلامی با هر عقیده و مرامی که دارند چیزهای زیادی را فراهم می آورد و انگیزه های فراوانی را تهیه می بیند تا در پرتو آنها اندیشه دزدی از دل انسانهای عالم بیرون و دفع شود. جامعه اسلامی نیازمندیهای زندگی مردمان را و چیزهایی را که برای شهروندان پسندیده باشد، تامین و تضمین می کند. وسائل تربیت و تعلیم و بهداشت و بهداری و سالم سازی را تامین و تضمین می کند. عدالت در توزیع کالا را تامین و تضمین می نماید. همچنین جامعه اسلامی هر نوع مالکیت فردی را توشویق می کند از راه حلال رشدکند و فراهم آید. مالکیت فردی را تبدیل به یک وظیفه اجتماعی می نماید و آن را بگونه ای درمی آورد که به جامعه سود برساند و مایه زیان و آزار جامعه نگردد با عنایت بدین چیزها است که جامعه اسلامی سعی می کند اندیشه دزدی را از اذهان مردمان سالم بیرون سازد. در این صورت، جامعه اسلامی حق دارد که در عقوبت دزدی و مجازات دست درازی به مالکیت فردی، و تعدی بر امنیت عمومی مردمان، سختگیری بکار ببرد. اما با وجود سختگیری، اجرای حدود و به کیفر رساندن مجرمان را با بودن شبهه، حذف می کند و بدان اقدام نمی ورزد، و برای این که متهم بدون دلیل صحیح و درست گرفتار و مواخذه نشود، هر نوع تضمین و همه گونه تامین را برای او فراهم می آورد. مال را نباید به دست کسانی بدهد که به آن اهمیت نمی دهند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ

1 - المفردات في غريب القرآن المؤلف: أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالرأغب الأصفهاني (المتوفى: 502 هـ) المحقق: صفوان عدنان الداودي الناشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت الطبعة: الأولى - 1412 هـ ص 221.

2 - سورة المائدة، آیه 38.

3 - التفسير الوسيط للقرآن الكريم المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، ج 2 ص 1068.

الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً وَارزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا⁽¹⁾ ترجمه: اموال کم خردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید. چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است. از آن خوراک و پوشاک ایشان را تهیه کنید و با سخنان شایسته با آنان گفتگو کنید. زنده گی وابسته به مال و دارای است به کسانی که قدر مال رانمی دانند و یا در نحوه ای مصرف آن تدبیر ندارند مال را در دست رس آنها قرار ندهید زیرا سبب برهم خوردن امور زندگی شما می شود و یا ضعیف العقل هستند که تمیز نفع و ضرر را ندارند اگر مال در دست آنها قرار گیرد سبب ضایع شده مال می شود⁽²⁾ مراد از (قیاماً) یعنی زنده گی شما استوار بر مال است و یا اینکه مال سبب حیات شما است.⁽³⁾ مراد از (السُّفَهَاء) یعنی کسانی است که از مال حفاظت کرده نمی تواند و در این آیه مبارکه اشاره به یتیم ها است.⁽⁴⁾ گرسنگی شدید ترین چیزی است که بوجود انسان تأثیر می گذارد و سبب ضعف امنیت روحی و روانی شده فکر را معطل می سازد. سرقت سبب هلاکت مال و دارای مردم شده و زنده گی را سخت می سازد و جامعه را بطرف فقر گشیده امنیت مالی مردم را سلب می نماید بناء الله متعال به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) دستور داده که با زنان بیعت کند بر این که به الله متعال شریک قرار ندهند و دست به سرقت نزنند در اینجا سرقت بعد از شرک آمده که اهمیت امنیت مالی را میرساند زیرا مال باعث ادامه حیات است اگر مال ضایع شود امنیت از جامعه رخت می بندد. چنانچه می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ)⁽⁵⁾ ترجمه: ای پیغمبر هنگامی که زنان مؤمن، پیش تو بیایند و بخواهند با تو بیعت کنند و پیمان بندند بر این که: چیزی را شریک خدا نسازند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند.

ب-: حد محاربه و امنیت مکان

و حفظ نظم عمومی و نظام حکومتی ای که گروه مسلمانان در سایه آن از امن و امان برخوردار می گردند، و به تلاش نیک و پویائی خوب خود سرگرم می شوند، همه و همه همسان امن و امان افراد لازم و ضروری است. بلکه از امن و امان افراد و اشخاص نیز لازم و ضروری است. چراکه امن و امان افراد و اشخاص جز با امن و امان نظم عمومی و نظام حکومتی ممکن نمی گردد. گذشته از آن، حفاظت از این جامعه نمونه فاضل و والای جامعه ها، یعنی جامعه ای که در بر گیرنده هر نوع تضمینی برای زندگی و آرامش است، از همه چیز لازم تر و ضروری تر است. چراکه با بودن و ماندن چنین جامعه فاضله ای، مردمان به فعالیت های خوب و پسندیده خود می پردازند، و زندگی انسانیت در سایه آن راه

1 - سوره النساء، آیه 5.

2 - سلسله التفسیر لمصطفی العودی المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العودی شلبایة المصري، جزء 2 ص 7 .

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 266.

4 - تفسیر غریب القرآن المؤلف: كاملة بنت محمد بن جاسم بن علي آل جهام الكواري، ج 4 ص 5.

5 - سوره الممتحنة، 12.

ترقی می‌پوید و اوج می‌گیرد و درخت حیات بشری رشد می‌کند و به بار می‌نشیند، و غنچه‌های خیر و فضیلت و رشد و تولید باز می‌شوند و می‌شکفند. این چنین جامعه‌ای بویژه برای جملگی مردمان همه نوع تضمینی در همه زوایای زندگی تامین می‌کند، و در پیرامونش فضایی به وجود می‌آید که در آن دانه‌های خوبی و نیکی رشد و نمو می‌کنند، و دانه‌های بدی و زشتی چروکیده می‌شوند و می‌پژمرند. این چنین جامعه‌ی فاضله‌ای پیش از پرداختن به معالجه و مداوا، به حفاظت و مصونیت می‌پردازد، و بعد از آن به معالجه و مداوای دردهائی می‌پردازد که ابزارکار جلوگیری و سالم‌سازی از درمان آنها در مانده باشد. همچنین چنین جامعه‌ای، انگیزه و بهانه‌ای برای انسان سالم برجای نمی‌گذارد تا به سوی بدکرداری و زشتکاری بگراید و به تعدی و دست‌درازی بپردازد. اگر با وجود همه این کارها، کسی امنیت چنین جامعه‌ای را تهدید نماید، عنصر بد نهاد و ناپاکی است و لازم است ریشه کن و نابود شود، مگر این که به سوی هدایت برگردد و راه راستی و درستی را در پیش بگیرد و جویای خوبی و نیکی شود. روند قرآنی در اینجا کیفر این عنصر ناپاک را مقرر می‌دارد. کیفری که در شریعت اسلامی حد حرّابه، یعنی کیفر جنگجو نام دارد.⁽¹⁾ چنانچه الله متعال می‌فرماید: (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)⁽²⁾ ترجمه: کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند و با تهدید اسلحه، به جان، مال و ناموس مردم حمله می‌برند این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنها، بریده شود و یا از سرزمین خود، تبعید گردند؛ این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند مگر کسانی از این محاربین با حکومت اسلامی و راهزنان و مفسدانی که پیش از دست یافتن شما بر آنان از کرده خود پشیمان شوند و توبه کنند. بدانید که خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است. لذا مراد از محاربه با خدا و رسول او، اعمال و رفتاری است که برگشت می‌کند به ابطال اثر چیزی که رسول خدا بر آن اوامر و نواهی دارد؛ لذا مراد از محاربه و افساد در زمین، از طریق جنگ، دزدی و راهزنی مصداق پیدا کرده و امنیت و آرامش عمومی را خدشه دار می‌سازد.⁽³⁾ محاربه و افساد در زمین هنگامی باعث ایجاد خوف و ناامنی عمومی می‌شود، که مردم را با اسلحه، تهدید به قتل و سرقت اموال و تجاوز به عرض و ناموس آنها بنمایند.⁽⁴⁾ مراد از (فَسَادًا) تمام کاربرد که اسلام از آن نهی کرده باشد.⁽⁵⁾

1 - تفسیر فی الظلال ترجمه: فارسی سوره مائده، ص 226.

2 - سوره المائده، آیه 33.

3 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد المنتصر بالله بن محمد الزمزمی الکتانی الإدربسی الحسني (المتوفی: 1419 هـ) جزء 104 ص 7.

4 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 41 ص 8.

5 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد المنتصر بالله بن محمد الزمزمی الکتانی الإدربسی الحسني جزء 104 ص 7.

ج-: حد زنا و امنیت نسل بشر

از جمله شهوات که در طبیعت انسان، قرار داده شده و اکثراً باعث جرم و جنایت و نا امنی و احیاناً نزاع و خونریزی می شود، شهوت جنسی است. شهوت جنسی به آتش زیر خاکستری می ماند، که اگر درست، جهت داده نشود و کنترل نگردد، هر لحظه امکان دارد فردی، خانواده ای و یا جامعه ای را طعمه خویش ساخته و نابود کند. در بعضی آیات قرآن، عمل شنیع زنا، در کنار گناهانی چون: شرک به خدا و قتل نفس آمده است، که این خود شدت جرم زنا را می رساند؛ لذا در سوره فرقان می خوانیم چنانچه الله متعال می فرماید: (وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا)⁽¹⁾ (بندگان خاص خداوند) کسانی هستند که معبودی دیگری با خداوند نمی خوانند، و انسانی که خداوند خویش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند، و زنا نمی کنند، هر کس چنین کند مجازات سختی خواهد شد. انسان را که الله متعال کرامت و شرافت داد و او را خلیفه خود در روی زمین ساخت و به او اراده کرد لطافت پاکی را تا اینکه زنده گی کند در این دنیا بر مقتضای قانون الله متعال زیرا خداوند جل جلاله می خواهد که جامعه مؤمنان بر مبنای پاکی صلح صفای اخوت و امنیت و بر مبنای عنایت مربی به میان آید چنانچه انسان ها بر اولاد خود اعتنای زیاد دارد در قسمت بر آورده ساختن خوراکه و پوشاکه و سرپناه آنها و در این راه تمام سعی و کوشش خود را به خرچ می دهند و خود را قربان می کند بخاطر چه؟ بخاطر که این ها اولاد او و از پشت او است، اما اگر در نسب او شک کند امنیت زنده گی او از بین میرود و یا در یک حالت اضطراری و پریشانی قرار می گیرد که هیچ اعتنای به اولاد خود نمی داشته باشد و یا در فکر خلاصی از دست آنها می باشد و یا با آنها طوری رفتار می کند که گویا از راه یافته است که هیچ اصل نسب ندارد و این درست نیست به خلیفه و یا نماینده الله متعال بودن در روی زمین زیرا خلیفه بودن الله متعال در روی زمین حامل شرافت و کرامت و عزت می باشد. این دلالت دارد بر اینکه در این دنیا کسی پیدا نمی شود که او منسوب به غیر پدر حقیقی خود شود یعنی بد می بیند شرم خجالت می کشد این که او به غیر پدر حقیقی اش نسبت شود، از این رو الله متعال از زنا منع کرده است و صفت بنده های خاص خود گردانیده که اونها زنا نمی کنند.⁽²⁾ یوسف علیه السلام در بین زنا و زندان، زندان را ترجیح داد زیرا زنا خیلی یک عمل زشت قبیح است که سبب رسوای در دنیا و عذاب در آخرت می شود و قلب انسان را سیاه می سازد و نور از آن کشیده می شود.⁽³⁾ عمل ننگین زنا یکی اعمال زشت و نا روای است که الله متعال از نزدیک شدن به آن منع کرده است چه برسد

1 - سوره الفرقان، آیه 68.

2 - تفسیر الشعراوی، الخواطر ج 17 ص 10513

3 - سلسله التفسیر لمصطفی العدوی المؤلف: أبو عبد الله مصطفی بن العدوی شلبایة المصري، جزء 26 ص 8 .

به عمل زنا زیرا این عمل زشت باعث برهم زدن امنیت و آسایش روحی و روانی مردم شده و سبب آلوده شدن به امراض مختلف می شود.

د- حرام بودن مقدمه زنا

هر آنچه که سبب نزدیک شدن بزنا باشد حرام است چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا)⁽¹⁾ ترجمه: با انجام عوامل و انگیزه های زنا به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است. مراد از (وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ) تمام مقدماتی است که سبب زنا می گردد مانند دست پرسی قصه کردن خندیدن و به صدای نرم شریین صحبت کردن و یک جا نشستن در خانه و در صنف درسی و در دفتر و در موتور و صحبت کردن با موبائل و حرف های شهوت انگیز گفتن و پوشیدن لباس های نازک و چسپ که سبب تمائل دیگران شده امنیت قلبی و روحی آنها سلب می کند، و این خود یک نوع دعوت به فحشاء است ولو که با زبان خود نگوید چنانچه شبکه های اجتماعی که از طرف دشمنان دین در مقابل پول و شهرت دست به پخش نشر فحشاء می زنند و امنیت فرد خانواده و جامعه را از بین می برند و یکی از بزرگترین چالش که امروز دامن گیر مسلمان شده همین شبکه های اجتماعی بوده و است که فعالیت مفید و آموزند آن خیلی کم رنگ بوده و فعالیت های منفی آن به اوج خود رسیده است که این سبب سرزنش انسان های متقی شده و انسانهای فساد پیشه را به اوج بی حیایی و فساد اخلاقی هدایت و تشویق می نماید زیرا رسانه ها یکی از وسائل مهم برای هدایت و رهنمای و هم برای منحرف و گمراه ساختن انسان ها استفاده می شود.⁽²⁾ زنا سبب برهم خوردن اصل نسب شده و تعدی و تجاوز بر حریم دیگران را در برمی گیرد که این خود یکی از عوامل ایجاد نا امنی بشمار می رود و دچار امراض مختلف شده که سبب ضعف جسمی و روحی شده نظم خانواه و جامعه از بین می برد.⁽³⁾ در تمام شرائع این سه عمل زشت قبیح حرام و منع بوده است. شرک، قتل انسان بیگناه، و زنا.⁽⁴⁾ اجرای حد زنا و امنیت اجتماعی دین مقدس اسلام، راههای مشروع و قانونی را برای ارضاء و کنترل غرائز جنسی، در نظر گرفته است، تا بتواند آرامش و آسایش فردی و اجتماعی را تأمین؛ و دغدغه و نگرانی روحی و روانی غیرت مندان عقیف و پاکدامن را مرتفع سازد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)⁽⁵⁾ ترجمه: و یکی از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت و هر یک را شیفته و دلباخته دیگری ساخت،

1 - سوره اسراء، آیه 32.

2 - سلسله التفسیر لمصطفی العودی المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العودی شلبایة المصري، جزء 32 ص 17.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 347.

4 - سلسله محاسن التأویل المؤلف: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح المغامسي، جزء 38 ص 6.

5 - سوره الروم، آیه 21.

تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسانها و تعادل جسمانی و روحانی آنها برقرار و محفوظ باشد. مسلماً در این امور نشانه ها و دلایلی بر عظمت و قدرت خدا است برای افرادی که می اندیشند. مردمان احساسات خود را در برابر جنس مخالف می دانند. پیوند موجود میان دو جنس مخالف اعصاب و احساسات ایشان را به خود مشغول می دارد، و این احساسات و عواطفی که به گونه های گوناگون و از رویکردهای جوراجور در میان مرد و زن خودنمایی می کند، گامهایشان را به سوی یکدیگر برمی دارد، و فعالیت و پوییش ایشان را به حرکت و جنبش می اندازد. ولیکن مردمان کمتریاد آور می شوند که این قدرت خدا است که از نوع خودشان همسرانی برای آنان آفریده است، و این عواطف و احساسات را در وجودشان سرشته است و به ودیعت گذاشته است، و در این پیوند آرامش جان و اعصاب را قرار داده است، و آن را مایه آسایش جسم و دل کرده است، و زندگی و زندگانی را بدان استقرار و استمرار بخشیده است، و بالأخره آن را باعث انس و الفت روحها و درونها، و آرامش و آسایش هم مردان و هم زنان کرده است. تعبیر ظریف و لطیف قرآنی این پیوند را به شکل الهام بخشی به تصویر می کشد. انگار آن شکل را از ژرفاهای دل و از لابلاهای حس و شعور می کشد و به تصویر می زند: (لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا). ترجمه: تا در کنار آنان در پرتو جاذبه و کشش قلبی بیارامید. (وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً) ترجمه: و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخته است و هر یک را شیفته و دلباخته دیگری ساخته است، تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسانها و تعادل جسمانی و روحانی آنها برقرار و محفوظ باشد.⁽¹⁾ هرگاه به این راه روش که خداوند جل جلاله برای انسان ها مقرر کرد است سرکشی نمایند، پس برای سرکشان آخرین راهکار دین مقدس اسلام، در این حوزه اجرای حدّ زنا، می باشد. حدّ زنا، که بهترین وسیله و مؤثرترین روش بازدارنده از جرم و جنایات است. حدی که نیکان را عزیز و محترم، و مجرمین و جنایتکاران را رسوا و تأدیب نموده و امنیت و آرامش را در جامعه ایجاد می نماید، دستهای آلوده و کثیف را، از حریم عفاف مردم، قطع و کوتاه می سازد لذا در سوره مبارکه نور می خوانیم: چنانچه الله متعال می فرماید: (الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشْتَهْدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ)⁽²⁾ ترجمه: هر یک از زن و مرد زنا کار را صد تازیانه بزنید، و نباید رأفت (محبت کاذب) نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی؛ مانع شود، اگر به خدا و روز جزاء ایمان دارید؛ و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند. اینکه قرآن کریم می گوید: باید عده ای از مؤمنین، هنگام اجرای حد، حضور داشته و از نزدیک، جریان را مشاهده کنند، برای این است که از یک طرف، شخص مجرم،

1 - تفسیر فی الظلال ترجمه فارسی، سوره روم، ص 40.

2 - سوره النور، آیه 2.

چهره کثیفش؛ روشن شده و عرصه زندگی در اجتماع، برایش تنگ شود، تا از ارتکاب مجدد، خودداری کند، از طرفی دیگر، دیگران نیز دست و پای خود را جمع کرده و هوس فحشاء و منکرات نکنند و الا به چنگ قانون افتاده و رسوای خاص و عام خواهند شد. و این خود سبب جلوگیری از تعرض به حریم دیگران و عبرت به دیگران می شود. (1) اجرای حدود؛ که در متون اسلامی، فراوان مورد تأکید قرار گرفته است از یک جهت مؤثرترین وسیله ای است برای ایجاد امنیت و آرامش اجتماعی، اگر دست جانی بزهار، قطع شود، بقیه دستها هوس دزدی نخواهند کرد، ولی اگر دست سارق قطع نشود، هر روز بر تعداد آنها افزوده و زندگی اجتماعی به جهنمی غیر قابل تحمل، تبدیل خواهد شد. اگر افراد زانی، قاذف، شارب الخمر و محتکر.. حدود و تعزیرات اسلامی را در تعقیب خود، احساس کنند، دست از اعمال ننگین خود، برداشته و یا به حداقل اکتفا خواهند کرد، ولی در صورتی که حدود و تعزیرات اسلامی، تعطیل شود، افراد تبهکار و جانی، بدون ترس و وحشت، زندگی را به کام مردم، تلخ خواهند کرد. برای دفع این واژگونی و سرنگونی انسان، اسلام در تعزیر و شکنجه زنا این گونه سختگیری می کند. گذشته از این، زیانهای اجتماعی ای که مردمان بدانها خوی گرفته اند و عادتشان بر این رفته است که این زیانها را به هنگام سخن از این گناه ذکر کنند، از قبیل: آمیزه همدیگر شدن نسبها و حسبها، و برانگیختن کینه ها و کینه توزیها، و تهدید کردن خانه های آرام و پر امن و امان هریک از این اسباب و علل، برای سختگیری کردن و شدت به کار بردن در تعزیر و عقوبت، به تنهایی درست است. ولی نخستین سبب و اولین علت، دفع واژگونی و سرنگونی حیوانی از فطرت بشری، و حفظ آداب و رسوم انسانی ای است که پیرامون جنس گرد می آیند. همچنین محافظت از اهداف و مقاصد زندگی زوجیت مشترکی است که بر اساس دوام و امتداد، استوار و پایدار می گردد این سبب و این علت به عقیده من مهم ترین سبب و ارزش مندترین علت است، و جامع همه اسباب و علل فرعی دیگر است. (2)

د: جلوگیری از نوشیدن خمر حفظ و امنیت عقل

نوشیدن خمر سبب احتلال عقل شده و تفکیک بین خوب و خراب را از دست می دهد بناء تجاوز به حریم جان و مال و آبروی دیگران صورت می گیرد و امنیت خود و دیگران و جامعه را از بین می برد خودخواهی و اموری از این قبیل جای آن را می گیرد و انسان را از نظر روحی و روانی مریض می کند و در جسم انسان مریض، عقل سالم جایی ندارد؛ خداوند برای حفظ عقل ترک شراب خواری را واجب گردانیده. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

1 - تفسیر سورة النور المؤلف : محمد بن محمد المختار الشنقيطي مصدر الكتاب : دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية

<http://www.islamweb.net> جزء 2 ص 12.

2 - تفسیر فی الظلال ترجمه فارسی، سوره نور، ص 18.

رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ⁽¹⁾ ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه پلیدند از عمل شیطانند، پس از آن ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید.

أ-: خمر در لغت: خمر به معنای پوشش است و هر چیزی که چیز دیگر را بپوشاند و مخفی کند، خمار می گویند. اصل خمر یعنی پوشاندن، شراب از آن جهت خمر می گویند که عقل را پوشانده و زایل می کند.⁽²⁾

ب-: خمر در اصطلاح: در اصطلاح شریعت، به هر چیزی که مست کننده باشد، خمر می گویند؛ خواه از انگور گرفته شده باشد یا از کشمش و خرما. به این نوع مایعات از این جهت خمر می گویند که این مایعات به جهت مستی ای که ایجاد می کنند، بر روی عقل پرده ای می افکنند و نمی گذارند بد را از خوب وزشت را از زیبا تشخیص داد. یعنی هر آنچه عقل را مخمور سازد، یعنی عقل را دچار آشفتگی کند و بر عقل غلبه نماید و یا آن را بپوشاند و در آن تاثیر بگذارد خمر (شراب) است.⁽³⁾ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: (كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ)⁽⁴⁾ هر مسکر خمر است و هر خمر حرام است. فرقی نمی کند که آن شراب از میوه هایی مانند انگور و خرما و انجیر و کشمش ساخته شده باشد؛ و یا از حبوبات مانند گندم و جو و ذرت و برنج، یا از شیرینی ها مانند عسل. پس هر آنچه عقل را بپوشاند با هر اسم و شکلی که باشد، آن خمر و حرام است، حتی اگر با آب میوه ی طبیعی و یا در شیرینی ها و ترکیب شده باشد.

ج-: امنیت و حفظ عقل. این دین بزرگ آمده تا مصلحت بندگان را در دنیا و آخرت تامین کند. و در رأس این مصالح حفظ ضروریات پنج گانه: دین، نفس، عقل، مال و نسل قرار دارد. عقل معیار تکلیف و محور تکریم و گزینش انسان توسط خداوند است. پس شریعت عقل را از هر آنچه که موجب از بین رفتن یا ضعف آن شود محافظت می کند شرابخواری با وجود ضررهای خانمان سوز فراوان مشروبات الکلی که کاملاً هم ثابت شده است، شبکه های بیگانه و شیطانی اصرار عجیبی برای ترویج مصرف این گونه نوشیدنی ها دارد. توصیه های قرآن سرشار از این تحریم ها و تأکیدهاست که عمل به آن علاوه بر بهره مندی از اجر معنوی، سامان دهنده مسایل جسمی و روحی بشر نیز می باشد. یکی از این عادات ناپسند که از دیر باز و قبل از حضور اسلام در شبه جزیره عربستان رایج بود شراب خواری و مصرف الکل است. هر چند جوامع به اصطلاح متمدن، امروز نیز در این بلای جسم و جان سوز غوطه ور هستند و هر ساله آمارهای تکان دهنده ای از آثار تخریبی آن در میان جوامع به گوش می رسد، لیکن اسلام با توصیه های اعجازگونه خود در زمانی که حتی شراب را با نفع و فایده می دیدند

1 - سوره المائده، آیه 90.

2 - الموسوعة الفقهية الكويتية ج 20 ص 5.

3 - الموسوعة الفقهية الكويتية جزء 20 ص 12.

4 - صحيح المسلم. المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3 ص 1587 حديث 2003. حدثنا أبو الربيع العتكي، وأبو كامل، قالوا: حدثنا حماد بن زيد، حدثنا أيوب، عن نافع، عن ابن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كل مسكر خمر، وكل مسكر حرام، ومن شرب الخمر في الدنيا فمات وهو يدمنها لم يتب، لم يشربها في الآخرة.»

پیروان خویش را از آن نهی کرد و فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْجَارُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (1) ترجمه: ای مؤمنان میخوارگی و قماربازی و بتان سنگی که در کنار آنها قربانی می کنید و تیرها عمل شیطان می باشند. پس از پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید. هرنوشیدنی که سکرآور باشند خمر است. (2)

د-: برخورد قرآن با شرابخواری برای تأمین امنیت

شعبی (3) رحمه الله می فرماید: که در مورد شراب چهار آیه نازل شده است. (4) خداوند در چهار مرحله با مسئله شرابخواری برخورد کرده است، هر بار به گونه ای پیام مضر بودن شراب را به انسان ها رسانده است تا از این دشمن بزرگ عقل و فکر دوری شود تا انسان ها و محیط آنها دارای امنیت کامل بوده باشد.

1-: مرحله اول دستور به استفاده درست

به طور مثال الله متعال بار اول به انسان ها گوش زد می کند که از رزق روزی که الله متعال برای شما عطا کرده بطور خوب استفاده کنید، بطور خراب استفاده نکنید، زیرا استفاده بطور نامطلوب سبب امراض مختلف شده زنده گی را سخت می سازد چنانچه شما از رزق روزی بطور حرام استفاده می کنید درحالیکه استفاده خوب از آن صورت گرفته می تواند. این اولین مرحله در تربیت صحیح افراد و راه جلوگیری از عادات زشت است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا) (5) ترجمه: و از میوه درختان خرما و انگور باده مستی بخش و خوراکی نیکو برای خود می گیرید. خداوند در این مرحله بر استفاده های سالم و حلال از میوه انگور و خرما تأکید می کند و راه استفاده صحیح آن را نشان می دهد. استفاده از خمر، ضررهای بسیار جبران ناپذیری بر جسم و جان و انسان دارد؛ چرا که مانع کمالات و نیکی هاست، و نا امنی را در پی دارد از همین رو بسیاری از مسلمانان این عادت زشت را ترک کردند. مراد از سگراً در آیه شریف خمر است و مراد از وَرِزْقًا حَسَنًا، خرما و کشمش است یعنی از خرما آنچه که حلال است استفاده می کنند و آنچه که حرام

1 - سوره المائدة، آیه 90.

2 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 123.

3 - علامه التابعین، أبو عمرو، ، عبد الله بن عامر بن شراحیل الهمدانی الکوفی الشعبي، الإمام الشعبي رحمه الله تعالى من أئمة التابعین، وكان فقیهاً عالمًا بالسننة وبالمغازي، متورعاً عن الفتوى دأماً للرأي، أخذ عن الصحابة رضي الله عنهم، وبلغ في العلم والدين منزلة رفيعة، فرحمه الله تعالى رحمة الأبرار، كان إماماً، حافظاً، فقيهاً، متفتياً، ثباً، متقناً مولده في أثناء خلافة عمر سنة سبع عشرة. ومات سنة أربع ومئة على المشهور الكتاب: من أعلام السلف المؤلف: أحمد فريد مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية

http://www.islamweb.net جزء 7 ص 1. التاريخ الكبير للبخاري ج 5 ص 157 طبقات علماء الحديث المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عبد الهادي الدمشقي الصالحي (المتوفى: 744 هـ) تحقيق: أكرم البوشي، إبراهيم الزبيق، ج 1 ص 154.

4 - جامع البيان في تأويل القرآن، تفسير طبري، ج 4 ص 334.

5 - سوره النحل، آیه 67.

است هم استفاده می کنند. (1) از ابن عباس (2) رضی الله عنهما می فرماید: (سَكْرًا) آنچه از او حرام است. (وَرِزْقًا حَسَنًا) آنچه از او حلال است. ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: پیش از تحریم، خمر را سکر می نامیدند بعد قرآنکریم از آن به خمریاد کرد است زیرا آنچه حلال است سکر نمی آورد. (3)

2-: مرحله دوم گوش زد برای دوری از شراب خواری

الله متعال در این مرحله برای بنده های خود می فرماید: شراب خوری گناه بزرگ است، ضررش بیشتر است نسبت به نفعش زیرا شراب خواری سبب آزار واذیت مردم شده امنیت را سلب می کند وصحت و سلامتی انسان ها را به خطر می اندازد و به مال و جان و آبروی مردم تجاوز صورت می گیرد، پس کدام انسان عاقل به این عمل زشت دست می زند در حالیکه میدانید که ضرر آن بیشتر است. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا) (4) درباره شراب و قمار از تو می پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سود هایی برای مردم است و گناهشان از سودشان بزرگ تر است. در این مرحله، خداوند هنگامی که می خواهد شراب را حرام کند، با نرمی و لطافت برخورد می کند و به طور تلویحی متذکر می شود که شرابخواری گناه است. خداوند در مقابل گناهانی همچون قمار و شرابخواری ابتدا سخت و تند برخورد نمی کند؛ بلکه با انصاف می فرماید که این ها منافع مادی و زودگذر و شخصی مثل حالت فراموشی غم های زندگی در مستی و مالیات شراب برای دولت ها دارد. اما ضررهای روحی و بهداشتی و اجتماعی آن زیادتر است. بنابراین این دو گناه بزرگ، ضررهای بسیار جبران ناپذیری بر جسم و جان و انسان دارد، چرا که مانع کمالات و نیکی هاست. از همین رو بسیاری از مسلمانان این عادت زشت را ترک کردند. این آیه برتحریم خمر کافی بود اگر بغير این آیه نازل هم نمی شد به فرموده الله متعال (قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ) تمام إِنَّهُ حَرَامٌ است به قول الله متعال که می فرماید: (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ) (5) ترجمه: بگو: خداوند حرام کرده است کارهای ناپهناج را، خواه آن چیزی که آشکارا انجام پذیرد و ظاهر گردد، و خواه آن چیزی که پوشیده انجام گیرد و پنهان ماند. اکتفا به اثم هم نکرده بلکه ثم کبیر گفته است که منع و تحریم را می رساند. (6)

1 - جامع البيان في تأويل القرآن، ج 17 ص 241

2 - عبد الله بن عباس البحر أبو العباس الهاشمي حبر الأمة، وفقه العصر، وإمام التفسير، أبو العباس عبد الله، ابن عم رسول الله صلى الله عليه وسلم - العباس بن عبد المطلب شيبه بن هاشم، واسمه عمرو بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر القرشي، الهاشمي، المكي، الأمير - رضي الله عنه مولده: يشعب بني هاشم، قبل عام الهجرة بثلاث سنين. صحب النبي صلى الله عليه وسلم - نحوًا من ثلاثين شهرًا، وحدث عنه بجملة صالحة. سير أعلام النبلاء، ج 3 ص 332.

3 - جامع البيان في تأويل القرآن. ج 17 ص 244.

4 - سورة البقرة، آيه 219.

5 - سورة الأعراف، آيه 33.

6 - أحكام القرآن للجصاص، المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: 370هـ)

3-: خداوند در مرحله سوم می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا)(1) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می گوئید و در حال جنابت وارد نماز نشوید مگر اینکه راهگذر باشید. مراد از این آیه این است که مسلمانان با حالت مستی که بعد از خوردن شراب حاصل می شود، وارد نماز نشوند. این امر دو فایده دارد:

أ-: مناجات به خدا مستلزم فهم و درک مطالب است و اگر کسی با حالت مستی در مقابل حضرت حق قرار گیرد، علاوه بر آنکه نوعی بی ادبی است، از نماز نیز بهره ای نمی برد.

ب: با توجه به نزدیک بودن اوقات پنج گانه نماز واجب - به ویژه در صدر اسلام - عملاً کسی نمی توانست به شرابخواری روی آورد و این مطلب نوعی مبارزه با شرابخواری در جامعه بود. در حقیقت ممنوعیت موقت شرابخواری در زمان های خاص بود که مردم را آماده می کرد تا شراب را به صورت کلی بر آنان حرام کند و امنیت را تأمین کند.

4-: خداوند در مرحله چهارم می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)(2) ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه پلیدند از عمل شیطانند، پس از آن ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید؛ همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد، پس آیا شما دست بر می دارید. الله متعال بعد از ذکر اجتناب از شراب دوضرریکه متوجه انسان می شود بیان می کند که یکی آن دنیوی و دیگر آن اخروی است نوشیدن شراب سبب ایجاد کینه و کدورت و غضب مردم می شود و از ذکر الله متعال انسان را باز می دارد.(3) خداوند در این آیات شریفه حکم حرمت شراب به طور قطعی بیان کرده است. ولی این عمل پس از سه مرحله قبل بود که ذهنیت مسلمانان برای این حکم آمده شده بود با نزول این آیات، هر که جامی در دست داشت، شکست و کوزه های شراب در کوچه ها ریخته شد و جامعه مسلمانان یک پارچه به فرامین شریعت گردن نهاد. این، تأثیر شگفت انگیز روش تربیتی قرآن کریم بود که به صورت تدریجی و چند مرحله ای اجرا شد. در این آیات حکم تحریم شراب به صورت خشک بیان نشده است؛ بلکه ضررهای شرابخواری و قمار بیان شده است که عبارتند از رجز (پلید) است، عمل شیطان است و او می خواهد با این عمل بین شما دشمنی ایجاد کند، می خواهد با این عمل مانع شود که شما به یاد خدا

1 - سوره النساء، آیه 43.

2 - سوره المائدة، آیه 90-91.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 432.

باشید و به نماز بپردازید. جلوگیری از نوشیدن شراب و حکم به پلید بودن آن، یکی از معجزات علمی قرآن کریم است؛ چرا که در شرایطی این احکام صادر شد که بشریت با علاقه و اشتها به شرابخواری روی آورده بود و از ضررهای بهداشتی آن اطلاع چندانی نداشت. شاید بتوان گفت یکی از ابعاد اعجاز قرآن، تغییر جامعه عربی جاهلی و تحول عجیب و ناگهانی آنان در کوتاه ترین مدت بود. مسئله تحریم شراب و برخورد چهار مرحله ای با آن؛ یعنی روش تربیتی قرآن در این زمینه و تغییر و تحول عجیبی که در جامعه ایجاد کرد، می تواند یکی از تأثیرات اعجاز آمیز قرآن باشد؛ یعنی از منظر علوم تربیتی، این روش موثر چهار مرحله ای در برخورد با پدیده انحرافی در جامعه، می تواند الگوی مناسبی برای ایجاد تغییرات مناسب و مبارزه با مفسد اجتماعی حاد باشد.

5-: باز ماندن از یاد خدا و برهم خوردن زندگی

با اینکه شراب و قمار مفسد جسمی، روحی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد، اما قرآن کریم درباره آثار این دو می فرماید: *وَ يَصْنُدُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ*: اینها میان شما کینه ایجاد می کند و شما را از یاد خداوند و نماز باز می دارد. در این آیه از میان دهها خطر و ضرری که برای شراب وجود دارد، بر روی ضرر اجتماعی و معنوی آن تکیه شده است چرا که ضرر اجتماعی پیدا شدن کینه و ضرر معنوی غفلت از یاد خدا و نماز از برجسته ترین مضرات شراب خواری به شمار می رود.⁽¹⁾ شراب خوری سبب تنبل شدن انسان می شود و از کار و مدیریت انسان را باز میدارد این باز دارنده گی سبب فقر بیکاری در جامعه شده نا امنی را به بار می آورد بناء الله متعال شراب را تحریم کرد. چنانچه الله متعال می فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*⁽²⁾ ترجمه: ای مؤمنان میخوارگی و قماربازی و بتان و تیرها پلیدند و عمل شیطان می باشند پس از پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید. یکی از عمل شیطان ایجاد کینه و عداوت است که از طریق تزین خمر امکان پذیر است که این سبب برهم خوردند امور حیاتی و دینی می شود.⁽³⁾

ج-: حد قذف تأمین کنند حیثیت و آبرو افراد و اشخاص جامعه

تهمت، آفتی اخلاقی و اجتماعی است که اگر در یک جامعه رایج شود، امنیت و آبروی افراد تهدید می شود. در اجتماع که افراد آن به خود حق بدهند به دیگران تهمت بزنند اعضای آن احساس امنیت و آرامش نمی مکنند و نسبت به هم احساس بد بینی می کنند. از آنجاییکه الله متعال انسان را اشرف مخلوقات پیدا کرده و به آن کرامت بخشیده این کرامت و شرافت آن باید حفظ شود. کسی نباید از این نگاه نگرانی داشته باشد زیرا تجاوز به عزت و آبروی مردم سبب نا امن ساختن جامعه می شود زنده گی

1- تیسیر التفسیر للقطان، ج 1 ص 432.

2- سوره المائده، آیه 90.

3- المختصر في تفسير القرآن الكريم تصنيف: جماعة من علماء التفسير إشراف: مركز تفسير للدراسات القرآنية، ج 1 ص 123.

مردم را تلخ می سازد و مردم را درحالت اضطراب و پریشان و درمقابل هم قرار داده سبب از بین رفتن جان، مال، آبروشده و نظم و امنیت جامعه را متلاشی می سازد بناء الله متعال برای تأمین امنیت دستور داده کسانی که میخواهند امنیت جامعه را نسبت به تهمت زدن به زنان پاکدامن به خطر اندازند شکنجه کنند تا امنیت جامعه تأمین شود چنانچه می فرماید: (وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (1) ترجمه: کسانی که به زنان پاک دامن نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه نمی آورند، بدیشان هشتاد تازیانه بزیند، و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیری، و چنین کسانی فاسق هستند. یکی از مقاصد این آیه مبارکه سلامتی جامعه از تمام رذائل است که جامعه را به نابودی می کشد بناء تمام اسباب فسق فساد را حرام قرار داده است. (2)

قذف در لغت: مطلق انداختن (زدن) را گویند.

و در اصطلاح: عبارت از زدن تهمت زنا به کسی. (3)

قذف: عبارت است از متهم کردن دیگری به زنا حکمت مشروعیت حد قذف.

اسلام به حفظ ناموس و آبرو از آنچه آنرا خدشه دار میکند، تشویق کرده است. و به پرهیز از تجاوز در آبروی پاکان دستور داده است. و به ناحق سخن گفتن در آبروی دیگران را حرام کرده است. تا اینکه آبروی افراد از هرگونه پلیدی و اتهام و آلودگی در امان باشد برخی از افراد با نیت ها و اهداف مختلف اقدام به قذف و متهم کردن و آلوده نمودن آبروی مسلمانان می کنند و از آنجا که نیت ها و اهداف از امور پنهان است، قاذف (کسی که اتهام زده) مکلف است با شهادت چهار نفر اتهام خود را ثابت کند و اگر چنین نکند حد قذف بر وی جاری می شود که هشتاد ضربه شلاق است.

د- حکم قذف

قذف یا متهم کردن دیگران به فاحشه، امری حرام و از گناهان کبیره است. خداوند متعال برای قاذف مجازات های شدیدی در دنیا و آخرت در نظر گرفته است. و هرکسی توبه کند خداوند متعال توبه اش را می پذیرد و هرکس قذف و اتهام زنی وی ثابت شود، حد قذف بر وی جاری می شود.

1-: خداوند متعال می فرماید: (وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ- إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (4) و کسانی که زنان پاکدامن را (به زنا) متهم می کنند، سپس چهار شاهد نمی آورند، پس آنها را هشتاد تازیانه بزیند و هرگز شهادتشان را نپذیرید و اینانند که فاسق اند. مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و اعمال خود را اصلاح نمودند، پس بی گمان الله آمرزنده مهربان است.

1 - سوره النور، آیه 4.

2 - المختصر في تفسير القرآن الكريم تصنيف: جماعة من علماء التفسير إشراف: مركز تفسير للدراسات القرآنية، ج 1 ص 350.

3 - الموسوعة الفقهية الكويتية جزء 33 ص 5.

4 - سوره النور، آیه 4-5.

2-: خداوند متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (1) ترجمه: بی‌گمان کسانی که زنان پاکدامن بی خبر از هرگونه بدکاری مؤمن را متهم به زنا می‌سازند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و عذاب بزرگی برای آنهاست.

3- از ابوهریره (2) روایت است که رسول خدا فرمودند: از هفت عمل هلاک‌کننده دوری کنید. گفتند: ای رسول خدا، آنها کدامند؟ فرمود: شرک و زیندگی به خداوند، سحر، کشتن انسان بی‌گناه، رباخواری، خوردن مال یتیم، فرار از جهاد، تهمت زنا به زنان پاکدامن و بی‌خبر از فساد. (3)

ه-: تهمت سبب برهم خوردن امنیت جامعه

تهمت زدن به زنان پاک‌دامن سبب برهم خوردن امنیت خانه و خانواده و جامعه مسلمانان می‌شود که سبب به وجود آمدن کینه و بدبینی شده روابط نیک خوب به دشمنی می‌گراید. همت، تبعات و پیامدهایی دارد. یکی این است که اعتماد بین انسان‌ها را از بین می‌برد و جامعه، جامعه نا امنی می‌شود. روشن است که اگر چنین کاری در جامعه رایج شود، امنیت و آبروی افراد تهدید می‌شود. در اجتماعی که افراد آن، به خود حق بدهند که به دیگران تهمت بزنند و نسبت‌های دروغ و ناروا به آنان بدهند، اعضای آن، احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند، پیوسته در اضطراب به سر می‌برند، نسبت به هم احساس بدبینی می‌کنند و با این وضع، جامعه رو به ویرانی می‌نهد. چنین افرادی نمی‌توانند با هم مهربان باشند و نمی‌توانند همکاری، همیاری و همزیستی خوبی داشته باشند و در راه تحقق اهداف زنده‌گی و اسلام با هم تلاش کنند. نباء هرکس که به بخواد به تهمت امنیت و آبروی مردم را سلب کند درحقیقت مرتکب گناه کبیره شده و در عذاب الله متعال گرفتار می‌شود. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَمَنْ يَكْسِبْ حَاطِيَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا) (4) ترجمه: هرکس دچار لغزشی شود یا گناهی بکند، سپس آن را به بیگناهی نسبت دهد، به راستی بهتان و گناه آشکاری مرتکب شده است. این تهمت سبب آزار و اذیت مسلمانان شده و زنده‌گی عادی آنها برهم می‌زند و زندگی را به کام آنها تلخ می‌سازد که این خود گناه است. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا) (5) و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون اینکه مرتکب عمل زشتی

1 - سوره النور، آیه 23.

2 - ابو هریره الدوسی عبد الرحمن بن صخر، الإمام، الفقیه، المجتهد، الحافظ، صاحب رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ابو هریره الدوسی،

الیمانی، سید الحفاظ الأثبات. اختلف فی اسمه علی أقوال جمعة، أرجحها: عبد الرحمن بن صخر، سیر أعلام النبلاء، ج 2 ص 578.

3 - اخرج البخاری حدثنا عبد العزيز بن عبد الله، قال: حدثني سليمان بن بلال، عن ثور بن زيد المدني، عن أبي الغيث، عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: (اجتنبوا السبع الموبقات) قالوا: يا رسول الله وما هن؟ قال: (الشرك بالله، والسحر، وقتل النفس التي حرم الله إلا بالحق، وأكل الربا، وأكل مال اليتيم، والتولي يوم الزحف، وقذف المحصنات المؤمنات الغافلات) تعليق مصطفى البغا أخرجه مسلم في الإيمان باب بيان الكبائر وأكبرها رقم 89. (اجتنبوا) ابتعدوا. (الموبقات) المهلكات. (السحر) هو في اللغة عبارة عما لطف وخفي سببه وبمعنى صرف الشيء عن وجهه ويستعمل بمعنى الخداع. والمراد هنا ما يفعله المشعرون من تخيلات وتمويه تأخذ أبصار المشاهدين وتوهمهم الإتيان بحقيقة أو تغييرها. (بالحق) كالقتل قصاصا. (التولي يوم الزحف) الفرار عن القتال يوم ملاقات الكفار والزحف في الأصل الجماعة الذين يزحفون إلى العدو أي يمشون إليهم بمشقة مأخوذ من زحف الصبي إذا مشى على مقعدته. (قذف) هو الاتهام والرمي بالزنا. (المحصنات) جمع محصنة وهي العفيفة التي حفظت فرجها وصانها الله من الزنا. (الغافلات) البريئات اللواتي لا يظنن إلى ما رمين به من الفجور. صحيح البخاری. ج، ص 10 حديث 2766.

4 - سوره النساء، آیه 112.

5 - سوره الأحزاب، آیه 58.

شده باشند آزار می رسانند قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند. دردیگر آیت الله متعال می فرماید: (لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ) (1) ترجمه: چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است. در این آیه، جمله (چرا گمان خیر به خودشان نبردند) تعبیر بسیار لطیفی است و اشاره دارد به این که مؤمنان باید همه اعضای جامعه خود را، که افراد مؤمنند، یکی بدانند و همگان را از خود حساب کنند و هرچه را که درباره خود نمی پسندند، درباره آنان هم نپسندند؛ زیرا گمان بد بردن درباره دیگر مؤمنان را گمان بد درباره خودشان بر شمرده است. پس مؤمن همان طور که وضع خودش برای خودش روشن است، به خود گمان بد نمی‌برد و از حیثیت و آبروی خویش به سختی دفاع می‌کند، باید به مؤمنان دیگر نیز گمان بد نبرد و از حیثیت ایشان به سختی دفاع کند. بنابراین، نخستین وظیفه مؤمن در برابر چنین جریانی آن است که آن را تکذیب کند و با قاطعیت بگوید که این یک تهمت و افترای آشکار است. دومین وظیفه او این است که به گسترش آن دامن نزند و شایعه پراکنی نکند و بداند که این کار گناه سنگینی است. یگانه راه معالجه برای حفظ امنیت روحی و روانی مسلمانان این است که شریعت اسلامی است که برای افراد جامعه دستور داده تا دست از تهمت زدن یکدیگر بردارند و گمان نیک داشته باشند و اگر احیاناً در مورد یکی از افراد جامعه حرف های زشت شنیدن باید از نشر آن جلوگیری کنند و مانع آن شوند و یا صبر داشته باشند با حقیقت کلام آشکار شود بعد اگر لازم بود گفتن آن بگویند و اگر مناسب میدانستند آنرا شایعه نکند و یا اینکه خود را به جای آن قرار دهد که آیا این حرف را که در مورد آن شخص پخش نشرمی کنند در مورد خود آنرا می پذیرد جواب منفی است که آن را در مورد خود قبول نمی کند بناء مسلمانان در مورد آبروی مردم احتیاط کند که امنیت آنرا سلب نکنند با حرف های زنند حد اقل در نقل این شایعات که امنیت زنده گی مردم را از بین میبرد دست بردارد. (2)

ز- ربا و انفاق و امنیت اقتصادی

یکی از عواملی که اسلام و قرآن مؤکداً عمل به آن را برای زنده ماندن امت اسلامی، جوان نمودن و پیشرفت و ارتقاء دادن آن لازم و ضروری می دانند، انفاق است. دین اسلام اهمیت زیادی نیز برای آن قائل شده است و بدین منظور آیات بسیاری در فضیلت و ترغیب به این عمل وارد گردیده است. انفاق از امور مهم برای رفع فاصله طبقاتی و رسیدن انسان ها به سعادت و تکامل است. با این توضیح که فردا انفاق کننده با بخشش قسمتی از سرمایه های مادی و معنوی روح خود را از رذایل اخلاقی نجات داده و نزد خداوند اجری عظیم دریافت کرده است و فردی که مورد انفاق قرار گرفته فرصت

1 - سوره النور، آیه 12.

2 - تفسیر سورة النور المؤلف : محمد بن محمد المختار الشنقيطي مصدر الكتاب : دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net> جزء 4 ص 9.

بیشتری برای ارتباط با خداوند یافته و امیدوار به اجرای عدالت در جامعه گشته است. ربا یکی از جرائم غیر مشهود در جوامع مختلف بشری اعم از مسلمان و غیرمسلمان می باشد و به نوعی سد راه و رشد اقتصادی گروهی از افراد جامعه می شود و در ضمن سنن حسنه ای مثل قرض الحسنه را که در دین مبین اسلام بر آن بسیار تأکید شده است، مظلوم واقع کرده و منجر به فراموشی آنها شده و به قیاس اولویت مسائلی مثل فساد اخلاقی، رواج تنبلی و بی بندوباری اقتصادی را به همراه داشته است. لذا دین مبین اسلام ربا و طرفین آن را مذموم میدانند. در بحث انفاق و ربا، اصالت با انفاق است و ذکر ربا برای دفع پدیده‌های است که رهن و مانع انفاق است، زیرا بحث ربا در میان مباحث مربوط به تصدق و بیان آثار و برکات آن آمده است. ذکر انفاق و ربا کنار یکدیگر، صنعت بدیع تضاد است؛ مانند ایمان و کفر، توحید و شرک، مصلحت و مفسده، صدق و کذب، حق و باطل و سود و زیان. بدینگونه که میان تعریف انفاق و ربا تقابل وجود دارد، زیرا انفاق دادن رایگان و ربا گرفتن بدون عوض است. همچنین اثر انفاق در برابر اثر رباست، شیطان نیز در انفاق و ربا، نقش دوگانه‌ای دارد: در اصل انفاق، فرمان ترک میدهد و انفاق کننده را از فقیر شدن میترساند، و هنگام انفاق نیز او را به دادن مال خبیث و پست فرا میخواند و پس از انفاق با وسوسه به منت و آزار و میدارد، تا انفاش را باطل و نابود سازد؛ ولی در ربا شیطان نخست تلقین میکند که ربا مانند بیع است و بدینسان قبح ربا را میریزد؛ سپس با وسوسه سودآور بودن ربا، فرد را به طمع وامیدارد. رباخواری، تعادل اقتصادی را در جامعه‌ها به هم می زند و ثروتها را در یک قطب اجتماع جمع می کند، زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می برند، و زیانهای اقتصادی همه متوجه گروه دیگر می گردد، رباخواری، یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می کند، و بذر کینه و دشمنی را در دلها می پاشد، و در واقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول خود را می بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد، اینجاست که بدهکار چنین می فهمد که رباخوار پول را وسیله بیچاره ساختن او و دیگران قرار داده است. هشدار دهنده و عبرت آموز اینکه سرانجام، شیطان از رباخواری تیر میجوید و او را با اعمال زشتش تنها میگذارد، پس وسوسه شیطان در مقابل راهنمایی حق است و کار شیطان مخالف حق، چون شیطان، خود را برابر حق میبیند و برای ابطال آن میکوشد. از مسائلی که انسان همواره با آن مواجه بوده و امروزه نیز با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی قادر به حل آن نشده است مشکل فاصله زیاد طبقاتی قشرهای جامعه است نکته شایان توجه این است که اختلاف درآمدی در جوامع امری پذیرفته شده و معقول است. با دقت در آیات قرآن کریم مشاهده می شود که یکی از اهداف اسلام این است که اختلاف طبقاتی زیاد و غیر عادلانه که در اثر بی عدالتی های اجتماعی پدید آمده است بر طرف شود تا در سطح زندگی کسانی که نمی توانند نیازمندی های زنده گی شان را بدون کمک دیگران رفع کنند بهبود حاصل شود تا ایشان نیز

حداقل سطح معاش را داشته باشند. اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه های وسیعی در نظر گرفته است. تحریم ربا خواری بطور مطلق و پرداخت مالیات های اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند آن و تشویق به انفاق، وقف و قرض الحسنه و کمک های مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می دهد و از همه مهم تر زنده کردن روح ایمان و برادری در میان مسلمانان است.

1-: (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا)(1) ترجمه: کسانی که ربا می خورند برنمی خیزند مگر همچون کسی که شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد این از آن رو است که ایشان می گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. ربا مصیبت است که همه چیز را از بین می برد باعث ضیاع مال می شود و فقر ذلت را به بار می آورد اگرچندی رباخوار فایده بدست بیاورد.(2)

2-: (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ)(3) ترجمه: خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را فزونی می بخشد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد. الله متعال در صدقات برکت انداخته فزونی می بخشد و ربا را از بین می برد.(4)

3-: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)(5) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و آنچه از ربا باقی مانده است فروگذارید، اگر مؤمن هستید

4-: (فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ)(6) ترجمه: پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با خدا و پیغمبرش برخاسته اید، و اگر توبه کردید اصل سرمایه هایتان از آن شما است، نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. الله متعال ربا را از بزرگترین گناهان گیره برشمرده و کسیکه رباخواری می کند کار آنرا جنگ با خود می داند.(7)

5-: (وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ)(8) ترجمه: آنچه را که به عنوان ربا می دهید تا از اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را که به عنوان زکات می پردازید و تنها ذات خدا را منظور نظر می دارید، این گونه کسانی دارای پاداش مضاعف خواهند بود.

1 - سوره البقره آیه 275.

2 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 431 ص 6 .

3 - سوره البقره آیه 276.

4 - تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم، ج 2 ص 547.

5 - سوره البقره آیه 278.

6 - سوره البقره آیه 279.

7 - المختصر فی تفسیر القرآن الکریم تصنیف: جماعة من علماء التفسیر إشراف: مرکز تفسیر للدراسات القرآنیة، ج 1 ص 47.

8 - سوره الروم آیه 39.

6-: (وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّ وَقَدْ نُهِوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) (1)
ترجمه: و به خاطر دریافت ربا، در حالی که از آن نهی شده بودند، و به سبب خوردن مال مردم به ناحق، و ما برای کافران ایشان عذاب دردناکی را آماده کرده ایم. یعنی ربا درحقیقت خوردن مال مردم به ناحق است به معامله را در پی دارد و کدام خسارت را. (2)

7-: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (3) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید ربا را دو و چند برابر مخورید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

مطلب دوم: اطاعت از ولی امر در کارهای نیک

اطاعت از مسؤول و سرپرست که امور مسلمانان را به عهد دارد سبب یک پارچه گی شده و از تفرقه و چند پارچه گی جلوگیری می شود. در امور دولت داری و اداره باید دستورات مسول را مد نظر گرفته طبق آن عمل نمایند زیرا سرکشی از دستورات سرپرست و زعیم مسلمانان سبب تفرقه شده وحدت و همبستگی از بین می رود که باعث هرج مرج و به وجود آمدن فتنه های گوناگون می شود که امنیت را به چالش کشیده و مردم را در تنگنای زندگی قرار میدهد بناء پیروی از دستورات ولی امر و یا زعیم مسلمان واجب است تا به هنگامیکه به کارهای خلاف شرع امر نکند. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (4) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید مادام که دادگر و حَقِّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند و اگر در چیزی اختلاف داشتید و در امری از امور کشمکش پیدا کردید آن را به خدا با عرضه به قرآن و پیغمبر اوبا رجوع به سنت نبوی برگردانید تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار یعنی رجوع به قرآن و سنت برای شما بهتر و خوش فرجام تر است. هر کسی که امور مسلمین را به دوش دارد و به صلاح دین و دنیا آنها کار می کند ولی امر گفته می شود و علماء می گویند: اطاعت واجب است تا وقتی که موافق قرآن کریم و سنت نبوی باشد. (5) نصوص قطعی از قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تأکید دارد بر ضرورت پیروی از دستورات زعیم مسلمانان در معروف برای وحدت مسلمین چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: اطاعت از ولی امر در کارهای نیک اطاعت

1 - سوره النساء آیه 161.

2 - تفسیر الماوردی = النکت والعیون، ج 1 ص 545.

3 - سوره آل عمران آیه 130.

4 - سوره النساء، آیه 59.

5 - تفسیر الخازن = لباب التأویل فی معانی التنزیل ج 1 ص 393.

از من است. (1) مخالفت جماعت مسلمانان سبب فساد حالشان در دنیا و آخرت می شود. (2) حافظ بن رجب رحمه الله می فرماید: اطاعت و پیروی از ولی امر مسلمین سبب سعادت دنیا و تنظیم مصالح و امنیت مردم در زندگی شده و به اظهار دین و اطاعت پروردگارش در روی زمین کمک می کند. (3) سید قطب رحمه الله می فرماید: نص قرآنی اطاعت از خدا، و همچنین اطاعت از پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) را چون از سویی او روانه شده است، اصل می داند، ولی اطاعت از رؤساء و فرماندهان مسلمان را مشروط به اطاعت آنان از خدا و اطاعتشان از فرستاده خدا نموده است. این است واژه (اطیعوا) را پیش از (اولی الأمر) ذکر و تکرار فرموده است بدانگونه که پیش از (الرَّسُولَ) ذکر و تکرار فرموده است. این بدان خاطر است که خداوند مقرر دارد که اطاعت از فرماندهان و رؤسای مسلمان مشروط به اطاعت ایشان از خدا و رسول است. ذکر (مِنْكُمْ) یعنی: از خودتان هم مقرر می دارد که فرماندهان و رؤسا باید مسلمان و از زمره مؤمنان باشند. (4)

أ- نقش اطاعت ولی امر در تأمین امنیت

اطاعت از ولی امر در کارهای نیک سبب وحدت و همبستگی افراد جامعه شده، تفرق و اختلاف از بین رفته، آسایش و آرامش به جامعه رونما می گردد، که این خود سبب ایجاد مهر و محبت و همکاری در روابط فردی و اجتماعی انسانها شده بناء الله متعال مسلمانان را امر به اطاعت ولی نموده و اطاعت ولی امر را اطاعت از خود وافرستاده خود می داند و الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (5) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمایید.

ب- فوائد اطاعت از ولی امر

اطاعت از ولی امر امتثال اوامر الله متعال است زیرا اطاعت از ولی به اجراء گذاشتن دستورات خداوند جل جلاله است که می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (6)

1- اجرای اوامر الله متعال از بزرگترین ادله عبادت انسان ها برای الله متعال است.

2- اطاعت از ولی امر سبب تحکم دولت و اصلاح امور رعیت می شود.

1 - قوله صلى الله عليه وسلم (من أطاعني فقد أطاع الله ومن أطاع أميري فقد أطاعني) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الثانية،

1392 عدد الأجزاء: 18 (في 9 مجلدات) ج 12 ص 223 حديث 1835.

2 - شرح النووي علي صحيح مسلم، وهذه الأحاديث في الحث على السمع والطاعة في جميع الأحوال وسببها اجتماع كلمة المسلمين فإن الخلاف سبب لفساد أحوالهم في دينهم وديناهم ج 1، ص 224.

3 - ابن رجب، جامع العلوم والحكم، ج 2، ص 117.

4 - تفسير في الظلال ترجمه: فارسی، سورة النساء ص 26.

5 - سورة النساء، آیه 59.

6 - سورة النساء، آیه 59.

- 3-: اطاعت از ولی امر سبب وحدت مسلمانان شده و در بین شان و رابط نیک ایجاد می شود.
- 4-: اطاعت از ولی امر سبب استقرار امنیت و سیطره دین اسلام در تمام ابعاد زنده گی می شود تغلب بر هوا هوس نفسانی شده و از سرکشی و تمرد آن که سبب جرم جنایت و فتنه می شود جلوگیری شده، سبب تحقق و استقرار امنیت و سکون و آرامش فرد جامعه و کشور می شود.(1)
- 5-: اطاعت از ولی امر سبب ظهور قدرت هیبت و وحدت امت مسلمه شده که باعث ایجاد ترس و رعب در دل دشمن می شود که اتحاد و همبستگی مسلمانان را نشان می دهد.(2) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)(3) ترجمه: و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و در میان خود اختلاف و کشمکش نکنید، که اگر کشمکش کنید در مانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود و ترس و هراسی از شما نمی شود. شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است. آشکار است که یکی از لوازم طاعت الله متعال و طاعت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم طاعت از ولی امر است.
- 6-: اطاعت از ولی امر سبب رشد و شگوفای جامعه شده که زنده گی باسعادت را به افراد جامعه به از مغان می آورد.
- 7-: سرکشی از فرمان ولی امر سبب تفرقه بین مسلمانان شده هیبت و قدرت مسلمانان را از بین می برد.
- 8-: سرکشی از دستورات ولی امر در کارهای نیک، نافرمانی از امر پروردگار جل جلاله است.
- 9-: سرکشی از دستورات ولی امر سبب تهدید امنیت و اقتصاد جامعه می شود و مردم به ترس خوف اضطراب مواجه می سازد و دروازه های جرایم مختلف را بروی افراد جامعه باز می کند.(4)

مطلب سوم: قیام علماء و پرکردن فراغ ذهنی جوانان

علماء بزرگوار باید مسؤولیت دینی و ایمانی خود را در قبال جوانان به وجه احسن ادا نمایند تا جوانان از فهم درست و سالم دینی بهر مند شده از منحرفات فکری نجات یابند زیرا اکثر جوانان که در تصرفات خود از غلو و افراط و یا از تقریط کار میگیرند از فهم درست و سالم دینی برخوردار نیستند و این فهم را از کسانی حاصل کرده اند که در مورد دین فهم و برداشت عمیق ندارند یا اینکه تعلیماتی ابتدایی دارند یا از کسانی شنیده اند که اکثر صحبت های شان از قصه ها و داستان های غیر دینی نقل شده است و یا از خواب خیال بعضی بزرگان شفاهی نقل شده است که همه با فهم صحیح اسلام در مخالفت قرار دارند و اکثر فتنه ها که سبب برهم خورد سکون آرامش و امنیت فرد، خانواده، و جامعه می شود همین برداشت های نادرست است که مردم را در تمام امور زندگی دچار سرگردانی و پریشانی قرار داده است. چون اکثر این

1 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار ص 21.

2 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار، ص 22.

3 - سورة الأنفال، آیه 46.

4 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار ص 22.

جوانان سواد کافی هم نسبت به دین ندارند و نه در کدام مراجع دین آموزش دیده اند و این ها دست خوش بعضی افراد سود جو قرار گرفته که برای رسیدن به مقاصد شوم خود استفاده ابزاری می نمایند، فهم درست دینی با مطالعه و خواندن حاصل نمی شود باید این علم و فهم صحیح و سالم را از علماء جید که معلومات و فهم و تحلیل درست سالم را دارند حاصل کرد زیرا توضیح و تشریح مسائل دینی بدون عالم متخصص در رشته مربوط سخت و دشوار است. (1) و این توضیح به علماء بزرگوار سپرده شده زیرا خداوند جل جلاله دستور داده آنچه که مبهم و مجمل است و یا در فهم مسئله مشکل دارید از صاحبان علم پرسان کنید بدون اینکه در بین خود به زشتی رفتار نماید و یا بایکدیگر حرف های زشت بزنید. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (2) ترجمه: در امور یکه نمیدانید از علماء پرسان کنید. زیرا علماء از الله متعال می ترسند و اوامر و نواهی پروردگار خود را رعایت می کند. کفار قریش بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را انکار کردند و گفتند که الله متعال بزرگتر از آن است که از نسل بشر پیامر بفرسته الله متعال این گمان آنها را رد کرده فرمود که ما نفرستادیم پیامبری مگر از نسل بنی آدم اگر باور ندارید از عالمان که به کتابهای سابقه علم دارند بپرسید. (3) مراد از (اهل ذکر) اهل کتاب است یعنی (يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ) (4) و گفته شده که مراد از (اهل ذکر) اهل قرآن است و معنی چنین می شود که از علماء مؤمن که عالم هستند و علم به قرآن و حدیث دارند پرسان کنید و این آیه مبارکه عام است اگر در امور دین و قرآنیم چیزی نمی دانستید از علماء پرسان کنید. (5) زیرا علماء از همه بیشتر از هیبت و عظمت الله متعال خوف دارند و برحمتش امیدوارند. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ) (6) ترجمه: تنها بندگان دانا و دانشمند، از خدا، ترس آمیخته با تعظیم دارند. پرسان کردن عیب نیست بلکه عیب در سکوت و نه پرسیدن است که به سبب آن خود را در هلاکت و نابودی مواجه می سازد و امنیت مردم را نسبت عمل کرد خود از بین می برد. (7) علم در قرآن کریم مخالف جهل و از بزرگترین نعمت های الهی، مایه حیات، سایه ساری آرام بخش و روشنایی محسوب شده است. خداوند جل جلاله این نعمت بزرگ را در اختیار انسان قرار داده و به همین جهت او را خلیفه خود، مسجود ملائک، شاهد بر توحید و آگاه بر اسرار هستی معرفی نموده و در قبال این نعمت، وظایف سنگینی بر دوش او گذاشته است. به همان قدر که عالم درجه منزلت و جایگایش نسبت به دیگران بیشتر و بالاتر است مسؤولیتش نیز بیشتر و سنگین تر است. چنانچه الله متعال می فرماید: (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ

1 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار ص 51.

2 - سورة النحل، آیه 43.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 17.

4 - سلسلة التفسیر لمصطفى العدوي المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري، جزء 22 ص 8.

5 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، ج 2 ص 4.

6 - سورة فاطر، آیه 28.

7 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 398 ص 5.

لَا يَعْلَمُونَ⁽¹⁾) ترجمه: بگو: آیا کسانی که وظیفه خود را در قبال خدا می دانند، با کسانی که چنین چیزی را نمی دانند، برابر و یکسانند. دانش راستین، آشنائی و شناخت است. آشنائی و شناخت و درک و فهم حقیقت است. درک و فهم حقیقت نیز باز شدن بینش است. باز شدن بینش هم تماس و پیوند با حقائق ثابت و پایدار در این جهان است.⁽²⁾ با توجه به آیاتی که وظایف انبیا را بیان کرده و به ضمیمه روایاتی که علماء را ورثه ی انبیا معرفی نموده، در واقع وظایف علماء همان وظایف پیامبران خواهد بود، تبلیغ و دعوت و روشنگری مسائل دینی مسوولیت علماء امت اسلامی است. یکی از وظایف سنگین علماء اظهار حق در احکام و معارف قرآنی و بیان آن برای مردم است، چون کلید گنجینه حقایق، زبان آگاهان است، اگر زبان آنان این گنجینه را فاش نسازد همیشه پشت پرده می ماند چه بسا خرافات جایگزین آنها گردد، چون غیر آگاهان در جهل یا غفلت به سر می برند لذا قرآن کریم از این وظیفه گاهی به عنوان وجوب بیان و گاهی حرمت کتمان و گاهی با عنوان پیمان الهی نام می برد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَسَّنَا مَا يَشْتَرُونَ)⁽³⁾ ترجمه: به خاطر بیاورید هنگامی را که خداوند از اهل کتاب (علماء و دانشمندان یهودی و نصاری) پیمان گرفت که حتما دستورات کتاب را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید اما آنها آنرا پشت سر افگندند و به بهای کمی فروختند و بد متاعی خریدند.

1: فهم سطحی و نادرست سبب اختلاف و تفرقه امت می شود

فهم سطحی در دین سبب اختلاف و پارچه شدن وحدت امت اسلامی شده و به وجود آمدن گروه های مختلف می شود و امنیت جانی و مالی و جامعه به خطر می افتد، زیرا انسان که فهم درست از دین ندارد هر برداشت خود را درست و برداشت دیگران را نادرست می پندارد.⁽⁴⁾ تمام نظر و رأی دیگران را خلاف دانسته آن را رد می کند که این رد کردن سبب دشمنی شده جان مال و آبروی مردم را از بین می برد بناء الله متعال از اختلاف و نزاع مسلمانان را منع کرده است چنانچه می فرماید: (وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)⁽⁵⁾ ترجمه: واز خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و در میان خود اختلاف و کشمکش مکنید، که اگر کشمکش کنید درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود و ترس و هراسی از شما نمی شود. شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است. از مقتضیات مسوولیت علماء این است که افکار و نظریات کج اهل باطل را کشف کرده و آنها یکا یک بیان کنند و جوانان مسلمان را به طرف حقیقت رهنمای کنند و از تشدد و افراط جلوگیری نمایند و به

1 - سوره الزمر، آیه 9.

2 - تفسیر فی الظلال ترجمه فارسی سوره الزمر ص 39.

3 - سوره آل عمران، آیه 187.

4 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار، ص 51.

5 - سوره الأنفال، آیه 46.

راه وسطیت و اعتدال که اسلام آنرا راه نجات می نامد به پیش گیرند و از هلاکت و برهم خوردن ارزشهای اجتماعی حفاظت نمایند، و علماء بر سوال و پرسان جوانان اهتمام داشته و به جواب سوالات آنها به وجه احسن پاسخ دهند در فهم و توضیح مسئله از صبر و استقامت کارگرفته و با جوانان در هر امور همکاری نمایند تا مسئله روشن شده و ابهامات از ذهن آنها دور شود و مانع انحراف فکری شد از واقع شدن به جرم جنایت و خشونت و تفرقه در سایه دین مانع شوند. (1) زیرا در دین حرج نیست بلکه سهولت و وسعت و آرامش در دین است. الله متعال برای امت محمد (صلی الله علیه وسلم) سهل و آسانی را فراهم کرده است در هر حکم از دین نوع زدودن سختی و مشکلات است و اگر انسان نسبت به این آسانی هم ضعیف باز هم برای آن دین سهولت بیشتر را در نظر دارد و در آنچه که بر آن سخت تمام شود برای رخصت است. (2) چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ) (3) نفی حرج از ضیق و از شدت، بالایی عاجز چیزی واجب نیست و در ضرورت چیزی حرام نیست. (4) بناء مسؤولیت علماء جید کشور است که مردم را از تفرقه و خود خواهی نجات دهند و بیشتر در خدمت آنها قرار گیرند و دین را برای آنها به شکل احسن بیان کنند و این را امتاز نبینند بلکه رفع مسؤولیت بدانند زیرا امروز مردم قربانی هوا هوس و شهوات و اسیر اوهام و خرافات شده اند. (5) که این سبب برهم خوردن زنده گی مردم شده و مانع ترقی و پیشرفت در جوانب مختلف و عقب مانده گی را در پی دارد و رشد و توسعه مادی و معنوی کند شده و زنده گی سخت را سپری می کنند و تعدادی هم مجبور به ترک وطن شدند زیرا کدام راه برای زنده بودن خود پیدا نکردن جز ترک و رفتن به دیار غربت برای دریافت لقمه نان و زنده ماندن از گرسنگی چون در وطن کدام منبع درآمد وجود ندارد توسعه و کار در وطن به نا بودی گرایده است و از سوی، رشد، توسعه و تعالی هر جامعه، در گرو سه نوع سرمایه است: سرمایه مادی، سرمایه انسانی و سوم سرمایه اجتماعی. از سوی دیگر، بهره وری و به بار نشستن سرمایه مالی، مادی و سرمایه انسانی، به شدت وابسته به نفوذ و پهنای سرمایه اجتماعی در درون جامعه است به طوری که در صورت نبود سرمایه اجتماعی، با آن دو، هیچ مشکل و بازدارنده ای را از فراروی جامعه نمی توان برداشت. در نتیجه، حرکت جامعه به سمت تعالی و توسعه، نه تنها به کندی می گراید بلکه متوقف می شود. علت این وضعیت نیز این است که افزایش و نهادینه شدن سرمایه اجتماعی، به زایش و رویش امنیت اجتماعی می انجامد. و امنیت اجتماعی نیز، بستر و عامل تعیین کننده و حیاتی برای بالندگی سرمایه های انسانی، مالی و مادی است. برای نمونه، در یک سازمان آموزشی و یا شرکت تولیدی،

1 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار، ص 53.

2 - تفسير الشيخ أحمد حطیبة، ج 40 ص 4.

3 - سورة الحج، آیه 78.

4 - شرح تفسير ابن كثير المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net> جزء 116 ص 6.

5 - تيسير التفسير للقطان، ج 1 ص 342.

هرگاه بودجه مالی و امکانات و تجهیزات لازم و مناسب کاملاً فراهم باشد و نیروی انسانی ورزیده، ماهر و متخصص نیز وجود داشته باشد و لیکن روحیه امانت داری، راستی، اعتماد و همکاری صفر و یا نزدیک به صفر باشد، سازمان و یا شرکت یاد شده بهره وری نداشته و به هدفهای مورد نظر، دست نخواهد یافت. همین گونه هرگاه در جامعه ای ضریب همیاری و همبستگی، به هر اندازه که بیش تر باشد، به همان اندازه اطمینان و احساس آرامش ذهنی و روانی افزون تر خواهد شد و توانایی مردم در حراست و پاسداری از هویت و دستاوردهای مادی و معنوی و فکری و فرهنگی و در رویارویی و هموردی با تهدیدها و بازدارنده های درونی و بیرونی، طبیعی و غیر طبیعی، بیش تر و پایدارتر می شود. به تعبیر دیگر، سرمایه اجتماعی از یک سوی، فرایند جامعه پذیری و اجتماعی سازی ارزشها، هنجارها و روشها را تقویت و آسان می سازد این مهم، در مرحله گذار جامعه ها، که خطر گسسته های اجتماعی فراوان است، بسیار حیاتی است و خطر فروپاشی را کاهش می دهد و در مقابل، همبستگی را افزایش می بخشد و از سوی دیگر، نظارت و کنترل اختیاری و رضایت مندانه رفتارها و تبادل اطلاعات را آسان، گسترده و مقبول می سازد. پیداست که نظارت و بازرسی رضایت مندانه و آسان سازی مبادله اطلاعات، از عوامل سازنده در ایجاد امنیت اجتماعی به شمار می آید. اینک که نسبت سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی روشن گردید، این نکته را یادآور می شویم که منظور از نقش و یا کارکرد عالمان دین در ایجاد و توسعه امنیت اجتماعی، از مسیر سرمایه اجتماعی، اموری از این گونه است. امنیت یکی از ضرورت های اولیه است که باید از حفاظت کرد و نباید اجازه داد که امنیت مردم را به چالش بکشد یعنی انسان از ایجاد نا امنی جلوگیری کند. چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید هرگاه شما متوجه کار خراب شدید از آن جلوگیری نماید و مانع شوید اگر توان به این کار نداشتید با زبان به طور نصیحت آمیز به آن بگوید که از کار خراب دست بکشید و اگر توان گفتن را هم ندارید پس با آنها همکاری نباشید یعنی از آنها دوری کنید.⁽¹⁾

2: ضرورت ها جامعه

ا-: بازشناسی و توجه به سزاوارترها و ضرورت های اجتماعی جامعه از سوی عالمان دین، و این که بی تفاوت از کنار آنها نمی گذرند. البته در هر دوره ای سزاوارترها، برتریها و بایسته ها متفاوت است.

ب-: پس از بازشناسی ضرورتها، تبلیغ آنها در بین مردم و اجتماعی سازی آنها به اندازه توان.

1 - اخرج مسلم فی صحیحیه حدثنا أبو بکر بن أبي شيبه، حدثنا وكيع، عن سفیان، ح وحدثنا محمد بن المثنی، حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبه كلاهما، عن قيس بن مسلم، عن طارق بن شهاب - وهذا حديث أبي بكر - قال: أول من بدأ بالخطبة يوم العيد قبل الصلاة مروان. فقام إليه رجل، فقال: الصلاة قبل الخطبة، فقال: قد ترك ما هنالك، فقال أبو سعيد: أما هذا فقد قضى ما عليه سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: (مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ) صحيح المسلم ج 1 ص 69 حديث 49.

ج-: استنباط و تبیین مجموعه مفاهیم و هنجارها و قواعد رفتاری ای که مهم ترین شاخصه و کارکرد آنها ایجاد اعتماد و همبستگی اجتماعی باشد و نیز تلاش عملی برای بروز و ظهور یافتن و به حقیقت پیوستن آنها در همگراییها و پیوندهای انسانی خیرخواهی و نصیحت و رهنمای امت بدوش علماء است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)⁽¹⁾ ترجمه: باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند. اگر کسی با خصومت داشت درمقابل آن از صبر حوصله کار بیگیرد اما در امور دین سستی نکند اگر کسی بردین اهانت کند در برابر او ایستاده و آنرا به کارهای پسندیده و کارهای خیر دعوت کند و مانع آن شود و اگر به سخن آن گوش نکرد بگزارد به دور دوم و یا با روش نیک با او برخورد کند اما توان مندی نداشت خود را در معرض خطر قرار ندهد.⁽²⁾

3: مسؤولیت علماء توضیح صحیح آیات برای مردم

یکی از آفات و خطرات کتب آسمانی در گذر تاریخ، تأویل نابجا و باطل افراد کوردل و فتنه جو است این افراد در هر دوران از جمله در عصر حاضر با تأویل های ناروا از آیات الهی عقاید نادرستشان را مستند و انمود می کنند و به آن رنگ و جلو ای قرآنی می دهند تا مردم را باقرآن از قرآن جداسازند. دفع و رفع این خطر بر عهده عالمان راستین است که باید با تأویل های صحیح آیات متشابهات، مانع نفوذ فتنه جویان در آیات الهی شوند و آنان را در برداشت و تأویل های باطل شان ناکام سازند. قرآن کریم نیز با تقسیم آیات الهی به دو بخش محکم و متشابه، و ارجاع آنها به محکمت را بر عهده ای ثابت قدمان و صاحب نظران راسخون گذاشته است چنانچه الله متعال می فرماید: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرَى مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ)⁽³⁾ ترجمه: او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد که قسمتی از آن آیات محکم است و اساس این کتاب می باشد و قسمتی از آن متشابه است اما کسانی که در دلشان انحراف است از متشابهات پیروی می کنند تا فتنه انگیزی کنند و تأویل نادرست یابند، در حالی که تأویل آنها راجز خدا و راسخان در علم نمی دانند این همامی گویند به همه آیات قرآن ایمان داریم و همه اش از سوی پروردگار ماست و این را جز صاحبان خرد متذکر نمی شوند. مراد از (مُحْكَمَاتٌ) آشکار بودن معنا و مفهوم و حکم آن⁽⁴⁾

1 - سوره آل عمران، آیه 104.

2 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 121 ص 2.

3 - سوره آل عمران، آیه 9.

4 - تفسیر غریب القرآن للکواری، ج 3 ص 7.

مراد از (مُتَشَابِهَاتٌ) معنا و مفهوم و حکم آن مبهم باشد یعنی معلوم نباشد محتمل بر چند معنا باشد(1) راسخ در علم به کسی گفته می شود که در علم تحقیق کرده و صاحب نظر و ثابت قدم شده باشد به طوری که از شک و تردید رها شده و به اطمینان رسیده باشد. یکی از وظایف دانشمندان صاحب نظر و ثابت قدم در معارف قرآن تأویل صحیح متشابهات و مبارزه بافتنه جویان کوردل است. علماء می بایست عدالت و ظلم را شناخته و ستم را در زوایای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آشکار کرده و بدون سهل انگاری و پرده پوشی در برابر آن بایستند. این دستور مروط به گذشته نیست و همه نسل های امروز و فردا را در بر می گیرد.

4: اولویت دادن به اندرز و ارشاد

(وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)(2) ترجمه: مؤمنان را نسزد که همگی بیرون بروند. باید که از هر قوم و قبیله ای، عده ای بروند تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند، و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند آنان را بترسانند تا خودداری کنند. طبق این آیه ی شریف هدف از تحصیل و تحمیل مشقت سفر های علمی اولاً آشنایی با احکام و معارف و غایت رافراش کاند و به خاطر مشغله های اجرایی از این وظیفه مهم غافل شوند. اگر دنبال تحصیل علم و کسب معارف، ترویج و تبلیغ معارف نیاید یا علم به معنای واقعی حاصل نشده یا عقیم مانده است. همه مؤمنان نباید که تعلیم و تربیه را ترک کنند زیرا همان قدر که جهاد مهم است به همان اندازه کسب علم هم مهم و ضروری است زیرا دین اسلام بر علم حجت دلیل استوار است و کسب علم و فهم دقیق و عمیق در دین سبب هدایت شده و از گمراهی جلوگیری می نماید و حق را از باطل جدا سازد.(3) علم و نصیحت و خیرخواهی سبب رشد ترقی در جامعه شده و آسایش و آرامش را به بار می آورد و مردم را از انحراف فکری و کج فهمی دینی که سبب برهم خوردن امنیت اجتماعی و انسانی می شود نجات داده و راه درست و هدایت را برای آنها پیش کش می کند که این کار مسؤولیت علماء گرامی اسلام است و علماء چراغ و روشنی است برای جامعه که این خود سبب اعتماد مردم شده و امنیت را در پی دارد و این علم علماء است که جامعه را به طرف سعادت دنیوی و اخروی سوق می دهد و جامعه که فاقد علماء دلسوز و خیرخواه باشد آن جامعه امنیت ندارد و همه درسرگردانی و کشمکش های تعصب آمیز و کینه و حسادت جاهلانه بوده و سبب قتل و هلاکت مردم می شود چنانکه در افغانسان جریان دارد.

1 - سلسله حتی لا نخطی فهم القرآن المؤلف: محمود محمد غریب: من علماء الأزهر الشريف والموجه الديني لشباب جامعة القاهرة عدد الأجزاء: ج 1 ص 66.

2 - سورة التوبة، آیه 122.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 176.

5: عدم امتناع از خدمات علمی

قرانکریم در بزرگترین آیه که معروف به آیه دین است بعد از دستور کتابت و تنظیم سند دین می فرماید: (وَلْيُكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ) (1) ترجمه: باید که بنویسد بین شما نویسندگی عادل نباید نویسندگی از نوشتن سند امتناع ورزد چنان که خداوند جل جلاله به او تعلیم داده، کاتب مقید به عدل شده و عدالت و مساوات از او مورات مهم است که بدون ففاهت و دانستن شرط و شروط نوشتن امکان پزیر نیست. (2) در نوشتن نه چیز را زیاده کند و نه چیزی کم کند این هم دلالت بر این که ماتب فقیه و عالم به شروط باشد و مکتوب مطابق شرع باشد و هم چنین در معاملات امروزی چیزی نوشته شود که هر دو طرف به آن متفق باشند. (3) بر نویسندگی واجب است نوشتن آنچه که بر او گفته می شود. (4) و یعنی همان گونه که خداوند دانش و هنر نویسندگی را در اختیار او قرار داده او هم باید از خدمت به بنده گان خداوند جل جلاله دریغ نکند، چنانچه الله متعال می فرماید: (وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ) مراد و مقصد تعلیم هم خدمت به دیگران است و الله متعال بالای شما احسان کرده باید به دیگران احسان کنید از آیات فوق چنین معلوم می شود که علماء که علم شرعی را فرا گرفته اند این اندوخته علمی خود را در خدمت مردم قرار دهند و به آگاه ساختن آنها کوشش کنند زیرا هدف از یاد گرفتن هدایت دیگران است و کسیکه علم را فرا گرفته این از احسان الله متعال بوده که برای او فراهم ساخته است و باید شکر نعمت پروردگارا بجای بیاورد و شکر نعمت الله متعال این است که این علم خود را در خدمت دیگران قرار دهد. چرا که هر نعمتی شکر دارد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ لِيَاءَهُ تَعْبُدُونَ) (5) ترجمه: و شکر نعمت خدا را به جا آورید، اگر وی را می پرستید. شکر نعمت دانش، نشر آن و خدمات علمی است و اگر بخل مالی زشت باشد بخل علمی زشت تر است چون ثروت به حسب ظاهر با انفاق کم می شود در حالی که علم با انفاق به تنها کم نمی شود بلکه افزایش نیز می یابد چنانچه الله متعال در آیه دیگری فرماید: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (6) ترجمه: اگر سپاسگزار می گردید، هر آینه نعمتهای خود را برایتان افزایش می دهم. مسؤولیت و تکلیف با علم و آگاهی ارتباط تنگاتنگ دارد به گونه ای که اگر کسی به چیزی یا حکمی جاهل باشد و جهل، ناشی از تقصیرش نباشد معذور و معاف خواهد بود، بنابراین آگاهی هر چه بیشتر باشد مسؤولیت نیز بیشتر خواهد شد، هر که بامش بیش برفش بیش یکی از مسؤولیت هایی که با علم و آگاهی گره خورده است مدیریت جامعه در ابعاد گوناگونش است. از آیات قرآنی معلوم می شود که هر کس در کاری از کارهای جامعه علم و تخصص داشته باشد شایسته

1 - سوره البقره، آیه 282.

2 - فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب (حاشیه الطیبی علی الکشاف) المؤلف: شرف الدین الحسین بن عبد الله الطیبی، ج 3 ص 555.

3 - الأساس فی التفسیر المؤلف: سعید حوی (المتوفی 1409 هـ) ج 1 ص 660.

4 - التفسیر البسیط المؤلف: أبو الحسن علی بن أحمد بن محمد بن علی الواحدی، النیسابوری، الشافعی (المتوفی: 468هـ) ج 4 ص 487.

5 - سوره النحل، آیه 114.

6 - سوره ابراهیم، آیه 7.

است که آنرا به صورت داوطلب یا انتخاب برعهده گیرد و مدیریت کند. در اینجا به ذکر دو نمونه اکتفا می کنیم.

ا-: حضرت یوسف علیه السلام وقتی تبرئه شد و از زندان آزاد شد و مورد اعتماد عزیز مصر قرار گرفت درخواست نمود که او را متصدی خزانه (وزیرداری) کشور مقرر کنند. چون در نگهداری و حفظ اموال متخصص و آگاه بود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ- قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْاَرْضِ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ)(1) ترجمه: شاه گفت: او را به نزد من بیاورید تا وی را خاص خود کنم. وقتی که با او صحبت نمود گفت: از امروز تو در پیش ما بزرگوار و مورد اطمینان و اعتمادی. یوسف گفت: مرا سرپرست اموال و محصولات زمین کن، چرا که من بسیار حافظ و نگهدار بس آگاه می باشم.

ب-: حضرت طالوت علیه السلام فرمانده جنگ تعیین شده مردم بر آن اعتراض کردند و گفتند او چگونه بر ما حکومت داشته باشد با اینکه ما از او شایسته تریم و او ثروت زیاد ندارد. ثروت زیاد نداشت ولی او در امور نظامی از علم و تخصص و توانمند جسمی برخوردار بود. چنانچه متعال میفرماید: (وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ اِنَّ اللهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا اَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ اِنَّ اللهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللهُ وَاَسْبَغَ عَلِيمٌ)(2) و پیغمبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما روانه کرده است. بزرگان قوم گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با این که ما از او برای زمامداری سزاوارتریم و او که مال و دارائی زیادی ندارد. گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و قدرت جسم او را وسعت بخشیده است و خداوند ملک خود را به هر کس که بخواهد می بخشد و علم الله بر همه چیز احاطه دارد. ادرا این آیه شریفه توان علمی و جسمی به منزله ی علت زمان داری قرار گرفته است.

6: مخاطب شناسی و استفاده از نرمش و روش صحیح در تبلیغ

یکی از وظایف مهم عالمان دینی که متصدی دعوت به دین و رهنا و هدایت کننده مردم هستند دعوت و تبلیغ تأثیرگذار استفاده از روش مبتنی بر شناخت صحیح مخاطبان است. چون مخاطبان از یک لحاظ به سه گروه تقسیم می شوند: خواص امت و عوام امت و معاندین و مخالفین و هر کدام از اینها روش خاصی را در دعوت می طلبد با هر کدام اینها باید با حکمت و روش خاص صورت گیرد چنانچه الله متعال می فرماید: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)(3) ترجمه: ای پیغمبر مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندر زهای

1 - سوره یوسف، آیه 54-55.

2 - سوره البقره، آیه 247.

3 - سوره النحل، آیه 125.

نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه ی هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن بی گمان پروردگارت آگاه تر به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می گردند. براین اساس حکمت برای خواص امت، موعظه برای عموم امت و مجادله برای معاندان و مخالفان است.

مطلب چهارم: محافظت جامعه از نشر اخلاق مذموم

پاک نگهداشتن جامعه و حفاظت آن از پخش و نشر اخلاق زشت سبب امنیت و سلامتی جامعه شده و استقرار و استمرار امنیت را دربردارد جامعه اسلامی بر مبنای ارزشهای اخلاقی استوار است. ارزشهای اخلاقی در جامعه اسلام مانند ساختاری است که سبب تنظیم و اصلاح جامعه شده که حقوق عامه در آن حفظ می شود هرگاه این ارزشهای اسلامی از جامعه برداشته شود جامعه امنیت خود را از دست داده، سبب ایجاد فساد و فتنه می گردد که انسان ها امنیت روحی و روانی خود را از دست داده زنده گی را به گام آنها تلخ می سازد بناء الله متعال هر عمل که سبب نا امنی جامعه شود آنرا از جمله گناه کبیره میدانند. چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يُجْبُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (1) ترجمه: بی گمان کسانی که دوست می دارند گناهان بزرگی در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می داند و شما نمی دانید. مراد از (تَشِيْع) پخش نشر و اظهار آنچه پنهان است. (2) و این جمله موصوله است دلالت بر عموم می کند یعنی هر کس و هر کار بدی که باشد که آنرا در جامعه پخش نشر کند در دنیا و در آخرت دچار عذاب الله متعال می شود. (3) یعنی کسانی که امنیت جامعه را نسبت به پخش نشر اعمال بد برهم می زنند و زنده گی مردم را به خطر می اندازند در دنیا عذاب داده می شوند و هم در آخرت جامعه که در آن اخلاقی اسلامی مراعات شود بهترین جامعه و خوب ترین انسان ها است که یکدیگر را به نیکی دعوت می کند و از بدی ها منع می کنند. چنانچه الله متعال می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (4) ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید مادام که امر به معروف و نهی از منکر می نمائید. اسلام قبل از علاج به وقایه توصیه می نماید، زیرا اگر وقایه صورت نگیرد فساد جامعه را به امراض مختلف دچار می سازد.

1 - سوره النور، آیه 19.

2 - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، ج 6 ص 1381.

3 - التعليق على تفسير القرطبي مؤلف الأصل: أبو عبد الله محمد بن أحمد، شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ) الشارح: عبد الكريم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضير دروس مفرغة من موقع الشيخ الخضير، ج 6 ص 22.

4 - سوره آل عمران، آیه 110.

اول: حسد و برهم خوردن امنیت

بد دیدن خوبی ها و زیبایی های مردم را و زوال نعمت های که الله متعال به آنها از فضل خود عطاء کرده است. اساس تمام بغض و کینه حسد است زیرا حسد تمام نیک هارا از بین می برد جامعه که خالی از حسد و کینه باشد بهترین جامعه است که بر مبنای دوستی و همکاری و خیرخواهی و دارای امنیت کامل می باشد و در آن جامعه امنیت استقرار پیدا می کند.⁽¹⁾ عمل بدون حسد اصل و اساس مجتمع اسلامی است که الله متعال به مسلمانان دستور داده که از حسد و حاسد به او پناه ببرند. چنانچه می فرماید: (وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ)⁽²⁾ ترجمه: بگو: پناه می برم به پ روردگار سپیده دم از شر حسود بدان گاه که حسد می ورزد. حسادت یک انفعال روانی در برابر نعمتی است که خدا به برخی از بندگان خود داده است، و خواسته می شود آن نعمت از میان برود. حال، شخص حسود این انفعال روانی را دنبال کند با سعی و تلاش خود برای از میان بردن آن نعمت، به سبب کینه توزی و خشم و کینگی که نسبت به صاحب نعمت دارد، یا به انفعال روانی پسند کند. زیرا در این صورت احتمال دارد شر و بلائی به دنبال این انفعال روانی قرار گیرد.⁽³⁾ حسد سه ضرر مهم را در بردارد.

1-: حسد خوردن گناه است زیرا حسد حرام است.

2-: حسد ورزی بی ادبی در مقابل الله متعال یعنی حسد در حقیقت بد دیدن نعمت الله متعال بر بنده هایش و اعتراض بر الله متعال.

3-: ناراحتی قلبی حاسد از کثرت غم و اندوه.⁽⁴⁾ تمام حسد و کینه چشم داشتن بر مادیات است.⁽⁵⁾ در این آیه مبارکه حسد صریحا ذکر گردیده است و در آیه دیگر قرآن کریم تلمیحا اشاره شده است.⁽⁶⁾ در قصه یوسف علیه السلام آمده چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)⁽⁷⁾ ترجمه: (پدرش) گفت: فرزند عزیزم خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، (چرا که مایه حسد آنان می شود، و شیطان ایشان را بر آن وامیدارد) که برای تو نیرنگ بازی و دسیسه سازی کنند. بیگمان شیطان دشمن آشکار انسان است. خلاصه حسد تمام خوبی ها را از بین می برد و کینه را به وجود میاورد. چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: از حسد دوری کنید زیرا حسد تمام خوبی ها را از بین می بردن چنانچه آتش چوب را از بین می برد.⁽⁸⁾

1 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار، ص 118.

2 - سوره فلق، آیه 5.

3 - تفسیر فی الظلال القرآن کریم ترجمه فارسی جز سی ص 210.

4 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 3 ص 459.

5 - تفسیر سورة الحجرات المؤلف: عطية بن محمد سالم (المتوفى: 1420هـ) مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net> جزء 10 ص 9.

6 - سلسلة التفسير لمصطفى العدوي المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري، جزء 11 ص 6.

7 - سوره يوسف آیه 5.

8 - اخرجه أبي داود في سننه حدثنا عثمان بن صالح البغدادي، حدثنا أبو عامر عبد الملك بن عمرو، حدثنا سليمان بن بلال، عن إبراهيم بن أبي أسيد، عن جده عن أبي هريرة، أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: (إياكم والحسد، فإن الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب - أو قال:

دوم: نفاق و امنیت

یکی از اعمال که سبب بی اعتمادی و بی باوری در بین مردم می شود و امنیت را از بین می برد خلاف بر اعمال و گفتار و وعده ها است که این را قرآن کریم نفاق می نامد و این اعمال باعث به برهم خوردن ارزشهای اسلامی می شود و جامعه را به فریب، خیانت، نا امنی سوق می دهد و مردم به کارهای ناشایسته و بد روی می آورد. چنانچه الله متعال در مورد منافقین می فرماید: (الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمْ الْأَقْسَاؤُونَ)(1) ترجمه: مردان منافق و زنان منافق همه از يك گروه هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می خوانند و از کار خوب باز می دارند و دست می کشند. خدا را فراموش کرده اند، خدا هم ایشان را فراموش کرده است. واقعاً منافقان فرمان ناپذیر هستند. منکر: هر آنچه را که فطرت سلیم بد ببیند و شرع آنرا منع کرده باشد. و مرد وزن که منافق باشد در صفات و کردار شبیه هم اند و همیشه در اعمال زشت و قبیح اند مانند دروغ، خیانت و نقض تعهد. و مردم را از اعمال نیک منع می کنند مانند جهاد و مصرف اموال در راه خدا و کمک به فقرا و مساکین.(2)

سوم: سخن چینی و امنیت

یکی از دیگر عوامل فساد و هلاکت در خانواده و جامعه که سبب نا امنی می شود سخن چینی است که امنیت خانواده ها را سلب می کند جای محبت و همکاری را بغض کینه و تخریب یکدیگر می گیرد. عوامل اکثر فساد در خانواده و جامعه سخن چینی است که الله متعال مسلمانان را از این عمل زشت منع کرده است چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تُطْع كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ - هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيمٍ)(3) ترجمه: از فرومایه ای که بسیار سوگند می خورد، پیرو می مکن بسیار عیبجویی که دائماً سخن چینی می کند. سخن چینی در حقیقت کشت کنند فتنه و فساد است که سبب دوری خانواده ها و قطع ارتباط بین آنها می شود.(4) چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: (لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَّامٌ)(5) ترجمه: سخن چین به بهشت داخل نمی شود. سرمایه اصلی یک جامعه اعتماد و اطمینان است که افراد نسبت به یکدیگر دارند که سبب اتحاد صفوف و همکاری و تعاون است، هر چیزی که به این اعتماد لطمه وارد کند از

العشبة) حدیث حسن لغیره، و هذا إسناد ضعيف لجهالة جد إبراهيم بن أبي أسيد، قال الحافظ في "التقريب": لا يعرف. وإبراهيم بن أبي أسيد: ضعيف يعتبر حديثه في المتابعات والشواهد. وذكر الحديث البخاري في "التاريخ الكبير" 1/ 272 - 273 وقال: لا يصح. (حكم الألباني): ضعيف سنن أبي داود المحقق: شعيب الأرنؤوط - ج 7 ص 264.

1 - سورة التوبة، آیه 67.

2 - تيسير التفسير للقطان، ج 2 ص 150.

3 - سورة القلم آیه 10-11.

4 - متطلبات المحافظ على نعمة الأمن والاستقرار ص 119.

5 - أخرجه مسلم في صحيحه حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَبْدِ الْعَقَّارِ، وَحَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ شَيْبَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ الْقَطَّانُ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ إِبرَاهِيمَ، عَنِ هَمَّامِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَّامٌ) شرح محمد فؤاد عبد الباقي (لا يدخل الجنة نمام وفي أخرى قتات) فالقتات هو النمام قال الجوهرى وغيره يقال نم الحديث ينمه وينمه نما والرجل نمام وقته يقته قتا قال العلماء النميمة نقل كلام الناس بعضهم إلى بعض على جهة الإفساد بينهم. صحيح المسلم، باب بيان غلط تحريم النميمة، ج 1 ص 101 حديث 105

نظر اسلام حرام است، تمامی از عوامل مهم تفرقه و ایجاد بدبینی در میان افراد جامعه است و باعث عداوت و کینه می شود. چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: سخن چین به بهشت داخل نمی شود.⁽¹⁾

سخن چینی سبب کینه شده مردم را از خداوند متعال دور می سازد بناء بهتر خواهد بود که از این مرض مهلک دوری صورت گیرد.

چهارم: طعن و عیب جوی.

عیبجویی یکی از رذایل اخلاقی است که قرآن با تعبیرهای مختلف از آن نهی کرده و عیبجو را مورد نکوهش قرار داده است. عیبجویی نتیجه عداوت و حسد است به این معنا که اگر کسی کینه و دشمنی دیگری را در دل داشته باشد به دنبال عیوب او می افتد تا آن ها را پیدا و رسوایش کند. عیبجویی مایه ریخته شدن آبروی دیگران، باعث تهییج کینه ها و عداوت باعث از بین رفتن محبت و از دست دادن دوستان و موجب از هم گسیختگی نظام و شیرازه اجتماع می شود. (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ)⁽²⁾ ترجمه: وای به حال هر که عیبجو و طعنه زننده. عیبجویی حالتی است که از خودخواهی انسان سرچشمه می گیرد؛ یعنی چون انسان حب ذات دارد، نمی خواهد باور کند که دارای عیوب بسیاری است. با آن که همه انسان ها بر نقص ها و ضعف های خود آگاهند، اما برخی از آنان به دلیل داشتن حس خودپرستی و خودخواهی، چنین وانمود می کنند که هیچ گونه عیب و ایرادی ندارند. این افراد برای سرپوش گذاشتن بر عیوب خود، خودشان را با افرادی که دارای عیوب بدتری هستند، مقایسه می کنند تا از این طریق هم خود را بهتر از دیگران جلوه دهند و هم دلشان را به این خوش کنند که آن قدرها هم آدم بدی نیستند. زندگی اجتماعی انسان ها در کنار یکدیگر نیازمند وضع قوانین و مقرراتی است که روابط بین آن ها را تنظیم کرده و از آفات آن جلوگیری کند. خداوند متعال برای سامان دادن به زندگی اجتماعی بشر، آن ها را به سوی اموری تشویق کرده و از اموری دیگر باز داشته است. یکی از این امور بازداشت شده عیب جویی است. چنانچه خداوند جل جلاله می فرماید: (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ- الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ)⁽³⁾ وای به حال هر که عیبجو و طعنه زنند. همان کسی که دارائی فراوانی را گرد می آورد و آن را بارها و بارها می شمارد.

پنجم: عیب جوی عذاب الله متعال را دربردارد: خداوند مسلمانان را از عیب جویی یکدیگر نهی کرده است. از آن جاکه عیبجوی سبب برهم خوردن شخصیت و آبروی یک انسان شده امنیت را از آن سلب

1 - حدثنا أبو نعیم، حدثنا سفیان، عن منصور، عن إبراهيم، عن همام، قال: كنا مع حذيفة، فقيل له: إن رجلا يرفع الحديث إلى عثمان، فقال له حذيفة: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: (لا يدخل الجنة قتات) صحيح البخاری ج 8 ص 17.

2 - سورة الهمزة، آیه 1.

3 - سورة الهمزة، آیه 1-2.

می کند و آن هم در جستجوی راه های برای تحقیر آن می باشد که این درحقیقت گرفتن امنیت از خود و از دیگران است و الله متعال از عیب جوی و حقیر شمردن دیگران منع کرده و به عیب جو و تمسخرکنندگان وعده عذاب را داده است چنانچه می فرماید: (الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (1) ترجمه: کسانی که مؤمنان را که مشتاقانه بیش از اندازه به خیرات و صدقات می پردازند، و مؤمنان را که به کمکهای مختصری دست می گیرند، مورد تمسخر قرار می دهند، خداوند ایشان را مورد تمسخر قرار می دهد و عذاب بسیار دردناکی خواهند داشت. مراد از (يَلْمِزُونَ) عیب گرفتن و طعن دادن است. (2) در آیه دیگری الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (3) ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آن ها از این ها بهتر باشند و نباید زنانی را ریشخند کنند شاید آن ها از این ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند. عیب جوی تمسخر طعن همه این ها سبب دشمنی شده که امنیت خود و دیگران را به خطر می اندازد و هم چنین سبب ریختن آبروی شده توهین و تحقیر را در پی دارد. تمام دشمنی و نا امنی جامعه از همین عیب جوی، تحقیر و استهزاء شروع شده است و درپشت همه فساد استهزا وجود داشته است. (4) هرگاه جامعه دارای امنیت می خواهیم باید از این کردار زشت خود دوری کنیم نه آبروی کسی را ببریم و نه کسی دیگر آبروی ما را ببرد. مراد از (أَنْفُسَكُمْ) به خود عیب نگیرید یعنی هیچ کدام شما به برادر مؤمن خود عیب نگیرید تعبیر انفسکم گویا که همه یک عضو اند و مسلمانان به منزله جان یکدیگرند و افشای عیب یک نفر در حقیقت افشای عیب همه است. (5) همان طور که انسان دوست ندارد که کسی از عیبش مطلع شود پس دیگران هم دوست ندارد بناء نباید عیب دیگران را هم بازگو کند. (6)

ششم: دوری از گمان بد امنیت را دربردارد

گمان نیک در مورد دیگران سبب دوستی و همکاری می شود و احساس آرامش و امنیت به وجود می آید اگر برعکس عمل کنیم سبب نا امنی می شود یعنی درحقیقت مردم را به دشمنی دعوت می کنیم بناء الله متعال از این عمل مردم را منع کرده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا

1 - سوره التوبه، آیه 79.

2 - تفسیر غریب القرآن، للکواری، ج 9 ص 79.

3 - سوره الحجرات، آیه 11.

4 - تفسیر سوره الحجرات المؤلف: عطية بن محمد سالم (المتوفى: 1420 هـ)

5 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 3 ص 261.

6 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم جزء 135 ص 8.

كثيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْنَاهُ وَإِنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ(1) ای کسانی‌که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت داریداز خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است. الله متعال مؤمنین را از گمان بد در مورد مؤمنین منع کرده است.(2) تجسس به معنای پیگیری و تفحص از امور پنهانی مردم است اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آن‌ها را پیگیری کنی تا خبردار شوی.(3) این عمل باعث سلب امنیت مردم شده و فتنه ها را به وجود می آرد.

هفتم: آثار عیب‌جویی

از جمله اثری که عیب جویی می‌تواند برای شخص به دنبال آورد تنهایی و انزوا است عموم مردم از معاشرت با افراد عیب جو دوری می‌کنند زیرا همیشه نگرانند که مبادا تعرضی به شخصیت آن‌ها شود. همچنین، رسوایی و فاش شدن اسرار کسی که در جستجوی اسرار مردم باشد خداوند اسرارش را آشکار می‌کند. از دیگر آثار می‌توان به نداشتن آرامش روانی، شکل‌گیری عداوت علیه فرد و شریک بودن در گناهی که فاش شده است اشاره کرد. در نتیجه جا دارد که از پرداختن به عیب دیگران بپرهیزیم و خدشه به شخصیت دیگران وارد نسازیم و توجه داشته باشیم که با رواج و گسترش آفت عیب جویی در جامعه روح اتحاد و برادری و یگانگی جای خود را به تفرقه و جدایی می‌دهد و بر اثر آفت عیب جویی در جامعه حریم‌های اخلاقی متلاشی می‌گردند و این آفت روح عصیان و تظاهر به گناه را در میان همه کسانی که به جهت ملاحظات اجتماعی از بسیاری از گناهان خودداری می‌کردند تحریک و تقویت می‌کند. عیب جوی و غیبت‌ویا هرآنچه سبب ازیت و آزار مردم شود الله متعال از آن منع کرده است. آزار چه از سبب دنیوی باشد و چه از سبب اخروی و چه در مال و یا در فامیل.(4) زیرا نتیجه غیبت و عیب جوی منجر به عکس العمل شده و این عکس العمل سبب قتل و مجروح شدن افراد جامعه می‌شود که این عوامل باعث از بین رفتن امنیت فردی، فامیلی، و جامعه می‌شود. عیب جوی و یا افشای عیب مردم سبب برهم خوردن زنده گی می‌شود و یا زنده گی مردم به فساد کشانده می‌شود.(5)

1 - سوره الحجرات، آیه 12.

2 - تفسیر القرآن العظیم لاین ابي حاتم، ج 10 ص 3305.

3 - التفسیر الوسیط للزحیلی المؤلف : دوهبة بن مصطفى الزحیلی، ج 3 ص 2478.

4 - التفسیر الوسیط للزحیلی المؤلف : دوهبة بن مصطفى الزحیلی، ج 3 ص 2478.

5 - تفسیر سوره الحجرات المؤلف: عطية بن محمد سالم (المتوفى : 1420 هـ) جزء 8 ص 5.

بحث چهارم: استمرار امنیت

امنیت ارزش والای دارد زیرا همه چیز زیباییش در موجودیت امنیت احساس می شود از همین رو وجود امنیت وابسته به مبارزه علیه عوامل نا امنی نرفته است هر قدر فعالیت در زمین صورت گیرد بیشتر امنیت حاصل می شود و هر قدر بی توجه در زمینه شود به همان قدر نا امنی به وجود می آید. چنانچه الله متعال می فرماید: (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا)⁽¹⁾ ترجمه: مسلمانانی که می نشینند، با مسلمانانی برابر نیستند که با مال و جان، در راه الله متعال جهاد می کنند. خداوند مرتبه والایی را نصیب مجاهدان کرده است که بالاتر از درجه خانه نشینان است، مگر چنین خانه نشینانی دارای عذری باشند. خداوند به هر يك منزلت زیبا وعده داده است. و خداوند مجاهدان را بر وانشستگان با دادن اجر فراوان و بزرگ، برتری بخشیده است. جهاد دربرگیرنده تمام سعی و کوشش است که در راه الله متعال برای تأمین امنیت مسلمانان بکار گرفته می شود که جنگ و یا قتال جزء از جهاد است نه تمام جهاد زیرا مبارز با جان، و مال، و با علم برای کسب رضایت الله متعال را جهاد می نامند.⁽²⁾ یعنی تمام سعی و تلاش در نگهداری شرف، آبرو، مال، و جان مسلمانان که امنیت آنها تأمین شود بزرگترین جهاد است. الله متعال درجات و فضایل مجاهدین را نسبت به همه دیگران برتر دانسته و بهترین مکان را به آنها وعده داده است.⁽³⁾

مطلب اول: جهاد راهی برای استمرار امنیت و دفاع از آن

اسلام، دین جهانی، جاوید و کامل است. این دین هدیه ای است که از طرف خدای متعال به بشریت ارزانی شده است. سعادت دنیا و آخرت انسان در صورت ایمان و عمل به دستورات اسلام تأمین می شود. در اسلام تأمین امنیت درونی اهمیت بیشتری دارد و مبارزه با عوامل درونی از اولویت بیشتری برخوردار است. عوامل درونی عواملی هستند که ایمان مردم را تهدید می کنند. از جمله مهم ترین آنها عوامل نفسانی هستند. به همین دلیل از مبارزه با عوامل نفسانی به عنوان جهاد اکبر یاد می شود که مهم تر از جهاد اصغر به معنای مبارزه و جنگ در عرصه نظامی است. از ویژگی های این نوع جهاد، نامشخص بودن دشمن و نشانه های آن، همراهی دائمی او در تمام مراحل جنگ و نامحدود بودن آن به زمان و میدان جنگ است. این جهاد مقدمه موفقیت جهاد اصغر تلقی می شود. و پیروی از هوا هوس سبب گمراهی و تباهی انسان می شود و این ضروری است که اولتر از همه با آن مبارزه صورت گیرد.

1 - سوره النساء، آیه 95.

2 - سلسله التفسیر لمصطفی العدوی المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوی شلبایة المصري. جزء 16 ص 9.

3 - التفسیر الوسيط للقرآن الکریم المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية. جزء 2 ص 887.

چنانچه الله متعال می فرماید: (أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ) (1) ترجمه: آیا کسی که هوی و هوس خود را معبود خویش قرار داده دیده ای. بجای پیروی از الله متعال پیروی از خواهشات و تمایلات خود کردند و هرچه که در نزد آنها خوب جلوه می کرد از آن پیروی می کردن بدون تعقل و تفکر در مورد منفعت و ضرر آن که این پیروی هوا و هوس سبب فساد در جامعه می شود یعنی از خواهشات و شهوات نفس خود پیروی می کنند. (2) پیش کردن خواهشات خود بر اوامر الله متعال و مخالفت نواهی آن در حقیقت پیروی از تمایلات نفسی خود و عبادت آن است. (3) و پیروی از خواهشات سبب تجاوز در حق دیگران می شود که این امنیت مردم را برهم می زند و روند زندگی عادی مردم را مختل می سازد و هر حرام را حلال و هر حلال را حرام می داند که این خود سبب تشنج در جامعه می شود.

مطلب دوم: جهاد و حمایت از مظلومین

در این راستا، صلح و آشتی یکی از توصیه های اکید قرآن کریم می باشد. گر چه بخشی از آیات قرآن کریم به مسأله جهاد پرداخته است، ولی ماهیت جهاد به دفاع بر می گردد. با جمع میان آیات مطلق و مقید معلوم می شود مشروعیت جهاد در اسلام یا برای دفع تجاوز است و یا برای نجات مظلومین از تحت ظلم ظالمین و از آنجا که دین تحمیل شدنی نیست، از سلاح جنگ تنها در جهت برداشتن ظلم و موانع دعوت استفاده می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) (4) ترجمه: اجازه به کسانی داده می شود که به آنان جنگ می گردد، چرا که بدیشان ستم شده است و خداوند توانا است بر این که ایشان را پیروز کند. الله متعال برای کسانی که تحت ظلم قرار گرفته اند و یا قرار است تحت ظلم قرار بگیرند اجازه دفاع و سرکوب ظالمان را داده است تا از مال جان آبروی و افراد خود دفاع کنند حتی این در قوانین وضعی هم موجود است که در مقابل متجاوز جنگ کرد متجاوز هر کسی که باشد با هر لباس، هر زبان، هر قوم، و هر قبیله که باشد این به عنوان دفاع حق دفاع کنند است که از مال جال آبروی خود دفاع می کند. (5) اگر جهاد صورت نگیرد و مظلومین به حال خود رها شود در حقیقت زنده گی انسانها در روی زمین نا ممکن شود بناء دین اسلام جهاد را برای رفع ظلم و تجاوز مقرر داشته زیرا زنده گی آرام و آسوده بدون جهاد نا ممکن است و این جهاد است که امنیت زنده گی را تأمین می کند و کسانی که در پی برهم زدن امنیت مردم بوده باشند در مقابل آنها ایستاده گی کرده مانع بیروز خراب کاری های آن می شود. و آخرین راه کار برای تأمین امنیت مردم مظلوم مبارزه در برابر سرکشان و تجاوز گران است. و این مبارز و جهاد تا دنیا هست وجود دارد زیرا تا دنیا هست طغیان و سرکشی هم هست. جهاد

1 - سوره الفرقان، آیه 43.

2 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد المنتصر بالله بن محمد الازمزی الکتانی الإدربی الحسني (المتوفی: 1419هـ) جزء 123 ص 5.

3 - التعلیق علی تفسیر القرطبی مؤلف الأصل: أبو عبد الله محمد بن أحمد، شمس الدین القرطبی (المتوفی: 671هـ) الشارح: عبد الکریم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضیر دروس مفرغة من موقع الشیخ الخضیر. جزء 16 ص 13.

4 - سوره الحج، آیه 39.

5 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 460.

یعنی دفاع حق مشروع هر فرد و ملت و دولت است که در مقابل تجاوز گران از خود دفاع می کنند. چنانچه امروز تمام دشمنان دین اسلام در سدد تجاوز به مال خاک جان مسلمان هستند به بهانه‌های مختلف چنانچه امروز شاهد نا امنی سرزمین های اسلام هستیم که این نا امنی ها از طرف دشمنان دین اسلام تحمیل شده است. بناء برای دفاع از دین، مال، جان، ملت، کشور، و خاک، الله متعال اجازه داده و باید خود را مجهز سازیم و در مقابل تمام متجاوزین ایستاده گی کنیم و این مبارزه مشروع و حق مسلم هر فرد مسلمان و ملت و کشور است. (1) اگر در مقابل آنها مبارز نکیم همه این مادی و معنوی ما را از بین می برد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا) ترجمه: اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نکند (و با دست مصلحان از مفسدان جلوگیری ننماید ، باطل همه جاگیر می گردد و صدای حق را در گلو خفه می کند، و آن وقت دیرهای (راهبان و تارکان دنیا) و کلیساهای (مسیحیان) و (یهودیان) و مسجدهای (مسلمانان) که در آنها خدا بسیار یاد می شود، تخریب و ویران می گردد. اگر مفسدین منع نشوند و از کار های خراب جلوگیری صورت نگیرد روی زمین را فساد می گیرد و مردم زور مند مردم ضعیف را به هلاکت می رسانند(2)

مطلب سوم: تطبیق شریعت در سایه جهاد

تعالیم اسلام در هر یک از سه بخش اصول اعتقادات، اخلاق و احکام به طور مستقیم یا غیر مستقیم، جنبه اجرایی دارد. این دین آمده است تا در جوامع انسانی به مرحله اجرا در آید از این رو مدعی اداره جامعه در هر عصری تا قیام قیامت است. بدیهی است اجرای احکام الهی مستلزم تشکیل حکومت است و بدون آن نمی توان به تعالیم اسلامی جامه عمل پوشاند. با این توضیح روشن می شود که در اسلام، دین و سیاست در هم آمیخته و عین یکدیگر است و تعریفی که در این دیدگاه از دین و سیاست می شود، دین، روش ویژه ای در زندگی دنیوی است که سعادت و صلاح و امنیت دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات جاودانی را تأمین می کند. به انجام رسانیدن تکلیف و وظیفه شرعی در عرصه اجتماع است. چرا که حکومت، خود یک تکلیف شرعی است و پر واضح است که در عمل به تکلیف شرعی، جایی برای دروغ، خیانت، نیرنگ، نقض پیمان و مانند آن وجود نخواهد داشت. هر جامعه ای در جهت رشد و تعالی خود با یک سلسله موانعی روبرو می شود که راه را بر او سد نموده و از ادامه مسیر باز می دارد که منجر به نا امنی می شود. از طرفی، روشن است که هرگونه اصلاحی در سایه امنیت و آرامش میسر است. آنجا که اضطراب و نا امنی و هرج و مرج بر عقول مردم سایه افکنده باشد، پیشرفت و ترقی بی معنا است. این موانع گاه در داخل کشور اسلامی بروز می کند و

1 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 460.

2 - شرح تفسیر ابن کثیر المؤلف: عبد العزیز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحی، جزء 112 ص 3.

زمانی از خارج آن به گونه تهاجم و یا تجاوز رخ می نماید. پس هر حکومتی با این گونه تجاوزات داخلی و خارجی روبرو است. چنانچه الله متعال می فرماید:

1-: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (1) ترجمه: ای مؤمنان با کافرانی بجنگید که به شما نزدیکترند، و باید که از شما شدت و حدت ببینند، و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است. اگر فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام الهی و تعالی و رشد انسان ها برای رسیدن به مرز عبودیت است، بدیهی است که ایجاد امنیت، همگام با دفع موانعی است که سد راه چنین حکومتی می شود. چنانچه الله متعال می فرماید:

2-: (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) (2) ترجمه: و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می جنگند. و تجاوز و تعدی نکنید زیرا الله متعال تجاوزکاران را دوست ندارد. درحقیقت مرگ و نابودی امة اسلام در تسلط دشمن بر آنها هست مانند به ذلت افتادن و تفرق و پراگند امت اسلامی چنانچه امروز در سراسر دنیا دامن گیر امت اسلامی شده است و احیای این شرف، عزت، و وقار امت اسلامی توسط جماعت مبارزین مؤمن امکان پذیر است که در قرآن از آن به اسم جهاد یاد شده است بناء ترس بخل سبب ضعف و موت امت اسلامی شده است پس فرار از مرگ سبب نجات نمی شود باید که در راه الله متعال مبارزه کرد تا دوباره عظمت هیبت و قدرت امت اسلام برگردد و استقرار یابد. (3) مسلمانان برای عمره القضاء آماده می شدند و از واقع شدن جنگ با قریش در حرم با احرام در ماه حرام حراس داشتن بناء این آیه مبارک نازل شد و اجازه جنگ در هر حال داده شد اگر با شما اراده جنگ داشتن با آنها بجنگید زیرا شما در حالت دفاع از خود قرار دارید و آنها بر شما تجاوز کرده است و جنگ را آنها شروع کرده اند. (4) برخی معتقدند از آنجا که دین برای هدایت انسان ها از تاریکی به نور آمده است، نباید از خشونت به نام جنگ سخن به میان آورد، چرا که جنگ، پدیده زشت و شومی است که با ویرانی، کشتار، نابودی و غیره توأم است و هر انسانی از جنگ و خونریزی متنفر می باشد. انسان ها طالب امنیت و آرامش هستند. دین باید به موعظه و نصیحت بپردازد و از صلح و آشتی سخن به میان آورد، از طرفی آیات و روایات زیادی را در کتاب و سنت مشاهده کرده اند که به مسئله جنگ و جهاد به عنوان یک فریضه نگریسته و مسلمانان را به انجام آن تحریض و تشویق کرده است. با کنار هم قرار دادن این دو گزینه، چاره را در این دیدند که دین اسلام را به خشونت طلبی متهم کنند و بگویند دین اسلام، دین زور یا دین شمشیر است. زشت بودن پدیده جنگ به هدفی بستگی دارد که آن را دنبال می کند. به طور کلی جنگ می تواند یکی از دو هدف را در پی داشته باشد؛ یا به هدف چپاول،

1 - سوره التوبه، آیه 123.

2 - سوره البقره، آیه 190.

3 - تیسیر التفسیر للقطان، جزء 1 ص 142.

4 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم

غارت، تجاوز به نوامیس، تصاحب سرزمین، برتری نژادی، استعمار و استثمار و مانند آن و یا دفع تهاجم متجاوز و دفاع از استقلال و امنیت و آزادی یک ملت. به طور مسلم در تئوری اسلام، نه تنها جنگ به هدف چپاول و غارت و مانند آن وجود ندارد، بلکه دستور برخلاف آن صادر شده و از دست درازی به چنین جنگی نهی شده است. جهاد در اسلام تنها به هدف دفاع می باشد و ماهیت آن، دفاعی است و به اشکال مختلف تقسیم می شود. دفاع در مقابل تجاوز و تهاجم، به حکم عقل، لازم و به حکم شرع، واجب است. از این رو عقلای عالم، ملتی را که در برابر تجاوز دست به دفاع زند، می ستایند. قومی که دست روی دست گذاشته و به دفاع از خود نپردازد، مذمت و سرزنش می کنند. آیات جهاد در قرآن کریم به مسئله دفاع عجین شده است. هرگاه دفاع متوقف شود امنیت هم متوقف می شود زیرا تا دنیا است تجاوز قتل است. بناء استمرار امنیت درجود دفاع نهفته است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می جنگند. و تجاوز و تعدی نکنید. زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد مبارزه کنید با کسی که سرکشی میکند از اوامر الله متعال تا اینکه قانون الله متعال تنفیذ شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ)⁽²⁾ علاوه بر این جنگ دفاع، مختص دین اسلام نیست، بلکه در ادیان دیگر نیز وجود داشته است. قرآن کریم در گزارش خود از زندگی سایر پیامبران الهی فرمود: (وَكَايِنَ مِّن نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ)⁽³⁾ ترجمه: و چه بسیار پیغمبرانی که مردان خدای فراوانی به همراه آنان کارزار می کرده اند و به سبب چیزی که در راه خدا بدانان می رسیده است سست و ضعیف نمی شده اند و زبونی نشان نمی داده اند و خداوند شکیبایان را دوست می دارد.

مطلب چهارم: صلح سبب استمرار امنیت

صلح یکی از وسائل و اسباب پایه داری امنیت است. در صورت به جود آمدن مشکل فوراً اقدام صورت گیرد تا مشکل به وجود آمده حل گردد، و از نشر آن جلوگیری گردد که باعث تشویش جامعه نه گردد. هرگاه مشکل به وجود آمده حل نه گردد باعث بروز خوسنت در بین جامعه می شود و هر کدام به شیوه گوشش می کند تا مقابل خود را مغلوب سازد که این خود باعث نا امن ساختن جامعه می گردد. از طرفی، سیاست داخلی و خارجی اسلام بر اصل صلح و آرامش استوار است. چنانکه در آیات متعددی از قرآن کریم به این امر مهم اشاره شده است. به عنوان مثال الله متعال می فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)⁽⁴⁾ ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان

1 - سوره البقره، آیه 190.

2 - سوره الحجر، آیه 19.

3 - سوره آل عمران، 146.

4 - سوره الحجرات، آیه 10.

برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود. الله متعال در آیه دیگری فرماید: (وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا) (1) ترجمه: هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح برقرار سازید.

1-: در صورت تمایل کفار به صلح و امنیت با آنها صلح کنید

(وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (2) ترجمه: اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو نیز بدان بگرای و بر خدای توکل نمایی که او شنوای آگاه است و پیمان های صلحی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) با طوایف مختلف به امضاء رسانید و مانند پیمان صلح با یهود بنی قریظه، بنی نضیر، بنی قینقاع و صلح حدیبیه، شاهدی بر این مدعاست.

2-: در مقابل دشمن از آخرین توان خود استفاده کنید

هر چند اسلام بر آماده بودن برای جنگ و تهیه ساز و برگ نظامی و آموزش فنون جنگ تأکید کرده است، اما همه این ها در مرحله اول برای جلوگیری از جنگ و ترساندن دشمن از شروع جنگ است و جنبه بازدارندگی و پیشگیرانه دارد و بدیهی است که پیشگیری به حکم عقل و شرع، بهتر از درمان است. بر این اساس، اولین هدف از قدرتمند شدن، ترساندن دشمن از دست درازی به هرگونه تجاوز و تهاجمی بر ضد مسلمین و در مرتبه دوم از کیان اسلام و مسلمین در صورت عملی شدن تجاوز از ناحیه دشمن است و در یک کلمه دفاعی که دشمن را از ادامه تجاوز خود باز می دارد و به هنگامی که دشمن، متعرض مسلمین نشود، مسلمانان دست صلح و آشتی سوی آنها دراز خواهند کرد. چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ) (3) ترجمه: برای مبارزه با آنان تا آنجا که می توانید نیروی مادی و معنوی و از جمله اسبهای ورزیده آماده سازید، تا بدان آمادگی و سازوبرگ جنگی دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد. هرآنچه را در راه خدا از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می شود و هیچ گونه ستمی نمی بینید.

مطلب پنجم: استمرار امنیت اجتماعی

دفاع اجتماعی، همان سیستم امر به معروف و نهی از منکر است. ماهیت این دو فریضه، دفع است نه رفع. امر به معروف و نهی از منکر برای پیشگیری از ترک معروف و وقوع منکر است یعنی در

1 - سوره الحجرات، آیه 9.

2 - سوره الانفال، آیه 61.

3 - سوره الانفال، آیه 60.

امر به معروفی است که قرار است ترک شود و در نهی از منکر، نهی از منکری است که قرار است واقع شود. اگر معروف، ترک و منکر، واقع شد، با انجام این دو فریضه، از ادامه ترک معروف و وقوع منکر جلوگیری می‌کنیم. به همین جهت است که یکی از شرایط وجوب این دو فریضه، قصد استمرار است، یعنی دریابیم که مخاطب، حداقل برای بار دوم نیز قصه ترک معروف و ارتکاب منکر را دارد. نوع سوم، دفاع از اسلام و سرزمین اسلامی است. که در کتب فقهی جهاد نام برده شده است و همین نوع از دفاع، موضوع بحث در این نوشتار است. لازم به ذکر است که دفاعی بودن جهاد در اسلام، صرفاً به معنای مقابله نظامی در برابر تجاوز مسلحانه نیست بلکه وسیع‌تر از این معناست و شامل از بین بردن موانع توحید و خداپرستی، خاموش کردن آتش فتنه و در یک کلمه گشودن راهی در جهت استحکام امنیت. براساس آیات قرآن، دفاع در مقابل تجاوز و تهاجم دشمن از ظلم و ستم ظالمین و ستمگران، یک وظیفه همگانی است و بر همه مسلمین واجب است به هر وسیله ممکن به دفاع برخیزند. هرکس به اندازه توان و به قدر امکان، مسئول است چه مرد باشد یا زن، کهن سال باشد یا جوان. دلیل مطلب آن است که رسیدن به کمال مطلوبی که قرآن کریم برای انسان ترسیم می‌کند، تنها در سایه امنیت و آرامش میسر خواهد بود. از این رو اسلام برای امنیت، اهمیت زیادی قایل است تا آنجا که بر هم زندگان نظم در جامعه اسلامی به عنوان کسانی تلقی شده اند که با خدا و رسول او به منازعه برخاسته‌اند. بدیهی است کسانی که با خدا و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در افتند، عاقبتی جز شکست و ناکامی پیش نخواهند داشت. لذا الله متعال می‌فرماید: (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جُزْئٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)⁽¹⁾ ترجمه: کسانی که با خدا و پیغمبرش می‌جنگند، و در روی زمین دست به فساد می‌زنند، این است که کشته شوند، یا به دار زده شوند، یا دست و پای آنان در جهت عکس‌یكديگر بریده شود، و یا این که از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است. این آیه، محاربینی که امنیت را از جامعه سلب می‌کنند همانند کسانی قلمداد شده‌اند که با خدا و رسولش به جنگ پرداخته‌اند. با دقت در آیات مربوط به جهاد، در می‌یابیم که ماهیت جهاد، چیزی جز دفاع نمی‌باشد و این مسئله در بسیاری از آیات قرآن تصریح شده است. ولی قبل از پرداختن به این مطلب، ملاحظه سیر تدریجی نزول آیات جهاد بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در اثبات این ادعا راه گشا خواهد بود.

1 - سوره المائده، آیه 33.

مطلب ششم: مراحل مبارزه برای تأمین امنیت دینی

یکی از علل مهم پذیرش نامه های اسلام و نزول تدریجی برخی از احکام آن بود. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) ابتدا جامعه را آماده پذیرش حکم و دستوری می کرد و سپس حکم مورد نظر نازل می شد. جهاد هم از جمله همین احکام بود که مراحل مختلفی را طی کرد تا به صورت کامل در آمد.

مرحله اول: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به مدارا و ممانعت و صفح و عفو در برابر مشرکان مأمور می شود. لذا خداوند متعال فرمود: (فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ- إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ)⁽¹⁾ ترجمه: پس آشکارا بیان کن آنچه را که بدان فرمان داده می شوی و به مشرکان اعتناء مکن که چه می گویند و چه می کنند. ما تو را از استهزاء کنندگان مصون و محفوظ می داریم. اعراض از مشرکان در اینجا به معنای بی اعتنایی یا ترک مبارزه پیامبر با آنهاست، به طوری که از بعضی از روایت استفاده می شود، بعد از آن که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) سه سال مخفیانه دعوت کرد، و عده قلیلی از نزدیکان پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به او ایمان آوردند که نخستین آنها از زنان خدیجه رضی الله عنها و از مردان علی رضی الله عنه بود، بدیهی است دعوت به توحید خالص و درهم ریختن نظام شرکت و بت پرستی در آن زمان و در آن محیط، کار عیب و وحشتناکی بود و از همان آغاز، این مسئله نمایان بود که گروهی به استهزاء برمی خیزند و به همین جهت خداوند به پیامبرش قوت قلب می دهد که از انبوه دشمنان و استهزا کنندگان نهراسد و دعوت خود را آشکارا و علنی سازد و به یک مبارزه پیگیر و منطقی در این راه دست بزند.

مرحله دوم: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) به شیوه حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن مأمور می شود. خدای متعال به آن حضرت فرمود: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)⁽²⁾ ترجمه: مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندر زهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هر چه نیکوتر و بهتر گفتگو کن چرا که بی گمان پروردگارت آگاه تر به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما، با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن، پروردگار تو از هر کسی بهتر می داند چه کسانی از طریق او گمراه شده اند و چه کسانی هدایت یافته اند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) مدت سیزده سال بعد از بعثت را بدین گونه در مکه گذراند و علت آن که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) در این فاصله زمانی مأمور به جنگ نشدند، آن بود که پیروان دین اسلام معدود و اندک بودند و اگر به جنگ بر می خاستند،

1 - سوره الحجر، آیه 94-95.

2 - سوره النحل، آیه 125.

احتمال نابودی اسلام، پیامبر و اصحاب آن حضرت می رفت و تا آن زمان هنوز قدرت مسلمین به مرحله ای نرسیده بود که در مقابل خشونت دشمن، دست به مبارزه مسلحانه بزنند.

مرحله سوم: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) مأمور به دفاع در برابر مشرکانی گردیده که ظلم و تعدی از ناحیه آنان شروع شده باشد. بعد از آن که آن حضرت به مدینه هجرت کردند و حکومت اسلامی تشکیل دادند، در سال دوم هجری، قتال بر مردم مسلمان واجب شد و خداوند دستور جهاد را به مسلمانان صادر کرد. خدای متعال فرمود: (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) (1) ترجمه: بنابراین، اولین فرمان جهاد، دفاع در مقابل ظلم و ستمی بود که مشرکان مکه بر مسلمانان وارد می کردند. امنیت مسلمانان را تضعیف می ساخت از همین سال، جنگ به طور رسمی آغاز شد. این جنگ ها به طور کلی دفاعی بوده است. تا سال نهم هجری ادامه یافت.

مرحله چهارم: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) مأمور می شود تا از حقوق انسان که مهم ترین آنها حق خداپرستی و بنده غیر خدا نشدن است، دفاع کند. در این مسیر آن حضرت با طی مقدماتی به برداشتن موانع توحید و یکتاپرستی دست بکار شدند بنابراین، لحن کلام الهی به شکل دیگری تغییر یافت و خدای متعال فرمود (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (2) ترجمه: و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین خالصانه از آن خدا گردد. پس اگر دست برداشتند خدا می بیند چیزهائی را که می کنند. باکفار پیکار کنید تا وقتی فتنه پایان یابد (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ) (3) ترجمه: و با آنان پیکار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین از آن خدا گردد. پس اگر دست برداشتند تجاوز کردن جز برستمکاران نیست.

1 - سوره الحج، آیه 39.

2 - سوره الانفال، آیه 39.

3 - سوره البقره، آیه 193.

فصل سوم

اخلاق امنیت

امنیت یکی از بزرگترین نعمت الله متعال است که برای بنده های خود ارزانی نموده است. ناسپاسی از نعمت های الله متعال سبب عذاب می گردد. وهربی توجهی به امنیت باعث از بین رفتن امنیت می شود. والله متعال از این نعمت خود در آخرت پرسان می کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) (1) ترجمه: سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد. و این تأکید قوی است که الله متعال از بنده های خود از تمام نعمت های که در زنده گی خود در دنیا از آن استفاده کرده اند پرسان می کند، و این نعمت ها عبارت است از امنیت، ثروت، صحت و سلامت جسمی، خواب، اعتدال، سایه، و اخلاق، نعیم یعنی هر آنچه که در دنیا استفاده شده باشد. (2) معنای نعیم: امنیت و صحت است از ابن مسعود روایت است. مراد از نعیم صحت بدن، چشم و گوش است که الله متعال از آن پرسان میکند که در کجا استفاده کردی این از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است و دلیلش از آیه ذیل است. (3) چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) (4) ترجمه: بی گمان چشم و گوش و دل همه مسؤول هستند. امکان حاصل شدن امنیت در دنیا نسبی است نه مطلق اما امنیت آخرت مطلق است. امنیت در دنیا مرتبط به سعی و تلاش انسان ها است هر قدر انسانها پابند مقررات قانون باشند به همان اندازه امنیت تأمین می شود. آنچه اخلاق کنند امنیت است باید قبل از وقوع، معالجه شود در غیر آن صورت شاهد خسارات انگفت خواهد بود که جبران آن غیر ممکن است.

مبحث اول: عوامل اخلاق امنیت

اسلام دستورات در مورد جلوگیری از اخلاق امنیت دارد که باعث فراهم شدن امنیت می شود. تأمین امنیت فردی اجتماعی یکی از مقاصد اسلام است. بی توجهی به آن باعث بروز نا امنی در اجتماع شده و امنیت را اخلاق می نماید. بیشتر جرم فساد از خواهشات نفسانی انسان ها سرچمه می گیرد زیرا خواهشات، هوا و هوس محدود نبوده هر قدر آنرا بر آورده سازی به همان اندازه سرکش و طغیان گرمی شود. بناء فساد انسان ها همه جا را فرا می گیرد. چنانچه الله متعال می فرماید: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (5) ترجمه: تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می داده اند. بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهایی را که انسانها انجام می دهند بدیشان می چشاند تا این که آنان برگردند. اکثر فتنه

1 - سوره التكاثر، آیه 8.

2 - التيسير في أحاديث التفسير المؤلف: محمد المكي الناصري (المتوفى: 1414هـ) ج 6 ص 463

3 - تفسير طبري، ج 24 ص 582.

4 - سوره الإسراء، آیه 36.

5 - سوره الروم، آیه 42.

فساد از دست کافران به وقوع می پیوندد و یا به عبارت دیگر پشت هر فتنه و فساد دست کفار است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ) (1) ترجمه: و کسانی که کافرند، برخی یاران برخی دیگرند آنها را بدوستی نگیرید، که اگر چنین نکنید فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد. اقوام سه گانه عاد، ثمود، و فرعون، نسبت به توان مندیشان و قدرت که الله متعال به آنان داده بود از او امر و دستورات سرپیچی و طغیان کردند، چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ) (2) ترجمه: اقوامی که در شهرها و کشورهای طغیان و سرکشی کردند، و خیلی فساد و تباهی به راه انداختند.

مطلب اول: افراط و تفریط اخلاص کننده امنیت.

افراط زیاده روی در هر چیز (تجاوز از اندازه) زیاده روی در هر کار مذموم است زیرا منجر به معطل شدن زندگی می شود و یازنده گی را سخت می سازد. افراط در هر کار مذموم است حتی در وسائل ناچیز مثل پوشاک خوراک و لوازم خانه.

1-: در اشیاء مباح هم زیاده روی جواز ندارد.

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (3) ترجمه: بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده روی نکنید که خداوند مسرفان و زیاده روی کننده گان را دوست نمی دارد. خوردن نوشیدن مباح است بناء در خوردن نوش خود همه زیاده روی نکنید، به اندازه ضرورت استفاده کنید. زیرا در زیاده روی حق دیگران ضایع می شود.

2-: زیاده روی یکی از صفات شیطان است.

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا) (4) ترجمه: و به هیچ وجه باد دستی مکن بی گمان باد دستان دوستان اهریمنانند و اهریمنان بسیار ناسپاس پروردگار خود. مراد از مبذرین انفاق کننده مال در معاصی. (5)

3-: در دین خود هم غلو نکنید.

چنانچه الله متعال می فرماید: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ) (6) ترجمه: بگو: ای اهل کتاب ناحق در دین خود راه افراط و تفریط مپوئید و از اهواء و امیال گروهی که پیش از این گمراه شده اند و بسیاری را گمراه کرده اند و از راه راست منحرف گشته اند، پیروی نمائید.

1 - سوره الانفال، آیه 73.

2 - سوره الفجر، آیه 11-12.

3 - سوره الأعراف، آیه 31.

4 - سوره الإسراء، آیه 27.

5 - تفسیر طبری، ج 17 ص 428.

6 - سوره المائده، آیه 77.

4-: زیاده روی باعث لعنت می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ) (1) ترجمه: کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته سرکشی می کردند و از حدّ می گذشتند. سبب لعنت شان زیاده روی در معاصی بود که کسی مانع کارهای زشت آنها نمی شد. یعنی نهی از منکر نبود در بین شان هر عمل از اعمال ناجائز را انجام میدادند کسی نارضایتی از خود نشان نمی داد. (2)

5-: خطاب الله متعال به اهل کتاب.

(يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ) (3) ترجمه: ای اهل کتاب در دین خود غلو مکنید و درباره خدا جز حق مگوئید بیگمان عیسی مسیح پسر مریم، فرستاده خدا است. درباره عیسی علیه السلام غلو کردن و عیسی علیه السلام را از رسول خدا به پسر خدا رساندند معاذ الله. (4) الله متعال امت مسلمة را به عدل و سبطیت صفت کرد متعال می فرماید: (كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) (5) ترجمه: و بی گمان شما را ملت میانه روی کرده ایم تا گواهانی بر مردم باشید و پیغمبر بر شما گواه باشد. الله متعال به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: اگر سخت گیر می بودی همه از اطرافت فرار می کردند، این میانه رویت و نرم دلیت بود که همه در اطراف تو جمع شدند. چنانچه الله متعال می فرماید: (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (6) ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ دل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کننده گان را دوست می دارد. از آیات فوق معلوم می شود، که افراط و تفریط در اسلام جای ندارد، زیرا تعدادی نا امنی ها مرتبط به افراط و تفریط است. حتی در خوراک و پوشاک افراط نکنیم و میانه رو باشیم. الله متعال می فرماید: (إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ) (7) ترجمه: خوراک دادن به ده نفر مستمند از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواده خود می دهند، و یا دادن لباس به ده نفر از مستمندان.

1 - سوره المائده، آیه 78.

2 - تفسیر بحر العلوم لسمرفندی، ج 1 ص 411.

3 - سوره النساء، آیه 171.

4 - تفسیر طبری، ج 9 ص 415.

5 - سوره البقره آیه 143.

6 - سوره آل عمران، آیه 159.

7 - سوره المائده، آیه 89.

مطلب دوم: جرم و اسباب آن که سبب اخلاص امنیت می شود

یکی از عوامل اخلاص امنیت جرم است. انتشار جرم و جنایت سبب اخلاص در امنیت می شود. یکی از حکمت و فلسفه ای اجرا حدود و قایه و یا جلوگیری از جرم و جنایت است. بعضی از اسباب در عوامل جرم قرار ذیل است. جرم اسباب فراوانی دارد من جمله انتقال خصوصیات از یک شخص به شخص دیگر از طریق جنین است که خصوصیات را سلسله مراتب انتقال می هد.

اول: عامل وراثتی

یکی از عوامل که در بناء شخصیت انسان رول عمده را باز می کند و در اخلاص امنیت، سعادت و شقاوت انسان دخیل است وراثت است که خصوصیت مادر و پدر توسط جنین به اولاد انتقال می یابد اگر امنیت طفل در بطن مادر حفظ شود و طفل سالم به دنیا آید و به بطور درست تعلیم و تربیه داده شود قطعاً آدم صالح و سالم به جامعه تقدیم می شود که هم خودش در امنیت است و هم دیگران از دست او در امنیت می باشند. بناء از مادر کافر و پدر کافر جز انسان کافر به دنیا نمی آید و این به کدام طبقه خاص نیست بلکه همه را در بر می گیرد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا)⁽¹⁾ ترجمه: نوح گفت: پروردگارا هیچ احدی از کافران را بر روی زمین زنده باقی مگذار. دَيَّاراً: کسی. فردی. در اصل به معنی کسی است که بیاید و برود. یعنی جنبنده انسان نامی. هر قدر از این ها اولاد به دنیا بیاید جز شقاوت و بد بختی چیزی دیگر نیست. بعد از سن بلوغ به تمام جرم، جنایت، فسق، کفر روی می آورند.⁽²⁾ اشاره بهلاکت تمام کفار است که يك نفر از آنها باقی نماند، سپس علت هلاکت آنها و عدم بقای احدی از آنها را بیان میکند: (إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا كَفَّارًا)⁽³⁾ ترجمه: که اگر ایشان را رها کنی، بندگان را گمراه می سازند، و جز فرزندان بز هکار و کافر سرسخت

نمی زایند و به دنیا نمی آورند. کَفَّاراً: بسیار کفر پیشه. بسیار ناسپاس.

دوم: عامل محیطی

همان طوریکه عوامل وراثت در روش رفتار انسان تأثیر دارد عوامل دیگر که مهم تر است که در رفتار و کردار و در شخصیت انسانها خیلی تأثیر گذار است در بعد مثبت و یا بعد منفی محیط است یکی از عوامل و اسباب جرم جنایت که سبب نا امنی می شود محیط است که در رفتار و کردار انسان رول عمده را بازی می کند. همین عوامل محیطی باعث مجرم و ظالم شدن انسان می شود تمام جرم جنایت و فساد فحشاء را مرتکب شود. امکان دارد یک نفر خیلی انسان خوب باشد اما هرگاه به محیط که همه فساد

1 - سوره نوح، آیه 26.

2 - بحر العلوم لسمرقندی، ج 3 ص 502.

3 - سوره نوح، آیه 27.

کار اند گذاشته شود محیط آنرا تغییر داد به یک انسان ظالم مبدل می سازد. مثل جامعه امروزی افغانستان هر قدر آدم شریف هم که باشد جامعه آنرا به آدم ظالم متعصب فاسق فاجر که هیچ نوع انسانیت در وجودش دیده نمی شود تبدیل می نماید. مراد از محیط همان انسان های است که در آنجا مشغول اند، و محیط که زنده گی می کنند نا امن ساختند و در همان محیط هرکی وارد شود بر آن ظلم می شود. چرا که ما محیط خود را اصلاح نکردیم و در ترغیب به فساد دست هم داشتیم. مثل امروز محیط و دوایر دولتی افغانستان را بررسی کنیم در میابیم که مردم اندک پیدامی شود، که با ارزش های اسلامی و انسانی هم خوانی داشته باشد، اکثرشان ظالم فاسد که به هر نوع عمل نا روا دست می زند، رشوت گرفتن مثل بولانی می ماند که با دوغ نوش جان می کنند اصلاً پیش اینها بنام جرم و یا گناه چیزی وجود ندارد فقط همه چیز پول است بس بناء اگر میخواهید آدم خوب باشید پول باید بدهید و اگر وظیفه میخواهید پول باید بدهید و اگر رتبه می گیرید پول باید بدهید در افغانستان امروزی همه چیز پول شده است بناء این طور محیط غیر از فساد دیگر چیزی را نمی پذیرد انسان وقتی تولد می شود اصل با جرم جنایت بلد نیست ذهنش از همه چیز خالی است این محیط است که به او می آموزاند که چگونه زنده گی کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَّا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ) (1) ترجمه: خداوند شما را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید، و او به شما گوش و چشم و دل داد تا سپاسگزاری کنید.

الله متعال ابراهم علیه السلام را دستور داده تا محیط بیت الله را از تمام جرم جنایت فساد پاک کند، چرا جای که امنیت نباشد و جان و مال و آبروی مردم در خطر باشد مردم از آنجا فراری می کنند و جای برای بود باش باقی نمی ماند و اصلاً عبادت صورت نمی گیرد بناء بخاطر آسایش و آرامش مردم از جرم جنایت باید محیط آرام از هر نوع فساد پاک باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَ عَهَدْنَا اِلَىٰ اِبْرَاهِيْمَ وَاِسْمَاعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَالْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ) (2) ترجمه: و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ما را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید. یکی از مهم ترین مکان یادگیری محیط است که انسان از روش رفتار دیگران متأثر می شود. اگر محیط سالم و صالح باشد افراد هم صالح به بارمی آید اگر محیط پر از فساد باشد افراد آن هم آغوشته به فساد می شود. چنانچه الله متعال م فرماید: (وَيَوْمَ يَعْصُ الطَّالِمُ عَلٰى يَدَيْهِ يَقُوْلُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا) (3) ترجمه: و در آن روز ستمکار هر دو دست خویش را به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راه برمی گزیدم. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (لَقَدْ اَضَلَّنِيْ عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ اِذْ جَاٰنِيْ وَكَانَ الشَّيْطٰنُ

1 - سوره النحل، آیه 78.

2 - سوره البقره، آیه 125.

3 - سوره الفرقان، آیه 27.

لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا⁽¹⁾ ترجمه: بعد از آن که قرآن به دستم رسیده بود، مرا گمراه کرد شیطان انسان را خوار می دارد.

مطلب سوم: فقر سبب اخلاص امنیت

یکی از عناصر که به سبب آن جنایت صورت می گیرد فقر و نداشتن احتیاجات روز مره زنده گی است یعنی فقیر نه الزامیت به قانون دارد و نه به نظم اجتماع و نه احترام به اشخاص، فقط چند روپیه پول را می بینند بس، اکثر جرم و جنایت به سبب فقر صورت می گیرد. انسان گرسنه به چه فکر می کند به هیچ چیز، جز به یک لقمه نان که از حالت مردن نجات یابد. وقتی انسان فقیر راه برای کسب روزی پیدا نکرد دست به سرقت می زند و تکرار عمل بالأخر به عادت تبدیل می شود. که زمینه فساد را به بار می آورد و مردم امنیت مال خود را از دست می دهند و مردم راه فرار را جستجو می نمایند مثل که امروز مردم افغانستان کشور خود را ترک کرده اند و به کشورهای همسایه حتی به کشورهای گفری روی آورده اند. بخاطر جلوگیری از جرم جنایت الله متعال مردم را تشویق و ترغیب نموده تا زکات و صدقات خود را به مردم فقیر و مسکین بطور آشکار و پنهان بدهند، تا دست شان به جرم جنایت آلوده نشود. بناء تمام بدی ها در اطراف فقر جمع می شود. و رسول اکرم (صلي الله عليه وسلم) در دعا خود از کفر و فقر و عذاب قبر از الله متعال پناه میخواست. چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه می فرماید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ)⁽²⁾ از حدیث مبارک معلوم می شود که فقر پدیده خیلی خوار کننده و زشت است و انسان فقیر به هر چیزی روی میاورد دنبال زشتی و قبیح بودن آن توجه نمی کند فقط به یک لقمه نان فکر می کند بس و اکثر نا امنی جامعه از اثرات فقر در جامعه است. بناء الله متعال برای مسلمانان صدقه و زکات را مقرر داشته است چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ)⁽³⁾ ترجمه: اگر بذل و بخشش ها را آشکار کنید، چه خوب، و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان بپردازید، برای شما بهتر خواهد بود و برخی از گناهان شما را می زداید، و خداوند آگاه از هر آن چیزی است که انجام می دهید. چنانچه الله متعال می فرماید: (لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُّوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)⁽⁴⁾ ترجمه: هدایت آنان بر تو واجب نیست، ولیکن خداوند هر که را بخواهد هدایت می کند، و هر چیز نیک و بایسته ای که می بخشید برای خودتان است (و سود آن عائد خودتان می گردد) و (این وقتی خواهد بود که)

1 - سوره الفرقان، آیه 29.

2 - أخرجه أحمد (20381)، وأبو داود (5090)، والترمذي (3503)، والنسائي (1346)، وابن خزيمة (747)، وابن حبان (1028). وقال الترمذي: حسن صحيح.

3 - سوره البقره، آیه 271.

4 - سوره البقره، آیه 272.

جز برای رضایت خدا نبخشید. و هر چیز نیک و بایسته ای که (بدین گونه) ببخشید به طور کامل به خود شما باز پس داده می شود و (کوچکترین) ستمی به شما نخواهد شد. برای جلوگیری از جرم جنایت الله متعال به بنده های خود دستور داده تا به بنده های نیازمنده کمک کنند خصوصاً به فقراء چنانچه الله متعال می فرماید: (لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافاً وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ) (1) ترجمه: برای نیازمندانی باشد که در راه خدا درمانده اند و به تنگنا افتاده اند و نمی توانند در زمین به مسافرت پردازند به خاطر آبرومندی و خویشنداری، شخص نادان می پندارد که اینان دارا و بی نیازند، اما ایشان را از روی رخساره و سیمایشان می شناسی، با الحاح و اصرار از مردم نمی خواهند. و هر چیز نیک و بایسته ای را که ببخشید، بیگمان خدا از آن آگاه است. الله متعال برای رفع فقرهای متعدد را ایجاد کرده تا مردم نیاززندگی خود را برآورده سازند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَاحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا) (2)

مطلب چهارم: برتری جوی سبب اخلاص در امنیت

یکی از اسباب و عوامل وقوع جرم و جنایت برترجوی است، که اخلاص امنیت را به بار می آورد و باعث کینه، بغض، وحسد شده و بالأخره قتل قتال منجر می شود. اکثر جرم و جنایت از همین برتری جوی و تکبر به میان می آید چنانکه شیطان بخاطر برتری جوی از درگاه الله متعال رانده شد. چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ) (3) ترجمه: گفت: چه چیز تو را بازداشت از این که سجده ببری، وقتی که من به تو دستور داده ام گفت: من از او بهترم. چرا که مرا از آتش آفریده ای و او را از خاک. درآیه دیگر الله متعال می فرماید: (قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَّكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ) (4) ترجمه: فرمود: ای ابلیس چه چیز تو را باز داشت از این که سجده ببری برای چیزی که من آن را آفریده ام آیا تکبر ورزیده ای یا اصلاً از متکبران بوده ای. تکبر و برتری جوی ابلیس که باعث بیرون شدنش از رحمت الله متعال شد. چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ) (5) ترجمه: گفت: من بهتر از او هستم. تو مرا از آتش آفریده ای و وی را از گل. الله متعال ابلیس را نسبت تکبرش از خود راند چنانچه الله متعال می فرماید: (قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ) (6) ترجمه: گفت: از میان آن بیرون شو، چرا که تو مطرود و رانده شده هستی. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ)

1 - سوره البقره، آیه 273.

2 - سوره البقره، آیه 275.

3 - سوره الاعراف، آیه 12.

4 - سوره ص، آیه 75.

5 - سوره ص، آیه 76.

6 - سوره ص، آیه 77.

الدِّينِ)(1) ترجمه: قطعاً نفرین من تا روز جزا بر تو خواهد بود. و تمام جرم جنایت که به دست انسان ها انجام می شود علت همین دشمنی شیطان بود که بخاطر برتری جو خود نسبت به آدم رانده شد و قسم یاد کرد که به هر طریق که شود انسان ها را گمراه سازد و به طرف جنایت سوق دهد. کینه حسد جنگ را در بین شان رونق دهد. و همین شیطان است که تمام اعمال زشت بد و ناپا را به انسان خوب جلوه میدهد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَرَيَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)(2) ترجمه: شیطان اعمالی را که انجام می دهند برایشان آراسته و پیراسته است. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (رُئِيَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)(3) ترجمه: اعمال کافران در نظرشان زیبا جلوه داده شده است. قرآن کریم اشاره دارد که اصل و اساس سرکشی و طغیان احساس غنی و بی نیازی است. الله متعال می فرماید: (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَعَى. أَنْ رَأَهُ اسْتَعْتَى)(4) ترجمه: قطعاً انسانها سرکشی و تمرد می کنند. اگر خود را دارا و بی نیاز ببینند. تمام انبیاء علیهم السلام در دوران نبوت خود با بزرگان همان منطقه مواجه بودند. این بزرگان برای منصب و مقامی که داشتند و بخاطر ترس از دست دادن این مقام و ریاست چه جرم که انجام نداده اند حتی انبیاء علیهم السلام را به قتل رساندند بخاطر مقام، منزلت، تکبر، خود خواهی. باعث منع هدایت مردم شدند و تمام فحشا منکرات از دست همین بزرگان قوم به راه انداخته می شد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ)(5) ترجمه: ما به هر شهر و دیاری که پیغمبري را فرستاده ایم، سران و متنعمان آنجا گفته اند: ما بدانچه آورده اید باور نداریم. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ)(6) ترجمه: همین گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو بیم دهنده ای مبعوث نکرده ایم مگر این که گفته اند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته ایم و ما هم قطعاً به دنبال آنان می رویم. در آیه دیگر می فرماید: (قَالَ أَوْلَوْ جِنَّتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ)(7) ترجمه: پیغمبرشان بدیشان می گفت: آیا اگر من آئینی را هم برای شما آورده باشم که از آئینی هدایت بخش تر باشد که پدران و نیاکان خود را بر آن یافته اید می گفتند: اصلاً ما به چیزی که بدان مأمور و مبعوث شده اید، باور نداریم. از حد زیاد دارای در دنیا باعث افراط در شهوات ولداند و منجر به طغیان سرکشی و غرور می شود که این همه فساد جنایت را به بار می آورد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ

1 - سوره ص، آیه 78.
 2 - سوره الانعام، آیه 43.
 3 - سوره الانعام، آیه 122.
 4 - سوره العلق، آیه 6-7.
 5 - سوره سبأ، آیه 34.
 6 - سوره الزخرف، آیه 23.
 7 - سوره الزخرف، آیه 24.

فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا⁽¹⁾ ترجمه: هرگاه بخواهیم شهر و دیاری را نابود گردانیم، افراد دارا و خوشگذران و شهوتران آنجا را سردار و چیره می گردانیم، و آنان در آن شهر و دیار به فسق و فجور می پردازند (و به مخالفت با دستورات الهی برمی خیزند)، پس فرمان (وقوع عذاب) بر آنجا واجب و قطعی می گردد و آن گاه آن مکان را سخت درهم می کوبیم (و ساکنانش را هلاک می گردانیم)

مبحث دوم

تطبيق احكام شرعی تعبدی و جلوگیری از اخلال امنیت

بعد از درک ضرورت امنیت در حیات فردی اجتماعی انسان و اهتمام اسلام به امنیت و آماده سازی محیط سالم و صالح خالی از هر نوع هرج و مرج و واضح شدن اسباب و عوامل که باعث اضطراب و فساد در محیط می شد. سوال اساسی که در ذهن خطور می کند این است طریق معالجه که اسلام بالای آن اعتماد کرده در ایجاد آسایش، آرامش و استقرار امنیت فردی و اجتماعی کدام است؟ در جواب باید گفت بررسی اساسی فساد و اضطراب فردی و اجتماعی و ابعاد مختلف عبارت است از باورها، سلوک و رفتارها و ارتباطات آنها اغلباً وابسته به تربیه انسان است که از تکوین جنین تا بعد از ولادت و مراحل رشد را دربرمی گیرد. و تأثیر گذار است اشخاص و افراد که در محیط زنده گی می کنند، با باورها و روش ها. یکی از راهای جلوگیری از اخلال امنیت که اسلام و قرآن برآن تأکید دارد تطبيق احكام شرعی است که به آن دین اسلام آمده است. تطبيق احكام تعبدی یقیناً فراهم کننده آسایش و آرامش جامعه است.

مطلب اول: نماز

نماز یکی از ارکان مهم اسلام است باوجود واجب بودنش و اهمیت آن دارای فواید زیاد است که تأمین کننده امنیت و آرامش فردی و اجتماعی در مجتمع اسلامی است. از جمله فواید آن: سکون و آرامش قلبی: نفس انسان به ذکر الله در نماز خارج از نماز آرامش پیدا می کند و خاطرانسان تسکین می شود و ادا آن سبب فراهم شدن صلح و امنیت در اجتماع می گردد. چنانچه الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)⁽²⁾ ترجمه: آن کسانی که ایمان می آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند. همان دلها با یاد خدا آرام می گیرند. نماز: عبارت از ارتباط با الله است یعنی صحبت با الله است و با طهارت و پاکی مادی و معنوی صورت می گیرد که این سبب تأمین امنیت روحی و روانی انسان شده و در برابر مصائب دنیا استوار باقی می ماند.

مطلب دوم: نماز و قایه و نهی از منکر

اگر نماز با تمام شرائط و ارکان آن ادا شود واقعا انسان را از واقع شدن در گناه مانع می شود، و از بدی دور می سازد و به طرف خیر متوجه می سازد. ادای نماز سبب یاد الله متعال شده و از منکرات دوری

1 - سوره الإسراء، آیه 16

2 - سوره الرعد، آیه 28.

می کند و انسان را از بدی ها ننگه می دارد و اگر از نماز به دور باشد و یا در غفلت به سر ببرد به دام شیطان سقوط می کند که منجر به نا امنی ساختن جامعه می شود مثل سرقت، قتل، زنا، تجاوز به دیگران می شود. در این مورد الله متعال می فرماید: (اِنَّ مَا اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَاذْكُرْ اللّٰهَ اَكْبَرُ وَاَللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ) (1) ترجمه: بخوان آنچه را که از کتاب به تو وحی شده است، و نماز را چنان که باید برپای دار. مسلماً نماز انسان را از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند بازمی دارد، و قطعاً ذکر خدا و یاد الله از هر چیز دیگری والاتر و بزرگتر است، و خداوند می داند که شما چه کارهایی را انجام می دهید. نماز بهترین راه رسیدن به آرامش درونی و روانی وقتی که مؤمن برای نماز آماده می شود این آماده گی باعث تمرکز و تفکر شده و این خود از مهمترین راهای برای درمان استرس و افسردگی است. همچنین نماز برای فروکش شدن خشم مفید بوده به طوری که به انسان آرامش و فروتنی و تواضع در برابر عظمت و بزرگی خداوند متعال را یاد میدهد و این موضوع بر سیستم عصبی و کارکرد قلب و منظم شدن ضربات آن بسیار مؤثر است در ضمن نماز مؤمن را از هرگونه افسردگی و اضطراب و ترس پاک می کند زیرا تا وقتی که بنده ای مخلص در مقابل خدا ایستاده، میداند که جز خدا کسی یار و یاور او نخواهد بود. (2) چنانچه الله متعال می فرماید: (قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ) ترجمه: حقا که مؤمنان رستگار شدند آنان که در نمازشان فروتنند.

مطلب سوم: روزه

شروط روزه امتناع از خوردن نوشیدن در صورت اختیار است و این ملازمت گرسنگی تشنگی را دارد، که در نزد روزه دار احساس درد گرسنگی تشنگی را به بار می آورد، روزه دار در فقر زندگی می کند در حالیکه فقیر نیست در وجودش فقر نمو می کند بدون از اینکه فقیر باشد، این روزه باعث بیداری احساس و عواطف و محبت است که از حال دیگران باخبر می شود، عواطف و محبت را در وجود انسان غرس می کند و رشد می دهد که باعث دستگیری و کمک به نیازمندان می شود. روزه باعث برابر و مساوی سازی فقیر و غنی است تا غنی از حال فقیر باخبر شود و احساس گرسنگی و تشنگی کند تا به ضعیفان نرمی و به گرسنه ها کمک صورت گیرد، بناء روزه فائده زیادی دارد، از آن جمله تأثیر گذاری بر فرد و اجتماع و فراهم کننده استقرار امنیت و سلامت اجتماعی می باشد. اکثر از جرائم ناشی از شهوت فرج و بطن است که روزه مانع واقع شدن در آن می شود و انسان را در برابر تمام معاصی استحکام می بخشد و سبب صبر و پایداری انسان می گردد. روزه باعث حفظ ارزش های شده و اجتماع را از حالت فلاکت بار نجات داده سبب آسایش و آرامش روحی و روانی انسان ها می شود. چنانچه الله متعال می

1 - سوره العنکبوت، آیه 45.

2 - اعجاز علمی در قرآن و الحدیث. سایت عبدالائم الکحیل www.kaheel7.com/fa

فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (1) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه واجب شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند واجب بوده است، تا باشد که پرهیزگار شوید. ماه روزه ماه با برکت ماه امنیت ماه آسایش آرامش است. چنانچه الله متعال می فرماید: (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ) (2) ترجمه: ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد باشد و جدائی افکند. پس هر که از شما این ماه را دریابد، باید که آن را روزه بدارد.

مطلب چهارم: زکاة

زکات یکی از منابع مهم اقتصادی برای کمک به مردم نیازمند و ناتوان است و یابه کسانی که در اثر آفت های طبیعی مال و دارای خود را از دست داده اند. و یکی از راه های معالجه مشکلات فقر جمع آوری زکات و توزیع آن به نیازمندان است که اسلام و قرآن کریم به آن تأکید دارد.

اول: زکاة و جلوگیری از اخلال مال و امنیت مردم

ویکی از طرق جلوی گیری از تجاوز به مال و جان مردم توزیع زکات به نیازمندان است. هرگاه نیاز مندی نیازهایش از طریق مشروع برآورده نشود دست به عمل غیر مشروع می زند که باعث بروز مشکلات در جامعه می شود. در این صورت جان و مال و آبروی مردم جامعه در نابودی قرار می گیرد، و این سبب گسترش نا امنی جامعه می شود. اسلام عزیز بخاطر جلوگیری از نا امن شدن جامعه یک مقدار پول در مال ثروت مند فرض گردانیده است تا به نیازمند داده شود و نیاز اولیه برآورده شود که دست به عمل ناروا نزنند. و دادن زکات محبت و دوستی را بین غنی و فقیر بیشتر می سازد از همین رو ذکر زکات در قرآن کریم بعد از ذکر نماز آمده است این اهمیت زکات را می رساند. حتی دادن زکات باعث حمایت از مال و دارای زکات دهنده می شود، الله متعال به زکات دهنده چند برابر عوض مالش را می دهد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ نَّجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (3) ترجمه: و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و هر کار نیکی که بیشتر برای خود بفرستید، آن را در نزد خدا خواهید یافت و خدا به هر چه می کنید آگاه و بینا است.

دوم: زکاة دستگیری مردم

زکات و صدقات خود را به فقیران بدهند چرا اینان نیاز شدید دارند چنانچه الله متعال می فرماید: (لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ النَّعْفِ نَعْرِفُهُمْ

1 - سوره البقره، آیه 183.

2 - سوره البقره، آیه 185.

3 - سوره البقره، آیه 110.

بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ⁽¹⁾ ترجمه: برای نیازمندی‌ها باشد که در راه خدا در مانده اند و به تنگنا افتاده اند و نمی‌توانند در زمین به مسافرت پردازند به خاطر آبرومندی و خویشترداری، شخص نادان می‌پندارد که اینان دارا و بی‌نیازند، اما ایشان را از روی رخساره و سیمایشان می‌شناسی، با الحاح و اصرار از مردم نمی‌خواهند. و هر چیز نیک و بایسته‌ای را که ببخشید، بیگمان خدا از آن آگاه است.

سوم: ادای زکاة سبب امنیت و رفع مسؤولیت است.

دادن زکات ادی مسؤولیت است بناء هرکس کات مال خود را اد کند درحقیقت رفع مسؤولیت کرده و از مجازات ترس بیم ندارد (یعنی امر و دستور پروردگار خود را ادا کرده) بناء از طرف الله در امن امان است در آخرت و در دنیا هم مردم آنرا دوست دارند و مال جانش در امنیت است. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)⁽²⁾ ترجمه: بیگمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام بدهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند در دنیا و در آخرت.

چهارم: زکات و جلوگیری از اخلاص امنیت

زکات باعث امنیت فکری زکات دهنده می‌شود چرا یقین دارد که الله به مال و دارایش می‌افزاید و باعث برکت در جان و مالش می‌شود. چنانچه الله متعال می‌فرماید: (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ)⁽³⁾ ترجمه: خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌بخشد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد. درحقیقت اسلام برنامه کامل است که تمام ابعاد زندگی را شامل می‌شود. و یکی از برنامه آن برطرف کردن فقر و دستگیری نیازمندان است، بناء اگر زکات بطور عادلانه توزیع شود نه گرسنه پدا می‌شود نه برهنه‌ای و نه نیازمندی و همه جا مملو از امنیت و آسایش و آرامش و پر از صلح صفا خواهد بود.

مطلب پنجم: امر به معروف و نهی از منکر

یکی از پایه‌های فراهم کننده امنیت و حافظ استقرار امنیت و استمرار امنیت و دفاع از اخلاص امنیت دستور به کارهای نیک و منع کردن از کارهای ناپسند است. و یکی از واجبات و دستورات اسلام برای امت مسلمه است، زیرا بقا و استمرار حیات در سایه آسایش و آرامش امنیت است. امنیت بدون امر به نیک‌ها و نهی از بدی‌ها امکان ندارد. و امر به خوبیها و منع از بدی‌ها یکی از عبادات قولی و عملی است که الله

1 - سوره البقره، آیه 273.

2 - سوره البقره، آیه 277.

3 - سوره البقره، آیه 276.

متعال به بنده های صالح خود دستور داده است که سبب آسایش و آرامش و رستگاری آنها می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)⁽¹⁾ ترجمه: باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارند. یکی از اصول مهم اسلام امر به معروف و نهی از منکر است بدون شک اصلاح انسان ها در زنده گی و کامیابی در آخرت متوقف بر طاعت الله متعال و پیروی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) است و تمام طاعات متوقف به امر به معروف و نهی از منکر به خاطر همین صفت امر به معروف و نهی از منکر الله متعال امة مسلمة را بهترین امت خوانده. چنانچه الله متعال می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ)⁽²⁾ ترجمه: شما ای پیروان محمد بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید مادام که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و به خدا ایمان دارید.

1-: امر به معروف و نهی از منکر سبب دوستی می شود

قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را یکی از علایم ولایت و دوستی بین مؤمنان قرار داده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)⁽³⁾ ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات را می پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند. خداوند توانا و حکیم است.

2-: امر به معروف و نهی از منکر مسوولیت حکام

(الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَبِاللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)⁽⁴⁾ ترجمه: آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند، و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند، و سرانجام همه کارها به خدا برمی گردد. کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را انجام می دهند رستگار اند و دیگران هم رستگار می شود. کسانی که به امر به معروف و نهی از منکر نمی کند با عث عذاب الله متعال می شود. چنانچه الله متعال می فرماید: (لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ- كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

1 - سوره آل عمران، 104.

2 - سوره آل عمران، آیه 110.

3 - سوره التوبه، آیه 71.

4 - سوره الحج، آیه 41.

فَعَلَوْهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ(1) ترجمه: کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته از فرمان خدا سرکشی می کردند و در ظلم و فساد از حد می گذشتند. آنان از اعمال زشتی که انجام می دادند دست نمی کشیدند و همدیگر را از زشتکاریها نهی نمی کردند و پند نمی دادند. و چه کار بدی می کردند. چرا که دسته ای مرتکب منکرات می شدند و گروهی هم سکوت می نمودند، و بدین وسیله همه مجرم می گشتند.

3-: امر به معروف و نهی از منکر وظایف انبیاء علیهم السلام

یکی از پایه های زندگی سعادت مند که باعث دستگیری مظلوم شود و دست ظالم را از ظلم قطع کند کسی است که این صفت امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا)(2) ترجمه: در کتاب از اسماعیل بگو. آن کسی که در وعده هایش راست بود، و پیغمبر والا مقامی بود، او همواره خانواده خود را به اقامه نماز و دادن زکات دستور می داد، و در پیشگاه پروردگارش مورد رضایت بود. امام رازی می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله این سه صفت را تمام امت گذشته دارا بود. (3) در امت های گذشته امر به معروف و نهی از منکر واجب بود. (4) در وصف رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) الله متعال می فرماید (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)(5) ترجمه: کسانی که پیروی می کنند از پیغمبر امی که در تورات و انجیل نگاشته می یابند. او آنان را به کار نیک دستور می دهد و از کار زشت باز می دارد، و پاکیزه ها را برایشان حلال می نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می سازد و فرو می اندازد بند و زنجیر را از ایشان به در می آورد پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند و از نوری پیروی کنند که به همراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارانند.

4- -: امر به معروف و نهی از منکر یکی از صفات مؤمنین است

الله متعال از قول لقمان که برای فرزندش وصیت می کرد می فرماید: (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)(6) ترجمه: ای پسر عزیزم نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می

1 - سوره المائده، آیه 78-79.

2 - سوره مریم، آیه 54-55.

3 - تفسیر مفاتیح الغیب، ج 3 ص 47.

4 - الجامع لأحكام القرآن، ج 4 ص 47.

5 - سوره الأعراف، آیه 157.

6 - سوره لقمان، آیه 17.

رسد شکبیا باش. اینها از کارهای است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید. در آیه دیگر الله متعال می فرماید: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (1) ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات را می پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند. خداوند توانا و حکیم است. الله متعال در مورد مؤمنان می فرماید: (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (2) ترجمه: آنان توبه کننده، پرستنده سپاسگزار گردنده نمازگزار، دستور دهنده به کار نیک، بازدارنده از کار بد، و حافظ قوانین خدا می باشند مژده بده به مؤمنان.

5: امر به معروف و نهی از منکر نشانه افضلیت امت است

چنانچه الله متعال می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) (3) ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید امر به معروف و نهی از منکر می نمائید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق هستند.

مطلب ششم: آثار و فوائد امر به معروف و نهی از منکر در تأمین امنیت

هر امر قبیح که در اجتماع به وجود می آید، آهسته آهسته رفته رفته به عادت تبدیل می شود، و این پلیدیها جزء زنده گی مردم می شود، از همین رو الله متعال امر به معروف را به دوش بعضی از مسلمانان گذاشته تا یک جامعه عاری از بدیها به میان آید. امر به کارهای پسندیده و منع کردن از کارهای ناپسند باعث هدایت و سعادت دنیا و آخرت می شود. هنگامیکه از بدیها و از کاربرد منع شود همه بسوی کارهای نیک روی می آورند، که این سبب رشد شگوفای و امنیت جامعه می شود. هیچ کس جرأت عمل و کار بد را به خود نمی دهد زیرا اگر دست به همچنین عمل ناپسند بزند همه به سرزنش و ملامت آن شروع می کنند و این به یک عادت تبدیل می شود، که این در نفوس همه انسان ها غرس شده و کم کم به طرف جامعه سعادت مند سوق داده می شود، و همه جا را سایه آن فرا گرفته جای به عمل ناپسند نمی ماند چرا اگر کسی به عمل زشت ناروا دست زد کسی مانع نشد و کسی را مانع عمل خود ندید، این کم کم زیاده

1 - سوره التوبه، آیه 71.

2 - سوره التوبه، آیه 112.

3 - سوره آل عمران، 110.

شد همه جا را فرامی گیرد و این سبب می شود که امنیت جامعه از بین رفته همه جا را ترس و وحشت فراگرفته و زندگی را با لای مردم تنگ می سازد و سبب حرج و پراگندگی می شود بناء رفته رفته جامعه خالی از انسان ها می شود. امر به معروف و نهی از کار های بد وظیفه و مسؤلیت همه است نسبت به قدر توان شان. در سایه امر به معروف و نهی از کار های بد جلو اسراف تبذیر گرفته شده از زیاده روی پرهیز می شود این سبب رشد شگوفای جامعه شده و باعث رشد بالنده گی در سطح زندگی انسان های می شود.

اول: الله متعال به کسانی که عمل نیک انجام مدهند و دیگران را به آن سفارش می کنند در آخرت به آنها پاداش فراوان عطامی کند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) (1) ترجمه: مژده بده به کسانی که ایمان آورده اند و کردار نیکو انجام داده اند، این که ایشان را است باغهای بهشتی که در زیر درختان آن رودها روان است.

دوم: کار های نیک و امر به نیک سبب برکت و فراوانی می گردد. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْبُرْجِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (2) ترجمه: اگر مردمان این شهرها و آبادیها ایمان می آوردند و پرهیز می کردند، برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشودیم ولی آنان به تکذیب پرداختند و ما هم ایشان را به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نمودیم.

سوم: عمل ناپسند و دعوت به آن سبب عذاب و فساد در جامعه می شود. (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (3) ترجمه: تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می داده اند. بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهایی را که انسانها انجام می دهند بدیشان می چشاند تا این که آنان برگردند. دعوت به عفت و پاکی باعث به وجود آمدن جامعه آرام و آسوده مملو از صلح صفا اوخوت و برادری و گسترش محبت و دوستی بین جامعه می شود.

چهارم: در سایه امر به معروف و نهی از منکر تمام خوبی ها حاصل می شود

1-: حفظ اسلام از شرک و بدعت.

2-: پایداری خیر و صلاح امت اسلامی.

3-: برطرف کردن عوامل فساد و شر از زنده گی مردم.

4-: آماده شدن فضای مناسب برای رشد آداب و فضایل و از بین رفتن رذایل.

1 - سوره البقره، آیه 25.

2 - سوره الاعراف، آیه 96.

3 - سوره الروم، آیه 41.

5-: احساس محبت و برابری در تکامل و در تعاون بر نیکی و تقوا و اهتمام مسلمانان به یکدیگر و آماده سازی آنچه که باعث آسایش، آرامش و امنیت جامع می شود. (1) بعد از وفات رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) خلفاء و اصحابشان به بهترین وجه امر به معروف و نهی از منکر را در طول سال ها برپا داشتند و به آن اهتمام و مواظبت کردند. و از نتایج اهتمام و مواظبت به این امر مهم، زندگی در مجتمع اسلامی دارای یک زندگی سعادت مند مملو از آسایش و آرامش و امنیت سراسری بود. یعنی بهترین و سعادت مند ترین زندگی را داشتند. نه خوف بود و بیم شب و روز سیر سفر می کردند کسی جرأت تجاوز و ظلم را نداشت اگر از کسی گناه سر می زد به جزای اعمال خود می رسید بناء حتی فکر بدکاری به ذهن شان خطور نمی کرد. سرزمین های اسلامی یکی از مناطق پاک منظم مرتب با امن امان که هیچ کس به فساد کار و مجرم وقت جرم جنایت را نمی دادند. در سرزمین اسلامی عزت برای الله متعال و رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) و مؤمنین بود. امرکننده به معروف و نهی کننده از بدی ها و محافظ حدود الله متعال، و پابند اسلام بودند. کم کم دنیا برای شان بزرگ شد و الله متعال را فراموش کردند و الله آنها را فراموش کرد، و از امر به معروف و نهی از منکر دست کشیدند جز چند نفر انگشت شمار و عقد پیمان که ببین شان بود از بین رفت، به همین سبب دچار فقر، ذلت، استعمار، ظلم و قتل قاتال شدند. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) (2) ترجمه: خدا بدیشان ستم نکرد، و لیکن خودشان به خویشان ستم کردند. امر به معروف و نهی از منکر، و توصیه و صبر به آن یکی از تحقق خیر، برکت، سعادت، زندگی مرفح، منظم و دنیا صالح در درازنای تاریخ طویل برای مسلمانان بود. (3)

مبحث سوم

فایده و آثار امنیت

تأمین امنیت که تمام جهت زنده گی انسان را در برگیرد باعث رفاه و سعادت می شود که انسان می تواند در سایه امنیت به به رشد ترقی رسید و امور زندگی را به وجه خوب پیش برد. در سایه امنیت به راحتی می توان سفر تجارت کسب علم عبادت کرد.

امنیت دروازه رسیدن به سعادت

خوشبختی و سعادت آن است که نفس آدمی در خشنودی و رضایت بسر ببرد. نارضایتی، سیه روزی و تلخکامی زندگی روح، روان و احساس آدمی را تیره و تار می کند. خشنودی دروازه سعادت و آرامش و شادمانی و سرور است. خشنودی و رضا، آرامش و یقینی است که در قلب آدمی به سبب خشنودی از اختیار خداوند نسبت به او حاصل می شود و این آرامش و یقین و اطمینان هر چه را که برای انسان در

1 - متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار ص 70.

2 - سورة النحل، آیه 33.

3 - عبد العزيز عبد الستار، الأمر والنهي عن المنكر، بيروت، المكتب الإسلامي 1400 هـ، ص 8.

زندگی روی می دهد خیر و سبب سعادت و راحتی می کند و به سوی غیر خدایش روی نمی کند و بر چیزی از سامان دنیا افسوس نمی خورد و سبب می شود تا کار و تلاش کند و خدایش را بخواند و سپس به آنچه خداوند برایش مقدر ساخته است رضایت بدهد تا زندگی رضایت مند و خوشبخت داشته باشد.

مطلب اول: امنیت تبلور رحمت خداوند

از نظر قرآن امنیت از نعمت های بزرگ خداوند به هر جامعه ای است و جامعه ای که از چنین نعمتی برخوردار است باید همواره شکرگزار خداوند باشد که از چنین خیر بزرگی برخوردار است. الله متعال می فرماید: (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ)⁽¹⁾ ترجمه: خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند، داستان) مردمان شهری را مثل می زند که در امن و امان بسر می بردند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می شد، اما آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشاندید.

مطلب دوم: امنیت بستر برای عبادت الله متعال.

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا)⁽²⁾ ترجمه: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً جایگزین در زمین خواهد کرد همان گونه که پیشینیان را جایگزین قبل از خود کرده است. همچنین آئین ایشان را که برای آنان می پسندد، حتماً در زمین پابرجا و برقرار خواهد ساخت و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می سازد. وعده الله متعال است به تمکین دین اسلام که شما بر آن هستید و بر وفق اسلام و اصلاح عمل می کنید.⁽³⁾ الله متعال می فرماید: (وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) و دین اسلام را برای شما برگزیده ام و دین شما را پیروز می گردانم و ترس هراس شما را به آرامش تبدیل می نمایم بشرطیکه مرا عبادت کنید و شرک نیاورید.⁽⁴⁾ و مسلمانان و نشر قدرت آن در تمام نقاط جهان چرا که مسلمانان الله متعال بنده های مؤمن خود را به قدرت و امنیت می راساند مادامیکه در اطاعت و ادای واجبات دینی خود پابند باشند و به کارای نیک امر کنند و از بدی ها نهی کنند و بر ایمان خور استقامت داشته باشند.⁽⁵⁾ امنیت وابسته به توحید است و خوف ترس وابسته به شرک پس که که امنیت دنیا و آخرت را خواهد باید که بر توحید حریص باشد و تماشای راهی که بر ضد توحید منتهی می شود ببندد در این

1 - سوره النحل، آیه 112.

2 - سوره النور، آیه 55.

3 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 99 ص 4.

4 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 99 ص 4.

5 - سورة القصص دراسة تحليلية المؤلف: الدكتور محمد مطني، ج 1 ص 299.

صورت امنیت واقعی را پیدا می کند. (1) هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز آنها را پذیرا گشتند، تمامی عرب بر ضد آنها قیام کردند و آنچنان بود که آنها ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب را با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند (و حالت آماده باش دائم داشته باشند) ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد، بعضی این مطلب را آشکار گفتند که تا کی این حال ادامه خواهد یافت آیا زمانی فرا خواهد رسید که با خیال آسوده، شب استراحت کنیم و اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما گردد، و جز از خدا از هیچکس نترسیم و آیه شریفه فوق نازل شد و به آنها بشارت داد که آری چنین زمانی فرا خواهد رسید. (2) با توجه به شأن نزول و تبیین آیه شریفه مبنی بر وعده الهی به دین و آیینی پسندیده، ریشه دار و پابرجا و مستقر، بدیهی است که چنین ویژگیهایی باعث می شود ترس و رعب به امنیت و آرامش مبدل شده و جامعه ای با ضریب امنیتی بالا به ارمغان آورد، شایان ذکر است که در جوامعی این چنینی ایمان و عمل صالح علت اصلی و پایدار خواهند بود. پس با توجه به ادامه آیه شریفه که می فرماید آنچنان می شود که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من قرار نخواهند داد، اولین و مهمترین نتیجه به دست خواهد آمد که همان عبادت خالصانه پروردگار متعال است.

مطلب سوم: امنیت و امکان سکونت

دومین اثر امنیت امکان سکونت و آسودگی در معیشت است که تألیف بین انسان و محل زندگی او است، سوره مبارکه قریش بیان روشنی است از تأمین فضای امن معاش و ایجاد الفت آدمی نسبت به زیستگاه خویشتن و همچنین وسیله بودن امنیت مکان برای اثر مهم و غایی یعنی توجه به معاد و پرستش آفریدگار یکتا. اشاره است به سنت واضحی که در ایلاف دو رحلت وجود دارد و نعمت ظاهری که نمی توانند آن را انکار کنند و آن تأمین معاش قریش و امنیت آنان است، که در سرزمینی زندگی می کردند که نه نانشان تأمین بود و نه جانشان و نه سرزمین خرمی بود که دیگران بدانجا آیند و نه جان دیگران در آنجا تأمین می شد. پس باید ربی را بپرستند که این چنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر نمود و او همان رب بیت است خدای تعالی به برکت اسلام و بعثت رسول گرامیش (صلی الله علیه وسلم)

1 - التعلیق علی تفسیر الجلالین مؤلف الأصل: جلال الدین المحلي (محمد بن أحمد) (المتوفی: 864هـ)، و جلال الدین السیوطی (عبد الرحمن بن أبی بکر) (المتوفی: 911هـ) الشافعیان الشارح: عبد الکریم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضیر دروس مفرغة من موقع الشیخ الخضیر. جزء 14 ص 16.

2 - اخرج حاکم فی مستدرکه حدیثی محمد بن صالح بن هانی، ثنا أبو سعید محمد بن شانان، حدیثی أحمد بن سعید الدارمی، ثنا علی بن الحسین بن واقف، حدیثی أبی، عن الربیع بن أنس، عن أبی العالیة، عن أبی بن کعب رضی الله عنه قال: لما قدم رسول الله صلی الله علیه وسلم وأصحابه المدينة وأوتهم الأنصار رمتهم العرب عن قوس واحدة كانوا لا یبیتون إلا بالسلاح ولا یصبحون إلا فیہ، فقالوا: " أترون أنا نعیش حتی نبیت آمنین مطمئنین لا نخاف إلا الله؟ فنزلت: ﴿وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیمد لهم من بعد خوفهم أمنا.﴾ هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه التعلیق من تلخیص الذہبی 3512 صحیح، المستدرک علی الصحیحین: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعیم بن الحکم الضبی الطهمانی النیسابوری المعروف بابن البیع (المتوفی: 405هـ) تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت الطبعة: الأولى، 1411 عدد الأجزاء: 4 ج 2 ص 434 حدیث 3512 وایضا اخرج الأحادیث المختارة أو المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم یخرجه البخاری ومسلم فی صحیحیہما ج 3 ص 353.

جوامع انسانی را از دیار مختلف جهت زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) و خانه مقدس خویش به سوی حجاز کشاند و آنجا را رونق و هزینه سفر مشقت بار اهل حجاز جهت امرار معاش از دوششان برداشت و از گرسنگی نجات داده و مهمتر از آن به پاس حرمت کعبه بساط راهزنی و دستبرد به کاروانیان برچیده شد و امنیت فردی و ملی قریش تأمین گردید. امکان سکونت از نتایج و آثار برجسته امنیت شمرده شده است تا آنجا که وجود زندگی با امنیت از مصادیق تمام و کمال نعم شمرده شده و عدم تأمین آن به بی ارزشی و بی خیری تعبیر شده است.

مطلب چهارم: امنیت و آزادی سیر و سیاحت

یکی از آثار امنیت سفر در شب و روز است که باعث ترقی و پیشرفت امور زندگی می شود و امنیت را الله متعال مبارک خوانده . چنانچه الله متعال می فرماید: (وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَبِيْرًا فِيهَا لَيْالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ)(1) ترجمه: میان آنان و شهرهای دیگری که پربرکت و نعمت کرده بودیم، شهرکها و روستاهائی ساخته و پرداخته بودیم که نمایان بود، و در میان آنها فاصله های مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بودیم شبها و روزها در امن و امان در آنجاها سیر و سفر کنند. در این قریه ها سیر کنید، در حالی که ایمن باشید، مراد از (ظَاهِرَةً) چشم های آب همه جا روان و باغ بستان همه جا شگوفا بود هیچ چیز پنهان نبود گویا همه بیرون شده آنقدر زیبا بود.(2) اگر خواستید در روز گردش کنید و اگر خواستید در شب، و خلاصه معنا، این است که آن چنان امنیت در این قراء برقرار کردیم که سیر شب و روز در آنها فرقی نداشت، هر وقت می خواستند می توانستند با آرامش خاطر به سیر بپردازند. به این ترتیب آبادیها فواصل متناسب و حساب شده ای داشت، و از نظر حمله وحوش و درندگان بیابان، یا سارقین و قطاع الطریق نیز در نهایت امنیت بود، به گونه ای که مردم می توانستند بدون زاد و توشه و مرکب، بی آنکه احتیاج به حرکت دستجمعی و استفاده از افراد مسلح داشته باشند بدون هیچ خوف و ترس از جهت نا امنی راه یا کمبود آب و آذوقه به مسیر خود ادامه دهند.(3)

مطلب پنجم: امنیت فراهم کننده تحقیق

زمینه دستیابی و فراهم نمودن شرایط مناسب و محیط آرام و سهل الوصول برای تحقیق و مطالعه حق و حقیقت مسئله قابل توجهی است که خدای متعال به رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) دستور ایجاد چنین فضای لازمی را میدهد تا فرصت مقتضی چنین مهمی آسان باشد. در این مورد الله متعال می فرماید: (وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ)(4) ترجمه: ای پیغمبر اگر یکی از مشرکان و کافرانی که به شما دستور جنگ با آنان داده شده

1 - سوره سبأ، آیه 18.

2 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 294 ص 7.

3 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 294 ص 8.

4 - سوره التوبه، آیه 6.

است از تو پناهندگی طلبید، او را پناه بده تا کلام خدا (یعنی آیات قرآن) را بشنود و از دین آگاه شود و راجع بدان بیندیشد. اگر آئین اسلام را پذیرفت، از زمره شما است، و اگر اسلام را نپذیرفت پس از آن او را به محل امن (و مأوی و منزل قوم) خودش برسان تا از خطرات راه برهد و بدون هیچ گونه اذیت آزاری به میان اهل و عیال خویشان رود. این (پناه دادن) بدان خاطر است که مشرکان مردمان نادان و ناآگاه از حقیقت اسلام هستند و چه بسا در پرتو آشنائی با اسلام، نور ایمان در دل‌هایشان روشن گردد. (1) یعنی در نهایت آرامش با او رفتار کن، و مجال اندیشه و تفکر را به آنها بده تا آزادانه به بررسی محتوای دعوت تو بپردازند، و اگر نور هدایت بر دل آنها تابید آن را بپذیرند، بعد اضافه می کند که او را پس از پایان مدت مطالعه به جایگاه امن و امانش برسان تا کسی در اثناء راه مزاحم او نگردد. پناهندگی، امنیت پناهندگان، زدودن نژاد پرستی و حساسیت غیرلازم نسبت به اتباع پناهنده و ایجاد شرایطی که بتوانند موضوعات دینی و مذهبی را مطالعه کنند، از مؤلفه های يك کشور امن است و یکی از تدابیر لازم امنیتی که مشترك بين آثار مختلف امنیت است امنیت راه ها است. بطرف کلام الله متعال ببین اگر کفار که با تو در حال جنگ است میگویند که میخواهم قرآن را بشنوم و بفهمم که چه میگویند پس بگذار بشنود و بفهمد و آنرا به طرف دین اسلام دعوت کن اگر مسلمان شد از شما است و اگر وقت خواست تا فکر کند برایش وقت بدهید و آنرا تا محل زنده گیش برسانید. (2)

مطلب ششم: امنیت رفاه اقتصادی

یکی از راه های بالندگی اقتصادی چه در سطح کلان و چه در حوزه سرمایه گذاری خرد و زودبازده امنیت سرمایه گذاری است که هر چه ضریب نفیسی افراد و اجتماع آنها بالا رود اعتماد سرمایه گذاری در آن منطقه بالاتر می رود و نتیجه این تأمین، شکوه اقتصادی يك ملت می شود. و می بینیم که هر جای دنیا دچار ناامنی و اضطراب معینی می شود شاهد فرار سرمایه ها هستیم و همه دوست دارند دارایی خویش را بردارند و ساحلی امنی را دست و پا می کنند که ثروت خود را با آن پوشش دهند. وجود جامعه منسجم و دارای حاکمیت یکی از کارهای مهمش رفاه نیکوکاران و طبقاتی است که ثروتمند می باشند و روش استقلال اقتصادی اینان نیز تأمین امنیت آنها می داند، یعنی در امان بودن از دست بدکاران و سوداگران اقتصادی و اجتماعی. قرآن کریم در سوره مبارکه بقره آیه شریفه 126 می فرماید: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ) ترجمه: و به یاد آورید آن گاه را که ابراهیم گفت: خدای من این (سرزمین) را شهر پر امن و امانی گردان، و اهل آن را - کسانی که از ایشان به خدا و روز آخرت ایمان آورده باشند از میوه های گوناگونی که در آن پرورده شود یا بدان

1 - تیسیر التفسیر للقطان، ج 2 ص 121.

2 - تفسیر الشیخ أحمد حطیبة، جزء 195 ص 3.

آورده شود، و دیگر خیرات و برکات زمین روزیشان رسان و بهره مندشان گردان (خدا پاسخ داد و) گفت: دعای تو را پذیرفتم، ولی در این عمر کوتاه دنیا، بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست و کسی را که کفر ورزد، مدّت کوتاهی از ثمرات و خیرات این جهان بهره مند می گردانم و سپس او را به عذاب آتش دچار می سازم. شهرمکه دارای امن و فراوانی رزق روزی می باشد یعنی تمام میوه های دنیا در آنجا پیدا می شود و مردم آن از این نگاه کدام احساس مشکل نمی کنند و این همه از اثر دعای ابراهیم علیه السلام است.⁽¹⁾ مناسب است جهت تبیین آیه شریفه ابتدای آیه ماقبل یعنی آیه شریفه 125 شرح دهیم، بعد از اشاره به مقام ابراهیم (علیه السلام) در آیه شریفه گذشته، به بیان عظمت خانه کعبه که به دست ابراهیم ساخته و آماده شد پرداخته می فرماید: به خاطر بیاورید هنگامی را که خانه کعبه را مثابه (محل بازگشت و توجه مردم قرار دادیم).⁽²⁾ مرکز امن و امان (و اذا جعلنا البیت للناس و اماناً) مثابة در اصل از ماده (ثوب) به معنی بازگشت چیزی به حالت نخستین است.⁽³⁾ و از آنجا که خانه کعبه مرکزی بوده است برای موحدان که همه سال به سوی آن رو می آورند، نه تنها از نظر جسمانی که از نظر روحانی بازگشت به توحید و فطرت نخستین می کردند، از این رو به عنوان مثابه معرفی شده و از آنجا که خانه انسان که مرکز بازگشت همیشگی او می باشند محل آرامش و آسایش است، در کلمه مثابة يك نوع آرامش و آسایش خاطر، نیز افتاده است و این معنا با کلمه اماناً که پشت سر آن ذکر شده تأکید می شود، مخصوصاً کلمه للناس نشان می دهد که این مرکز امن و امان پناهگاهی است عمومی برای همه جهانیان و انسانها و توده های مردم. الله متعال بیان دارد که رزق روزی در دنیا شامل مومن و کافر و مشرک همه را می شود.⁽⁴⁾ با بیان قرآن کریم در شریفه 125 سوره مبارکه بقره و ضمیمه آیه مورد بحث ارکان اصلی رفاه که سکونت امن و اقتصاد پویا باشد تبیین شده و رابطه تنگاتنگ آبادانی و امنیت مشخص می گردد، جالب اینکه ابراهیم (علیه السلام) نخست تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می کند و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکم فرما نباشد، فراهم کردن يك اقتصاد سالم ممکن نیست. ثمرات يك معنی وسیع دارد که هر گونه نعمت مادی، اعم از میوه ها و مواد دیگر غذایی، و نعمتهای معنوی را شامل می شود، در عزیز شدن ملتی در چشم سایر ملل خود تمهیدی است اجباری و موهبتی الهی است جهت امنیت روزافزون آن ملت. نتیجه اینکه بهره مندی از نعمتها زمانی لذیذ و گوارا است که در فضای آرام و بی اضطراب باشد، انبیاء الهی علاوه بر ارشاد و هدایت به نیازهای مادی همانند امنیت و معیشت مردم نیز باید

1 - تفسیر القرآن الکریم المؤلف: محمد أحمد إسماعیل المقدم، جزء 10 ص 14.

2 - تفسیر غریب القرآن المؤلف: کامله بنت محمد بن جاسم بن علی آل جهام الکواری الناشر: دار بن حزم الطبعة: الأولى، 2008 عدد الأجزاء: 1 ج 2 ص 125.

3 - معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 1 ص 334.

4 - سلسلة محاسن التأویل المؤلف: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح المغامسي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net> جزء 8 ص 16.

توجه داشته و برای آن تلاش و دعا کند برای بیان ارزش، آسایش و آسودگی معیشت به نعمت امنیت، داستانی قرآنی از سوره مبارکه نحل آیه شریفه 112 نقل می کنیم: (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ)⁽¹⁾ منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بوده، و همواره روزیش به طور فراوان از هر مکانی فرا رسیده است، اما آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدیشان چشانید. مراد از قریه درآیه مبارکه مکه است.⁽²⁾ و الله متعال قریه و یا شهریکه دارای امنیت گردانیده بود و مردم آن دریک آرامش کامل بسر می بردند و این نعمت را نادیده گرفتن و ازو امر و نواهی الله متعال سرکشی کردند و الله در بدل ناسپاسی آنها امنیت را به خوف، ترس و گرسنگی تبدیل نمود.⁽³⁾ (الْجُوعِ وَالْخَوْفِ) الله متعال گرسنگی را قبل از خوف ذکر کرده زیرا خوف امکان برترف شدن در چند روز ماه سال را دارد ولی گرسنگی بیشتر از چند روز را انسان توان ندارد.⁽⁴⁾ این منطقه آباد، خوشبخت و پربرکت سه ویژگی داشت که نخستین آنها امنیت و در ولای امنیت اطمینان به ادامه زندگی و بعد از آن جلب روزی و مواد غذایی فراوان بود، چرا که تا امنیت نباشد کسی اطمینان به زندگی در محلی پیدا نمی کند و تا این دو نباشد کسی علاقمند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی شود، ولی شرط کمال این نعمتهای سه گانه، نعمت معنوی ایمان و توحید بود که به دلیل ناسپاسی خداوند متعال، لباس گرسنگی و ترس جایش را با آن همه نعمت در آن منطقه عوض کرد و آن قوم مغرور گرفتار قحطی و ناامنی شدند، جالب اینکه درآیه شریفه فوق می فرماید: خداوند لباس گرسنگی و ترس را به آنها چشانید، یعنی از یکسو گرسنگی و ترس به لباس تشبیه شده و از سوی دیگر به جای پوشاندن، چشاندن آمده است، این تشبیه در زبان عربی بیانگر نکته لطیفی است. به هر حال این تعبیر اشاره به آن است که اولاً آنچنان قحطی و ناامنی را فرا گرفت که گویی همچون لباس از هر سو آنان را احاطه نموده بود و بدنشان را لمس می کرد و از سوی دیگر این قحطی و ناامنی آنچنان برای آنها ملموس شد که گویی با زبان خود آن را می چشیدند و این دلیل بر نهایت فقر و فلاکت و فقدان امنیت است که سراسر وجود زندگی انسان را پر کند، در حقیقت همانگونه که در آغاز نعمت امنیت و رفاه تمام وجود آنها را پر کرده بود.

مطلب هفتم: امنیت مایه فراوانی و برکت از طرف الله متعال

آیات قرآن کریم سرزمینی را که از نعمت امنیت و آرامش برخوردار بوده به عنوان سرزمین مثال، نمونه و الگو، یاد شده است. آن جا که می فرماید: (وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ

1 - سوره النحل آیه 112.

2 - سلسله التفسیر لمصطفی العدوی المؤلف: أبو عبد الله مصطفی بن العدوی شلبایة المصري، جزء 71 ص 8

3 - التفسیر البیانی لما فی سورة النحل من دقائق المعانی المؤلف: سامی ودیع عبد الفتاح شحادة القدومي، ج 1 ص 225.

4 - التفسیر البیانی لما فی سورة النحل من دقائق المعانی، ج 1 ص 229.

كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ(1) و خدا شهري را مثل زده است که امن و امان بود و روزيش از هر سو فراوان مي رسيد، پس ساکنانش نعمت هاي خدا را ناسپاسي کردند، و خدا هم به سزاي آنچه انجام مي دادند، طعم گرسنگي و هراس را به مردم آن چشانيد. الله متعال مکه مکرمه را مثل قريه اي که در آن آسایش و آرامش کامل برقرار بود و از تمام آفات و بلاها در امان بود گردانیده بود که خود مکه در امنیت کامل بسر می بردند ولی مردم اطراف مکه امنیت نداشتند با وجود این همه نعمت الله متعال که امنیت بود نصیب قريش کرده بود قدر نعمت الله متعال را ندانستند و ناسپاس کردن مانند دشمنی با پیامبر الله متعال و کشیدن آن از مکه این همه سبب شده که الله متعال آنها بخوف گرسنگی که شديد ترين عذاب است گرفتار کرد و پیامبر اکرم (صلی الله عليه وسلم) به مدینه هجرت کرد و راهای مواصلات آنها را قطع کرد که این سبب ترس هراس مشرکین قريش شده بود(2) مراد از قريه ها اهل آنها است که به سبب ظلم آنها مردم آنها را ترک می کنند.(3)

مطلب هشتم: امنیت مایه وسعادت در زنده گی و سبب دوست بین انسانها

يكي از مصداق هاي روشن واژه هايي مانند نعمت، نعيم، برکات در قرآن، امنیت دانسته شده است به عنوان مثال: چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْاُفْرِى آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)(4) ترجمه: برکات به معنای هر چیزی از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می گیرد. برکات از آسمان عبارت از باران و از زمین عبارت از نبت میوه و مواشی و امنیت و سلامتی است، و آسمان به مثابه پدر و زمین به مثابه مادر است که تام خیر و منفعت به مخلوقات الله متعال از آن حاصل می شود.(5) در پهلوی امنیت، دوستی هم از نعمت های پروردگار است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)(6) و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان بودید، پس میان دل هاي شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه هاي خود را براي شما روشن می کند، باشد که شما راه یابید. منظور از نعمت در آیه فوق: امنیت، سلامتی، ثروت، صفای دل نسبت به یکدیگر و پاکي اعمال دانسته شده است هم چنین در تفسیر کلمه نعيم(ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ)(7) به نقل از ابن عباس آن را امنیت و صحت دانسته،

1 - سوره النحل، آیه 112.

2 - ايسر التفاسير لأسعد حومد، ج 1 ص 2013.

3 - سلسلة التفسير لمصطفى العدوي المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري، ج 14 ص 7.

4 - سوره الاعراف، آیه 96.

5 - تفسير مفاتيح الغيب لفخر الدين رازی ج 14 ص 322.

6 - سوره آل عمران، آیه 103.

7 - سوره التكاثر، آیه 8.

نتیجه گیری

الحمد لله رب العالمين ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاة والسلام على رسول الله الصادق الأمين، وعلى آله واصحابه ومن سار على نهجه واتبع سنته إلى يوم الدين اما بعد: بعد از اتمام مکمل بحث به مجموعه از نتایج رسیده ایم که ذیلا اشاره می شود.

1-: دین اسلام دین شامل کامل و آخرین دین سماوی و ناسخ همه ادیان بوده که تا روز قیامت در هر زمان و مکان پاسخ گوی تمام نیازمندی های بشر است. تمام وسائل و اسباب آسایش و آرامش انسان هارا تأمین کرده است. دین اسلام یگانه دینی است که بر اساس نیازها و ضرورت ها وضع شده و مصلحت و سعادت و آرامش مادی و معنوی دنیا و آخرت انسان را دربر می گیرد، بناء دین اسلام دروازه ای برای رسیدن به اوج آسایش و آرامش روحی و روانی بوده، زیرا دین اسلام دین الله متعال است و الله متعال به مصلحت بنده ها عالم و آگاه است.

2-: قرآن کریم که قانون اساسی اسلام است، امنیت را بزرگترین و با ارزش ترین نعمت الهی برای مسلمان در دنیا و آخرت میداند و پیروی از این قانون الهی را سبب گسترش و تحقق و استقرار امنیت در تمام ابعاد زندگی عنوان کرده و در عدم پیروی عذاب و مجازات الله متعال را در دنیا و آخرت در پی دارد.

3-: امنیت یکی از عناصر اساسی و مهم تمدن اسلام و زنده گی مرفه مسلمانان بوده و برای تأمین امنیت انسان ها باید دستوراتی را که اسلام نشاندهی نموده است در معرض اجرا قرار داده.

4-: قرآن کریم مرجع و منبع امنیت را ایمان، توحید و عمل صالح و خیرخواهی میداند و برای در اجرا در آوردن آن در عمل روز مره خویش تأکید می کند.

5-: قرآن کریم به کمال رسانیدن انسانها و تأمین امنیت سرتاسری آنها از طریق برنامه های اعتقادی و احکام عبادی و ارزش های اخلاقی مانند تقوا عدالت منع فساد و تجاوز را در روشنی تعلیم و تربیه تعیین کرده و از ضروریات اولیه جامعه میداند.

6-: قرآن کریم برای تأمین امنیت معنوی مسلمانان احکام عبادی را مقرر داشته عمل بر آنها فرض قرار داده است و سرکشی از آنها سبب نا امنی در دنیا و عذاب در آخرت میداند.

7-: قرآن کریم تأمین امنیت را مسؤولیت تمام مسلمانان بر حسب قدرت و توانمندی آنان میداند که در قالب امریه معروف و نهی از منکر آنها مقرر داشته تا مسلمانان از کوچکترین عمل زشت مردم را نهی نموده به کارهای نیک مردم را دستور دهند که این عمل خود

فراهم کنند امنیت است و برای حفظ امنیت جهاد را فرض گردانیده است در صورت اجرای آن امنیت حفظ شده عظمت و هیبت مسلمانان را به نمایش می گذارد و دوری از جهاد و امر به معروف و نهی از منکر سبب غضب الله متعال شده شأن و شوکت و عزت مسلمانان از بین رفته هرج و مرج فساد و جرم جای آنرا گرفته سبب ترس و هراس کشور و مردم آن میگردد.

8-: اجرای احکام جزایی را وظیفه دولت دانسته که برای تأمین امنیت مردم اجرای آن را واجب ساخته است.

9-: قرآنکریم مردم را در کارهای نیک به پیروی از ولی امر دستور داده از اختلاف که سبب بروز تفرقه شود و امنیت مردم را به خطر اندازد منع کرده است.

10-: قرآنکریم برای تأمین امنیت جانی مالی دینی عقلی و آبرو احکام جزایی را مقرر داشته و اجرای آنرا برای کسانی که مرتکب جرم و جنایت شده و امنیت مردم را به خطر می اندازند فرض گردانیده است.

11-: قرآنکریم امنیت مردم را خیلی مهم شمرده و هر عمل کردی که سبب سلب امنیت مردم شود آنرا حرام قرار داده است و برای مرتکبین آن درد دنیا و آخرت مجازات شدید در نظر گرفته است.

12-: قرآنکریم صبر و قناعت را سبب تحقق امنیت میداند که این عامل دوری از حسد شده و از رقابت نا سالم که سبب هلاکت و بروز فتنه در جامعه می شود جلوگیری می نماید.

13-: قرآنکریم برای تأمین امنیت مالی کسب مال حلال را جواز داده و اخذ مال مردم را حرام قرار داده است.

14-: اسلام استفاده از مال حلال را سبب آسایش و آرامش روحی و روانی دانسته و آنرا مایه استقرار امنیت قلبی می داند، بناء، یکی از خوبی های اسلام عزیز این است که در بدل آنچه که حرام قرار داده است عوض خوبی را پیش نهاده کرده است تا سبب امنیت انسان شده و از حالت اضطراب و پریشانی بیرون شود.

15-: قرآنکریم بخل و اسراف را سبب از بین رفتن اقتصاد مردم میداند زیرا در عدم جلوگیری از آن مال و دارایی مردم در معرض فقر و تجاوز قرار می گیرد.

16-: یکی از مقاصد شریعت اسلام محافظت ارزش های پنج گانه است از جمله: حفظ دین، جان، مال، عقل، و آبرو. در صورت حفظ این امور امنیت کامل در جامعه مستقر می شود در عدم حفاظت شان جامعه امنیت خود را از دست می دهد. بناء برای حفظ جان

- قصاص و برای حفظ مال قطع دست و برای حفظ نسل حد زنا و برای حفظ عقل حد مسکرات را مقرر کرده است، زیرا این مقررات سبب تأمین آسایش و امنیت در جامعه می شود.
- 17-: قرآن کریم از دوج را عامل آرامش و سکون قلبی دانسته و آنرا فراهم کننده ای دوستی و محبت اعضای خانواده و تأمین کننده ای امنیت نسل انسان میداند.
- 18-: قرآن کریم احترام والدین را واجب دانسته و انرا سبب آرامش خانواده میداند.
- 19-: یکی از مهم ترین اسباب تحقق امنیت تعلیم و تربیه سالم و جلوگیری از انحراف فکری در جامعه است زیرا اکثر قتل و قتل مردم ناشی از انحراف فکری می باشد.
- 20-: قرآن کریم برای حل اقتصادی و تأمین امنیت مالی اسراف، تبذیر، احتکار، ربا، قطع راهها را حرام قرار داده و برای دادن زکات و انفاق برای مساکین و فقرا و کسب مال حلال و کشت زراعت و مالداري بشررا تشویق کرده تا امنیت مردم تأمین شود.
- 21-: قرآن کریم برای برقراری امنیت اجتماعی کمک و همکاری بدون منت گذاشتن را یک اصل دانسته و برای رفع مشکلات اجتماعی یکدیگر پاداش دنیایی و اخروی را در نظر گرفته است.
- 22-: قیام علمای بزرگوار بر اصلاح فکری جوانان و بیان انحراف فکری و پیامد آن و تعلیم آموزه های قرآن کریم و تربیه بروفق اخلاق نیکو و نرم خویی در برخورد با دیگران در سلوک روز مره خود و احترام به بزرگان و ترحم به خوردان و دوری از هرگونه اذیت و آزار توسط زبان و دست و دوری از کلمات ناپسند که سبب تنفر مردم می شود یکی از ارشادات قرآن کریم می باشد.

پیشنهادات

- رجوع به قرآن کریم و سنة نبوی و فقه اسلامی برای فهم درست امنیت و اهمیت آن در اسلام.
- 1- تلاش سیاسیون برای رفع نیازمندی مردم جامعه و دوری از اختلاف و تمسک به حبل الله.
 - 2- تعلیم و تربیه سالم وفق دستورات اسلامی به نیروهای امنیتی کشور و تزریق اخلاق نظام اسلامی در وجود افراد و اشخاص مرتبط به تأمین امنیت.
 - 3- اجرای احکام جزایی اسلام بدون کم کاست.
 - 4- اطاعت رعیت از حکام دولت بدون درنگ در کارهای خوب و نیک که سبب رفع نیازهای مردم می شود.
 - 5- فراهم سازی زمینه تعلیم و تربیه برای تمام افراد جامعه بدون در نظر داشت رنگ، پوست، قوم و سمت.
 - 6- کوشش در استخدام افراد و اشخاص تعلیم یافته و باتجربه و عادل و اسلام گرا و دلسوز به کشور و ملت و خاک و دین خود بدون از تعصب.
 - 7- توجه بیشتر در امور واجبات کفایی اسلام و زمینه سازی برای تحقق آن.
 - 8- دوری از هر نوع برتری جویی و تعصب و توهین و تحقیر و کم شمردن دیگران.
 - 9- الزامیت به وسطیت و اعتدال و دوری از افراط و تفریط و ادای امر به معروف و نهی از منکر.
 - 10- زمینه سازی برای کسب و درآمد حلال برای شهروندان کشور و زمینه سازی برای رفع مشکلات مریضی در سطوح مختلف و قرارداد آن به دسترسی عموم مردم زیرا این ها همه موارد مهم و ارزنده ای اند که برای تحقق و استقرار امنیت ساز گار است.

ومن الله توفی

فهرست آیات قرآن کریم

18	البقره	صُمُّ بَعْكُمْ عُمِّي فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ	1
23	البقره	وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ	2
25	البقره	وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	3
57	البقره	وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ	4
62	البقره	مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ	5
82	البقره	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	6
109	البقره	وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ	7
110	البقره	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ	8
125	البقره	وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ	9
125	البقره	وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا	10
126	البقره	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ	11
129	البقره	رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ	12
131	البقره	وَمَنْ يَرْغُبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ	13
143	البقره	وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ	14
164	البقره	إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ	15
168	البقره	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ	16
170	البقره	وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا الْفَرِيقَانَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا	17
171	البقره	صُمُّ بَعْكُمْ عُمِّي فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ	18
179	البقره	وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ	19
183	البقره	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ	20
185	البقره	فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ	21
187	البقره	تِلْكَ حُدُودُ اللهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا	22
190	البقره	وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ	23
191	البقره	وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ	24
193	البقره	وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ	25
195	البقره	وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	26
197	البقره	فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ	27
217	البقره	يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ	28
218	البقره	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ	29

219	البقره	يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ	30
229	البقره	تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ	31
247	البقره	إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ	32
251	البقره	وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ	33
257	البقره	اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ	34
271	البقره	إِن تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِن تُخْفَوْهَا وَتُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ	35
272	البقره	وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ	36
273	البقره	لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ	37
275	البقره	الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ	38
276	البقره	يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ	39
277	البقره	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ	40
278	البقره	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	41
279	البقره	فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ	42
282	البقره	وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ	43
283	البقره	فَإِن أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ	44
15	ال عمران	خَالِدِينَ فِيهَا وَأَرْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ	45
56	ال عمران	فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَعَذَابُهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ	46
83	ال عمران	أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ اسْتَلَمَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ	47
85	ال عمران	وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ	48
96	ال عمران	إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ	49
97	ال عمران	فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا	50
100	ال عمران	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ	51
102	ال عمران	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ	52
103	ال عمران	وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا	53
104	ال عمران	وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ	54
105	ال عمران	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّوْا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ	55
110	ال عمران	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ	56
122	ال عمران	وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي	57
130	ال عمران	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	58
146	ال عمران	وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبُّهُنَّ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	59
154	ال عمران	إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتُنَبِّئُوا الَّذِينَ آمَنُوا	60
156	ال عمران	لَوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ	61

62	فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ	العمران	159
63	إِنَّمَا دَلَّيْكُمْ الشَّيْطَانَ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	العمران	175
64	وَلَا تَكْتُمُوهُ فَتَبْدُوهُ وِرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ	العمران	187
65	الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	العمران	191
66	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ سوره النساء	النساء	1
67	وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا	النساء	5
68	وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ	النساء	14
69	وَعاشرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ	النساء	19
70	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا	النساء	33
71	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ	النساء	43
72	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ	النساء	59
73	فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا	النساء	65
74	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا	النساء	82
75	وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ نَسًا	النساء	83
76	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا	النساء	93
77	أَيَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	النساء	95
78	فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا	النساء	108
79	وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا	النساء	112
80	فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ	النساء	128
81	وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا	النساء	161
82	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ	النساء	171
83	الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت	النساء	176
84	وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالتَّعَدُّوا	المائدة	2
85	مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا	المائدة	32
86	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا	المائدة	33
87	وَالسَّارِقِ وَالسَّارِقَةِ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا تَكْلًا مِّنَ اللَّهِ	المائدة	38
88	وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ	المائدة	44
89	وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ	المائدة	45
90	وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ	المائدة	47
91	فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ	المائدة	48
92	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ	المائدة	51
93	وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ	المائدة	58

67	المايده	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ	94
69	المايده	مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	95
77	المايده	قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ	96
78	المايده	قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ	97
79	المايده	كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ	98
89	المايده	إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ	99
90	المايده	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِمَّنْ عَمِلَ الشَّيْطَانُ	100
91	المايده	إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ	101
102	المايده	قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ	102
43	الأنعام	وَرَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	103
48	الأنعام	وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ	104
64	الأنعام	قُلِ اللَّهُ يُجَاجِلُكُمْ مِنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ	105
81	الأنعام	فَأَيُّ الْقَرِيبِينَ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ	106
82	الأنعام	الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ	107
108	الأنعام	وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ	108
122	الأنعام	رُزِينَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	109
125	الأنعام	وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ	110
127	الأنعام	لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	111
162	الأنعام	قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	112
12	الأعراف	قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ	113
31	الأعراف	يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا	114
33	الأعراف	قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ	115
58	الأعراف	وَالْبَدَأَ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا	116
58	الأعراف	كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ	117
62	الأعراف	أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ	118
68	الأعراف	أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ	119
79	الأعراف	وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ	120
96	الأعراف	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ	121
97	الأعراف	أَقَامِنَ أَهْلَ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنَاتٍ وَهُمْ نَائِمُونَ	122
98	الأعراف	أَوْ آمِنَ أَهْلَ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ	123
99	الأعراف	أَقَامِنَا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ	124
101	الأعراف	تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ	125

126	يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ	الأعراف	157
127	لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا	الأعراف	179
128	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا	الأعراف	189
129	خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ	الأعراف	199
130	وَإِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ رَادْتُمْ إِيمَانًا	الأنفال	2
131	وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ	الأنفال	10
132	إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ	الأنفال	27
133	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ	الأنفال	39
134	وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ	الأنفال	46
135	وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ	الأنفال	60
136	وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	الأنفال	61
137	وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ	الأنفال	71
138	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ	الأنفال	73
139	وَإِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ	التوبة	6
140	وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.	التوبة	20
141	أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ	التوبة	26
142	الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ	التوبة	67
143	فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ	التوبة	70
144	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ	التوبة	71
145	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ	التوبة	73
146	وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	التوبة	79
147	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ	التوبة	103
148	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	التوبة	111
149	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ	التوبة	123
150	إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَّقُونَ	يونس	6
151	وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	يونس	25
152	أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	يونس	62
153	فَمَا أَمَّنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا دُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ	يونس	83
154	قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ	هود	48
155	فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبَشَرَىٰ جَادِلْنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ	هود	74
156	قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذَهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ	يوسف	13
157	وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ أَمِينٌ	يوسف	54

55	يوسف	قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمِ	158
64	يوسف	قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنُتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَبِيرٌ حَافِظٌ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ	159
99	يوسف	أَدْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ	160
3	الرعد	وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زُجْجًا نَّعِيمًا يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	161
23	الرعد	وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ	162
24	الرعد	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَدَقْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ	163
28	الرعد	الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ	164
29	الرعد	الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ	165
7	إبراهيم	لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ	166
21	إبراهيم	قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرًا أَمْ صَبْرًا مَا لَنَا مِنْ مَّجِيسٍ	167
34	إبراهيم	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا	168
35	إبراهيم	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ	169
46	الحجر	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ	170
47	الحجر	وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ	171
10	النحل	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ،	172
11	النحل	الرُّزُقَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	173
36	النحل	وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ	174
45	النحل	أَقَامِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ	175
67	النحل	وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا	176
69	النحل	شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	177
78	النحل	وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا	178
80	النحل	وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا نَحْلَ	179
112	النحل	وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ	180
114	النحل	وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ	181
125	النحل	ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ	182
16	الإسراء	وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا	183
23	الإسراء	وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا	184
24	الإسراء	وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا	185
27	الإسراء	وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا	186
31	الإسراء	وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِبَائِكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا	187
32	الإسراء	وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا	188
36	الإسراء	إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا	189

190	أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا	الإسراء	68
191	أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ	الإسراء	69
192	وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا	الإسراء	81
193	وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا	الإسراء	89
194	فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا	الكهف	94
195	قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا	الكهف	95
196	قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا	الكهف	96
197	فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا	الكهف	97
198	قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا	الكهف	98
199	وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا	مريم	54
200	كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا	مريم	55
201	فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَبِيبًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى	طه	44
202	كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا	طه	99
203	مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا	طه	100
204	وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى	طه	124
205	قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا	طه	125
206	قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى	طه	126
207	وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ انبيا	الأنبياء	76
208	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ	الأنبياء	107
209	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يْعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ	الحج	11
210	وَإِذْ بَرَأْنَا لِبَرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ	الحج	26
211	وَأُولَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ	الحج	40
212	الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ	الحج	41
213	وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ	الحج	78
214	الزَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ	النور	2
215	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً	النور	4
216	إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ	النور	5
217	لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ	النور	12
218	إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	النور	19
219	إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِيَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	النور	23
220	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا	النور	27
221	فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ	النور	28

222	أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ	النور	36
223	وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ	النور	55
224	فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ	النور	61
225	تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا	الفرقان	1
226	وَيَوْمَ يَعْصِي الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا	الفرقان	27
227	فرقان يَاوَيْلْنَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا	الفرقان	28
228	لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا	الفرقان	29
229	وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا	الفرقان	30
230	وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا	الفرقان	68
231	رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا	الفرقان	74
232	وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا	النمل	19
233	وَتَقْفِدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الِهُدَىٰ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ	النمل	20
234	لَأَعَذِّبَنَّكَ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنَّكَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ	النمل	21
235	فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ	النمل	22
236	إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ	النمل	23
237	قَالَ سَتَنْظُرُ أَصَدَقْتِ أَمْ كُنْتِ مِنَ الْكَاذِبِينَ	النمل	27
238	قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَإِي أَلْقِي إِلَيَّ كِتَابَ كَرِيمٍ	النمل	29
239	إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	النمل	30
240	أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ	النمل	31
241	قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَإِي أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُون	النمل	32
242	قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأَوْلُوا بِأَسِ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ	النمل	33
243	قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا آذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ	النمل	34
244	وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ	النمل	35
245	مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ قَرَعِ يَوْمِئِذٍ آمُونُونَ	النمل	89
246	أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُنْزَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ	العنكبوت	2
247	وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ	العنكبوت	3
248	وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	العنكبوت	35
249	الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ	العنكبوت	45
250	وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ	العنكبوت	46
251	أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مِأْمِنًا وَيَتَّخِطُّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ	العنكبوت	67
252	وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ	العنكبوت	69
253	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا	الروم	21

254	وَمَا آتَيْنُم مِّن رَّبِّا لَّيْرُبُو فِي أُمُوالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ	الروم	39
255	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ	الروم	41
256	إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ لَقْمَان	لقمان	13
257	يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ	لقمان	17
258	وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا	لقمان	21
259	هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا احزاب	الأحزاب	11
260	وَأذْكَرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا	الأحزاب	34
261	مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ	الأحزاب	40
262	تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا احزاب	الأحزاب	44
263	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ	الأحزاب	53
264	وَالَّذِينَ يُؤْذَنُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بغيرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا	الأحزاب	58
265	لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِئِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ	سبأ	15
266	وَبَدَّلْنَا هُمَ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَى أَكْلِ حَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ	سبأ	16
267	ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ	سبأ	17
268	بَارَكْنَا فِيهَا فَرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ	سبأ	18
269	وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ	سبأ	34
270	وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُفَرِّقُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا	سبأ	37
271	إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ	فاطر	28
272	قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ	ص	75
273	قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ	ص	76
274	قَالَ فَأخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ	ص	77
275	وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	ص	78
276	خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ	الزمر	5
277	قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ	الزمر	9
278	وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ	الزور	67
279	لِنُذِقَهُمْ عَذَابَ الْخُرْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابُ الْأَجْرَةِ آخَرَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ	فصلت	16
280	لِنُذِيقَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلِنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ	فصلت	27
281	ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ	فصلت	28
282	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا	فصلت	30
283	إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا	فصلت	40
284	سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَّبِعَنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ	فصلت	53
285	مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ	الزخرف	23
286	قَالَ أَوْلَوْ جُنَّتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ	الزخرف	24

287	يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ	الدخان	55
288	وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا	الجنائية	13
289	وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ	الأحقاف	26
290	فَإِذَا أَقْبَبْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُو	محمد	4
291	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ	محمد	7
292	اعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَعْفُوا لِدُنْيِكُمْ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ	محمد	19
293	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا	محمد	24
294	فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلُونَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَغْمَالِكُمْ	محمد	35
295	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ	الفتح	4
296	فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا	الفتح	18
297	إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ	الحجرات	9
298	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	الحجرات	10
299	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ	الحجرات	11
300	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ	الحجرات	12
301	فَقَاتِلُوا النَّبِيَّ تَبَعِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ	الحجرات	19
302	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ	الحجرات	45
303	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ	الحجرات	46
304	وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ	الحجر	47
305	لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَجَسٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ	الحجر	48
306	فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ	الحجر	94
307	إِنَّا كَفَيْتَكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ	الحجر	95
308	ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ	ق	34
309	كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ	الذاريات	52
310	وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ	النجم	3
311	إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ	النجم	4
312	الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ	الرحمن	4
313	لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ	الحديد	25
314	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ	المتحنه	1
315	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ	المتحنه	12
316	وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ	الطلاق	1
317	أَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ	الملك	16
318	أَمْ أَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ	الملك	17
319	وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذَبِيرًا	نوح	26

فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	راوى	حكم	الصفحة
1	لا يشكر الله من لا يشكر الناس	ابي داود	الباني صححه	د
2	أنا دعوة إبراهيم	السراج المنير	الباني صححه	24
3	إِيَّاكُمْ وَالْغُلُقُ فِي الدِّينِ	ابن ماجه	صححه الباني	57
4	فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ	المسلم	صحيح	63
5	ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ	البخاري	صحيح	77
6	من ذاق طعم الإيمان	المسلم	صحيح	78
7	من نفس عن مؤمن كربة من كرب الدنيا	المسلم	صحيح	79
8	مَنْ حَجَّ وَلَمْ يَزِفْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ	البخاري	صحيح	82
9	كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ	المسلم	صحيح	110
10	من أطاعني فقد أطاع الله ومن أطاع أميري فقد أطاعني	المسلم	صحيح	121
11	مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ	المسلم	صحيح	126
12	لا يدخل الجنة نمام	المسلم	صحيح	133
13	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ	ابن حبان	الباني صححه	151
14	أترون أنا نعيش حتى نبیت آمنين مطمئنين لا نخاف إلا الله	المستدرک علی الصحیحین للحاکم	وأقره الذهبي	164
15	وقذف المحصنات المؤمنات الغافلات	البخاري	صحيح	116
16	إن قامت على أهدكم القيامة، وفي يده فسيلة فليغرسها	مسند امام احمد	علي شرط مسلم	52
17	إياكم والحسد، فإن الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب	سنن ابي داود	حسن لغيره	132

فهرست اعلام

صفحه	اعلام
11	راغب الاصفهاني
12	أبو حيان الأندلسي
12	محمد رشيدرضا
12	الامام بقاعى
127	الإمام الشعبى
112	عبد الله بن عباس
132	أبو هريرة

مصادر و مصادر

1. القرآن الكريم.
2. ابن رجب، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم المؤلف: زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: السابعة، 1422هـ - 2001م عدد الأجزاء: 2
3. ابن منظور، لسان العرب المؤلف: محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفي الإفريقي (المتوفى: 711هـ) الناشر: دار صادر بيروت الطبعة: الثالثة 1414 هـ عدد الأجزاء: 15
4. الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي (المتوفى: 354هـ) ترتيب: الأمير علاء الدين علي بن بلبان الفارسي (المتوفى: 739 هـ) حققه وخرج أحاديثه وعلق عليه: شعيب الأرنؤوط الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت الطبعة: الأولى، 1408 هـ عدد الأجزاء: 18 (جزء 17 ومجلد فهارس)
5. أحكام القرآن أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: 370هـ) المحقق: محمد صادق القمحاوي - عضو لجنة مراجعة المصاحف بالأزهر الشريف الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت تاريخ الطبع: 1405 هـ
6. أحكام القرآن المؤلف: أبو محمد عبد المنعم بن عبد الرحيم المعروف «بإبن الفرس الأندلسي» (المتوفى: 597 هـ) تحقيق الجزء الأول: د/ طه بن علي بو سريح تحقيق الجزء الثاني: د/ منجية بنت الهادي النفري السوايحي تحقيق الجزء الثالث: صلاح الدين بو عفيف
7. الأساس في التفسير المؤلف: سعيد حوى (المتوفى 1409 هـ) الناشر: دار السلام - القاهرة الطبعة: السادسة، 1424 هـ عدد الأجزاء: 11
8. اعجاز علمي درقرآن والحديث. سايت عبدالدائم الكحيل www.kaheel7.com/fa
9. إعراب القرآن وبيانه المؤلف: محيي الدين بن أحمد مصطفى درويش (المتوفى: 1403هـ) الناشر دار الإرشاد للشئون الجامعية - حمص - سورية، (دار اليمامة - دمشق بيروت) (دار ابن كثير دمشق بيروت) الطبعة: الرابعة، 1415 هـ عدد المجلدات: 10
10. الأمانة في القرآن الكريم، دراسة موضوعية المؤلف: د. عصام العيد زهد، الطعة الأولى 1430.
11. الأمن الأخلاقي دراسة قرآنية موضوعية على محمد أحمد العجوري الطبع الأولى سال 1430هـ ق.
12. الأمن السياحي تأليف د: عبدالعاطي أحمد الصياد ود: علي بن فايز الجحني ود: دياب موسى البداينه ود: محمد فاروق عبدالحميد جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية الطبع الأولى 2004 م.
13. الأمن في ضوء القصص القرآني، دراسة قرآنية موضوعية المؤلف سامي محمد بشير الجذبة الطبعة الأولى: 1433
14. أوضح التفاسير المؤلف: محمد محمد عبد اللطيف بن الخطيب (المتوفى: 1402هـ) الناشر: المطبعة المصرية ومكبتها الطبعة: السادسة، رمضان 1383 هـ فبراير 1964 م عدد الأجزاء: 1
15. أيسر التفاسير المؤلف: أسعد حومد المكتبة الشاملة

16. أيسر التفاسير لجزائري، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية الطبعة: الخامسة، 1424 هـ عدد الأجزاء: 5.
17. البحر المحيط في التفسير أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745هـ) المحقق: صدقي محمد جميل الناشر: دار الفكر بيروت الطبعة: 1420 هـ
18. البحر المديد في تفسير القرآن المجيد المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن المهدي بن عجيبة الحسني الأنجري الفاسي الصوفي (المتوفى: 1224هـ) المحقق: أحمد عبد الله القرشي رسلان الناشر: الدكتور حسن عباس زكي القاهرة الطبعة: 1419 هـ.
19. بحر علوم، تفسير السمرقندي المؤلف: أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندي (المتوفى: 373هـ)
20. بيان المعاني (مرتب حسب ترتيب النزول) المؤلف: عبد القادر بن ملاً حويش السيد محمود آل غازي العاني (المتوفى: 1398هـ) الناشر: مطبعة الترقى - دمشق الطبعة: الأولى، 1382 هـ
21. تفسير ابن بدران، جواهر الأفكار ومعادن الأسرار المستخرجة من كلام العزيز الجبار المؤلف: عبد القادر بن أحمد بدران المحقق: زهير الشاويش الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت لبنان الطبعة: الأولى، 1420 هـ عدد الصفحات: 529.
22. تاج العروس من جواهر القاموس محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي (المتوفى: 1205هـ) المحقق: مجموعة من المحققين الناشر: دار الهداية.
23. التربية الأمنية في ضوء القرآن الكريم، دراسة موضوعية لكل من د. عبد السلام حمدان اللوح و د. محمود هاشم عنبر.
24. التعليق على تفسير القرطبي مؤلف الأصل: أبو عبد الله محمد بن أحمد، شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ) الشارح: عبد الكريم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضير دروس مفرغة من موقع الشيخ الخضير، جزء 12
25. تفسير ابن كثير = تفسير القرآن العظيم المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ) المحقق: محمد حسين شمس الدين الناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون بيروت الطبعة: الأولى 1419 هـ
26. تفسير ابن منذر، كتاب تفسير القرآن، المؤلف: أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري (المتوفى: 319هـ) قدم له الأستاذ الدكتور: عبد الله بن عبد المحسن التركي حققه وعلق عليه الدكتور: سعد بن محمد السعد دار النشر: دار المآثر المدينة النبوية الطبعة: الأولى 1423
27. تفسير أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم المؤلف: أبو السعود العمادي محمد بن محمد بن مصطفى (المتوفى: 982هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربي بيروت
28. التفسير البسيط أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدي، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: 468هـ) المحقق: أصل تحقيقه في (15) رسالة دكتوراة بجامعة الإمام محمد بن سعود، ثم قامت لجنة علمية من الجامعة

- بسبكه وتنسيقه الناشر: عمادة البحث العلمي - جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية. الطبعة: الأولى، 1430 هـ
عدد الأجزاء: 25 (24 وجزء للفهارس)
29. التفسير البياني لما في سورة النحل من دقائق المعاني المؤلف: سامي وديع عبد الفتاح شحادة القدومي الناشر:
دار الوضاح، الأردن - عمان عدد الأجزاء: 1
30. تفسير التستري المؤلف: أبو محمد سهل بن عبد الله بن يونس بن رفيع التستري (المتوفى: 283هـ) جمعها:
أبو بكر محمد البلدي المحقق: محمد باسل عيون السود الناشر: منشورات محمد علي بيضون / دار الكتب العلمية
- بيروت الطبعة: الأولى - 1423 هـ
31. تفسير الثعالبي، الجواهر الحسان في تفسير القرآن المؤلف: أبو زيد عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف الثعالبي
(المتوفى: 875هـ) المحقق: الشيخ محمد علي معوض والشيخ عادل أحمد عبد الموجود الناشر: دار إحياء التراث
العربي بيروت الطبعة: الأولى - 1418 هـ
32. تفسير الثعلبي الكشف والبيان عن تفسير القرآن المؤلف: أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، أبو إسحاق
(المتوفى: 427هـ) تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور مراجعة وتدقيق: الأستاذ نظير الساعدي الناشر: دار إحياء
التراث العربي، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى 1422، هـ - 2002 م عدد الأجزاء: 10
33. التفسير الحديث. المؤلف: دروزة محمد عزت الناشر: دار إحياء الكتب العربية، القاهرة الطبعة: 1383 هـ
34. تفسير الخازن، لباب التأويل في معاني التنزيل، المؤلف: علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر
الشيحي أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفى: 741هـ) تصحيح: محمد علي شاهين الناشر: دار الكتب العلمية
- بيروت الطبعة: الأولى، 1415 هـ
35. تفسير الرازي = مفاتيح الغيب = التفسير الكبير المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين
التميمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (المتوفى: 606هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربي -
بيروت الطبعة: الثالثة - 1420 هـ
36. تفسير السمعاني، تفسير القرآن المؤلف: أبو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزي
السمعاني التميمي الحنفي ثم الشافعي (المتوفى: 489هـ) المحقق: ياسر بن إبراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم الناشر:
دار الوطن، الرياض - السعودية الطبعة: الأولى، 1418هـ- 1997م
37. تفسير الشعراوي، الخواطر المؤلف: محمد متولي الشعراوي (المتوفى: 1418هـ) الناشر: مطابع أخبار اليوم
عدد الأجزاء: 20
38. تفسير الشيخ أحمد حطبية المؤلف: أحمد حطبية مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة
الإسلامية
39. تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب
الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ) تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي بالتعاون مع مركز
البحوث والدراسات الإسلامية بدار هجر الدكتور عبد السند حسن يمامة الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع
والإعلان الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م عدد الأجزاء: 26 مجلد 24 مجلد ومجلدان فهارس

40. تفسير العزيز عبدالسلام= تفسير القرآن (وهو اختصار لتفسير الماوردي) أبو محمد عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم بن الحسن السلمي الدمشقي، الملقب بسلطان العلماء (المتوفى: 660هـ) المحقق: الدكتور عبد الله بن إبراهيم الوهبي الناشر: دار ابن حزم - بيروت الطبعة: الأولى، 1416هـ/ 1996م عدد الأجزاء: 3
41. تفسير القاسمي= محاسن التأويل المؤلف: محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق القاسمي (المتوفى: 1332هـ) المحقق: محمد باسل عيون السود الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى - 1418 هـ
42. تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار) المؤلف: محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة القلموني الحسيني (المتوفى: 1354هـ) الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب سنة النشر: 1990 م عدد الأجزاء: 12
43. تفسير القرآن العظيم أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ) المحقق: سامي بن محمد سلامة الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999 م عدد الأجزاء: 8
44. تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327هـ) المحقق: أسعد محمد الطيب الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة - 1419 هـ
45. تفسير القرآن الكريم المؤلف: محمد أحمد إسماعيل المقدم مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>
46. تفسير القرآن الكريم المؤلف: محمد المنتصر بالله بن محمد الزمزمي الكتاني الإدريسي الحسني (المتوفى: 1419هـ) مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>
47. تفسير القرآن الكريم لابن القيم المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ) المحقق: مكتب الدراسات والبحوث العربية والإسلامية بإشراف الشيخ إبراهيم رمضان الناشر: دار ومكتبة الهلال - بيروت الطبعة: الأولى - 1410 هـ
48. التفسير القرآني للقرآن، المؤلف: عبد الكريم يونس الخطيب (المتوفى: بعد 1390هـ) الناشر: دار الفكر العربي، القاهرة.
49. تفسير القرطبي= الجامع لأحكام القرآن المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ) تحقيق: أحمد اليردوني وإبراهيم أطفيش الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م عدد الأجزاء: 20 جزءا (في 10 مجلدات)
50. تفسير الماتريدي (تأويلات أهل السنة) المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أبو منصور الماتريدي (المتوفى: 333هـ) المحقق: د. مجدي باسلوم الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان الطبعة: الأولى، 1426 هـ - 2005 م عدد الأجزاء: 10 ج 9 ص 202.
51. تفسير الماوردي = النكت والعيون المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ) المحقق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان عدد الأجزاء: 6.

52. التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج المؤلف: د وهبة بن مصطفى الزحيلي الناشر: دار الفكر المعاصر، دمشق الطبعة: الثانية، 1418 هـ عدد الأجزاء : 30.
53. التفسير الموضوعي المؤلف: مناهج جامعة المدينة العالمية الناشر: جامعة المدينة العالمية عدد الأجزاء: 1،
54. تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفي (المتوفى: 710هـ) حققه وخرج أحاديثه: يوسف علي بديوي راجعه وقدم له: محيي الدين ديب مستو الناشر: دار الكلم الطيب، بيروت الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 معد الأجزاء: 3
55. تفسير النيسابوري =غرائب القرآن ورغائب الفرقان المؤلف: نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري (المتوفى: 850هـ) المحقق: الشيخ زكريا عميرات الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى - 1416 هـ
56. التفسير الواضح المؤلف: الحجازي، محمد محمود الناشر: دار الجيل الجديد - بيروت الطبعة: العاشرة - 1413 هـ
57. التفسير الوسيط للزحيلي المؤلف : د وهبة بن مصطفى الزحيلي الناشر: دار الفكر - دمشق الطبعة : الأولى - 1422 هـ عدد الأجزاء : 3 مجلدات في ترقيم مسلسل واحد.
58. التفسير الوسيط للقرآن الكريم المؤلف: مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر الناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية الطبعة: الأولى، (1393 هـ = 1973 م) - (1414 هـ = 1993 م) عدد المجلدات: 10 مجلدات
59. التفسير الوسيط للقرآن الكريم المؤلف: محمد سيد طنطاوي الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة - القاهرة الطبعة: الأولى تاريخ النشر: أجزاء 1 - 3: يناير 1997 جزء 4: يوليو 1997 جزء 5: يونيو 1997 أجزاء 6 - 7: يناير 1998 أجزاء 8 - 14: فبراير 1998 جزء 15: مارس 1998
60. تفسير حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن الشيخ العلامة محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي الهرري الشافعي إشراف ومراجعة: الدكتور هاشم محمد علي بن حسين مهدي الناشر: دار طوق النجاة، بيروت، لبنان الطبعة: الأولى، 1421 هـ عدد الأجزاء: 33 (32 ومجلد للمقدمة)
61. تفسير راستين تأليف: علامه شيخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي ترجمه: محمد گل گمشاد زهي
62. تفسير سورة الحجرات المؤلف: عطية بن محمد سالم (المتوفى : 1420هـ) مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>
63. تفسير طبري = جامع البيان في تأويل القرآن المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ) المحقق: أحمد محمد شاكر الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م عدد الأجزاء: 24
64. تفسير عبد الرزاق المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني (المتوفى: 211هـ) الناشر: دار الكتب العلمية دراسة وتحقيق: د. محمود محمد عبده الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت. الطبعة: الأولى، سنة 1419 هـ عدد الأجزاء: 3.

65. تفسير غريب القرآن كاملة بنت محمد بن جاسم بن علي آل جهام الكواري الناشر: دار بن حزم الطبعة: الأولى، 2008 عدد الأجزاء:1.
66. تفسير في الظلال القرآنكريم ترجمه فارسي مكتبة الشاملة فارسي
67. تفسير مجاهد المؤلف: أبو الحجاج مجاهد بن جبر التابعي المكي القرشي المخزومي (المتوفى: 104هـ)، المحقق: الدكتور محمد عبد السلام أبو النيل الناشر: دار الفكر الإسلامي الحديثة، مصر الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1989 م عدد الأجزاء: 1
68. تفسير نور خرم دل، مصطفى، 1393، تهران: احسان، چاپ دهم.
69. تفسيرالبحر المحيط ، محمد بن يوسف الشهيربأبي حيان الأندلسي، دار النشر: درالكتب العلمية لبنان/بيروت الطبعة الأولى1422ه ق تحقيق الشيخ عادل أحمد عبدالموجود.
70. تفسيرالشعراوي، الخواطر المؤلف: محمد متولي الشعراوي (المتوفى: 1418ه) الناشر: مطابع أخبار اليوم عدد الأجزاء: 20
71. تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: 1376هـ) المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى 1420،
72. التيسير في أحاديث التفسير المؤلف: محمد المكي الناصري (المتوفى: 1414هـ) الناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت لبنان الطبعة: الأولى، 1405 هـ - 1985 م عدد الأجزاء: 6 أعده للمكتبة الشاملة/ أبو ياسر الجزائري،
73. جواهر الأفكار ومعادن الأسرار المستخرجة من كلام العزيز الجبار المؤلف: عبد القادر بن أحمد بدران، ت 371.
74. دَرْجُ الدُّرِّ في تَفْسِيرِ الأَيِّ والسُّورِ المؤلف: أبو بكر عبد القاهر بن عبد الرحمن بن محمد الفارسي الأصل، الجرجاني الدار (المتوفى: 471هـ) دراسة وتحقيق: (الفاحة والبقرة) وليد بن أحمد بن صالح الحُسَيْن، (وشاركه في بقية الأجزاء): إياد عبد اللطيف القيسي الناشر: مجلة الحكمة، بريطانيا الطبعة: الأولى، 1429 هـ عدد الأجزاء: 4
75. زاد المسير في علم التفسير جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (المتوفى: 597هـ) المحقق: عبد الرزاق المهدي الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت الطبعة: الأولى - 1422 هـ
76. زهرة التفاسير محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة (المتوفى: 1394هـ) دار النشر: دار الفكر العربي عدد الأجزاء:10.
77. السراج المنير في ترتيب أحاديث صحيح الجامع الصغير المؤلف: الحافظ جلال الدين السيوطي - العلامة محمد ناصر الدين الألباني رتبه وعلق عليه: عصام موسى هادي الناشر: دار الصديق - توزيع مؤسسة الريان الطبعة: الثالثة، 1430 هـ عدد الأجزاء: 1
78. سلسلة التفسير لمصطفى العدوي المؤلف: أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net>
79. سلسلة محاسن التأويل المؤلف: أبو هاشم صالح بن عواد بن صالح المغامسي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>

80. سنن ابن ماجه تحقيق الأرنؤوط المؤلف: ابن ماجه - وماجة اسم أبيه يزيد - أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمّد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله الناشر: دار الرسالة العالمية الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م عدد الأجزاء: 5
81. سنن أبي داود المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) المحقق: شعيب الأرنؤوط محمّد كامل قره بللي الناشر: دار الرسالة العالمية الطبعة: الأولى، 1430 هـ 2009 م عدد الأجزاء: 7
82. سورة القصص دراسة تحليلية المؤلف: الدكتور محمد مطني،
83. سيد قطب. فى ظلال القرآن. مترجم: مصطفى خرم دل، سال چاپ 1387 هجرى، ناشر: نشر احسان تهران.
84. شرح تفسير ابن كثير المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>
85. شرح تفسير ابن كثير المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>.
86. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية المؤلف: أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي (المتوفى: 393هـ) تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار الناشر: دار العلم للملايين بيروت الطبعة: الرابعة 1407 هـ عدد الأجزاء: 6
87. صحيح البخاري = الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، 1422 هـ عدد الأجزاء: 9
88. صحيح المسلم = المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلى الله عليه وسلم) المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربي بيروت عدد الأجزاء: 5
89. صحيح مسلم بشرح النووي: محي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف ت676هـ، ط: 1؛ الأزهر: المطبعة المصرية، 1347هـ/1929م.
90. عبد العزيز عبد الستار، الأمر والنهي عن المنكر، بيروت، المكتب الإسلامي 1400هـ،
91. عمدة القاري شرح صحيح البخاري المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفى بدر الدين العيني (المتوفى: 855هـ) الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت عدد الأجزاء: 25
92. غرائب القرآن و رغائب الفرقان نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري (المتوفى: 850هـ) المحقق: الشيخ زكريا عميرات الناشر: دار الكتب العلمية بيروت الطبعة: الأولى - 1416 هـ
93. فتح البيان في مقاصد القرآن لمؤلف: أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي (المتوفى: 1307هـ) عني بطبعه وقدم له وراجعته: خادم العلم عبد الله بن إبراهيم الأنصاري الناشر: المكتبة العصرية للطباعة والنشر، صيدا - بيروت عام النشر: 1412 هـ - 1992 م عدد الأجزاء: 15
94. فتح الرحمان فى تفسير القرآن

95. فتح القدير محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ) الناشر: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب - دمشق، بيروت الطبعة: الأولى - 1414 هـ
96. الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية، المؤلف: نعمة الله بن محمود النخجواني، ويعرف بالشيخ علوان (المتوفى: 920هـ) الناشر: دار ركابي للنشر - الغورية، مصر الطبعة: الأولى، 1419 هـ
97. فى ظلال القرآن مؤلف سيد قطب پسر حاجي قطب، پسر ابراهيم درقریه قها اسبوط مصر تولد شده ودرسال 1966 وفات کرده است..
98. القاموس المحيط مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (المتوفى: 817هـ) تحقيق: مكتب تحقيق التراث في مؤسسة الرسالة بإشراف: محمد نعيم العرقسوسي الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت لبنان الطبعة: الثامنة، 1426 هـ
99. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: 538هـ) الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت الطبعة: الثالثة - 1407 هـ عدد الأجزاء: 4
100. الكشف والبيان عن تفسير القرآن أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، أبو إسحاق (المتوفى: 427هـ) تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور مراجعة وتدقيق: الأستاذ نظير الساعدي الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى 1422، هـ عدد الأجزاء: 10.
101. لباب التأويل في معاني التنزيل، المؤلف: علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشحي أبو الحسن، المعروف بالخازن (المتوفى: 741هـ) تصحيح: محمد علي شاهين الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، 1415 هـ 1/79.
102. اللباب في علوم الكتاب المؤلف: أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن عادل الحنبلي الدمشقي النعماني (المتوفى: 775هـ) المحقق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان الطبعة: الأولى، 1419هـ -1998م عدد الأجزاء: 20.
103. لتفسير المظهري المؤلف: المظهري، محمد ثناء الله المحقق: غلام نبي التونسي الناشر: مكتبة الرشدية - الباكستان الطبعة: 1412 هـ
104. لسان العرب محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الروبغى الإفريقي (المتوفى: 711هـ) الناشر: دار صادر بيروت الطبعة: الثالثة - 1414 هـ عدد الأجزاء: 15.
105. لطائف الإشارات = تفسير القشيري المؤلف: عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك القشيري (المتوفى: 465هـ) المحقق: إبراهيم البسيوني الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب مصر الطبعة: الثالثة
106. الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية المؤلف: نعمة الله بن محمود النخجواني، ويعرف بالشيخ علوان (المتوفى: 920هـ) الناشر: دار ركابي للنشر - الغورية، مصر الطبعة: الأولى، 1419 هـ
107. متطلبات المحافظة على نعمة الأمن والاستقرار في بلادنا سليمان بن عبد الرحمن الحقييل الناشر: الطبعة: الأولى، 1418هـ - 1997م عدد الأجزاء: 1

108. مجاز القرآن المؤلف: أبو عبيدة معمر بن المثنى التيمي البصري (المتوفى: 209هـ) المحقق: محمد فواد سزكين الناشر: مكتبة الخانجي - القاهرة الطبعة: 1381 هـ،
109. مجمل اللغة لابن فارس الإمام أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا بن محمد بن حبيب (اللغوي) المتوفى (395 هـ) دراسة وتحقيق: زهير عبد المحسن سلطان دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة الثانية - 1406 هـ - 1986 م عدد الأجزاء: 2
110. محاسن التأويل محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق القاسمي (المتوفى: 1332هـ)
111. المحقق: محمد باسل عيون السود الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى - 1418
112. مختصر تفسير ابن كثير المؤلف: (اختصار وتحقيق) محمد علي الصابوني الناشر: دار القرآن الكريم، بيروت - لبنان الطبعة: السابعة، 1402 هـ - 1981 م عدد الأجزاء: 3
113. مُخْتَصَرُ صَحِيحِ الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ) الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م عدد الأجزاء: 4.
114. مختصر صحيح مسلم للإمام أبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري المؤلف: عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري (المتوفى: 656 هـ) المحقق: محمد ناصر الدين الألباني الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت - لبنان الطبعة: السادسة، 1407 هـ - 1987 م عدد الأجزاء: 2
115. المختصر في تفسير القرآن الكريم تصنيف: جماعة من علماء التفسير إشراف: مركز تفسير للدراسات القرآنية الطبعة: الثالثة، 1436 هـ عدد الأجزاء: 1
116. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير أحمد بن محمد بن علي الفيومي ثم الحموي، أبو العباس (المتوفى: نحو 770هـ) الناشر: المكتبة العلمية بيروت عدد الأجزاء: 2.
117. معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي المؤلف: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي (المتوفى: 510هـ) المحقق: حقه وخارج أحاديثه محمد عبد الله النمر عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع الطبعة: الرابعة، 1417 هـ - 1997 م عدد الأجزاء: 8
118. معاني القرآن للفراء المؤلف: أبو زكريا يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الديلمي الفراء (المتوفى: 207هـ) المحقق: أحمد يوسف النجاتي / محمد علي النجار / عبد الفتاح إسماعيل الشلبي الناشر: دار المصرية للتأليف والترجمة - مصر الطبعة: الأولى.
119. معجم الفروق اللغوية المؤلف: أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهراة العسكري (المتوفى: نحو 395هـ) المحقق: الشيخ بيت الله بيات، ومؤسسة النشر الإسلامي الناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين الطبعة: الأولى، 1412 هـ عدد الأجزاء،
120. معجم اللغة العربية المعاصرة المؤلف: دأحمد مختار عبد الحميد عمر (المتوفى: 1424هـ) بمساعدة فريق عمل الناشر: عالم الكتب الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م عدد الأجزاء: 4
121. المعجم الوسيط مجمع اللغة العربية بالقاهرة (إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر محمد النجار) الناشر: دار الدعوة.

122. معجم مقاييس اللغة أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين (المتوفى: 395هـ) المحقق: عبد السلام محمد هارون الناشر: دار الفكر عام النشر: 1399هـ - 1979م. عدد الأجزاء: 6
123. منتخب من صحاح الجوهري المؤلف: أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي (المتوفى: 393)
124. الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت عدد الأجزاء: 45 جزءاً الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ)
125. الموسوعة القرآنية المؤلف: إبراهيم بن إسماعيل الأبياري (المتوفى: 1414هـ) الناشر: مؤسسة سجل العرب الطبعة: 1405 هـ
126. نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم المؤلف: عدد من المختصين بإشراف الشيخ/ صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي الناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة الطبعة: الرابعة عدد الأجزاء: 12.
127. النظرات الماتعة في سورة الفاتحة المؤلف: مرزوق بن هياس آل مرزوق الزهراني، الأستاذ المشارك بكلية الحديث الشريف والدراسات الإسلامية بالجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة الناشر: (المؤلف) الطبعة: الثانية، 1425 هـ عدد الأجزاء: 1
128. نظم الدرر في تناسب الآيات والسور إبراهيم بن عمر بن حسن الرباط بن علي بن أبي بكر البقاعي (المتوفى 885هـ) الناشر دارالكتاب الإسلامي، القاهرة عدد الأجزاء: 22.
129. الوجيز في تفسير الكتاب العزيز = للواحدى المؤلف: أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدى، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: 468هـ) تحقيق: صفوان عدنان داوودي دار النشر: دار القلم الدار الشامية دمشق، بيروت الطبعة: الأولى، 1415 هـ عدد الأجزاء: 1
130. الوسيط في تفسير القرآن المجيد المؤلف: أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدى، النيسابوري، الشافعي (المتوفى: 468هـ) تحقيق وتعليق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الشيخ علي محمد معوض، الدكتور أحمد محمد صيرة، الدكتور أحمد عبد الغني الجمل، الدكتور عبد الرحمن عويس قدمه وقرظه: الأستاذ الدكتور عبد الحي الفرماوي الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1994 م عدد الأجزاء: 4

Summary of the discussion

One of the greatest divine blessings for mankind is material and spiritual security, because all good things come from the security, and talents bloom in a peaceful atmosphere and this gives rise to the development of security in the community, and the other is that the purpose of the human creation is to worship Allah and build the earth, and building of the earth is become possible in existence of security. The comfort and mental serenity can be achieved through establishment of the security, and the source of security is faith and solidarity, and good act of retribution, and this is visible in secure atmosphere, and they are both interconnected.

Security is one of the most fundamental and most important functions of a state, which is felt to be effective in all dimensions of human life, and is inextricably linked with the essence of the human society. Qur'an calls maintenance of security in a society as the main duties of the state. Therefore, security in Islam is important. It has always been considered effective in the design of the Islamic political system, which the Qur'an as important source has mentioned it. It is considered by the Qur'an as one of the goals of the establishment of the Divine rules dominance and good people governance based on execution of the divine orders. Because without the rule of God, governance of the righteous people there is no guarantee of the safety.

According to Quran security in this regard has various levels that cover material, spiritual, personal, family, social, and physical affairs. Therefore, the Qur'an considers security important for rule of law and the execution of Islamic and divine ordinances, and it is necessary to ensure these instructions in order to ensure security. The Qur'anic authorities consider worshipping of Allah the important ways ensuring security in the implementation of the provisions of the law. If it is carried out, it will give the persons sense of comfort and peace of mind that will lead to the

happiness of the world and the hereafter. For elimination of fear from the others Qur'an has prescribed punishments for the restoration of the security of the people. if it is implemented, this would allow all areas of human life to be completely safe and in austerity and will live in serenity. The best way and the last way to prevent the insecurity is of the implementation of the criminal punishment of Islam to protect the material and spiritual jihad, otherwise Muslims, lose their material and spiritual values, as today's Afghan people suffered disunity and have lost numerous values of Material and technical s. Avoiding the forbidden things in Islam will ensure the security of the people. In general, a person has been created socially and dependent on one another, and throughout history, in his overwhelming goals were to live internal calm and economic comfort and safety against many threats, achievement of development, and his complete elaboration was to provide Various tools to achieve this goal. It has been designed various disciplinary frameworks and the establishment of community laws and regulations can lead to the creation of a government for the administration of society, and is among the most important tools and means that have been introduced to meet human security needs. The these initiatives and creations ultimately lead to the creation and expansion of an umbrella of support that, in the shadow of that individual and society, survives and, in the absence of it, they reach a situation which is called lawlessness and imbalance in social conditions. The society has no security and is in danger of losing their lives. They are bitterly alive. In the existence security of all, good things are happening and the good things come to people. The journey of scientific, economic, political, military, religious, and educational development which are the great achievements of security, which includes the prosperity of the world and the hereafter are possible in maintenance of full security.



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Salam University

Faculty of Sharia

Department of Islamic Education

Master Board



Security in the Light of Glorious Quran (Master's thesis)

Researcher: Ali Shir Mobarez

Guide Teacher: Mohammad Naim Jalili

Year: 2019



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Salam University
Faculty of Sharia
Department of Islamic Education
Master Board



Security in the Light of Glorious Quran

(Master's thesis)

Researcher: Ali Shir Mobarez
Guide Teacher: Mohammad Naim Jalili

Year: 2019